



بررسی خلاقیت دانش آموزان با نگرشهای فرزند پروری والدین در مدارس مقطع  
راهنمایی پسرانه و دخترانه استعدادهای درخشان شهر ارومیه

عباس رمضانی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد  
در رشته مدیریت آموزشی



آنکه پژوهش را استمرار نمی بخشد از درک دانش بی نصیب است (حضرت علی (ع)).

## تقدیم به :

معلمان عزیزی که نه تنها با آموختن علم ، بلکه با آموزش روش درست و آزاد اندیشیدن و پای بندی به اصول اخلاق حرفه ای ، همواره انسانها را از آسیب کج فهمی ، تعصب و گمراهی دور نگه داشته و راه زندگی درست و آزادگی را می آموزند . من همواره خود را به چنین معلمان ارزشمندی مدیون دانسته و با استفاده از این فرصت به ساحت آنان ادای احترام می کنم .

## و تقدیم به :

همسر و فرزندان عزیزم سعید و مهدی که مایه امید و سرمایه زندگیم هستند .

## تقدیر و تشکر:

حمد و سپاس بی کران شایسته الطاف و اسعه خدائی است که توفیق سلامتی ، تحصیل علم و تحقیق در رشته مورد علاقه ام را به من عطا فرمود .

ابتدا لازم می دانم از کلیه اساتید محترم به ویژه جناب آقای پروفیسور میرمحمد سیدعباس زاده که در طول دوره آموزش و تحقیق ، مرا از دانش ، تجربه و راهنماییهای ارزنده خویش بهره مند ساخته اند و همچنین از جناب آقای دکتر حسین پور ( رئیس گروه علوم تربیتی ) که در مراحل انتخاب موضوع و اجرای پروژه مرا یاری نموده و به همراه جناب آقای دکتر عیسی زادگان زحمت اصلاح و داوری پایان نامه را عهده دار شدند صمیمانه قدردانی و تشکر می نمایم . همچنین از زحمات جناب آقای دکتر بیات که به نمایندگی از طرف مرکز آموزشهای نیمه حضوری ( تحصیلات تکمیلی ) متحمل زحمت شده اند سپاسگزاری می نمایم .

در عین حال بر من فرض است زحمات و همکاریهای جناب آقای شیخی که در جهت استخراج ، جمعبندی و تحلیل نتایج آماری پرسشنامه ها و جناب آقای مجرد همکار مرکز آموزشهای غیر حضوری که با هماهنگی امورات دوره و در اختیار گذاشتن منابع و همچنین مدیران و معاونین محترم مدارس راهنمایی پسرانه و دخترانه استعدادهای درخشان ارومیه را ارج نهاده و قدردان باشم .

عباس رضانی

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

فصل اول : طرح تحقیق

.....	مقدمه
.....	بیان مسئله تحقیق
.....	اهمیت و ضرورت تحقیق
.....	اهداف تحقیق
.....	نمونه و جامعه آماری تحقیق
.....	روشهای آماری تحقیق
.....	فرضیه های تحقیق
.....	تعاریف اصطلاحات و متغیرها

فصل دوم : مبانی نظری و ادبیات تحقیق

.....	مقدمه
.....	معنا و مفهوم خلاقیت
.....	تعریف خلاقیت
.....	نظریه های خلاقیت
.....	تفاوت خلاقیت با نوآوری
.....	ارتباط خلاقیت با هوش
.....	خلاقیت و عملکرد نیمکره های مغز
.....	ویژگیهای شخصیتی و خصوصیات افراد خلاق
.....	تخیل بستر خلاقیت
.....	خلاقیت در موج سوم
.....	خلاقیت به عنوان فرآیند
.....	خلاقیت استعدادی برای تمام عمر
.....	نقش ویژه مدارس در پرورش خلاقیت
.....	تاثیر متقابل معلمان – شاگردان و خلاقیت
.....	راههای آموزش و پرورش خلاقیت
.....	خلاقیت و مقاوت سازمانهای آموزشی
.....	عوامل بازدارنده خلاقیت ( کشنده های خلاقیت )
.....	تاثیر فرهنگ و محیط بر خلاقیت
.....	سبکهای فرزند پروری و خلاقیت
.....	سلطه جویی والدین مانع بروز خلاقیت فرزندان
.....	تنوع فرهنگی در رابطه با فرزند پروری
.....	تحقیقات داخلی

..... تحقیقات خارجی

### فصل سوم : روش تحقیق و جمع آوری اطلاعات

..... مقدمه

..... روش تحقیق ( روش اجرای تحقیق )

..... روشهای جمع آوری اطلاعات و داده های تحقیق

..... جامعه آماری تحقیق

..... برآورد حجم نمونه تحقیق

..... متغیرهای تحقیق

..... ابزارهای اندازه گیری تحقیق ( مشخصات پرسشنامه ها )

..... روایی ابزارهای اندازه گیری تحقیق

..... پایایی ابزارهای اندازه گیری تحقیق

..... روشهای آماری تجزیه و تحلیل داده های تحقیق

### فصل چهارم : یافته های تحقیق و تجزیه و تحلیل داده ها

..... مقدمه

..... یافته های توصیفی تحقیق

..... یافته های استنباطی تحقیق

### فصل پنجم : بحث و نتیجه گیری

..... مقدمه

..... نتیجه گیری تحقیق

..... یافته های تحقیق

..... پیشنهادات تحقیق

..... محدودیت ها ، مشکلات و موانع تحقیق

..... فهرست منابع فارسی

..... فهرست منابع انگلیسی

### ضمائم

1- پرسشنامه آزمون مداد کاغذی چند جوابی سنجش خلاقیت

2- پرسشنامه ارزشیابی نگرش والدین

3- پرسشنامه ارزشیابی میزان خلاقیت دانش آموزان توسط معلمان

### فهرست جداول

- جدول 1-4 : توزیع فراوانی ، فراوانی نسبی پایه تحصیلی فرزندان .....
- جدول 2-4 : توزیع فراوانی ، فراوانی نسبی جنسیت فرزندان .....
- جدول 3-4 : توزیع فراوانی و فراوانی نسبی وضعیت رفاهی خانواده پاسخگویان .....
- جدول 4-4 : توزیع فراوانی و فراوانی نسبی وضعیت منزل مسکونی خانواده پاسخگویان ...
- جدول 5-4 : توزیع فراوانی و فراوانی نسبی نمونه آماری براساس توزیع تحصیلی پدر دانش آموزان
- جدول 6-4 : توزیع فراوانی و فراوانی نسبی نمونه آماری بر اساس توزیع تحصیلی مادران دانش آموزان ...
- جدول 7-4 : توزیع فراوانی و فراوانی نسبی نمونه آماری بر اساس شغل پدران .....
- جدول 8-4 : توزیع فراوانی و فراوانی نسبی نمونه آماری بر اساس شغل مادران .....
- جدول 9-4 : توزیع فراوانی و فراوانی نسبی میزان نگرش رفتار والدین نسبت به فرزندان .....
- جدول 10-4 : توزیع فراوانی نسبی میزان خلاقیت کلی تورنس دانش آموزان .....
- جدول 11-4 : رابطه خلاقیت با میزان نگرش .....
- جدول 12-4 : مقایسه میانگین میزان خلاقیت بین دختران و پسران .....
- جدول 13-4 : مقایسه میزان خلاقیت بین پایه های تحصیلی .....
- جدول 14-4 : مقایسه وضعیت رفاهی خانواده ها و خلاقیت دانش آموزان .....
- جدول 15-4 : مقایسه میزان خلاقیت با میزان نگرش والدین .....
- جدول 16-4 : مقایسه میزان همبستگی انواع نگرش والدین با خلاقیت فرزندان .....

فهرست نمودارها

- نمودار 4-1 : توزیع فراوانی ، فراوانی نسبی پایه تحصیلی فرزندان .....
- نمودار 4-2 : توزیع فراوانی , فراوانی نسبی جنسیت فرزندان .....
- نمودار 4-3 : توزیع فراوانی و فراوانی نسبی وضعیت رفاهی خانواده پاسخگویان .....
- نمودار 4-4 : توزیع فراوانی و فراوانی نسبی وضعیت منزل مسکونی خانواده پاسخگویان ...
- نمودار 4-5 : توزیع فراوانی و فراوانی نسبی نمونه آماری براساس توزیع تحصیلی پدر دانش آموزان
- نمودار 4-6 : توزیع فراوانی و فراوانی نسبی نمونه آماری بر اساس توزیع تحصیلی مادران دانش آموزان ...
- نمودار 4-7 : توزیع فراوانی و فراوانی نسبی نمونه آماری بر اساس شغل پدران .....
- نمودار 4-8 : توزیع فراوانی و فراوانی نسبی نمونه آماری بر اساس شغل مادران .....
- نمودار 4-9 : توزیع فراوانی و فراوانی نسبی میزان نگرش رفتار والدین نسبت به فرزندان .....
- نمودار 4-10 : توزیع فراوانی نسبی میزان خلاقیت کلی تورنس دانش آموزان .....



## چکیده

بررسی خلاقیت دانش آموزان با نگرشهای فرزند پروری والدین در مدارس مقطع راهنمایی پسرانه و دخترانه

استعدادهای درخشان شهر ارومیه

هدف اساسی از انتخاب موضوع و انجام تحقیق در زمینه خلاقیت دانش آموزان و نگرشهای فرزند پروری والدین ، دستیابی به نتایجی است که احتمالا حاکی از ارتباط برخی از عوامل بین آنهاست . فرضیه اصلی تحقیق عبارت است از " بین نگرشهای فرزند پروری والدین و رشد خلاقیت دانش آموزان رابطه وجود دارد ". در فرضیه های فرعی ، بررسی رابطه خلاقیت با جنسیت ، پایه های تحصیلی ، متغیرهای دموگرافیک و... مد نظر بوده است . برای انجام پژوهش از روش توصیفی ( پیمایشی ) استفاده شده است. نوع نگرش فرزند پروری والدین به عنوان متغیر مستقل و میزان خلاقیت دانش آموزان به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده است . به منظور آزمون فرضیه های تحقیق ، اطلاعات مورد نیاز از طریق اجرای دو پرسشنامه به شرح زیر جمع آوری شده است.

1- آزمون زمینه یابی مداد کاغذی چند جوابی سنجش خلاقیت

2- پرسشنامه زمینه یابی ارزشیابی نگرش والدین

اجرای هر دو پرسشنامه به روش سرشماری انجام گرفته است . جامعه و نمونه آماری را 209 نفر پسر و 218 دختر ( جمعا 427 نفر ) و والدین آنها تشکیل داده است. تجزیه و تحلیل نتایج و داده ها با استفاده از روشهای آماری توصیفی و استنباطی مثل فراوانی ، میانگین ، ضریب همبستگی پیرسون ، انحراف معیار ، آزمون t ، تحلیل واریانس و... به وسیله بسته نرم افزار آماری SPSS13 صورت گرفته است . نتایج تحقیق حاکی است 11/6٪ دانش آموزان خلاقیت بسیار زیاد ، 42/2٪ خلاقیت زیاد ، 28/7٪ خلاقیت کم و 17/5٪ خلاقیت بسیار کم از خود نشان دادند که 53/8٪ بالاتر از حد متوسط و 46/2٪ نیز پائین تر از حد متوسط می باشد . اکثریت والدین ( 92/5٪ ) نیز نگرش حد متوسطی به رشد خلاقیت فرزندان دارند. از نظر شیوه های فرزند پروری و میزان خلاقیت دانش آموزان رابطه آماری معنی داری بدست نیامده است (  $r = 0.20$  ) . یعنی والدین دیدگاههای تربیتی روشن و جهت داری که بتواند رشد قوه ابتکار و نوآوری کودکان را پشتیبانی و حمایت کند نداشته و در تربیت فرزندان گرایشات شدیدا محافظه کارانه ای دارند که احتمالا می تواند دلیلی بر تقدم و اهمیت موفقیت تحصیلی بر رشد خلاقیت باشد . ارتباط برخی از عوامل تشکیل دهنده خلاقیت با نگرشهای والدین ، جنسیت دانش آموزان ، تحصیلات و شغل والدین ، وضعیت رفاهی خانواده ها و... که مربوط به فرضیه های فرعی تحقیق می باشد قابل توجه است . توزیع فراوانی میزان خلاقیت دانش آموزان نیز به ترتیب برای بسیار کم ، کم ، زیاد و بسیار زیاد 17/5٪ ، 28/7٪ ، 42/2٪ و 16/6٪ می باشد. تفاوت معنی داری از نظر میزان خلاقیت در بین پایه های مختلف تحصیلی مشاهده نگردید. در مقام مقایسه ، میزان خلاقیت کلی و عوامل چهارگانه خلاقیت (بسط ، سیالی، ابتکار و انعطاف پذیری ) در دختران بیشتر از پسران است . در مورد متغیرهای دموگرافیک ، نتایج حاکی است : 1- خلاقیت سیالی فرزندان خانواده های مرفه کمتر است. 2- اکثریت پدران (61/5٪) و مادران (47/9٪) دانش آموزان دارای تحصیلات عالی لیسانس و بالاتر هستند. شغل اغلب مادران را خانه داری (46٪) و معلمی (25/3٪) و شغل اغلب پدران را کارمندی (38/3٪) و آزاد (27٪) تشکیل می دهد . بنابراین نتایج آزمون ، فرضیه اصلی و فرضیه فرعی 2 تحقیق را تأیید نمی کند اما فرضیه های فرعی 1 و 3 و 4 مورد تأیید هستند .

واژه های کلیدی : خلاقیت ( سیالی ، ابتکار ، انعطاف پذیری ، بسط ) ، سبکهای فرزند پروری ( سلطه گری ،

وابستگی شدید ، سهل انگاری ) نگرش ، استعدادهای درخشان

# فصل اول : طرح تحقیق

- مقدمه
- بیان مسئله تحقیق
- اهمیت و ضرورت تحقیق
- اهداف تحقیق
- نمونه و جامعه آماری تحقیق
- روشهای آماری تحقیق
- فرضیه های تحقیق
- تعاریف اصطلاحات ، متغیرها و کلید واژه ها

## مقدمه

ادوارد دوبونو<sup>۱</sup> (1992) در کتاب خلاقیت کارآمد می گوید "هیچ چیز سودمندتر و باشکوهتر از این نیست که ایده ی جدید و ثمربخشی اهداف شما را برآورده سازد" (قاسمی، 1376، ص 20). خلق فکر، ایده و مفاهیم نو همواره اساس اختراعات، اکتشافات و پیدایش راههای مناسب برای حل مسائل و مشکلات در زندگی انسان به شمار می آیند. جوامع پیشرفته و متمدن گذشته و حال پیوسته به ارزش و اهمیت این جنبه از تواناییهای ذهنی و فکری انسان توجه نموده و در صدد تقویت آن برآمده و از این طریق به توسعه، رفاه، ترقی و خوشبختی نائل آمده اند. چراکه بقول ارسطو "ابتکار یگانه عامل موثر در پیشرفت انسان به شمار می آید" (موید نیا، 1384، ص 165). به این ترتیب ضعیف بودن فرآیند بروز خلاقیت ها در جوامع عقب مانده نیز موجب بدبختی، فقر و فلاکت خواهد بود. در دنیای پیچیده کنونی که شاهد رقابتهای بسیار فشرده جوامع مختلف برای دستیابی به جدیدترین تکنولوژیها و منابع قدرت هستیم، افراد تیزهوش، خلاق و صاحبان اندیشه های نو و مبتکرانه، همانند گرانبهاترین سرمایه ها، از جایگاه بسیار والا و ارزشمندی برخوردار هستند بطوریکه بقول توین بی<sup>۲</sup> شانس بدست آوردن خلاقیت بالقوه، می تواند موضوع زندگی و مرگ هرجامعه ای باشد (کفایت، 1373، ص 3). بی مبالغه می توان گفت که وجه مشخص و بارز جهان امروز، همانا تغییر و تحول است که هیچ زمینه ای بدون تاثیر آن باقی نیست چرا که بقول هراکلیتوس در حیات چیزی پایدار نیست مگر دگرگونی. براین اساس امرسون ثبات احمقانه را زائیده مغزهای کوچک می شمارد (مویدنیا، 1384، ص 164). صرف تغییر ارزش تلقی شده و عاملان تغییر نوآوران ارزشمند محسوب می شوند که دگرگونی ها را با امید به بهبودی هرچه بیشتر و بیشتر سبب می شوند از این رو هرگونه اختراع، اکتشاف، ابداع و ابتکار خود اشکال تحول بوده و موجب تغییرند (غنی زاده، به نقل از سیدعباس زاده، 1387، ص 1).

بدیهی است خلاقیت صرفا مشتمل بر تفکر و عملکرد ذهنی افراد خاص و عرصه های ویژه زندگی نیست بلکه تقریبا تمامی افراد اعم از دانش آموز، دانشجو، کارمند، کشاورز، خانه دار و... در مدرسه، محیط کار و مزرعه حتی با دارا بودن حد متوسط بهره هوشی می توانند دارای عملکرد خلاقانه در زمینه های مختلف زندگی باشند. تحقیقات اخیر تورنس<sup>۳</sup> (1973) و پارنز (1963) و دیگران نشان داده است که خلاقیت در تمام فعالیتهای فردی و گروهی مشاهده شده و با شدت و ضعف بالقوه قابل پرورش، در همه انسانها وجود دارد (همتی، 1387، ص 12). تورنس و تورنس (به نقل از اونیل، عابدی و اسپیل برگر<sup>۴</sup>، 1994) اشاره می کنند که طی 15 سال تجربه مطالعاتی و آموزش تفکرات خلاق، شواهدی را یافته اند که نشان می دهند خلاقیت را می توان آموزش داد براین اساس است که طی سالهای اخیر پژوهش و ساخت آزمونهای خلاقیت رونق پیدا کرده است (دائمی و مقیمی، 1383).

---

1 - Edward De Bono

2 - Toyenbee

3 - Torrance

4 - O' Neil " Abedi & Spial Berger

نوآوری و خلاقیت بعنوان ویژگی شگرف انسانی نه تنها در دوران کودکی و جوانی، بلکه در تمامی طول عمر قابل ظهور است. در واقع توانایی شخص برای خلاق و نوآور بودن ممکن است در مراحل بصورت کمون باقی بماند اما می توان آنرا دوباره احیاء کرد (ساعتچی، 1371، ص 124). پس همه ما ذاتاً واجد توانایی تفکر و عملکرد خلاقانه هستیم لکن به واسطه شرائط محیطی به جای آنکه راههای بروز آنرا یاد بگیریم چگونگی سرکوب آنرا فرا می گیریم یعنی می آموزیم که چگونه خلاق نباشیم (همتی، 1378، ص 1) چنین برخوردی با خلاقیت نیاز مسلم جوامع، خانواده ها، محیطهای آموزشی و کاری سنتی است. در محیطهای سنتی رویارویی با مسائل، مشکلات و پدیده ها، واکنشهای قالبی و راههای تجربه و تأیید شده را می طلبد (آقای فیشانی، 1377، ص 158). برعکس برخی جوامع توسعه یافته فضای بسیار مساعدی برای بروز و رشد خلاقیت دارند مثلاً امروزه در ایالات متحده آمریکا، خلاقیت در زمینه های علمی و تکنولوژی، بالاترین پاداشها را دریافت می دارد (کلمن<sup>1</sup>، 1960) بنابراین بی جهت نیست که حدود یک سوم اختراعات مهم جهان بنام آمریکا ثبت شده است.

هرچند فرض است که خلاقیت به عنوان توانایی ذهنی ابداع و نوآوری از ابتدای زندگی بشر وجود داشته و همواره نیز ارزشمند بوده است لکن توجه به آن در طول تاریخ، بیشتر به عنوان نتیجه طبیعی عملکرد ذهنی افراد با هوش و مستعد تلقی گردیده و تا یک قرن پیش مطالعه اختصاصی در مورد آن صورت نگرفته بود. اما خوشبختانه امروزه دانشمندان، متخصصان، کتابها، مجلات، تست ها و... زیادی وجود دارند که اختصاصاً به بحث خلاقیت می پردازند. با وجود این، توجه علمی به بحث خلاقیت عمر چندانی ندارد در واقع تاریخچه مطالعات علمی در مورد خلاقیت و عناصر تشکیل دهنده آن به بیش از یک قرن نمی رسد. موضوع خلاقیت ابتداء مورد توجه دانشمندان علوم اجتماعی و روانشناسی قرار گرفته و برای اولین بار دانشمندی بنام گیلفورد<sup>2</sup> در سال 1950 میلادی تحقیقات علمی خود را در مورد ماهیت، عناصر تشکیل دهنده و کارکرد تفکر خلاق شروع نموده است (طالب زاده، 1375، ص 1 و 2). با فرض اینکه والدین و مربیان از مهم ترین عوامل حمایت کننده بروز خلاقیت کودکان هستند ضروری خواهد بود که برنامه آگاه سازی خانواده ها، معلمان و مسئولان آموزشی کشور در این خصوص با اهمیت تلقی گردیده و شناخت شیوه های تقویت بروز خلاقیت کودکان و نوجوانان مد نظر قرار گیرد. پژوهش حاضر هدف شناخت ماهیت خلاقیت، تاثیر رفتار متقابل والدین و مربیان با دانش آموزان و ارائه پیشنهادها لازم به آنان را در نظر دارد.

### بیان مسئله تحقیق

ویلیام جیمز<sup>3</sup> (1911) میگوید "نیروی ابتکار مخترعان بزرگ و کوچک است که بشریت را تکان داده،

دیگران

فقط تقلید می کنند ابتکار یگانه عامل موثر در پیشرفت انسان است نوابغ راه را نشان میدهند و طرحهایی تنظیم میکنند که عامه مردم می پذیرند و از آنها پیروی میکنند" (میناکاری، 1368، ص 71). به نظر پستالوژی برترین

1 - Coleman

2 - Guilford

3 - Wiliam James

مقصد تربیت آماده کردن انسان برای استفاده از تواناییهای خدادادی است (مویدنیا، 1384، ص 163). به عقیده سی تی مورگان و همکارانش، خلاقیت و نوآوری و توانایی حل مسئله در بالاترین سطح فعالیتهای شناختی انسان قرار دارند و ایجاد توان خلاقیت و حل مسئله در یادگیرندگان از ارزشمندترین غایت‌های پرورشی و فرهنگی می باشد زیرا تنها از راه ایجاد این توانایی‌هاست که می توان افراد را برای مقابله با شرایط سخت و متغیر زندگی و موقعیتهای جدید که مرتباً با آن روبرو می شوند، آماده کرد. با درک چنین حقیقتی است که کوفی عنان دبیرکل وقت سازمان ملل متحد می گوید "هیچ چیز باشکوهتر از فراهم آوردن شرایط بهبود زندگی انسانها نیست این مهم میسر نیست مگر با ابتکار. یا بقول اوپنهایم تنها راه سازگاری موثر در زندگی، استفاده حداکثر از نیروی آفرینندگی است (مویدنیا، ص 33). بی تردید می توان گفت فرهنگ و تمدن بشری بیش از هر چیز دیگر مدیون فکر و اندیشه انسان به ویژه جنبه خلاقانه آن است. به عبارتی شاید بتوان گفت بدون خلاقیت، اصولاً یا فرهنگ و تمدنی وجود نداشت ویا اینکه ارزشمندی و سودمندی آن هرگز به این گستردگی و جذابیت نبود، بنابراین امکانات، رفاه و قدرت انسان نیز بسیار محدود می شد. در واقع بسیاری از دست آوردهای جالب توجه زندگی انسان در هر زمان اعم از مادی و معنوی مثل خلق آثار تاریخی، اختراع ماشین، ارائه نظریات علمی، آفرینش آثار ادبی و هنری و... چیزی جز نتیجه فرآیند تفکر خلاقانه نمی باشد. بسیار جالب خواهد بود در صورتیکه ما یک نوع زندگی برای انسان تصور نمائیم که در آن خبری از خلاقیت و نوآوری نباشد طبیعی است در آن صورت دنیای ما بسیار سرد، ساده، ساکت، بدون شور و شاید کم و بیش شبیه دنیای سایر موجودات زنده (مثل دنیای حیوانات) می بود، حتی اگر همین مقدار هوش، توانایی و استعداد انسانی نیز وجود می داشت. بنا براین به قول شکسپیر "ابتکار انسان را برتر از حیوانات قرار می دهد" (مویدنیا، 1384، ص 163). به عبارت دیگر می توان گفت اگر زندگی انسان بدون خلاقیت و نوآوری بود بی شک کشتی هستی در دریای متلاطم مسایل، مشکلات، نیازها، محدودیتها و... توان شناوری نمی یافت. بنابراین، افتخار داشتن قدرت خلاقیت و نتایج فوق العاده شکوهمند و هیجان انگیز آن به عنوان موهبت الهی اختصاص به نوع بشر داشته و تقریباً سایر موجودات از آن محروم هستند.

بطور کلی پرداختن به موضوع خلاقیت از آن جهت مهم به نظر میرسد که واقعاً سهم بزرگی از جریان پیشرفت های علمی - صنعتی در دنیا، دست آوردهای تمدن بشری، آسایش و شکوه زندگی انسان محصول تفکر خلاقانه محسوب می شود، زیرا بدون ابداع و نوآوری عرصه زندگی برای همه به اندازه کافی سرد و بی تحرک بوده و حیات بشر نیز خیلی بیش از این ساده و همراه با رنج و زحمت همراه می شد. فلذا توجه به چنین امر خطیری، دقیقاً به معنی توجه به سرنوشت زندگی اجتماعی بشر و آینده جوامع است. امروزه اندیشمندان بزرگی چون الوین تافلر (1980) از نتیجه محرومیت اجتماعی خلاقیت که می تواند ناشی از ناکارآمدی نهاد آموزش و پرورش باشد یاد کرده و تصریح می کند این وظیفه مهم و خطیر نهاد آموزش و پرورش است که بتواند تعادلی مطلوب بین ثبات و تغییرات مطلوب در جامعه ایجاد نماید و گرنه دچار "شوک آینده" خواهیم شد (الوین تافلر، 1373، ص 500). طبیعی است جوامع توسعه نیافته و در حال توسعه، نه تنها سهم قابل توجهی از جریان تولید فکر و آثار عینی خلاقیت بشری ندارند بلکه بیشتر مصرف کننده محصول خلاقیت دیگران هستند البته این ادعا به معنی نفی مطلق وجود خلاقیت در چنین جوامعی نیست بلکه مراد آن است که برآیند کلی موضوع در مجموع دست

آورد قابل توجه و جالبی درمقام مقایسه ندارد. بنابراین اتخاذ سیاست ها و تنظیم برنامه های آموزشی مبتنی بر رشد خلاقیت فکری و عملی یادگیرندگان باید از اهم الویت های نظام آموزشی کشورهای مذکور مثل کشور ما باشد.

برخی کودکان به خاطر راهنمایی و تشویق والدین و معلم هایشان ، قدرت خلاقه خود را بسط و تکامل می بخشند و برخی دیگر در حالیکه همان قدرت خلاقه را دارند از این تکامل محروم می مانند (رواندوست ، 1364، ص 45). علمای تعلیم و تربیت به یقین دریافته اند که اثرات منفی آموزش تحمیلی بسته و یکنواخت در مدارس در حدی است که استعدادها و قدرتها را از بین می برد . نقش مدرسه به هیچ وجه این نیست که نوارهای ضبط صوت تولید کند ، بلکه بزرگترین وظیفه آن پرورش و توسعه قدرت تفکر ، خلاقیت و مهارتهای یادگیری در انسان است (خمارلو، 1370، ص 7). بنابراین مهارتهای تفکر خلاق باید به عنوان مهم ترین مهارتهای سازگاری و قابلیت انطباق شناخته شود . چنین مهارتهائی باید برای مواد درسی مدارس ، خانواده ها ، صنعت و سایر موسسات ، اساسی و ضروری تلقی گردد (تورنس ، 1979 ، ص 24). کلیات رؤس برنامه های آموزشی و مفاد درسی در نظام آموزشی کشورمان تقریباً به صورتی تنظیم شده است که عمدتاً از قبل همه پاسخ ها و روش های حل مسائل مشخص بوده و نقش معلم و دانش آموز نیز براساس الگوهای معین تدریس و آموزش تعیین شده است بنابراین فرصت بروز خلاقیت برای دانش آموزان و معلمین یا وجود ندارد و یا اعتنای کافی به آن نمی شود . حتی ممکن است در برخی شرائط ، بروز پاسخ ها و عملکردهای خلاقانه دانش آموزان توسط معلمین ، والدین و اولیاء مدارس سرکوب نیز بشود. درنظام آموزشی ما که نهایتاً دانش آموزان با نمره عددی مورد ارزیابی قرار گرفته ، آزمون و امتحان اساس ارزیابی پیشرفت تحصیلی محسوب می شود رشد خلاقیت چندان جدی گرفته نمی شود در حالیکه اصولاً می بایست آموزش براساس رشد خلاقیت جایگزین آن باشد .

تجارب که ما در سالهای اولیه در اختیار کودکان خود قرار می دهیم در رشد آتی آنان تأثیرات بسیار حیاتی دارد . هر قدر این تجارب غنی تر باشند کودکان فرصت های بیشتری برای رشد و آمادگی برای درک آن چیزهایی پیدا می کنند که در زمان حال و آینده به آن نیاز دارند ( دافی ، برنات ، 1380، ص 35) بسیاری از مربیان تعلیم و تربیت خود به خود از طیف گسترده کاربردهای مفید الگوهای تفکر واگرا<sup>1</sup> و خلاقیت را ایجاد کنند آگاهی ندارند همانطوریکه گوردون عقیده دارد خلاقیت را می توان با یک سری تمرین های گروهی افزایش داد . نوآوری معمولاً با ترس و نگرانی دنبال می شود در واقع والدین می خواهند کودکانشان همان راه آموزشی را بروند که خودشان طی کرده اند بنابراین اغلب مردم در خصوص نوآوری آموزشی محتاط هستند. مردم هر قدر هم از مدارس قدیمی انتقاد نمایند. در عین حال به علت آشنائی آنها انتخاب می نمایند . نوآوریها در مدارس کلاً به عنوان پائین آمدن استانداردها تعبیر می شود (جوینس ، ویل و کالهن ، 1384، ص 239 و 241) . فرض است کودکان ذاتاً خلاق به دنیا می آیند و شرط ظهور استعدادهای خلاقانه نیز وجود شرایط مناسب محیطی در خانه ، مدرسه و... است کودکان تخیلات ، ایده ها و افکار خود را با به کار گرفتن روشهای گوناگون و خاص خود تعیین می کنند آنها نقاشی می کنند ، داستان می نویسند ، نقش بازی می کنند ، کاردستی درست می کنند ، خمیربازی می کنند ، چیستان درست می کنند ، موسیقی می نوازند ، مسئله می سازند و... برای همه این کارها ، کودکان نیاز به ایده ها و اطلاعات خاص دارند تا با ترکیب کردن آنها بتوانند قوه ابتکار و نوآوریهایشان را نمایش دهند . کتاب ، بازیها ، اسباب بازیها ، تجارب غنی محیطی و بسته های آموزشی و... ابزارهای مورد نیاز، برای ظهور خلاقیت کودکان است .

کاربرد تفکر خلاق به حوزه هایی چون علوم و هنر محدود نیست. تفکر خلاق در هر عرصه ای در زندگی مفید است (برونو، 1370 ص 82) عموم مردم تصور می کنند که خلاقیت عمدتاً در بستر هنرها متجلی می شود در حالیکه در تمام زمینه ها، این امر محقق می شود مثلاً در زمینه مهندسی که نتیجه آن اختراع نامیده می شود. خلاقیت چه در علم، ادبیات، موسیقی، نقاشی و یا هر زمینه دیگر در زندگی باشد همواره چون رازی جالب باقی مانده است با وجود این واقعیت، توجه روانشناسان هر روز به این موضوع افزایش می یابد (فینک، وارد و اسمیت، 1992). بنابراین زمینه بروز خلاقیت می تواند شامل همه مفاد درسی، تمام عرصه های زندگی، کلیه رشته های تحصیلی و حتی سنین مختلف نیز بشود هرچند اثرات آن در مورد دانش آموزان، دانشجویان و سنین پائین با اهمیت تر است. یعنی از روش حل یک مسئله خشک ریاضی گرفته تا نگارش انشاء، ترسیم نقاشی، آزمایش فیزیک و شیمی و... عرصه های بروز خلاقیت هستند. به شرطی که نحوه تعامل معلم، والدین و اولیاء مدرسه نیز سازنده، مولد و خلاقانه باشد. دلیل ما بر این ادعا نه تنها شرح و حال زندگی و تجارب عملی مشاهیر و مخترعان بزرگ، بلکه شیوه برخورد های نقض کننده عوامل موثر در آموزش و پرورش خلاقیت کودکان است. این تحقیق در صدد دستیابی به این هدف است که نگرشها و شیوه های فرزند پروری والدین، تا چه اندازه در بروز، رشد و شکوفائی خلاقیت دانش آموزان تاثیر دارد؟ به عبارت دیگر می خواهیم روشن سازیم که روشهای تربیتی و نظام ارزشهای اجتماعی منجر به ایجاد محیط مناسب رشد خلاقیت و یا مانع بروز آن کدامند؟ تا براساس یافته ها و نتایج تحقیق توصیه های لازم آموزشی و تربیتی را به والدین، مسئولین آموزشی و مربیان ارائه شود. فرض اساسی ما این است که خلاقیت دانش آموزان ارتباط زیادی با رشد و توسعه جوامع، موفقیت تحصیلی، موفقیت شغلی و ارتقاء سطح رفاه انسانها دارد. از طرف دیگر فرض است که میزان بهره هوشی و زمینه های بروز خلاقیت در میان دانش آموزان و افراد جامعه ما از حد متوسط جهانی کمتر نیست. لکن نحوه برخورد و نگرش والدین و مربیان و حتی مسئولین کشوری با این جنبه از توانائی ذهنی دانش آموزان جامعه بطوریکه در جریان تربیت و آموزش، نتایج به بروز و تقویت تفکر و عمل خلاقانه منجر گردد زیر سوال است. نیل به این هدف مهم جزء با تغییر نگرشها و روشها که در محتوی برنامه ها و شیوه های تربیتی - آموزشی محیط های غیررسمی (خانواده، اجتماع) و محیط های رسمی (آموزشگاهها، مدارس، دانشگاهها و...) میسر نیست. چنین هدفی که به عنوان یک مساله مورد توجه پژوهش حاضر قرار گرفته در درجه اول نیاز به بررسی نگرشها، برخورد های والدین و برداشتهای ذهنی معلمان از خلاقیت دانش آموزان دارد.

### اهمیت و ضرورت تحقیق

هیلارد (2004) حرف جالبی در مورد خلاقیت دارد او می گوید "خلاقیت هرچه باشد خیلی مهم و لازم است چون باعث تمامی پیشرفتهای بشری است" (همتی، 1378، ص 9). جهانی که در آن زندگی می کنیم به سرعت در حال تغییر است بطوریکه سرعت تغییرات هرگز به این تندی نبوده است. ما نمی دانیم فرزندان ما در بزرگسالی با چه مسائلی روبرو خواهند شد ولی این را می دانیم برای اینکه بتوانند با مسائل روبرو شوند باید خلاق و اهل تخیل باشند (دافی، 1380، ص 21) پیوسته باید به یاد داشته باشیم که رمز ماندگاری، پیشرفت و توسعه جوامع، سازمانها و حتی افراد در گرو نحوه سازگاری موثرشان با محیط و الزامات آن است. بدون درک این نوع سازگاری ضروری، در واقع جریان حیات جامعه، سازمان و فرد به سوی رکود، عقب ماندگی و مرگ به پیش خواهد رفت.

آلبرت اینشتین<sup>۱</sup> سخن ارزشمندی در این باره دارد او می گوید " خلاقیت مهم تر از دانش است " . بنابراین نوآوری و خلاقیت در مورد جوامع ، سازمانها و افراد نقش حیاتی داشته و برنامه ریزی برای پرورش آن از مهم ترین مسائل در قلمرو روانشناسی آموزشی و روشهای تربیت خانوادگی است . بدیهی است بیش از هر چیز بسترهای محیطی مهم بروز خلاقیت همانا در خانه و مدرسه نهفته است . مثلا معلمان اندیشمند و خلاق هستند که می توانند نهاد آموزش و پرورش را قدرتمند و قوی سازند (یارمحمدزاده، ۱۳۸۵، ص ۴). یا اینکه محیط خانوادگی افراد خلاق چیزی سواى محیط خانوادگی افراد غیر خلاق است. مثلا شیفر<sup>۲</sup> (۱۹۷۰) طی پژوهشی دریافت خانواده افراد خلاق سخت گیری کمتری داشته اند ( کفایت ، ۱۳۷۳، ص ۵ ) .

اصل بیست و پنجم کلیات نظام آموزش و پرورش مصوب شورای تغییر بنیادی آموزش و پرورش کشورمان (۱۳۶۷) تصریح دارد " در تدوین و اجرای برنامه های آموزشی و پرورشی باید از شیوه هایی استفاده شود که توان تفکر ، تحلیل ، ابتکار ، خلاقیت ، نقد و تحقیق را تقویت کند و زمینه خودآموزی آنان را فراهم نماید " . براساس چنین ضرورتی است که اداره کل خاصی در ارتباط با رشد خلاقیت دانش آموزان در سیستم وزارت آموزش و پرورش پیش بینی شده است. بنابراین توجه به خلاقیت و نوآوری در سازمانهای آموزشی جزو رسالتهای اصلی بوده و اهمیت مضاعفی دارد.

طرح این موضوعات برای جامعه در حال توسعه ما از آن جهت مهم است که بدون توجه به آن هرگز به رشد ، توسعه و رفاه واقعی دست نخواهیم یافت . در این رابطه سخنان ارزشمند توشیودوکو (۱۹۶۰) رئیس فدراسیون ملی صنایع ژاپن بسیار راهگشاست " ... ما نه هیچ منبع طبیعی داریم و نه هیچ قدرت نظامی ، ما فقط یک منبع در اختیار داریم ، ظرفیت " ابداع مغزهایمان " این همان منبع پایان ناپذیر است ، باید آنرا بسط داد ، تربیت کرد ، تمرین داد و مجهز ساخت این قدرت دماغی خواه ناخواه در آینده نزدیک به صورت گرانباترین ثروت مشترک بشریت در خواهد آمد ( کفایت ، ۱۳۷۳، ص ۴۲). بدیهی است صرف تقلید از علوم و نتایج یافته های دیگران ، واردات تکنولوژی ، تجهیزات و حتی تئوریهای علمی ( بصورت ترجمه و...) کمتر به تولید فکر و ابداع منجر می گردد. فلذا با داشتن آهنگ ضعیف توسعه ناشی از تقلید و سفارش علم و تکنولوژی همواره فرسنگ ها از قافله شتابان پیشرفت بشری عقب خواهیم افتاد . متأسفانه تاکنون نیز کم و بیش به چنین سرنوشتی دچار بوده ایم . کل کشورهای جهان سوم و حتی جوامع در حال توسعه و ما نیز بسیاری از مفاخر علمی ، فلسفی ، ادبی و... خود را بی جهت واجد افتخاراتمان تلقی می کنیم آنها در واقع مقلد ، مترجم و یا حداکثر شارحان نظریات دیگران بوده اند. اغلب کسانی که به عنوان فیلسوف، دانشمند و... شرقی و ایرانی شناخته می شوند در واقع خالق نظریه و پدیده جدیدی نبوده اند بلکه نتیجه کار و خلاقیت دیگران را توضیح داده ، ترجمه کرده و یا به عاریت گرفته اند . براین اساس است که کل کشورهای عقب مانده جهان سهم بسیار اندکی از تولید دانش بشری و اختراعات دارند تا حدی که از مجموع یکصد اختراع مهم در دنیا حتی یک مورد آن به این قبیل کشورها تعلق ندارد .

ما بیش از آنکه برای تلاش ، سخت گویی ، ابداع ، تفکر، تعمق و مسئولیت اهمیت بدهیم به شانس ، راحت طلبی ، کپی برداری ، تقلید ، میانبر رفتن ، توجیه و... علاقمند هستیم . بنابراین نظام آموزشی ، اجتماعی ، اداری و حتی خانوادگی ما نیاز مبرم به تجدید نظر در شیوه های زندگی و باورهای خود بصورت تدوین روشهای

---

1 - Albert Einstein

2 - Scheafer



مبتنی بر حمایت از خلاقیت دارد. بعبارت دیگر ما بیش از آنکه به یک دانش آموز و کارمند منضبط، دقیق و وظیفه شناس نیاز داشته باشیم به دانش آموز و کارمند مبتکر و خلاق نیاز داریم. در دوره کودکی و نوجوانی پرداختن به فعالیتهایی چون هنر، موسیقی، و میل به زیر و رو کردن ابزار مورد علاقه همه است فلذا مربی باید دانش آموزان را به شرکت فعال در ترسیم، نقاشی، درست کردن مدل و غیره ترغیب نماید بدیهی است که چنین فعالیتهایی کسب مهارتهای ساختی و پرورش خلاقیت از طریق ساختن و درست کردن چیزهای نو و بدیع بهتر از رونوشت برداری از چیزهایی است که قبلاً دیگران ساخته اند (پورظهیر، 1384، ص 174) بنابراین نوع برخورد و توجه رهبران جامعه، سیاستگذاران، برنامه ریزان آموزشی و اداری کشور و حتی خانواده ها با مقوله خلاقیت که آنرا در کودکان، دانش آموزان، دانشجویان، محققین و کارکنان تقویت و یا تضعیف می نماید بسیار مهم و اساسی خواهد بود. بقول مرحوم پروفیسور حسابی "زندگی چیزی جز پژوهش و فهمیدن جدید نیست (موید نیا، 1384، ص 163). البته همانطوریکه ذکر شد صرف تاکید و تحسین از خلاقیت به حال جامعه سودمند نیست. نیاز مبرم وجود دارد که ماهیت موضوع، روشهای پرورش و سیاست های حمایتی آن شناسائی و مورد توجه قرار گیرند. دستیابی به این هدف جز با انجام تحقیقات علمی و بکارگیری نتایج آن میسر نیست. جامعه مطلوب جامعه ای است که که همواره سعی دارد تا برای یکا یک اعضای خود فرصت شکوفائی استعدادها را با ایجاد حداکثر امکانات و تسهیلات فراهم آورد. معلمان و مربیان آموزشی می بایست دانش آموزان تیز هوش را در شکوفائی استعدادها و تواناییهایشان کمک نمایند (افروز، 1364، ص 179). احترام و ارزش قائل شدن به افکار و سوالات کودکان (هرچند ظاهراً غیر عادی و کم اهمیت باشند)، ایجاد حس اعتماد به نفس، دادن آزادی عمل و فرصت تجربه (هرچند همراه با آزمایش و خطا باشد) تشویق کنجکاوی و فاصله گرفتن از عادات و الگوهای ثابت تفکر و عمل نمونه ای از عناوین الزامات مربوط به رشد قوای خلاقانه کودکان محسوب می گردد. بنا براین برآینم جهت نیل به این هدف مهم اجتماعی، دست به انجام تحقیق محدود در خصوص این موضوع بزنیم. در مورد ضرورت تحقیق حاضر بطور خلاصه می توان چنین گفت:

- 1- با تقویت تفکر خلاقانه هزینه های آموزشی- اداری کاهش یافته، روند انجام امور اصلاح شده و همچنین در مورد موضوع مهم وقت به عنوان مشکل اساسی بشردر آینده صرفه جویی می شود.
- 2- با ابداع روشهای نو و دست آوردهای جدید، شیوه های سخت انجام کارها کنار گذاشته شده و سطح رفاه و آسایش عمومی جامعه ارتقاء می یابد.
- 3- در رشد و تعالی فرهنگ و تمدن ملل، افراد خلاق و تیز هوش نقش اساسی دارند و به موازات بروز خلاقیت نیز اعتماد به نفس و احساس شکوهمندی زندگی انسانها و احساس افتخار ملی افزایش می یابد.
- 4- بدون داشتن تفکرات بدیع و نوآورانه، جامعه پیوسته در حال تقلید، مصرف، رخوت و وابستگی به سر خواهد برد بنا براین جامعه جهت رسیدن به تولید، سرزندگی و استقلال نیاز به خلاقیت دارد.
- 5- ایجاد شرائط بروز خلاقیت و شکوفائی استعدادها از ضروریات جامعه آزاد است. کاهش فاصله توسعه جوامع نیز بیش از هرچیز با میزان دست آوردها، تکنولوژی و اندیشه های بدیع ارتباط دارد فلذا کشور در حال توسعه ما نیز به اتخاذ سیاستهای اجرائی و روشهای آموزشی و تربیتی خلاقانه نیاز دارد.
- 6- احتمال سازگاری و موفقیت افراد خلاق در شرائط دشوار زندگی، نسبت به افراد معمولی بیشتر است آنان راههای مختلف حل مشکلات را دانسته و کمتر دچار شکست می شوند در نظر آنان راه موفقیت

درزندگی فقط محدود به موفقیت تحصیلی نیست بنابراین با تقویت خلاقیت دانش آموزان و افراد جامعه در واقع آنان برای موفقیت زندگی آینده آماده می شوند.

7- در صورت حصول نتایج مطلوب از تحقیق، می توان دامنه اجرای آنرا به سطوح مختلف آموزشی و جامعه های بزرگتر گسترش داد.

## اهداف تحقیق

### هدف اصلی

هدف اصلی پژوهش حاضر عبارت از تحقیق در خصوص " بررسی خلاقیت فرزندان با نگرشهای فرزند پروری والدین بر روی دانش آموزان مدارس راهنمایی پسرانه و دخترانه استعدادهای درخشان شهر ارومیه " می باشد .

### اهداف فرعی

این تحقیق در نظر دارد با انجام اهداف فرعی زیر، به هدف اصلی فوق نائل آید .

- 1- سنجش میزان و تفاوت خلاقیت دانش آموزان دختر و پسر مدارس استعداد های درخشان
- 2- سنجش میزان و تفاوت نگرش والدین نسبت به رفتار دانش آموزان دختر و پسر
- 3- سنجش اثر متقابل و تفاوت نگرشهای والدین در ارتباط با رشد خلاقیت دانش آموزان دختر و پسر
- 4- سنجش میزان ارتباط خلاقیت دانش آموزان با میزان تحصیلات ، شغل و سطح رفاهی خانواده ها
- 5- سنجش تفاوت نگرشها و شیوه های فرزند پروری والدین نسبت به دختران و پسران
- 6- سنجش تفاوت جنسیت در میزان خلاقیت دانش آموزان پایه های مختلف تحصیلی

## فرضیه های<sup>1</sup> تحقیق

### فرضیه اصلی تحقیق

بین نگرشهای فرزند پروری والدین و رشد خلاقیت دانش آموزان رابطه وجود دارد .

### فرضیه های فرعی تحقیق

- 1- نگرشهای فرزند پروری منجر به رشد خلاقیت والدین در مورد دانش آموزان پسر و دختر متفاوت است .
- 2- میزان خلاقیت دانش آموزان در بین پایه های مختلف تحصیلی متفاوت است .
- 3- میزان خلاقیت دانش آموزان با برخی متغیرهای دموگرافیک پاسخگویان مثل سطح تحصیلات ، وضعیت رفاهی و شغل والدین ارتباط معنی داری دارد.
- 4- رابطه بین میزان عوامل مختلف خلاقیت دانش آموزان ( سیالی ، بسط ، ابتکار و انعطاف پذیری ) و میزان نگرشهای فرزند پروری والدین ( سلطه گری ، سهل انگاری و وابستگی شدید ) متفاوت است .

## تعاریف اصطلاحات و متغیرها

## الف : تعریف نظری

**خلاقیت<sup>۱</sup>** : گیلفورد (1960) "خلاقیت عبارت است از مجموعه تواناییها و خصیصه های که منجر به تولید آثار منحصر به فرد می شود مهم ترین این ویژگیها تفکر واگراست" (حسینی، 1378، ص 49).  
خلاقیت در واقع از چهار عنصر سیالی، انعطاف پذیری، ابتکار و بسط به شرح زیر تشکیل شده است (گیلفورد، به نقل از کفایت، 1373، ص 69).

**خلاقیت سیالی<sup>۲</sup>** : عبارت از توانایی فرد به ایجاد و خلق تعداد زیادی ایده، پاسخ و راه حل در قالب تصویر یا فرض، در یک حیطه خاص. در این حالت ذهن فرد خلاق در یک حیطه خاص فکری به ارائه عقایدی می پردازد و مشتمل است بر تعدادی پاسخ و عقاید ممکن

**خلاقیت بسط<sup>۳</sup>** : عبارت است از توانایی فرد در جهت پرداختن به جزئیات. در این حالت فرد خلاق توانایی تکمیل یک ایده و افزودن جزئیات بیشتر و همچنین تکمیل ایده های تصویری مربوط به آنرا دارد.

**خلاقیت ابتکار<sup>۴</sup>** : عبارت است از توانایی فرد برای ایجاد و خلق ایده های نو، منحصر به فرد، غیر معمول و هوشمندانه برای حل یک مسئله، که در هر حال با ایده های عادی و رایج متفاوت است. در این حالت فرد خلاق توانایی تولید ایده های نو و جدید را دارد.

**خلاقیت انعطاف پذیری<sup>۵</sup>** : عبارت است از توانایی فرد برای ایجاد و خلق ایده های متفاوت در صورت تغییر مشکل. در این حالت فرد خلاق در صورت تغییر مشکل و یا مطرح شدن آن از بعد دیگر، قدرت و توانایی لازم را برای تغییر جهت فکر خود دارا می باشد.

**نگرش<sup>۶</sup>** : منظور از نگرش، عقاید آگاهانه و تمایلات فکری کم و بیش ثابت فرد به آدمها یا اشیاء است. نگرش شامل سه ویژگی شناختی، هیجانی و رفتاری است. در اینجا فرض است که ریشه رفتار و نحوه برخورد والدین از نگرشهای آنان نشأت می گیرد. (هلیگارد و اتکینسون، 1983)

**شیوه های فرزند پروری<sup>۷</sup>** : عبارت از روشهایی است که والدین در تربیت فرزندان خود به خصوص در مورد شکوفائی استعدادها و بروز خلاقیت بکار می برند. این روشها عمدتاً شامل سلطه گری<sup>۱</sup>، وابستگی شدید<sup>۲</sup> و سهل انگاری<sup>۳</sup> است. (کفایت، 1373، ص 104).

## 1- Creativity

## 2 - Fluency

## 3 - Elaboration

## 4 - Originality

## 5 - Flexibility

## 6 - Attitude

## 7 - Parental style

**سلطه گری<sup>۴</sup>**: این روش شامل ایجاد محدودیتهای زیاد در رفتار ، گفتار و کردار فرزند در زمینه رعایت نظافت ، مراقبت از وسایل ، سکوت ، اطاعت ، بروز احساسات و... است والدین سلطه گر ممکن است حتی با بی تفاوتی و آرامش، خواسته های خود را به فرزندان تحمیل نمایند و یا روش هیجان آمیزی در پیش بگیرند.

**وابستگی شدید<sup>۵</sup>**: در این روش والدین خود را فدای فرزندان کرده و در هر حال آنها را نیازمند خود بار می آورند . این قبیل والدین قطع رابطه عاطفی با فرزندان را به تاخیر انداخته ، مراقبت و نظارت کامل و مدام را ضروری می دانند. یعنی درهمه حال ، حتی در بزرگسالی فرزندان را نیازمند حمایت ، راهنمایی و کنترل می دانند .

**سهل انگاری<sup>۶</sup>**: والدین سهل انگار نه تنها کنترل و فشاری بر روی فرزندان خود ، بلکه انتظارتوقعی خاص هم از آنان ندارند آنان در دادن پاداش و اعمال تنبیه چندان جدی نیستند. در انجام امور شخصی ، نظافت و تکالیف درسی فرزندان با مسامحه برخورد می کنند معمولاً وقتی برای در کنار فرزندان بودن اختصاص نمی دهند و انتظار دارند فرزندانشان درد سر و مشکلی برای آنان درست نکنند .

#### ب : تعریف عملی

**خلاقیت کلی**: در این پژوهش برای سنجش خلاقیت کلی و چهار عنصر سیالی ، انعطاف پذیری ، ابتکار و بسط از آزمون زمینه یابی مداد کاغذی چند جوابی سنجش خلاقیت ( MPPT ) تورنس که توسط دکتر عابدی در سال 1363 استاندارد و معرفی گردیده استفاده شده است (دائمی ، 1383، ص 3) . این آزمون 60 از سوال و هر سوال از سه گزینه که ذیلاً توضیح داده می شود تشکیل شده است . نمره صفر برای فقدان خلاقیت ، 1 برای خلاقیت متوسط و 2 برای خلاقیت زیاد منظور می شود . حداقل نمرات صفر و حداکثر نمره فرد در کل آزمون 120 خواهد بود . که دامنه خلاقیت فرد در کل آزمون به شرح ذیل خواهد بود ( بخشی ، 1385، ص 1).

- خلاقیت بسیار زیاد : امتیاز 120 الی 100

- خلاقیت زیاد : امتیاز 100 الی 85

- خلاقیت متوسط : امتیاز 85 الی 75

- خلاقیت کم : امتیاز 75 الی 50

- خلاقیت بسیار کم : امتیاز 50 و پائین تر

**خلاقیت سیالی** : سوالهای 1 تا 22 پرسشنامه عامل سیالی را می سنجد .

**خلاقیت بسط** : سوالهای 23 تا 33 پرسشنامه عامل بسط را می سنجند .

**خلاقیت ابتکار** : سوالهای 34 تا 49 پرسشنامه عامل ابتکار را می سنجند.

---

1 - Dominating

2 - Possessive

3 - Ignoring

4 - Dominating

5 - Possessive

6 - Ignoring

3. **خلاقیت انطاف پذیری :** سوالهای 50 تا 60 پرسشنامه عامل انعطاف پذیری را می سنجد ( دائمی ، 1383، ص

شیوه های فرزند پروری : منظور ایده ها و روشهایی است که والدین در تربیت فرزندان خود به خصوص در مورد شکوفایی استعدادها و بروز خلاقیت بکار می برند . این روشها که عمدتاً شامل سلطه گری ، وابستگی شدید و سهل انگاری است از طریق پرسشنامه زمینه یابی ارزشیابی نگرش والدین ( PAS ) دروز و تی هن ( 1957 ) مورد سنجش قرار گرفته است. در این پرسشنامه سوالهای 3 ، 4 ، 5 ، 6 ، 9 ، 10 ، 14 ، 17 ، 18 و 21 عامل سلطه گری ، سوالهای 1 ، 2 ، 7 ، 8 ، 16 ، 20 ، 25 ، 26 ، 29 و 30 عامل وابستگی شدید و سوالهای 11 ، 12 ، 13 ، 15 ، 19 ، 22 ، 23 ، 24 ، 27 ، و 28 عامل سهل انگاری را می سنجد .

**نحوه برخورد :** منظور واکنشهای رفتاری و کلامی مربوط به تشویق و تنبیه دانش آموزان توسط والدین و مربیان به هنگام بروز نشانه های فکر و رفتار خلاقانه در محیط خانه و مدرسه است .

**استعدادهای درخشان<sup>1</sup>:** منظور دانش آموزان پسر و دختر مشغول تحصیل در مدارس مقطع راهنمایی ویژه ای هستند که تحت عنوان مراکز پرورش استعدادهای درخشان شناخته می شوند که پس از طی آزمون خاصی که سازمان ملی پرورش استعدادهای درخشان ( سمپاد ) برگزار می کند پذیرفته شده و مشغول تحصیل هستند .

**تیز هوشان<sup>2</sup>:** اصطلاحاً مدارس مورد نظر را مدارس تیزهوشان و دانش آموزان مشغول تحصیل در مدارس ویژه استعدادهای درخشان را تیزهوش می نامند و منظور از تیزهوش کودکی است که در امر تحصیلی از خود توانایی و برجستگی خاصی نشان داده و در آزمونهای اجراء شده موفقیت حاصل نموده است .

**مربیان :** منظور تمامی کادر آموزشی و پرورشی مدارس مورد اشاره است که مستقیماً در جهت رشد تحصیلی و پرورشی دانش آموزان دخالت دارند .

**والدین :** منظور از والدین ، پدر و مادر حقیقی دانش آموزان ( یویژه مادران ) است که مستقیماً نقش تربیت فرزندان خود را به عهده دارند.

## فصل دوم: مبانی نظری وادبیات تحقیق

- ادبیات تحقیق

- تحقیقات انجام شده در ارتباط با موضوع تحقیق

### مقدمه

کیم وو چونگ<sup>۱</sup> (1989) یکی از چهره های خلاق معاصر (بنیانگذار شرکت عظیم دوو کره و نویسنده کتاب مشهور "سنگ فرش هر خیابان از طلاست" (این کتاب تنها پس از دوسال از تاریخ انتشار، بیش از یک میلیون نسخه

---

1 - Kim Woo Chong

فروش داشته و تاکنون بیش از 10 بار نیز در ایران تجدید چاپ شده است) می نویسد " نوآوری یک امر و نیاز زیربنایی زندگی انسان است آنچنان که بعضی ها فکر می کنند مشکل نیست اگر شما به ابداعات و نوآوری های بارزش دقت کنید مبنای خیلی از آنها را واقعا ایده های بسیار ساده تشکیل می دهند اغلب هم نتایج بسیار ارزشمندی به همراه می آورند... نوآوری ، ابداعات و اختراعات نقش بزرگی در تاریخ بشر بازی کرده است نوآوری و ابداعات با عزم ، تصمیم و اراده یک شخص خلاق شروع می شود که سعی می کند با درهم شکستن ایده های معمولی و موجود در این عصر خلاق و زمان ، چیز جدیدی ارائه دهد یا بسازد. من همواره تاکید کرده ام که خلاق بودن برای اشخاص بسیار با اهمیت است زیرا افراد خلاق ، مبتکر و سازنده به تاریخ شکل و به جهان جهت می دهند. توین بی کسانی را که به پیشرفت تمدن و فرهنگ جامعه شان کمک می کنند "اقلیت خلاق" می نامد که بسیار هم معدودند اما تاثیر این اقلیت ها به نسبت تعدادشان نیست بلکه قدرت ابداع و خلاقیت آنها تعیین کننده میزان نفوذشان در جامعه است. الهامات و تراوشات ذهنی این اقلیت است که به اکثریت غیر خلاق امکان می دهد در پیشرفت جامعه شان سهیم شوند این وظیفه اقلیت ها نسبت به جامعه شان است و بدون همکاری و کمک آنها فرهنگ ها و جوامع پیشرفتی نخواهند داشت . اقلیت ها موظفند اکثریت غیر خلاق را اصلاح کرده و پرورش دهند چنانچه اقلیتها اینگونه عمل نکنند زوال جامعه و تمدن تسریع خواهد شد. به خفقان افکندن این اقلیت خلاق ، سقوط جامعه و فرهنگ را بدنبال خواهد داشت . زمانیکه تواناییهای خلاق برای توسعه و پیشرفت جامعه بکار گرفته نشود و زمانیکه اقلیت خلاق به صورت اقلیت کنترل شده درآید جامعه به سوی نابودی و فنا قدم برخواهد داشت. مسئولیت پیشرفت و تمدن جامعه و یا سوق دادن آن در جهت زوال و ویرانی به عهده اقلیت خلاق است ... شما حتما می پرسید چگونه می توان عضو اقلیت خلاق شد خوب اول از همه باید بگویم چه چیزی نبایست باشید: فرصت طلب، تماشاچی و شکست گرا نباشید (سوری، 1374، صص 65، 236 و 237).

نقش خانواده بعنوان مهم ترین رکن جامعه که شالوده اساسی شخصیت کودکان را می سازد بس مهم است عدم اطلاع از شیوه های درست تربیتی ، مهم ترین مشکل خانواده ها است . والدین معمولاً از نتایج برخوردهای خود با فرزندانشان بازخوردی<sup>1</sup> دریافت نمی کنند و یا نمی دانند درهرسنی چه انتظاری باید از آنان داشته باشند والدین معمولاً روشهای سنتی تربیتی گذشته را ادامه داده و کمتر به فکر اصلاح<sup>2</sup> هستند. فرض بر این است اگر آنان متوجه اثرات قابل توجه فرزند پروری خود شوند قطعاً در بکارگیری روشهای مناسبتر جدیت و دقت به خرج خواهند داد ( کفایت ، 1373، ص 41) به هر حال نوع برخورد و توجه والدین با مقوله خلاقیت که آنرا در کودکان تقویت و یا تضعیف نمایند بسیار مهم خواهد بود این موضوع در ادامه مورد بحث قرار بیشتر خواهد گرفت.

## معنا و مفهوم خلاقیت

درحقیقت فرد خلاق کسی است که از ذهنی جستجوگر و آفریننده برخوردار باشد. فرهنگ وبستر<sup>3</sup> ( 1953) خلاقیت را مترادف اصطلاحاتی مانند اکتشاف ، اختراع ، ابداع و نوآوری آورده و کلمه خلاقیت را به

1 - Feedback

2 - Reform

3 - Webster

معنی بوجود آوردن تعریف کرده است. در فرهنگ روانشناسی سیلامی<sup>۱</sup> راجع به معنای خلاقیت چنین آمده است "خلاقیت همان تمایل و ذوق به ایجادگری است که در همه افراد و در همه سنین به طور بالقوه موجود بوده و با محیط اجتماعی - فرهنگی ، پیوستگی مستقیم و نزدیک دارد . شرائطی لازم است تا این تمایل طبیعی به خودشکوفایی برسد . ترس از انحراف و سعی در همناوایی با اجتماع ، خلاقیت را به بند می کشد . کودکان خردسال که از امور و وقایع در شگفت می شوند و می کوشند که تازگیها جهان را دریابند و ضمنا تا زمانی که تحت تاثیر تعلیم و تربیت متعارف قرار نگرفته اند به نحوه ویژه ای خلاق می باشند( کفایت ، 1373 ، 61). از مضمون تعاریف و توضیحاتی که در مورد ماهیت و کارکرد خلاقیت داده شده است چنین پیداست که در واقع خلاقیت برآیند نوع تفکر بدیع و بی بدیل افراد است که ممکن است به تولید محصول عینی نیز منجر گردد. بنابراین شایسته خواهد بود به جای لفظ خلاقیت ، اصطلاح تفکر خلاق را بکار برد .

در مجموع تفکر و عملکرد خلاق نسبت به ایده ها و تجارب قبلی بشری نو شمرده شده ، عامل تغییر و تحول بوده و الزاما می بایست به حال انسان و جامعه نیز مفید باشد مانند ایده های جدید، ابتکارات، اختراعات و اکتشافات . معنای خلاقیت عبارت است از توانایی یا قدرت ذهنی یا بدنی برای ساختن یا بازسازی واقیت به نحوی منحصر به فرد(دافی، برنات، 1380 ص 38). ماکس ورتایمر روانشناس گشتالت<sup>۲</sup> عبارت مناسب تفکر آفرینشی را نخستین بار ابداع و آنرا تفکری توصیف کرد که واقعا به چیزی مفید می انجامد (برونو ، 1370، ص 82). تورنس تفکر خلاق را به حاصل وقوع انفجارات بیش درونی افراد تعبیر می کند( تورنس ، 1979 ، ص 24) اورت شوستروم<sup>۳</sup> (1967) نویسنده کتاب مشهور "روانشناسی انسان سطله جو" رفتار خلاقانه را یک رفتار خویشتن ساز در عین حال سطله جویانه می شمارد و می گوید " من رفتار خلاقه را یک رفتار خویشتن ساز ، تعریف می کنم . رفتار خویشتن ساز نوعی رفتار سطله جویانه است که به صورت خلاقه تری ظاهر می گردد . همه ما سطله جو هستیم لیکن به جای آنکه رفتار سطله جویانه خود را طرد کنیم ، باید آنرا تغییر داده و به رفتار خویشتن ساز تبدیل نمائیم ( سرمد ، 1362 ، ص 25). کالهن (1961) خلاقیت را دارای ماهیت ذاتا عاطفی دانسته و آنرا فرآیندی می شمارد که طی آن فرد خلاق عناصر نامعقول و احساسی را به عناصر عقلی و آگاهانه تبدیل کند .

### تعریف خلاقیت<sup>۵</sup>

مثل هر مفهوم نظری و انسانی دیگر ، تعریف خلاقیت نیز تابع گرایشات و برداشت های شخصی و مکتبی صاحب نظران است که در مجموع مشابه به نظر می رسند. بمنظور جلوگیری از طولانی شدن بحث ، ذیلا به ذکر تعاریف خلاصه چند تن از مشاهیر زمینه تحقیقات و منابع علمی خلاقیت اشاره می گردد.

---

1 - Sillamy

2 - Gestalt

3 - Evertt Shostrom

4 - Man 'the manipulator

5 - Creativity



- فرهنگ توصیفی اصطلاحات روانشناسی: "تفکرخلاق تفکری است که مشخصه اصلی آن توانایی کنارگذاشتن فرض های غیرلازم و زایش افکاراصیل است" (برونو، 1370، ص 82)
- استیفن رابینز<sup>1</sup> (1991): "خلاقیت به معنای ترکیب ایده ها در یک روش منحصر به فرد یا ایجاد پیوستگی بین ایده هاست" (طالب زاده و انوری ، 1375 ، ص 2)
- استین ، پارنس و هاردینگ<sup>2</sup> (1962): "خلاقیت همان چیزی است که به ایجاد یک کار جدید منجر می شود ، که در زمانی به عنوان یک چیز قابل دفاع یا مفید یا خشنود کننده مورد قبول گروه قابل توجهی قرار گیرد".
- مدنیک<sup>3</sup> (1962): "خلاقیت عبارت از سازمان دادن به عناصر همخوانده به صورت ترکیبهای جدیدی است که به خواسته های خاص پاسخ می دهند یا اینکه به گونه ای مفید هستند".
- فاکس<sup>4</sup> (1966): "فرآیند خلاق به هر نوع فرآیند تفکری گفته می شود که مساله را به طریق مفید و بدیع حل کند".
- هورلای<sup>5</sup> (1982): "خلاقیت در واقع همان شکل کنترل شده تخیل است که منجر به نوعی ابداع و نوآوری می گردد".
- استرنبرگ (1989): " خلاقیت ترکیبی از قدرت ابتکار، انعطاف پذیری و حساسیت در برابر نظریاتی که یادگیرنده را قادر می سازد خارج از نتایج تفکر نامعقول به نتایج متفاوت و مولد بیندیشد که حاصل آن رضایت شخصی و احتمالاً خشنودی دیگران خواهد بود" (کفایت ، 1373 ، ص 62 و 63).
- لوتانز (1992): "خلاقیت به وجود آوردن تلفیقی از اندیشه ها و رهیافت های افراد و یا گروهها در یک روش جدید، است" (انوری ، 2007 ، ص 2).
- فرانکن (2005): "خلاقیت رویکرد خلق یا تشخیص ایده ها و احتمالاتی است که در حل مسئله یا در ارتباطات انسانی و سرگرم کردن خود و دیگران مفید است" وی اضافه می کند که برای خلاق بودن ، افراد باید قادر باشند که مسائل را از دیدی تازه بنگرند ، احتمالات و جایگزینهای بدیع خلق نمایند ( همتی ، 1387 ، ص 9).
- هالپرن:خلاقیت توانایی شکل دادن به ترکیب تازه ای از نظرات یا ایده ها برای رسیدن به یک نیاز یا تحقق یک هدف می باشد" (سایت فکر نو ، به نقل از نگین برات ، 1382، ص 1)
- تورنس (1973): "خلاقیت عبارت است از حساسیت به مسائل ، کمبودها ، مشکلات و خطاهای موجود در دانش ، حدس زدن ، تشکیل فرضیه هایی در باره این کمبودها ، ارزشیابی و آزمایش این

---

1 - Stephen Robbins

2 - Steine ' Parnes & Harding

3 - Mednick

4 - Fox

5 - Hulark

حدسها و فرضیه ها و احتمالا اصلاح و آزمودن مجدد آنها و در نهایت نتیجه گیری ". تورنس که تحت

تاثیر چهارچوب نظری گیلفورد است خلاقیت را مرکب از چهار عامل اصلی می دانند که عبارتند از:

1- سیالی<sup>۱</sup>: توانایی تولید تعداد بی شماری ایده در قالب تصویر با فرض پاسخ و عقیده در مورد آن .

2- ابتکار<sup>۲</sup>: توانایی تولید ایده هایی که از ایده های عادی و رایج متفاوت است .

3- انعطاف پذیری<sup>۳</sup>: توانایی تولید انواع گوناگون و متنوع ایده ها در قالب تصویر و ارائه راه حل های نو.

4- بسط<sup>۴</sup>: توانایی اضافه کردن جزئیات یا تکمیل ایده های تصویری ( کفایت ، 1373، ص 69).

به زبان ساده می توان گفت : "خلاقیت عبارت است از بکارگیری تواناییهای ذهنی برای ایجاد یک فکر یا

مفهوم جدید ". از مضامین بکار گرفته شده در تعاریف فوق چنین برمی آید که اولاً ماهیت خلاقیت به

چگونگی تفکر انسان و نتیجه آن بستگی دارد و ثانیاً مشتمل بر یافتن راهها و روش های جدید و موثر

می باشد. بنابراین بدون وجود سه ویژگی اساسی:

1- ذهنی بودن<sup>۵</sup>

2- نوبودن<sup>۶</sup>

3- موثر بودن<sup>۷</sup>

نمی توان لفظ خلاقیت را بر یک فرآیند و فعالیت ذهنی و یا عملکرد اطلاق نمود .

درحقیقت ، از آنچه که ما به عنوان خلاقیت و تفکر خلاق<sup>۸</sup> از آن نام می بریم شامل یک فرآیند ذهنی و نتیجه نوع

فکرانسان است یعنی چیزی که چگونگی فعالیت فکری فرد و نتیجه آن است بعبارتی خلاقیت تفکری است که

شامل نگرش نو و ایده های بکر می باشد. بدیهی است خلاقیت مثل هر مفهوم دیگر ذهنی ، تعاریف مختلفی از

اصطلاح خلاقیت ارائه شده است. پیچیدگی و دشواری شناخت ماهیت ، تعریف و کارکرد خلاقیت ، بیشتر ناشی از

ماهیت غامض کنشهای مغزی است.

## نظریه های خلاقیت

---

1- Fluency

2 - Originality

3 - Flexibility

4 - Elaboration

5 - Mental

6 - New ( Inoovative)

7 - Effective

8 - Creative thinking

در مورد خلاقیت چون سایر مفاهیم روانشناسی دیدگاههای مختلف و متفاوتی وجود دارد که ماهیت، خاستگاه و کارکرد آنرا به شکلی خاص تبیین می نماید. در این مجال به اختصار به مهم ترین آنها اشاره می شود.

- **خلاقیت به عنوان ودیعه الهی<sup>۱</sup>**: در دنیای باستان، فیلسوفانی چون افلاطون معتقد بودند که خداوند اذهان این گونه مردان را از آنها گرفته و با دادن قوه ابتکار آنان را به عنوان سفیرانش بکار می گیرد (پلاتو<sup>۲</sup> 1925). عنصر خلاقیت فرد یک هدیه خداوندی است و بیش از آنکه از تربیت ناشی شود از الهام ناشی میشود (کارلایل<sup>۳</sup> 1934). سامرست موام نیز معتقد بود الهام پایه و اساس تفکر خلاق است (مویدنیا، 1384، ص 163).

- **خلاقیت به عنوان دیوانگی<sup>۴</sup>**: این دیدگاه قدیمی خلاقیت را نوعی جنون و دیوانگی تلقی می کند غیرعادی بودن، بی ارادگی، خودجوشی و ظاهر غیرعقلانی خلاقیت عاملی بود که افرادی چون لمبروزو (1981) خلاقیت را نتیجه آسیب عقلی دانسته و برای اثبات ادعای خود نمونه هایی از افراد نابغه و مشاهیر را نام برد که کم و بیش عصبی و یا دیوانه بوده اند. مثلاً فیلسوفی چون نیچه در تمام زندگی بخصوص زمان خلق آثار خود بین حالت تعادل و عدم تعادل روانی به سر برده است. امروزه نیز افراد عامی بعضاً کار غیرعادی و خلاقانه را که تا حدود زیادی از استانداردهای رفتاری و عرف جامعه متفاوت باشد بیمارگونه می پندارند. براساس تحقیقات انجام شده خودکشی، تمایل کمتر به ازدواج و داشتن فرزند کمتر و طلاق زیاد در زندگی افراد خلاق بیشتر از نرم جامعه است. تحقیقات جدید صورت گرفته براساس معیارهای DSM-IV<sup>۵</sup> چهارمین ویرایش سیستم طبقه بندی بیماریهای روانی - انجمن روانپزشکی آمریکا نشانگر شیوع بیشتر اختلالات روانی در میان افراد خلاق است. شایع ترین اختلالات انواع بیماریهای اسکیزوفرنیا و اختلالات خلقی گزارش شده است. امیل کراپلین طی تحقیقات خود به این نکته اشاره می کند که احتمالاً اختلال روانی مانیا<sup>۶</sup> (شیدائی) باعث دگرگونی هایی در فرآیند تفکر شده و منجر به افزایش خلاقیت گردد. خودکشی و اختلالات روانی بیشتر در میان هنرمندان که مصادیق بارز خلاقیت محسوب می شوند دلیل دیگر ارتباط بیماریهای روانی و خلاقیت شمرده می شود. فلیکس پست (1994) روانشناس انگلیسی با بررسی فراوانی اختلالات روانی در بین افراد خلاق و برجسته نشان داده است که ارتباطی بین این دو عامل وجود دارد (احدی، مظاهری و فخری، 1371، ص 3). عامه مردم نیز کم و بیش در مورد ایده ها و خلاقانه نظر نامناسبی دارند بطوریکه با مسخره کردن و دیوانه پنداری موجب یاس افراد خلاق می شوند. برنارد شاو در این باره می گوید "تمام اندیشه های بزرگ ابتداء مسخره پنداشته می شوند" (مویدنیا، 1384، ص 164).

---

1 - Granted By God

2 - Plato

3 - Carlyle

4 - Insanity

5 - Diagnostical and statistical manual of mental disorder. 4Rd Ed.

6 - Mania

- **خلاقیت بعنوان نبوغ شهودی<sup>۱</sup>**: با تعدیل دیدگاه دیوانه پنداری، ماهیت اشراقی<sup>۲</sup>، شهودی و غیرقابل آموزش بودن خلاقیت مطرح گردید که دارنده آن شخصی نادر و متفاوت تلقی شود که می تواند بدون واسطه و استفاده از قدرت استدلال و بطور مستقیم ایده خلاق را دریابد. لغزشهای ظاهرا غیرمنطقی، کپرنیک و کالیله را یاری کردند تا نظریه های خود را به نظم درآوردند اینان راههای ذهنی معمولی و منطقی تفکر را پیگیری نکردند. بلکه به واسطه کمک ذهن ناخودآگاه هدایت شده اند. مطابق این دیدگاه خلاقیت را نمی توان آموزش داد چرا که غیرقابل پیش بینی بوده و از اصول خاصی پیروی نمی کند و درعین حال غیرعقلانی و مختص افراد غیرعادی است (مردیث<sup>۳</sup>، 1911). درمجموع خطرناک است که بپنداریم خلاقیت ها از مکاشفه و اشراق سرچشمه می گیرند و نتیجه بگیریم که دیگر نمی توانیم و نیازمند هم نیستیم کاری در این باره انجام دهیم این کار شبیه معمای جعبه سیاه است که مستلزم به کنار گذاشتن مساعی آگاهانه و در انتظار ظهور مکاشفه نشستن است. با این حال امیدواری ما به شهود و مکاشفه باید گاهگاهی باشد نه همیشگی. با این فرض سهم آن نیز ارزشمند خواهد بود (قاسمی، 1386، ص 67).

- **خلاقیت به عنوان نیروی حیاتی<sup>۴</sup>**: داروین به موازات نظریه مشهور تکاملی خود، خلاقیت را عامل ذاتی حیات که پیوسته در حال نوشدن است دانست. براین اساس ماده بی جان غیرخلاق محسوب می گردد. به نظر می رسد که نیروی خلاق تکامل، خود را به صور گوناگون پایان ناپذیری عرضه می کند که یکتا، بی نظیر، غیرقابل تکرار و بازگشت ناپذیر هستند. (دوبزهانسکی<sup>۵</sup> 1957). یکی از پیشتاان این نظریه بیولوژیکی شخصی بنام ادموند سینیوت (1962) است وی اعتقاد داشت که حیات ماهیتا خلاق است چرا که خود را سازمان می دهد تنظیم میکند و همواره در حال نوشدن می باشد. در این میان انسان بی همتاست چون از داده های درهم و برهم، اثری هنری و یا علمی پدید می آورد انسان توانائی آنرا دارد که الگوهای تنظیمی خود را خلق کند.

- **نظریه تداعی گرایی<sup>۶</sup>**: تداعی گرایی بعنوان مکتب مسلط روانشناسی قرن نوزدهم امریکا و انگلستان که ریشه در افکار و عقاید جان لاک دارد اذعان می کند ایده های جدید، از ایده های قدیم و بوسیله آزمون و خطا حاصل می شوند به عبارت دیگر وقتی که ایده ای خاص در ذهن ظاهر شود ایده مرتبط نیز بلافاصله در ذهن متداعی می گردد هر قدر این دو ایده بیشتر، تازه تر و واضحتر بهم مرتبط باشند. احتمال همراه شدن آنها بیشتر خواهد بود. بنابراین سه اصل مهم فروانی<sup>۷</sup>، تازگی<sup>۸</sup> و وضوح<sup>۹</sup> در نظریه تداعی گرایی مهم هستند. ایده های تازه در واقع ترکیبی

---

1 - Genius Intuitive

2 - Illumination

3 - Merdice

4 - Vital force ( Vitality)

5 - Dobzhansky

6 - Associationism

7 - Frquency

8 - Recency

از ایده های قدیم هستند که از نو سازماندهی شده اند . تفکر خلاق نیز چیزی جز برقراری ارتباطات ذهنی<sup>۲</sup> نیست و هرچه انسان قادر به تداعی بیشتری باشد خلاقیت بیشتری خواهد داشت .

- **نظریه گشتالت<sup>۳</sup>** : کلی نگری شاکله نظریه گشتالت را تشکیل میدهد. فلذا خلاقیت نیز عبارت از بازسازی الگوهایی است که ساختار ناقص دارند و ذهن در صدد تکمیل آن است به عبارتی دیگر تفکر خلاق معمولاً با وضعیتی مسئله دار شروع می شود که از جهاتی ناتمام است و نهایتاً ذهن جهت کامل و هماهنگ کردن آن فعال شده و راههای جدیدی یابد .

**نظریه روانکاوی<sup>۴</sup>**:(خلاقیت بعنوان نتیجه تصعید<sup>۵</sup> و پالایش روانی<sup>۶</sup> و تعادل حیاتی<sup>۷</sup>)همواره مفهوم روانکاوی نام زیگموند فروید<sup>۸</sup>(1949)یکی از تاثیرگذارترین متفکرین تاریخ جهان و واضع تئوری روانکاوی را تداعی می کند. روانکاوی فروید ، بیش از هر مکتب دیگری ایده هایی بنیادی در مورد خلاقیت ارائه داده است که رهنمودی برای پژوهشهای علمی مربوط است . فروید معتقد بود خلاقیت و هنر در واقع نوعی تطهیر عاطفی و پالایش روانی است که موجب حفظ سلامتی انسان می شود. به زعم او هنرمند خلاق کسی است که هنر را وسیله ای برای ابراز تعارضات درونی خود قرار داده و تمایلات مطرود و سرگرفته را در قالب پذیرفته شده ای ظاهر می سازد که در غیر این صورت می بایست شاهد روان نژندی فرد باشیم. به نظر فروید رشد و تعادل روانی فرد درگرو تعادل صحیح بین نیروهای خلاقه و نیروهای متهاجم(تا حدودی با برتری نیروهای خلاقه)بستگی دارد. فروید زندگی و هر نوع گرایش مثبت به آنرا ناشی از یک نیروی غریزی بنام اروس<sup>۹</sup> ( نام خدای عشق در یونان قدیم وسمبل غریزه عشق به زنده ماندن ) می داند که سرمنشاء همه نیروهای خلاقه و حیاتی است . در مقابل از نیروی غریزی دیگری بنام تاناتوس<sup>۱۰</sup> (نام خدای مرگ و برادر هوپنوس<sup>۱۱</sup> که خدای خواب در نزد یونانیان قدیم بود) نام می برد که مانع خلاقیت و انرژی حیاتی است (وهاب زاده،1366،ص20). او معتقد بود خاستگاه خلاقیت ، در تعارضی<sup>۱۲</sup> است که

---

1- Vividness

2 - Mental connection

3 - Gestalt theory

4 - Psychoanalysis

5 - Sublimation

6 - Abreaction ( Catharsis)

7 - Homeostasis

8 - Sigmund Freud

9 - Eros

10 - Thanatos

11 - Hypnos

12 - Conflict

در ذهن ناخودآگاه وجود دارد و ذهن پیوسته در پی حل آن است که در صورت حل موجه و موفقیت آمیز منجر به خلاقیت میگردد (با کمک بخش خودآگاه شخصیت) و گرنه آن تعارض واپس زده شده و یا در شکل بیماری (روان نژندی<sup>۱</sup>) ظاهر می گردد (مغایر راه حل بخش خودآگاه شخصیت). بنابراین خلاقیت و روان نژندی هر دو ریشه واحد در تعارضات ناخودآگاه فرد دارند یعنی هم فرد خلاق و هم فرد روان نژند با یک نیروی واحد هدایت می شوند. شخص خلاق، در واقع میزان کنترل "خود"<sup>۲</sup> بر روی "نهاد"<sup>۳</sup> را کم کرده و اجازه میدهد اندیشه های آزادخیز<sup>۴</sup> ناخودآگاه بروز داده شوند یعنی تکانه های خلاق<sup>۵</sup> از سطح ناخودآگاه به سطح خودآگاه آیند. به نظر فروید خلاقیت ماهیتی چون غذا دارد. بوسیله غذا تنش درونی و عدم تعادل ناشی از گرسنگی فرد رفع می گردد بوسیله خلاقیت نیز تنش فرد برطرف می گردد. در هر حال به زعم فروید خلاقیت ریشه بیمارگونه داشته و نتیجه عدم تعادل و تعارضات درونی است. فروید معتقد بود جوامع اساساً نسبت به رفتار خلاقانه حالت تدافعی و حتی سرکوبگر دارد.

روانکاوان و پیروان جدید فروید معتقدند خلاقیت نه در ناخودآگاه، بلکه ریشه در نیمه آگاه دارد، ذهن نیمه آگاه بدلیل داشتن آزادی در جمع آوری ایده ها، مقایسه و آرایش مجدد آنها، سرچشمه خلاقیت به شمار می آید. فرد خلاق لزوماً دارای زمینه های بیمارگونه و آشفتگی روانی نیستند بلکه همچون افرادی دارای چهارچوب شخصیتی محکم هستند تا بتوانند به عمق ناخودآگاه خود مراجعه و پس از کشفیات خلاقانه سالم به واقعیت برگردند. اریک فروم (1941) بیان می دارد که خلاقیت در شرائط سلامتی و هماهنگی فعالیت روانی بروز داده می شود (کفایت، 1373، ص 23). او پنج طرح شخصیتی را که شامل شخصیت پذیرا، بهره کش، سوداگر، محتکر و سازنده است توصیف می نماید که آخرین آنها نمونه کامل شخصیت رشد یافته بوده و ویژگی مهم آن "عشق به خلاقیت" است. چهارچوب نظریه فروم در تائید نقش ویژه عوامل محیطی و فرهنگی است که به شخصیت افراد شکل می دهد. او می گوید "افراد محصولی از فرهنگ خویش هستند" براین اساس در جوامع صنعتی، انسانها دچار از خودبیگانگی<sup>۶</sup> می شوند (وهاب زاده، 1366، ص 33 و 34).

- نظریه انسانگرایی کارل راجرز<sup>۷</sup> و آبراهام مازلو<sup>۸</sup>: راجرز (1954) و مازلو (1962) دو تن از مشهورترین روانشناسان انسانگرا<sup>۹</sup> هستند. راجرز صاحب نظریه "پدیدارشناختی"<sup>۱۰</sup> معتقد است انگیزه عمده در رشد شخصیت

1 - Neurotic

2 - Ego

3 - Id

4 - Freerising

5 - Creative impulses

6 - Alienation

7 - Karl Rogers

8 - Maslaw

9 - Humanist

عبارت است از " تمایل فعلیت بخشیدن به استعدادها ، تواناییها و خواسته ها " . خلاقیت نیز در حقیقت نوعی خودشکوفائی<sup>۲</sup> بعنوان عالی ترین مرحله ارضاء نیازها و رشد شخصیت است و آن عبارت است از اینکه موجود زنده میل دارد و تلاش می کند تمام استعدادهای بالقوه خود را تا حد امکان بالفعل ساخته و تعالی ببخشد. (وهاب زاده ، 1366، ص 40). خاستگاه این میل ، واقع بینی ، استقلال عقیده و رضایت درونی فرداست . بطوریکه واقعیت پدیده ها را همانگونه که هستند بپذیرد ، نظرات خود را تابع دیگران نسازد و از نتیجه تلاش فکری و کار خلاقانه نیز احساس شغف نماید. به زعم راجرز امنیت روانی و آزادی ، احتمال ظهور خلاقیت را افزایش می دهند(مویدنیا ، 1384، ص 165). مازلو خلاقیت را به دو حالت عمده " خلاقیت استعداد ویژه<sup>۳</sup> " و " خلاقیت خودشکوفائی<sup>۴</sup> " تقسیم بندی می کند. به نظراو شکل اول می تواند همراه با حالت روان نژندی نیز بروز داده شود لکن شکل دوم در بستر شخصیتی سالم ظاهر می گردد (کفایت ، 1373 ، ص 28). هاتز<sup>۵</sup> ( 2001) تصریح دارد در نظریه های انسانگرایانه خلاقیت ذاتی انسان در نظر گرفته شده است . چراکه انسان سرشت زیباشناسانه داشته و میل وافر به پیشرفت دارد و در اثر نیل به موفقیت و عملکرد خلاقانه احساس مثبت کسب می کند( حاجی دخت ، 1387، ص 40).

- نظریه تحلیل عوامل<sup>۶</sup> گیلفورد<sup>۷</sup> : در بحث ماهیت و اندازه گیری خلاقیت بیش از هرکس دیگر نام گیلفورد(1960) مطرح است. به نظر او هوش 120 عامل و توانائی مختلف را شامل می شود که تنها حدود 50 عامل آن شناخته شده است . این تواناییها به دو دسته اصلی "مربوط به حافظه " و "مربوط به تفکر" تقسیم می شوند البته سهم تواناییهای مربوط به تفکر خیلی زیادتر است. تواناییهای تفکر همگرا<sup>۸</sup> و تفکر واگرا<sup>۹</sup> بخشی از تواناییهای تفکر هستند که هر کدام عوامل ریزتری نیز دارند . گیلفورد در ابتدا ، تواناییهای مربوط به خلاقیت را شامل تفکر واگرا دانست اما بعدا دریافت عوامل جزئی تر دیگری نیز در این مقوله دخیل هستند. به نظر گیلفورد تفکر واگرا یا همان خلاقیت هشت بعداساسی به شرح زیر دارد که عبارتند از : ( حسن زاده ، 1383، ص 4).

---

1 - Phenomenology

2 - Self actualization

3- Special talent creayiveness

4 - Self actualizing creativeness

5 - Houtz

6 - Factor analysis

7 - Guilford

8 - Convergent thinking

9 - Divergent thinking

- 1- حساسیت به مسئله<sup>۱</sup>      2- سیالی<sup>۲</sup>      3- افکار نوین<sup>۳</sup>      4- انعطاف پذیری<sup>۴</sup>  
5- هم نهادی ( ترکیب )<sup>۵</sup>      6- تحلیل گری<sup>۶</sup>      7- پیچیدگی<sup>۷</sup>      8- ارزشیابی<sup>۸</sup>

- **نظریه رشد روانی - اجتماعی اریک اریکسون**<sup>۹</sup>: یکی از نظریه پردازان بنام عرصه روانشناسی که در تائید تاثیر بلامنازع تجربه ، فرهنگ ، محیط و اجتماع در برابر وراثت بر شکل گیری شخصیت و خصوصیات روانی انسانها مانند ابتکار و خلاقیت سخن گفته اریک اریکسون<sup>۱۰</sup> (1902) روا نکاو و روانشناس مشهور آمریکایی و واضع نظریه رشد روانی - اجتماعی است که رابطه میان شخصیت و گستره اجتماع و فرهنگ را نشان می دهد وی هشت دوره قابل پیش بینی و معینی برای رشد که از بدو تولد شروع و تا کهنسالی ادامه می یابد فرض می کند که هرکدام دارای نیازها ، تجارب ، تضادها ، تعارضات مخصوص خود است . برای مثال تجربه خلاقیت و ابتکار کودکان در مرحله سوم ( 3 تا 6 سالگی ) مطرح می گردد که در تضاد و تعارض<sup>۱۱</sup> با تجربه احساس گناه است و درحالت توازن ، اکثر مردم حد میانه تجربه ها را در پیش می گیرند که در آن میزان تجربیاتی که احساس ابتکار را به آنها می دهد احتمالاً بیشتر از میزان تجربیاتی است که منجر به احساس گناه می شود . در دوره سوم رشد کودک شروع به کشف جهان می کند و می آموزد که دنیا چگونه جایی است و او چگونه می تواند بر آن تاثیر گذارد . هرگاه فعالیت کودک موفقیت آمیز باشد ، با دید سازنده با دنیا برخورد و حس ابتکار پیدا می کند و هرگاه مورد سرزنش و تنبیه قرار گیرد ، در برابر بیشتر کارهای خود احساس گناه خواهد داشت . تاثیرات برخورد با تجارب و نحوه حل تعارضات ، بیشتر در میانسالی خود را نشان می دهند که در صورت حل موفقیت آمیز تعارضات ، توانائی همکاری و همراهی فرد با دیگران و اشتغال به کارهای خلاقانه فراهم می گردد . ( بنی جمالی و احدی ، 1370 ، ص 18).

- **نظریه سینکتیکز یا بدیعه پردازی**<sup>۱۲</sup> **گوردون** : درسال 1961 ویلیام گوردون<sup>۱</sup> این روش را برای توضیح جریان بروز خلاقیت و نوآوری ابداع و ارائه کرد. وی اعتقاد داشت می توان با یک سری تمرین های گروهی ، خلاقیت را

1 - Sensetive to problem

2 - Fluency

3 - New ideas

4 - Flexibility

5 - Synthesizing

6 - Analizing

7 - Complexity

8 - Evaluation

9 - Erik Erikson

10 - Erik Erikson

11 - Conflict

12 - Rarity



آموزش و توسعه داد مهم ترین عنصر در بدیعه پردازی همان استفاده از قیاس است . به زعم گوردون تولید فکر و عمل نوآورانه چندان ماهیت پیچیده ندارند و تقریباً برای تمام افراد قابل دسترس است وی چهار پایه برای بدیعه پردازی برشمرده که عبارتند از :

- 1- خلاقیت به واسطه داشتن آثار شگرف و مفید در زندگی دارای اهمیت است .
  - 2- فرآیند خلاقیت به هیچ وجه اسرارآمیز نیست بطوریکه می توان آنرا شرح داد ، آموزش داد و بکار برد عوام آنرا اسرارآمیز و ذاتی افراد خاص می پندارند در حالیکه با تحلیل آگاهانه قابل انتقال و افزایش است .
  - 3- ماهیت فرآیندهای خلاقیت در تمامی رشته ها یکی است . هرچند مردم عادی خلاقیت را بیشتر در زمینه هنر قبول دارند و حاصل آنرا در زمینه مهندسی و علوم " اختراع " می نامند.
  - 4- فرآیند بروز خلاقیت فردی و جمعی شبیه هم هستند هرچند اکثر مردم خلاقیت را امر فردی می پندارند .
- گوردون تاکید داشت در خلاقیت بعد عاطفی از بعد عقلی و نامعقول از معقول بیشتر است فلذا می بایست برای بروز خلاقیت ضرورتاً عناصر نامعقول و عاطفی درک شده و با کشاندن عناصر عاطفی و ناخودآگاه به سطح آگاهی و کنترل آن ، زمینه بروز خلاقیت را فراهم کرد( بهرنگی ، ص 214).

### تفاوت خلاقیت با نوآوری<sup>۳</sup>

خلاقیت مورد علاقه روانشناسان و نوآوری مورد علاقه جامعه شناسان است (فرنودیان ، 1370 ، ص 6). البته ظاهراً مفاهیم خلاقیت و نوآوری مشابه هم به نظر می رسند حقیقت نیز چنین است هر دو مفهوم ارتباط نزدیکی به هم دارند چرا که هر دو به ایجاد ایده و پدیده جدید معطوف هستند با این تفاوت که خلاقیت به عنوان عامل فردی ، ذهنی و درونی ، ریشه نوآوری محسوب می شود. به عبارت دیگر نوآوری مرحله کاربردی و محصول نهایی خلاقیت است. چنانچه نتیجه خلاقیت به صورت یک محصول ، خدمات و روش انجام کار جدید تجلی یابد نوآوری ظاهر شده است. بنابراین خلاقیت خمیرمایه و جوهره نوآوری محسوب می شود . به عبارت دیگر ، درخلاقیت اطلاعات جدید بدست می آید و در نوآوری آن اطلاعات به صورتهای گوناگون در بازار عرضه می شود. با این حال ممکن است خلاقیت افراد به مرحله ظهور نرسد اما درهرحال افراد نوآور خلاق محسوب می شوند بنابراین نوآوری اعم از خلاقیت است. یعنی در فرآیند خلاقیت اطلاعات به دست می آید و در نوآوری ، آن اطلاعات به صورتهای گوناگون عرضه می شود. از این منظر است که اهمیت ایجاد بستر و شرایط بروز خلاقیت بسیار مهم و حیاتی به نظر می آید . تئودور لویت استاد دانشگاه هاروارد در خصوص تفاوت خلاقیت و نوآوری می گوید " خلاقیت اندیشیدن به چیزهای جدید و نوآوری انجام دادن کارهای جدید است ". در حالیکه تعداد افراد خلاق اغلب به تعداد زیاد وجود دارند تعداد افراد نوآور کم است و در نتیجه نظریه های افراد خلاق از آنجائیکه مورد استفاده قرار نمی گیرند ، بی فایده می ماند . پیترز و واترمن در کتاب " به سوی بهترین ها " اذعان می کنند " قهرمان نوآور ، یک فرد رویایی و یا یک غول روشنفکر نیست ، او می تواند دزد نظریه ها باشد بدین

---

1 - William Cordon

2 - Invention

3 - Innoovation

معنی که نظریه دیگران را بگیرد و آنرا به مرحله عمل درآورد (موید نیا، 34). روزنفلد<sup>1</sup> (1991) معتقد است خلاقیت نقطه شروع هر نوآوری است وی معادله زیر را برای توجیه رابطه خلاقیت و نوآوری پیشنهاد نمود.

(انتفاع + اختراع = مفهوم نوآوری)

## ارتباط خلاقیت با هوش<sup>2</sup>

در بحث ارتباط و یا تفاوت هوش و خلاقیت باید گفت عملکرد افراد خلاق در آزمونهای هوش چندان قابل توجه نیست. ظاهراً علت این امر روشن است آنها در واقع هنجارهای آزمونهای هوشی را قبول ندارند و از پاسخ دادن به آنها امتناع می کنند و بیشتر کار فردی را قبول دارند تا کار گروهی (مینا کاری، 1368، ص 78). برای آنکه تفاوت هوش و خلاقیت را در یابیم فرض می کنیم کسی که هواپیما را اختراع نموده است خلاقیت داشته است اما کسی که خلبانی را خوب یاد گرفته است با هوش است. شاید عموم مردم چنین تصور نمایند که خلاقیت همان داشتن هوش و استعداد بالا است در حالیکه چنین نیست. تورنس (1963) اذعان می کند تمام پژوهشگران مربوط، اتفاق نظر دارند که خلاقیت متفاوت از آن چیزی است که به عنوان توانایی هوشی شناخته شده و با تستهای مخصوص سنجیده می شود (سایت اینترنتی تی سی رکورد، ص 1). جوهره اصلی خلاقیت عبارت از یک گرایش به نوع فعالیت فکری است نه صرفاً داشتن هوش سرشار. خلاقیت اساساً ربطی به هوش بالا ندارد بعبارت دیگر افراد با هوش الزاماً دارای خلاقیت نیستند. چه بسیارند کسانی که در محیط زندگی ما قرار دارند و از هوش و استعداد شگرفی برخوردار هستند لکن از ارائه هر نوع راه حل نو به مسائل و مشکلات عاجز هستند آنها فقط قادرند راه حل‌های قدیمی و موجود را بیابند و میل چندانی به یافتن پاسخ های احتمالی و نو ندارند حفظ متون بلند، فرمولها و بیان عین آموخته ها بدون کم و کاست، نمونه فعالیت ذهنی این قبیل افراد است نیل به موفقیت اساسی ترین هدف و روش زندگی این قبیل افراد را تشکیل می دهد. البته این نوع استدلال نباید به معنی خلاق نبودن افراد مستعد تعبیر شود آنان نیز مانند سایر انسانها ممکن است خلاقیت داشته یا نداشته باشند. بدیهی است وجود خلاقیت در این قبیل افراد بواسطه برخورداری از زمینه مساعد هوش سرشار، اثرات شایان توجهی در پی داشته و هوشبهر بالا شانس خلق آثار شگرف و ایده های مهم تری را ایجاد خواهد کرد. بنابراین پیام مهم مطلب فوق این است که خلاقیت تنها ویژگی افراد تیز هوش و نوابغ نبوده بلکه متعلق به تمامی انسانهاست یعنی همه افراد معمولی بالقوه توانایی خلاقیت در حد خود را دارند.

تورنس و تورنس (1973)، پرنز (1963) دی بنو (1970) فلدهیوسن و کلینکن برد (1986) در تحقیقات خود نشان داده اند که خلاقیت با شدت کم یا زیاد بصورت بالقوه در همه انسانها وجود دارد (سام خانیان، 1381، ص 30). البته بدون داشتن حدی از هوش متوسط نیز نباید انتظار کارکرد و گرایش خلاقانه قابل توجهی از فردی داشت. باین حساب افراد کم هوش و عقب مانده ذهنی تا حدود زیادی از مقوله بحث ما خارج خواهند بود. تورنس (1967) در طی تحقیقات خود دریافت که وقتی بهره هوشی پائین تر از حد معینی است خلاقیت نیز محدود است در حالی که فراتر از این حد (بهره هوشی 120 الی 115). خلاقیت تقریباً بعد مستقلاً پیدا می کند مفهوم این یافته آن است که داشتن حدی از هوش برای بروز خلاقیت شرط لازم (نه کافی) است براین اساس نظریه

1 - Rosenfeld

2 - Intelligence

آستانه ای همبستگی بین هوش و خلاقیت در ادبیات تئوریهای تورنس وارد شده است ( کفایت ، 1373، ص 92 و 93 ) . تورنس با مرور مطالعات موجود به این نتیجه رسید که همبستگی میان خلاقیت و هوش هنگام استفاده از آزمونهای کلامی 20٪ و هنگام استفاده از آزمونهای غیرکلامی 6٪ است نهایتاً وی همبستگی 16٪ را برای دو عامل هوش و خلاقیت ذکر کرد ( حسن زاده ، 1383، ص 41). تحقیق کلاسیکی که گتزلس<sup>1</sup> و جکسون<sup>2</sup> انجام دادند موید آن است که تا ضریب هوشی 120 ، خلاقیت و هوش همبستگی نزدیک دارند ، لیکن از آن پس ، این دو از هم فاصله می گیرند یعنی هوش تنها پیش نیاز خلاقیت می شود (قاسمی ، 1386، ص 71). طبق نظر لفرانسوا (1995) در مجموع می توان گفت که هوش بالا به منزله خلاقیت بالا نیست ، اما کم هوشی می تواند مانع خلاقیت باشد ( حسن زاده ، 1383، ص 4).

جالب توجه است بنا به تحقیقات صورت گرفته اکثر کارهای خلاق توسط افرادی انجام شده که در کودکی نه تنها به عنوان نوایغ شناخته نشده اند و حتی گاها تنبل نیز بوده و عملکرد تحصیلی و اجتماعی بسیار ضعیفی داشته اند. مثلاً لوئی پاستور کاشف عامل میکرب به عنوان یکی از نوایغ و خلاقان مشهور جهان ، در آموزش درس شیمی در مدرسه مشکل جدی داشته است . یا اینکه انیشتین در دوران کودکی مورد شماتت و استهزاء معلم خود واقع بوده است بطوریکه در مورد او ذکر شده است که معلم به مادرش گفته بود " این کودک مثل سگ تنبل است هیچ چیز از او ساخته نیست " ( میناکاری ، 1368، ص 80). انیشتین در نوشته های خود با تعدیل این معنا به نوعی عادی بودن خود را از نظر داشتن هوش و استعداد تصریح می نماید " من دارای استعداد و قریحه خاصی نیستم فقط حس کنجکاوی شدیدی دارم " . مخترع مشهور جهان توماس ادیسون (1903) معتقد بود 99 درصد نبوغ را تلاش و عرق ریختن و 1 درصد آنرا استعداد تشکیل میدهد . بنا بر این وجود هوشبهر متوسط و بالا در بروز خلاقیت بیشتر شرط لازم است تا شرط کافی و ماهیت خلاقیت بیشتر اکتسابی است تا فطری . نتیجه علمی و عملی دریافت این حقایق از سوی دانشمندان واقعا برای همه ، بخصوص دست اندرکاران تعلیم و تربیت و مدیران جامعه هیجان انگیز و جالب خواهد بود بدین معنی که با فرض داشتن حد متوسطی از هوش می توان شرایط رشد خلاقیت و نوآوری را در دانش آموزان تقویت کرد پس امکان تاثیر گذاری عوامل محیطی و اکتسابی در این امر بسیار مهم است که امکان دخل و تصرف را نسبت به عوامل ارثی آسان تر می نماید . فرض شمرده می شود چنین هدف بسیار ارزشمند می تواند در سرلوحه برنامه ریزیها و اقدامات حمایتی والدین ، مربیان و مدیران مراکز آموزشی قرار گرفته و زمینه های رشد و پیشرفت جامعه را فراهم آورد. فرض مخالف بصورت دخل و تصرف در توارثی بودن زمینه خلاقیت حقیقتاً بسیار مشکل می نماید چرا که دخل و تصرف در برخورداری از یک موهبت مادرزادی در اغلب موارد بسیار مایوس کننده است تصور زحمات و هزینه های کم نتیجه والدین کودکان عقب مانده ذهنی می توتند شاهد این مدعا باشد. با وجود این همه امکانات و پیشرفت های علمی، متخصصان تا چه اندازه می توانند عملکرد رفتاری و فعالیت ذهنی عقب ماندگان ذهنی را بهبود بخشند ؟

در سال 1920 میلادی گروهی از محققان در ایالت کالیفرنای امریکا برای پیگیری یافتن ارتباط هوش و خلاقیت تحقیقات دامنه داری انجام دادند آنان پس از ارزیابی هوشبهر هزاران دانش آموز ، صدها نفر پراستعداد را شناسائی نمودند پس از پنجاه سال دوباره وضعیت افراد شناسائی شده بررسی گردید که در کمال تعجب مشاهده

---

1 - Getzels

2 - Jackson

شد هیچکدام از آنان نه تنها خلاقیتی نداشته اند بلکه مشهور هم نشده بودند. تحقیقات کاکس و تولمن نشان داد اغلب نوابغ برجسته و خلاقان مشهور دنیا ضرورتاً هوشبهرهای بالائی نداشته اند. آنان دریافتند در سطح هوشبهر 100 تا 130 همبستگی معنی داری بین هوش و خلاقیت وجود دارد لکن پس از آن گاهش می یابد درعین حال اغلب آنان وضع تحصیلی و آموزشی خوبی هم نداشته اند و بعضاً تنبل هم بوده اند. نشان دادن علائم زودرس از پیشرفت فوق العاده در درس و زمینه خاص، همواره نوید بخش روشن شدن چراغ ابداع و نوآوری اغلب افراد خلاق بوده است یعنی آنان در سنین خیلی پائین تر از همسالان خود علائم پیشرفت را از خود بروز داده اند این علائم در واقع نشانه های پیشگویی ظهور خلاقیت آنان بوده است. مثلاً پاسکال وقتی یازده سال داشت قوانین اصلی هندسه را می شناخت.

مطالعات تکمیلی و دقیق تر اخیر نشانگر آن است که در حقیقت هیچ خلاقیت آشکاری نیست که با هوشبهر حداقل 120 همراه نباشد. افرادی که هوشبهرهای بالاتر از حد متوسط دارند معمولاً درآزمونهای خلاقیت نیز نمره های بالایی می گیرند اما از سطح هوشی معینی به بالا (مثلاً در سطح هوشبهرهای بالاتر از 120) رابطه بسیار ناچیزی بین هوش و نمره های خلاقیت وجود دارد یعنی در هوشبهرهای بالاتر همبستگی بطور ناگهانی گاهش یافته و این دو، بعد مستقلی می یابند (حسن زاده، 1383، ص 41). چه بسیار افرادی که با هوشبهرهای بسیار بالا در آزمونهای خلاقیت نمره های بسیار پایینی دارند و از سوی دیگر افرادی نیز وجود دارند که از هوش مختصر بالاتر از حد متوسط دارند اما در آزمونهای خلاقیت نمره های بسیار بالایی بدست می آورند. براین مبنا برخی از متخصصان از جمله تورنس یک "الگوی آستانه ای" از خلاقیت ارائه کرده اند طبق این الگو میزان هوش فرد باید از حد معینی بالاتر باشد تا بتواند آثار خلاقیتی در رشته خود بوجود آورد بنابراین در مورد تواناییهای مختلف، آستانه هوش لازم برای ایجاد دستاوردهای خلاق متفاوت است مثلاً احتمال دارد که کشف یک اصل جدید در فیزیک یا ریاضیات نظری مستلزم داشتن هوشبهر بالاتری باشد تا نوشتن یک داستان کوتاه بدیع (هلیگارد، 1983 ص 55).

گیج و برلاینر (1988) بسته به اینکه فرد دارای خلاقیت بالا یا کم و یا هوش بالا یا کم باشد، ویژگیهای زیر را برای آنان بیان می نمایند:

- 1- **خلاقیت بالا- هوش زیاد**: چنین افراد دارای قدرت کنترل کافی روی رفتار و آزادی عمل بوده و بسته به شرایط کودکانه و بزرگسالانه رفتار می کنند.
- 2- **خلاقیت بالا - هوش پائین**: چنین افرادی با خود و مدرسه تعارض شدید دارند بدین لحاظ احساس بی کفایتی و ناشایستگی می نمایند و در محیطهای بدون فشار عملکرد ایده آلی دارند.
- 3- **خلاقیت پائین - هوش بالا**: چنین دانش آموزانی را معتاد مدرسه می نامند این قبیل افراد تلاش مدامی برای کسب امتیازات تحصیلی دارند.
- 4- **خلاقیت پائین - هوش پائین**: این قبیل دانش آموزان، شانس عرضه توانائی تحصیلی و رفتارهای اخلاقانه نداشته لاجرم برای عادت کردن به مدرسه، دست به فعالیتهای دفاعی می زنند مانند فعالیت زیاد ورزشی (حسن زاده، 1383، ص 42 و 43).

ظواهر در طبقات اقتصادی - اجتماعی پائین، در بین کودکانی که کمتر از 10 سال دارند همبستگی معنی دارتری بین هوشبهر و خلاقیت وجود دارد. در مجموع نتیجه تحقیقات و مشاهدات علمی نشان داده است بین آزمونهای خلاقیت و آزمون های هوشی همبستگی شدیدی وجود ندارد. بنابراین نتیجه گرفته می شود این آزمونها چیزهای متفاوتی را می سنجند. وجود افراد تحصیل کرده و با هوش که عملاً هیچ ابتکار و خلاقیتی ندارند شاهد این ادعا هستند. از نظر نوع تفکری که جریان خلاقیت و عملکرد هوش را پشتیبانی میکند تفاوت اساسی وجود دارد بطوریکه هوش تا حدود زیادی متکی بر تفکر همگرا و خلاقیت عمدتاً متکی بر تفکر واگرا می باشد (برونو، 1370، ص 82).

مساله گشایی معمولاً دو مرحله دارد: 1- بررسی راه حلها ی گوناگون 2- انتخاب مناسبترین راه حل. مرحله نخست یعنی بخاطر آوردن راه حلها ی ممکن یا ابداع راه حلها ی جدید را تفکر واگرا نامیده اند چون در این مرحله افکار فرد در جهات متعدد و متنوعی سیر می کند. مرحله دوم، یعنی کاربرد دانش و قوانین منطق برای کاستن از تعداد راههای ممکن و تمرکز بر مناسبترین راه حل را تفکر همگرا نامیده اند (هلیگارد، 1983، ص 54). تفکر همگرا شیوه ای برای حل مسائل است که در آن فقط یک پاسخ بهترین جواب است درحالیکه در خلاقیت شیوه ای از تفکر واگرا مورد استفاده است که در آن چندین پاسخ هم ارز برای حل یک مسئله وجود داشته باشد. البته چنین برداشتی نباید به اثبات تضاد و مغایرت اساسی این دو نوع تفکر منجر شود یعنی آن دو لزوماً متضاد هم نیستند ترکیبی از دو نوع تفکر مذکور در بسیاری از فعالیتهای زندگی مورد استفاده قرار میگیرد. در تمامی کارهای خلاقانه بویژه کارهای خلاقانه عالی تر نیز لاجرم ترکیبی از هر دو نوع تفکر مورد استفاده است لکن در امر خلاقیت تفکر واگرا<sup>1</sup> و در امر هوش تفکر همگرا<sup>2</sup> غالب است. در زمینه کارهای خلاقانه عالی ترکیبی موفق از تفکر همگرا و واگرا وجود دارد (برونو، 1370، ص 82).

افراد باهوش طبق آموزشهای قبلی شیوه های قالبی و تعیین شده ای را برای حل مسئله ارائه نموده، فرمولها، جزئیات و حتی چهارچوب هارا دقیقاً رعایت میکند درحالیکه افراد خلاق اغلب متعهد صرف به آن چیزها نبوده بلکه خود در پی یافتن راههای ابتکاری و جدید هستند. افراد خلاق کاربردهای بدیعی برای استفاده از یک قالب آجر ارائه میدهند مثلاً با گرم کردن آن می توانیم رختخواب خود را گرم کنیم یا از آجر می توان بعنوان اسلحه استفاده گرد و یا اینکه آجر می تواند تکیه گاه قفسه باشد (هلیگارد 9838، ص 55). ناگفته نماند همواره مشکلات مربوط به سازگاری و تحمل افراد خلاق از سوی مربیان و مدیران و حتی والدین بشتر خواهد بود.

### خلاقیت و عملکرد نیمکره های مغز<sup>3</sup>

دو نیمه نامتشابه مغز کارکردهای کم و بیش متفاوتی دارند. بنا به پژوهشهای انجام یافته، وقتی فرد مشغول تحلیل منطقی و تفکر کلامی است نیمکره چپ مغز مسلط می شود و وقتی فرد مشغول تجسم فضایی و سایر فرآیندهای ذهنی است که شامل کارکردهای غیر کلامی می شود نیمکره راست مغز مسلط می شود ... تا چندی پیش هنوز وظایف مختلف و اختصاصی دو نیمکره مغز درک نشده بود. با پژوهشهای راجراسپری و دستیارانش در

1 - Divergent thinking

2 - Convergent thinkig

3 - Cerebral hemispheres function

انیستیتو تکنولوژی کالیفرنیا در دهه 1960، کشف شد که اشخاص دارای مغز دو نیم شده انواع تفاوت‌های موجود در کارکرد نیمکره‌های چپ و راست را که پیشتر گفتیم نشان می‌دهند (برونو، 1370، ص 252) مطالعاتی که با افراد دو پاره مخ صورت گرفته، تفاوت‌های چشمگیری را در کارکرد فرآیندهای عالی ذهنی<sup>۱</sup> و دو نیمکره مخ به روشنی نمایان ساخته است عملکرد اختصاصی یا ترکیبی نیمکره‌های مغز در برخی فعالیت‌های ذهنی مثل خلاقیت همواره یکی از مباحث پیچیده و درعین حال جالب متخصصان حوزه علوم رفتاری از جمله روانشناسان، نورولوژیست‌ها و... بوده است. تحقیقات آزمایشگاهی اورنستین<sup>۲</sup> (1972) نشان داد موج نگاره‌های الکتریکی مغز<sup>۳</sup> (EEG=نوار مغزی) گرفته شده موید افزایش فعالیت الکتریکی نیمکره چپ در جریان انجام یک تکلیف کلامی است، درحالی که در جریان انجام یک تکلیف فضایی فعالیت الکتریکی نیمکره راست افزایش می‌یابد. نیمکره چپ فرمانروای توانائی ما در بیان کلامی و محاسبات ریاضی است. فرض کلی برای این است که سمت چپ مغز اطلاعات را بطور خطی، منطقی، تحلیلی و متوالی پردازش می‌کند و اساسا با اطلاعات شفاهی مثل گفتار، خواندن، نوشتن و محاسبه سروکار دارد و بر جزئیات تمرکز داشته، در درک تفاوت‌ها و تمایزها غالب است. نیمکره راست اطلاعات را بطور غیر خطی، از طریق درک مستقیم (شهودی) و بطور همزمان پردازش نموده و با اطلاعات تصویری، شنوایی، عصبی و عاطفی مثل موسیقی، فعالیت‌های هنری، تصویرسازی ذهنی<sup>۴</sup>، رویا و درک طرح‌های غامض هندسی سروکار دارد و ادراکات آن کل نگره‌ هستند، همچنین از یک حس بسیار پیشرفته برای ادراک فضایی و طرح‌ها برخوردار است (اتکینسون و اتکینسون و هلیگارد 1983 ص 91 و 92) در مورد تفکر خلاق عملا هر دو نیمکره مغز می‌تواند دخیل باشد چرا که عملا یک فرد خلاق ایده آل کسی است که بتواند وظایف اختصاصی هر دو نیمکره را ست و چپ را به نحوی مکمل ادغام نموده و مورد استفاده قرار دهد. با این حال اگر در پی پاسخ مشخص تر باشیم باید بگوئیم شواهدی که بر اساس مقدار زیادی اطلاعات روان سنجی قرار دارد حاکی از آن است که در انواع متعددی از آزمون‌های تفکر خلاق، بزرگسالان نرمال که در وظایف مغزی نیمکره راست تخصص دارند تقریباً بدون استثناء از افرادی که شیوه ادغام تفکر دو نیمکره را بکار می‌برند، پیشی می‌گیرند (تورنس، 1979، ص 155). دانشمندان در دانشگاه درکسل فیلادلفیا مغز را در لحظه‌ای که ایده نابی به آن می‌رسد مورد تحقیق قرار دادند. در این آزمایش از دو گروه داوطلب استفاده شده بود. یک گروه از این داوطلب‌ها را منتظر گذاشتند تا به آنها یک معما داده شود. وقتی که معما داده شد از آنها خواستند بگویند وقتی که معما را حل کردند آیا یکباره به ذهن آنها خطور کرده است یا برای انجام آن فکر کرده اند. دانشمندان با آزمایش مغز این افراد متوجه شدند سمت راست مغز آنها به شدت درگیر است، بخصوص بخش از مغز که مسئول دیدن است (روزنامه همشهری مورخه 1388/02/22، ص 24).

---

1 - Higher mental proesses

2 - Ornstein

3- Electroencephalogram ( EEG )

4 - Imagery

5 - Holistic

دیدگاه‌هایی که تفاوت‌های فردی در شبکه‌های شناختی و توانایی‌های ذهنی را براساس کارکردهای اختصاصی نیمکره‌های مغز تبیین می‌کند به اندازه کافی جذاب و جالب به نظر می‌رسند اما واقعیت این است که این فرضیات بیشتر بر حدس و گمان متکی هستند تا شواهد تجربی (براهنی و دیگران، 1366، ص 92). یکی از مشهورترین نظریه‌ها در زمینه ارتباط عملکرد نیمکره‌ها و بخش‌های خاص مغز با تفکر و عملکرد خلاق نظریه هرمان است نظریه او به مفهوم تسلط مغز مشهور است وی ساختمان مغز را به چهار قسمت A-B-C-D تقسیم و اعتقاد داشت افراد به یک اندازه و به یک شیوه از نیمکره‌ها و قسمت‌های چهارگانه مغز استفاده نمی‌کنند افراد نیمکره‌های مغز مسلط و غالب دارند که شامل فعالیت‌های خاص حسی، حرکتی و تحلیلی و... است اما در مورد تفکر و عملکرد خلاق نمی‌توان از نیمکره خاص صحبت کرد به نظر او هیچ یک از قسمت‌های مغز به تنهایی کامل و خلاقانه عمل نمی‌کند بلکه این نقش مربوط به تمامی مغز است مگر هنگامی که با ورودی از دیگر قسمت‌ها، تحریک یا حمایت شود (حسن زاده، 1383، ص 30).

### ویژگی‌های شخصیتی<sup>۲</sup> و خصوصیات افراد خلاق

محققین سرشناس آزمایشگاه روانسنجی دانشگاه کارولینای شمالی آمریکا از جمله تی.جی. تورستون و جی. جی. میلنجر (1954) طی پروژه‌ای مشترک با دانشگاه شیکاگو که قصدشان ساخت یک آزمون معتبر برای سنجش خلاقیت (CREE) پرسنل شرکت عظیم جنرال موتورز و شناخت افراد خلاق و غیر خلاق بود دریافتند: افراد خلاق، کار منظم و سیستماتیک را دوست ندارند، کم حوصله بوده، از گوش دادن به سخنرانی در رنج هستند، بی‌قرار و ناآرام می‌باشند، در بیان عقاید خود صراحت دارند، اهل مطالعه هستند اما نه برای حل مشکلات، تمایلات هنری مشخصی دارند، وقت زیادی در بیرون از منزل سپری نمی‌کنند، از مشکلات نمی‌هراسند، نگرانی کمتری از آینده دارند، تحت شرایط فشار بهترین ایده‌ها را ارائه می‌دهند (کرمی، 1385، ص 5). مردم کنجکاو هرگز خسته نمی‌شوند برای آنها زندگی یک پژوهش پایان‌ناپذیر است (رابینز، 1991). اقلیت خلاق مثبتند آنان کسانی هستند که در میان تردیدها و نوسان‌ها، جرعه امید و خوش بینی را روشن نگه می‌دارند اقلیت خلاق به پیشرفت فرهنگ معتقد بوده و تحرک افزون تری به چرخ‌های تاریخ، توسعه و ترقی جامعه و بشریت می‌دهند (سوری، 1374، ص 238). افراد خلاق خود را مقید می‌شمارند تا از حد انتظاری که دیگران از آنها دارند فراتر روند (بیچر، 1880). از نظر افراد خلاق هرگز زمان برای نیل به هدف محدود نیست (الیوت). این جملات تنها گوشه‌ای از اظهار نظر صاحب‌نظران در مورد خصوصیات افراد خلاق است. برخی از روانشناسانی مانند تایلور و بارون<sup>۳</sup> (1963) کوشیده‌اند خلاقیت را با ویژگی‌های شخصیتی مشخص سازند آنان ویژگی‌های بارزی چون استقلال عمل، نسبی‌گرایی، اذعان به اشتباه، میل به پیچیدگی و تازگی و شوخ طبعی را برای خلاقان برشمرده‌اند (کفایت، 1373، ص 66 و 67). استیز<sup>۴</sup> نیز سلامت روانی، انعطاف‌پذیری، ترجیح پیچیدگی،

1 - Hermann

2 - Personality traits

3 - Taylor & Borron

4 - Estiz

استقلال رای و قوه ابتکار را از جمله خصوصیات خلاقان بر شمرده است ( سیدعامری ، 1381، ص 100). افراد خلاق حتی از دوران کودکی معمولا خصوصیات شخصیتی و رفتاری متفاوت ، جالب و گاه عجیب دارند . مطالعه در احوال دانشمندان و هنرمندانی که دستاوردهای اصیل و مهمی در رشته هایشان داشته اند نشان میدهد که عوامل شخصیتی نظیر استقلال در قضاوت ، برخورداری از انگیزه پیشرفت ، ابتکار عمل و بردباری در برابر ابهامات از جمله شرایط مهم در دستیابی به کشفیات خلاق هستند ( هلیگارد ، 1368، ص 55 و 56).

ممکن است وجود این ویژگیها موجب برداشت منفی و تطابق مشکل فرد در محیط خانه ، مدرسه ، دانشگاه ، سازمان و ... شود. سیستم تربیتی خانواده و آموزش پرورش معمولا الگوی پیروی از مدل های تعیین شده در آموزش مفاهیم و مهارتها را توصیه و ترجیح میدهد و از فرد انتظار دارد بر طبق باورها و شیوه های رایج ( بصورت قالبی ) در محیط رفتار نموده و فردی شبیه دیگران به بار آید. هنجارها را رعایت و از جریان عادی زندگی خارج نشود . دریافت و بازپس دادن استاندارد آنچه در قالب کتابهای درسی و برنامه های تربیتی تدوین شده مطلوب اکثریت والدین ، مربیان ، مدیران و حتی کودکان است که کمال نیل به آن مترادف موفقیت شمرده می شود. وجود سیستم سرفصل ، کتابهای معین ، نظم و انضباط ، یکنواختی در رفتار ، ارزیابی و نمره دهی و... مصادیق آن هستند. اما کودکان و افراد خلاق به سختی در این چهارچوبها و قالبها قرار میگیرند. مفهوم انضباط ، ارزیابی و حتی موفقیت تحصیلی و شغلی و نهایتا خوشبختی در نظر آنان چیزهای متفاوتی هستند بنابراین ممکن است چنین دانش آموزانی زیاد درس خوان نبوده و نمرات خوبی هم نداشته باشند و همواره با مشکل سازگاری در خانه ، مدرسه و سازمان مواجه باشند . والدین ، مربیان ، مدیران و... همه متفق القول هستند که تحمل افراد خلاق واقعا سخت است. بنا براین هیچ چیز بدتر از تحمل گروهی از افراد خلاق نیست . ممکن است تصور شود در چنین جمعی ظرفیت های مثبت مربوط به خلاقیت به ایجاد فضای مناسب کمک کند، اما چنین نیست نتایج تحقیقات نشان میدهد در جمع افراد خلاق ، ابراز مخالفت با همدیگر و میل به آزار و اذیت نیز زیاد است. بنابراین مشکل سازگاری و تحمل سخت تر خواهد بود. برای مثال دانش آموز خلاق برعکس دانش آموز پر استعداد تا حد زیادی احساس بدبینی معلم را برمی انگیزد هرچند عمدتا چنین احساسی بواسطه داشتن بار اخلاقی و مسئولیتهای حرفه ای از سوی معلم انکار می شود. چنین نتیجه مهمی از اجرای پرسشنامه ها و آزمونهای مختلف در زمینه هوش و خلاقیت بدست آمده است . معلمان در هر صورت ارزیابی مثبت تری در مورد دانش آموزان با هوش نسبت به دانش آموزان خلاق دارند . علت موضوع چه چیزی می تواند باشد ؟ کودکان باهوش و پر استعداد معمولا در پی همسانی با معلمان خود هستند ولی کودکان خلاق اصولا دنبال همسان شدن با کسی نیستند و چه بسا روحیه مخالفت با معلم نیز در آنان وجود داشته باشد .

در نمونه ای از آزمونهای مربوط به خلاقیت یک سری کارت بدون نوشته که شامل صحنه ها هستند به افراد نشان داده شده و از آنها خواسته می شود سناریو و داستانی برای موضوع طراحی نمایند . در افراد تیز هوش پاسخ ها کم و بیش شبیه هم بوده و برداشت واقع بینانه از صحنه ارائه می شود اما در افراد خلاق معمولا پاسخها متفاوت و دارای جنبه های بدیع و نو می باشند.

داشتن روحیه شوخ طبعی و رفتارهای شاد از ویژگیهای عمومی دیگر افراد خلاق است. آزمونهای مربوط به صفت شوخ طبعی را جزو رتبه سوم خلاقان و همین صفت را در رتبه نهم تیزهوشان ارزیابی می نماید . خلاق ها با



نتیجه گیریهای غیر عادی و خنده دار از هر موضوعی ، فضای شاد و هیجان انگیزی برای خود و دیگران ایجاد می کنند. شوخ طبعی فرآیندهای فیزیولوژیک ، روانی و اجتماعی را ادغام یا سنتز می کند . بنابراین توانایی ایجاد شوخی و مزاح یا داشتن توانایی شوخ طبعی ویژگی مهم افراد خلاق است . بدون شوخی ، زندگی برای غالب مردم غیرقابل تحمل است. برای بسیاری از مردم شوخ طبعی یک راه بقاء و یک نیروی شفافبخش است ... بسیاری از پژوهشگران حل خلاق مسائل یادآور شده اند که جرعه راه حل های موفقیت آمیز از طریق شوخ طبعی زده شده است ( تورنس ، 1979، ص 241).

خیالپردازی نیز چون شوخ طبعی کارکرد بسیار مثبت در رشد خلاقیت دارد نیجه معتقد بود حذف خیالپردازی مساوی با مرگ انسان است و یا سامرست موام تاکید داشت الهام پایه واساس تفکر خلاق است. در واقع آنچه امروز خیالپردازی به حساب می آید ممکن است فردا تحقق یابد .

صاحبزنان زیادی وجود دارند که علاقمند ذکر ویژگیهای شخصیتی افراد خلاقیت هستند استینر(1965) بارون ( 1969) و باربارکلارک ( 1979) از جمله آنان هستند. در سالهای میانی دهه 1980 توماس بکلی و دیوید بوید ، پس از مطالعه نوشته های مربوط به "روانشناسی خلاقیت"<sup>1</sup> "سرانجام توانستند پنج عامل زیر را به عنوان ابعاد مهم و عمومی زندگی افراد خلاق تعیین و ذکر نمایند که عبارتند از :

الف : نیاز به کسب موفقیت<sup>2</sup>: این قبیل افراد همواره در پی اهداف بلندپروازانه و موفقیت هستند.

ب : خود کنترلی<sup>3</sup>: زندگی و سرنوشت این قبیل افراد را نه شانس ، بلکه اراده و کنترل خود تعیین می کند.

ج : تحمل ریسک<sup>4</sup>: خطرکردن و ریسک نسبتا بیشتر از خصوصیات افراد خلاق است .

د : رویارویی با وضع مبهم<sup>5</sup>: برای افراد خلاق لازم نیست همه چیز برای اتخاذ تصمیمات و انجام کارها روشن باشد.

ه : رفتار نوع A: میل به دستیابی حداکثر نتایج ، حتی اگر مستلزم بی اعتنائی به اعتراضات دیگران باشد. یعنی داشتن سماجت و اعتماد به نفس زیاد( غنی زاده ، 1387 ، ص 63-62).

دراینجا با تاکید مجدد به این حقیقت که افراد خلاق واجد خصوصیات متفاوت و گاه متضاد با سایر افراد می باشند رئوس مهم ویژگیهای افراد خلاق را که در منابع مختلف آورده شده ذکر می کنیم :

- 1- میل به استقلال و خودپیروی 2- قدرت تخیل و رویا پردازی 3- مشورت با دوستان تا والدین 4- ارتباط نسبتا سردعاطفی با والدین 5- همانند سازی باغیر هم جنس 6- اجتناب از وقت گذرانی 7- میل به مطالعه،نقاشی وشعرگفتن 8- بی زاری ازدروسی مثل ریاضی 9- شوخ طبعی و بی نظمی نسبی 10 - ناسازگاری و تطابق مشکل 11- ابهام پذیری وتحمل پیچیدگی 12- پشتکار داشتن و فعال بودن 13 - تحمل ناکامیها وخستگی ناپذیری

---

1 - Creative psychology

2 - Need achivement

3 - Self control

4 - Tolerance for risk

5 - Tolerance for ammbiguity

14 - انگیزه درونی قوی 15 - ریسک پذیری و انعطاف 16 - اعتماد به نفس و جسارت 17 - بی اعتنائی به پاداش ، نام و نشان 18 - میل به ناشناخته ماندن 19 - بی میلی به تعریف و تمجید 20 - میل به آزادی و فرار از محدودیت 21 - مهارت کلامی قوی 22 - توجه به ارزشها نه قوانین 23 - نیل به دستاورد نه نتیجه و... (پیر خایفی ، 1377 ، ص 14 و 13) و (کولدري رو ، 2001 ، ص 8).

### تخیل بستر خلاقیت<sup>۱</sup>

توانایی انسان به ارائه ایده های نو و نیل به موفقیت نامحدود است . براین اساس بیان آلبرت انیشتین بسیار ارزشمند خواهد بود که "خیالپردازی مهم تر از حقایق است". خیال آدمی چون پرندۀ تیز پروازی است که می تواند با عبور از حصار زمان و مکان و محدودیت تجارب حسی ، بر فراز هر بلندی نشسته و آشیانه زیبایی در آن بسازد . ارتباط خلاقیت و تخیل را تقریباً تمام روانشناسان و محققین مربوط تاکید می نمایند این دو هرچند مقولات جداگانه ای هستند لکن چنان بهم پیوسته اند که تصور هرگونه خلاقیت بدون پشتوانه تخیل غیر ممکن می نماید . برخی از صاحب نظران تخیل دوران اولیه کودکی را عامل بروز و شکل گیری قوه خلاقیت می دانند . زیگموند فروید معتقد است تفکر خلاق شکل عالی تخیلات آزاد و بازیهای دوران کودکی است. بنابراین به زعم وی سرچشمه خلاقیت را باید در تجربیات دوره کودکی جستجو نمود . گستره خلاقیت هرچند می تواند در طول تمام عمر انسان پهن شده باشد. لکن روانشناسان نقطه اوج آنرا در حدود سی سالگی تصور می نمایند چه بسا در اکثر موارد بنا به فقدان شرائط مناسب محیطی ، گاهش انگیزه ، افزایش میزان رفتارهای محافظه کارانه و... از آن پس فروکش نیز می کند . بازی و نقاشی از مهم ترین عناصر بروز تخیل و خلاقیت کودکان به شمار می روند به وسیله آنها کودکان تفکرات و احساسات خود را بیان می کنند و شیوه های کشف و تسلط بر جهان را می آموزند .

جاندار پنداری<sup>۲</sup> کودکان خصوصیت ویژه و زیبایی است که از حدود 2 سالگی شروع و تا سنین 4 و 5 سالگی تداوم پیدا می کند و در سن ورود به مدرسه از بین می رود . در این حالت کودکان اشیاء بی جان مثلاً عروسک را با شعور و زنده می پندارند و چه بسا با آن انس گرفته و سخن می گویند و یا یک چوب دراز نقش اسب راهورای برای کودک بازی می کند . برنامه های کارتونی تلویزیون دقیقاً بر این اساس ساخته شده و مورد توجه و علاقه ویژه کودکان خردسال است . در این سنین قوه خلاقیت کودکان عمدتاً در بطن جریان جاندار پنداری شکل می گیرد تا اینکه بعدها مهارت های ارتباطی و استدلال آنها افزایش یافته و خلاقیت نیز متوجه زمینه های دیگر مثلاً بازیهای سازنده ( کشیدن نقاشی و ساختن چیزها با استفاده از خمیر ، گل ، آجر ، کاغذ ، تخته و...) می شود در واقع کشیدن هر نقاشی و درست کردن هرچیز نمود قوه تخیل و نشانه میزان خلاقیت کودک است . بنا به آنچه گفته شد تشویق و تقویت اشکالی از قدرت تخیل کودکان در خانه و مدرسه ، در حقیقت روشی است که منجر به رشد خلاقیت و نوآوری آنان می گردد . اهمیت موضوع را با بیان عالمانه سامرست موام متذکر می شویم که گفته است " تخیل و الهام پایه و اساس تفکر خلاق است " ( موید نیا ، 1384 ، ص 163).

---

1 - Creative bed

2 - Anemism

### خلافت در موج سوم

الوین تافلر ( 1980) یکی از مشهورترین نویسندگان و نظریه پردازان امریکایی ، در تبیین جهت و جریان تمدن بشری و آینده جوامع کتابی تحت عنوان " موج سوم " نگاشته و نظریه مهم علوم اجتماعی و سیاسی خود را در آن توضیح داده است . شالوده کتاب تافلر بر این اساس استوار است که تاریخ بشر تاکنون دو انقلاب را پشت سر گذاشته : انقلاب کشاورزی و انقلاب صنعتی . اکنون در آستانه سومین آن ، یعنی انقلاب الکترونیک قرار گرفته ایم . موج سوم نامی است که به همین انقلاب گذاشته شده است. عنوان انقلاب از آن جهت به این جریان اطلاق می شود همانطوریکه انقلاب صنعتی باعث ویرانی ساختارهای نظام کشاورزی شد انقلاب الکترونیک هم ساختارهای نظام صنعتی را متلاشی کرده یا خواهد کرد و بحران جهان کنونی نیز ناشی از این انتقال پرتنش است . در عصر حاضر هیچ چیز بدون تغییر باقی نخواهد ماند . آینده سیال است نه منجمد . آینده با تغییر و دگرگونی تصمیمات روزمره مان ساخته می شود و هر رخدادی بر رخدادهای دیگر اثر خواهد گذاشت ... بنا براین برخورد ما با مسائلی که در پیش داریم این خواهد بود به جریاناتی از تحول پردازیم که زندگی ما را بیشتر دگرگون می کند و روابط نهانی آنها را برملا سازیم و این کار را صرفا به این علت انجام نمی دهیم که این جریانات به خودی خود دارای اهمیت هستند بلکه بخاطر شیوه ای است که این جویبارهای تحول باهم تلاقی می کنند و رودخانه های وسیع تر و خروشان تر تحول را تشکیل می دهند که آنها هم به نوبه خود بهم می پیوندند و موج سوم را بوجود می آورند بنابراین خصوصیت بارز و مهم موج جدید همانا تغییرات ، تحولات و خلافت ها خواهد بود . موج سوم یک آرمانشهر عملی برای آینده است در آن تفاوت های فردی ، تنوع نژادی و فرهنگی و اهمیت خانه پذیرفته خواهد شد. چنین تمدنی ایستا نیست بلکه با نوآوری های خود دائما در حرکت است... قادر است علائق زیادی را برای خلافت هنری جلب کند... افراد و نهادها که به تنوع کم و تحول آرام عادت داشته اند به ناگهان خود را درگیر با تنوع بسیار و تحولات سریع می یابند . فشارهای متقاطع از حد توان آنها برای تصمیم گیری و عکس العمل خارج است . نتیجه آن " شوک آینده " است . برای ما فقط یک راه بیشتر باقی نمی ماند . باید خودمان و نهادهایمان را برای مقابله با واقعیات تازه از نو بسازیم . این قیمتی است که باید برای راه یافتن به آینده ای کارساز و انسانی پرداخت ... ( تافلر، 1980، صص 1، 179، 180، 495 و 499 ).

### خلافت به عنوان فرآیند<sup>۳</sup>

یکی از سوال های مهم در باره خلافت آن است که انسان های مختلف چگونه خلافت خود را بروز می دهند ؟ عده ای از پژوهشگران مثل می (1959) اندرسون ( 1959) والاس ( 1926) اتریک ( 1974) آلبرشت ( 1987) قائل به مرحله ای و فرآیندی بودن آن هستند. ممکن است چنین بپنداریم که ایده های نو به یک باره در ذهن ظاهر می شوند اما واقعیت امر چنین نیست بطور کلی ظهور هر ایده خلاقانه از یک فرآیند هفت گانه تبعیت می کند که عبارتند از :

---

1 - The third wave

2 - Future shock

3 - Process

- 1- آماده سازی<sup>۱</sup>: ذهن براساس تجارب و آموزشها چهارچوب بروز خلاقیت را فراهم می سازد.
  - 2- بررسی<sup>۲</sup>: ذهن برای درک روشنتر از ایده جدید و شناخت عناصر آن به تحقیق و بررسی می پردازد.
  - 3- تغییر<sup>۳</sup>: ذهن تفاوتها و شباهتهای اطلاعات مربوط را با استفاده از تفکر واگرا و همگرا شناسایی می کند.
  - 4- دوره کمون<sup>۴</sup>: ضمیر ناخودآگاه اطلاعات جمع آوری شده را برای مدتی راکد و سپس منعکس می کند.
  - 5- جرقه<sup>۵</sup>: ذهن با پردازش اطلاعات قبلی ، ایده جدیدی را شکل داده و ارائه می دهد. دانه در تائید این مطلب می گوید: "شعله های بزرگ ناشی از جرقه های کوچک است"
  - 6- تایید<sup>۶</sup>: فرد با آزمایش ایده جدید در یک مقیاس کوچکتر امکان عملی شدن آن را تجربه می نماید.
  - 7- اجراء<sup>۷</sup>: فرد نتیجه ایده خلاقانه و آزمایش عملی موفقیت آمیز خود را به مرحله اجرا می گذارد (همتی ، 1378، ص 18).
- دیدگاه دیگر که متعلق به آلبرشت ( 1987) است یک فرآیند پنج مرحله ای برای بروز خلاقیت به شرح زیر مطرح می نماید:
- 1- جذب<sup>۸</sup>: منظور توجه ویژه و شیفته شدن به یک موضوع است که اغلب نیازمند اطلاعات جدید است .
  - 2- الهام<sup>۹</sup>: منظور رخنه ناگهانی و سریع یک راه حل است که به ذهن می رسد و فرد " آهان " می گوید.
  - 3- آزمایش<sup>۱۰</sup>: منظور به مرحله اجراء گذاشتن ایده ها ست تا درستی و نادرستی آن معلوم گردد.
  - 4- پالایش<sup>۱۱</sup>: منظور ایجاد اصلاحات و تغییرات لازم در ایده جدید جهت کاربردی کردن آن است .
  - 5- عرضه<sup>۱۲</sup>: منظور وجود خریدار و مشتری برای ایده جدید است تا به جامعه عرضه گردد .

---

1- Prepration

2 - Investigation

3 - Variation

4 - Incubation

5 - Illumination

6 - Verification

7 - Implication

8 - ApSORption

9 - Inspiration

10 - Testing

11 - Refinement

12 - Selling

آلبرشت معتقد است که شخص خلاق، اطلاعات پیرامون خود را جذب و برای بررسی مسائل، رهیافتهای مختلفی را مورد بررسی قرار می دهد زمانی که ذهن فرد خلاق از اطلاعات خام انباشته شد بطور غیر محسوس شروع بکار می کند و پس از تجزیه و تحلیل و ترکیب اطلاعات، رهیافتی برای مسئله ارائه می کند (شهرآرا، مدنی پور، 1375، ص 41) البته مرحله سوم و چهارم نیازمند صرف وقت و انرژی زیادی است (سیدعامری، 1381، ص 94 و 95).

والاس<sup>1</sup> فرآیند خلاقیت را شامل مراحل زیر می داند (البته این دیدگاه تا حدودی شبیه دیدگاه کلی است که ابتداء شرح داده شد):

- 1- آمادگی<sup>2</sup>: شامل ایجاد توجه ویژه و تمرکز بر روی یک مسئله بمنظور حل آن است.
- 2- نهفتگی<sup>3</sup>: شامل غفلت موقتی و ناخودآگاه از مسئله است که به آن مرحله خواب روی مسئله<sup>4</sup> هم گفته می شود.

- 3- پافشاری<sup>5</sup>: شامل تلاش و درگیری جدی با مسئله که همراه با پشتکار و جمع آوری اطلاعات است.
  - 4- بصیرت<sup>6</sup>: شامل نیل ناگهانی به حل مسئله است که با تجزیه و تحلیل عوامل و ترکیب آنها ایجاد می شود.
  - 5- رسیدگی و ارزیابی<sup>7</sup>: شامل سنجش اعتبار، سودمندی و مطلوبیت ایده است چرا که هر نتیجه ای الزاماً مفید نیست (چاندن، 1997؛ سیدعامری، 1381، ص 96؛ حسن زاده، 1383، ص 36 و 37).
- استین (1962) فرآیند خلاقیت را شامل سه مرحله زیر می دانست:

- 1- فرضیه سازی: بر مبنای هدف انجام بهتر کار و ویژگیهای شخصیتی و عوامل شناختی انجام می گیرد.
- 2- آزمون فرضیات: بررسی عملی نتیجه بخش بودن یک ایده خلاق خصوصی به تجربه عمومی است.
- 3- انتقال نتایج: فرد با روش مناسب، نتایج بدست آمده را به دیگران انتقال می دهد (حسن زاده، 1383، ص 38).

البته نباید فراموش کرد اعتقاد به مرحله ای بودن جریان بروز خلاقیت، نباید ما را به خطای فرمولی بودن آن دچار سازد. این مراحل نه علمی است و نه عملی. بلکه به عنوان یک راهنما در درک چند مرحله ای بودن، حل خلاقانه مسائل می توان آنرا به کار برد (ازبورن<sup>8</sup>، 1381 ص 69).

---

1 - Wallas

2 - Preparation

3 - Latency

4 - Sleeping over problem

5- Persistense

6 - Insight

7 - Verification

8 - Ozborn

## خلاقیت استعدادی برای تمام عمر

شاید خیلی از افراد تصور می کنند خلاقیت استعدادی است که در سنین کودکی و جوانی بروز داده می شود اما تحقیقات صورت گرفته آنرا تأیید نمی کند. انسانها درطول عمر حتی بزرگسالی می توانند خلاق باشند. به عبارت دقیق تر بروز خلاقیت بیش از آنکه تابع "سن زمانی" باشد تابع "سن شغلی" است. مفهوم دقیق این مطلب، اهمیت درک شرائط محیطی را ایجاب می کند. یک قرن پیش پژوهش ها نشان دادند که دستاوردهای خلاق در اوایل بزرگسالی افزایش می یابد، در اواخر سی سالگی و اوایل چهل سالگی به اوج می رسد و به تدریج افت می کند. افرادی که خلاقیت را زود شروع کرده اند، زودتر به اوج و افول می رسند، در حالی که "افراد دیر شکوفا شده" در سنین بالاتر توان کامل خود را نشان می دهند. روند خلاقیت در رشته های گوناگون نیز متغیر است. برای مثال، نقاشان و موسیقیدانان معمولاً ظهور زودهنگام خلاقیت را نشان می دهند، شاید به این علت که قبل از اقدام به نوآوری به تحصیلات رسمی زیاد، نیازی ندارند. دانشمندان معمولاً دستاوردهای خود را دیرتر نشان می دهند، زیرا باید به مدارج عالیتري دست یابند و سالها تحقیق کنند تا خدمات ارزشمندی ارائه دهند (سیمونتون، 1991). در هر حال بروز خلاقیت محدود به سنین خاصی نیست. بررسی زندگی هنرمندان تجسمی مشهور 60 ساله و مسن تر نشان داده است که آنها کیفیت کار خود را به این صورت ارزیابی کردند که همواره در 40 تا 60 سالگی بهتر شده است... خلاقیت در میانسالی می تواند بیانگر انتقال از علاقه خودمحور به ابراز وجود، به سمت اهداف نوع دوستانه نیز باشد. بعد از اینکه افراد میانسال بر توهم جوانی که "زندگی می تواند مادام العمر باشد" غلبه می کنند، میل کمک کردن به بشریت و پرمایه کردن زندگی دیگران، بیشتر می شود (داکی، 1989). این تغییر می تواند تا اندازه ای سبب افت کلی بازدهی خلاق در میانسالی باشد. (سید محمدی، 1385، ص 135 و ص 237).

## نقش ویژه مدارس<sup>1</sup> در پرورش خلاقیت

حسب نظر افلاطون وظیفه مهم آموزش و پرورش و مدارس تبدیل "بودنهای محدود" انسان به "شدنهای نامحدود" است همچنین سقراط هدف آموزش را در ایجاد نیاز به دانستن، نه ارائه دانسته ها تلقی می کرد (موید نیا، 1384، ص 168). مفهوم این سخنان تأیید وجود استعداد فراوان ظاهراً پوشیده در ذات انسان است. در دنیای امروزی، مسئولیت خطیر این فرآیند در درجه اول متوجه مدارس می باشد. "پرورش استعدادها و کمک به تقویت خلاقیت" جزو اهداف رسمی و سیاستهای تعریف شده وزارت آموزش و پرورش کشورمان است. در اصل 25 کلیات نظام آموزش و پرورش مصوب شورای تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش (1367) تحت عنوان پرورش توان تفکر، نقد و ابتکار آمده است:

"در تدوین و اجرای برنامه های آموزشی و پرورشی باید از شیوه هایی استفاده شود که توان تفکر، تحلیل، نقد، تحقیق، ابتکار و خلاقیت را تقویت کند و زمینه مناسب برای خودآموزی دانش آموزان را فراهم نماید. برنامه ریزی درسی باید بگونه ای باشد که به دانش آموزان مجال تفکر داده شود و آنان را به اندیشیدن و تفکر ترغیب

نماید ... تعلیمات باید بگونه ای باشد که در دانش آموزان رشد فکری و قوه تجزیه و تحلیل را تقویت کند ... در تنظیم محتوی و مواد درسی و تدریس باید از شیوه های استفاده شود که متکی بر مشارکت فعال دانش آموزان در درس و بحث باشد و به آنان فرصت کافی جهت ارائه یافته های خود ، راه حل های مختلف برای حل مسائل و شیوه های ابتکاری داده شود ... و از جاذبه اینگونه فعالیتها جهت پرورش روح، تفکر و تحقیق در دانش آموزان استفاده شود ... در برنامه های تربیت معلم ، روشهای پرورش استعداد ، ابداع و خلاقیت به معلمین در مراحل مختلف تحصیلی تعلیم داده شود " ( کفایت ، 1373 ، ص 4). شانس مدرسه به ویژه مقطع ابتدائی از آن جهت است که سنین مهم خلاقیت ( 7 تا 11 سالگی ) را در برمی گیرد (سایت اینترنتی آفتاب ، 1387 ، ص 2) . بدیهی است اصولا مدارس باید مسئولیت اجرای این اهداف و سیاستها را به عهده داشته باشند. اینکه ساختار، برنامه ها و روشهای جاری در سازمان آموزش و پرورش تا چه حد با آن هماهنگ و سازگار است موضوع تا حدود زیادی زیر سوال است . تلقی عمومی متخصصین و کارشناسان موید ناکارآمدی سازمان آموزش و پرورش در این راستا می باشد بطوریکه کمتر خوش بینی وجود دارد که مدارس بتوانند کمک هدفدار و برنامه ریزی شده ای به رشد و شکوفائی استعدادهای خلاقانه کودکان بنمایند. افکار عمومی جامعه نیز کم و بیش در تائید چنین ذهنیتی است. در یک تقسیم بندی کلی عوامل محیطی مانع بروز خلاقیت در مدرسه عبارتند از : جو حاکم مدرسه ، مواد و محتوی آموزشی و نقش معلم .

تورنس طی تحقیقات خود دریافت که با توسعه دانش ( تاکید به افزایش اطلاعات با تاکید بر حفظیات)، قدرت قضاوت و قدرت تصور به محدود شدن گرایش می یابد ربوت در توضیح این معادله می گوید قدرت تصور سریعتر از قدرت استدلال رشد می کند ، بنابراین وقتی استدلال ، سیر صعودی طی می کند ، تصور به زوال می گراید آموزشهای رسمی مدرسه نیز ، عمدتا به رشد استدلال تاکید می کنند تا رشد تصور. در نتیجه با گذشت زمان و بزرگ شدن کودکان ، خلاقیت آنان نیز قربانی استدلال ، منطق و عادات می گردد و در عمل تحصیل علم و تجارب مانند عوامل بازدارنده ای فکر دانش آموزان را به جمود می کشاند (سعیدی ، 1381، سایت مجله علمی - آموزشی فرهنگ و پژوهش ، ص 1). به گفته بل والاس در کلاسهای درس خلاق ، فکر بیش از حافظه ارزش دارد و معلم تعادلی بین امنیت روانی و آزادی دانش آموزان برقرار می می سازد تا آنها بتوانند ریسک کنند در چنین کلاسهائی ، معلم هدایتگر و تسهیل کننده فرآیند یادگیری دانش آموزان می باشد در حالیکه در کلاس غیر فعال معلم مقتدر ، دربند زمان و غیر حساس به نیازهای احساسی دانش آموزان و مقید به نظم دادن اطلاعات است ( موید نیا ، ص 59). وجود و تداوم مسائلی چون تاکید بر سطوح اولیه حیطه شناختی و محفوظات ، تکالیف زیاد ، عدم توجه به تفاوت های فردی ، کلاسهای پرجمعیت ، انضباط سخت ، برنامه و ساعات درسی غیرقابل انعطاف ، عدم آشنائی کافی معلمان با ویژگیهای دانش آموزان خلاق ، روشهای تدریس سنتی ، معلم محوری ، تاکید زیاد بر ارزیابی و نمره ، ارجحیت موفقیت تحصیلی ، فشار برای هموائی ، تلقی سکوت و کم تحرکی به ادب ، غالب بودن جریان تفکر همگرا ، عدم تجهیز منابع و امکانات و ... همه بعنوان مصادیق موانع بروزخلاقیت دانش آموزان محسوب می شوند.

جان دیوئی متفکر بزرگ مسائل تربیتی اعتقاد دارد " مدرسه باید خود انگیزگی دانش آموزان را تشویق کند . کار مدرسه نباید آموزش تبعیت و فرمانبرداری باشد بهتر است مدرسه فقط مقررات را محور کار قرار ندهد تا دانش آموزان فرصت بروز خلاقیت خود را داشته باشند ". در حالیکه امروزه ایده های نو کودکان به واسطه غیر معمول بودن مورد بی اعتنائی و چه بسا مورد استهزاء قرار گرفته و سرکوب می شود . جو انعطاف پذیر مدرسه ، شرائط

حل بسیاری از مشکلات مورد نظر را فراهم می کند کودکان باید در فعالیتهای کلاسی ، انجام تکالیف و... از آزادی نسبی برخوردار شوند البته این موضوع نافی ضرورت استقرار نظم و انضباط نیست چراکه مطابق اصول علمی ، هرهدف آموزشی می تواند در کلیات تابع نظم و در جزئیات تابع انعطاف باشد. در این صورت هم معلم و هم دانش آموزان ، احساس امنیت داشته و با اعتماد به نفس به انجام فعالیتهای خلاقانه می پردازند.

مواد و محتوی آموزشی نیز به سهم خود از اهمیت بالایی برخوردار است . امروزه در سیستمهای پیشرفته آموزشی هدف " چگونه یاد گرفتن " و " چگونه فکر کردن " جایگزین " چه یاد گرفتن " شده است . آشکار است وقتی چه یاد گرفتن مهم است عمدتاً با کمیت و انباشت اطلاعات در ذهن دانش آموزان مواجه شویم غافل از اینکه به کاربرد و مفید آن توجه داشته باشیم . اثربخشی مطالب آموزشی بصورت داشتن ارتباط با نیازها ، توانائیا ، تفاوتهای فردی و دانش پیشین دانش آموزان ، موجب ایجاد پیوند عاطفی و شناختی بین فرد و برنامه درسی می گردد . براین اساس نامطلوبترین وضعیت ، شرائطی است که ارزیابی ذهنی دانش آموز از این لحاظ کم اهمیت باشد یعنی تصور نکند که یادگرفتن و یاد نگرفتن مطالب آموزشی یکسان نیست . فراهم آوردن فرصت یادگیری چندگانه ( نظری ، عملی ، مهارتی و...) و بهره مندی از توانائیهای مختلف حسی و مدرنیزه کردن روشهای آموزش با استفاده از بسته های آموزشی ( کتاب درسی ، کتابها و وسایل کمک آموزشی ، سوالات ارزشیابی و راهنمای درسی و...) از جمله موارد قابل توجه در مورد جو حاکم بر مدارس می تواند باشد. معلمان بعنوان موثرترین و کارسازترین مولفه نظام تعلیم و تربیت نیز در فرآیند یاددهی و یادگیری و ایجاد تفکر خلاق در دانش آموزان دارای نقش اساسی هستند . شخصیت و خلاقیت خود معلم و نگرش وی نسبت به موضوع ، شیوه تدریس ، سبک اداره کلاس ، در پرورش تفکر خلاق و انتقادی در دانش آموزان بسیار مهم است بطوریکه اثر هیچ عامل دیگر حتی برنامه درسی و مدیریت با تاثیر نقش معلم برابری نمی کند چرا که تاثیرگذاری آن هم مستقیم و هم غیر مستقیم است ( فلاح ، سایت اینترنتی همشهری آنلاین ) . متأسفانه هنوز نظام آموزش و پرورش کشورمان تا حدود زیادی معلم محور است چنین روشی جزو شیوه های غیر فعال آموزش طبقه بندی می گردد. در شیوه غیرفعال دانش آموز مصرف کننده علم و دانش است تا تولید کننده آن . اندیشه ورزی جایگزین اندیشه آفرینی است. ایوان ایلچ<sup>۱</sup> وضع چنین مدرسی را اینگونه توصیف می کند " هنگامی که در مدارس باز می شود در آموزش و پرورش بسته می شود " ( کریمی ، ۱۳۷۸ ، ص ۴۶ و ۴۷). لاجرم می بایست روشهای سنتی و قدیمی آموزشی باید پیوسته جای خود را به روشهای نو و خلاقانه بدهند که در آن خیلی از چیزها از جمله محتوی کتابها ، نگرشها و روشها می بایست تغییر بیابند و دانش آموز و توجه به رشد استعدادهای فردی محور کار باشد . تحقیقات تورنس ، البیرخ ، آرتوا ، کارین ، والاس و رابرت نشان داده است که نقش مثبت معلمان خلاق و روشهای فعال تدریس در رشد قوای خلاقانه دانش آموزان موثرتر است ( غنی زاده ، ۱۳۸۷ ، ص ۷۴). سیروتنیک و کلارک<sup>۲</sup> ( ۱۹۹۸ ) با اذعان به نقش ویژه مدرسه در آموزش خلاقیت می گویند " فرصت نهائی برای هر گونه تغییر و اصلاحی در آموزش و پرورش در دست ، مغز و قلب کسانی است که در مدرسه کار می کنند " ( موید نیا ، ۱۳۸۴ ، ص ۲).

---

1 - Ivan ilich

2 - Sirotnic & Clark



تأثیر متقابل<sup>۱</sup> معلمان - شاگردان و خلاقیت

شهید مطهری می فرماید " ستایشگر معلمی هستم که نه اندیشه ها ، بلکه اندیشیدن را به من آموخت " بقول شارتیه " هنر معلم تشنه کردن ذهن متعلم است تا او خود نخجیر خود را شکار کند " روسو نیز می گوید " اجازه دهید کودک حقایق را کشف کند اگر اطلاعات را جانشین آن نمائید استدلال نخواهد کرد " ( موبدینا، 1384، ص 168). برخی از دانش آموزان به داشتن ایده های عجیب و غریب و حتی ظاهرا احمقانه و شیطنت آمیز علاقه دارند و متمایل به ابراز عقاید غیرمعمول هستند بازی، تفریح و شوخی کردن را دوست دارند از تحجر و انجماد فکری گریزان هستند همه اینها ، علائم استعداد های خلاقانه است ولی برای معلم ممکن است نشانه های ناسازگاری باشد که نیاز به کنترل دارد سالها می گذرد تعدادی از این دانش آموزان خلاقیت فوق العاده ای از خود نشان داده و موفق می شوند . کلاس درس صحنه وحشتناکی برای سلطه جویی است . یکی از دلایل اساسی این ادعا ، اصرار اغلب مدیران مدارس است که معلمان صرفنظر از هر چیز ، باید بر کلاس خودشان تسلط داشته باشند . کنترل کردن دیگران هرچقدر هم که با خوش بینی همراه باشد ، افراد بشر را به سطح اشیاء تنزل می دهد . در شرائط کنترل ، میل به نافرمانی و مبارزه زیاده تر می شود ... بسیاری معلمان عاجز از برقراری ارتباط سالم ، به سلطه جویی متوسل می شوند. اخراج از کلاس ، ارسال گزارش بد رفتاری دانش آموز به خانواده ، فراخوانی والدین ، جدا کردن از دیگران ، جابجائی ، سرپا نگه داشتن ، در گوشه کلاس قرار دادن ، فرستادن به دفتر، نشان دادن در صف جلو ، ایجاد احساس گناه ... همه روشهای سلطه جویانه ، منفی و کنترل کننده هستند کارکرد این روشها به جای پرورش خلاقیت ، دانش آموزان را به جانب هم رنگی<sup>۲</sup> سوق می دهد . این روش بنا به قول اشتاینر در تضاد با هدف تربیتی رها کردن فرد از هم نوائی و هم رنگی است . تاسف در این است که اینگونه رفتارهای سلطه جویانه از طرف معلم به جای آنکه سازندگی ، نوآوری و کارایی را تشویق کند شاگردان را به نقطه مقابل این خصایل می کشاند . این تناقض عظیم یادگیری مدرن است و متأسفانه راه حل ساده ای هم برای رفع آن وجود ندارد . معلم و شاگرد هر دو موجود و انسان پیچیده ای هستند که در دنیای سلطه جویی انسان متمدن زندگی می کنند ... ارزیابیها حاکی است هر سال علاقه شاگردان به مدرسه کمتر می شود . آیا احتمال دارد مدرسه جالب بودن خودش را از دست بدهد؟ آیا محیط خارج جذابتر است ؟ آیا معلمان نمی توانند مطالب را به شکل جالب ارائه دهند ؟ متأسفانه شواهد در تائید عجز معلمان از این توانائی است ... معلم سلطه جو فقط به موضوع درس و نتیجه توجه دارد سوال ، اظهار نظر و علائق دانش آموزان را کودکانه ، احمقانه و بی اهمیت می داند اگر معلم از اعتماد به نفس برخوردار باشد می تواند به رشد شخصی شاگرد کمک کند . درک کردن ، احترام گذاشتن و تشویق کردن سوالات کودک ، علائق ناشگفته او را به جانب خویشتن سازی سوق می دهد . پاسخهای سلطه جویانه که بنام کنترل خوانده می شوند در را به روی شاگرد می بندد ، مکالمه را قطع ساخته و از رشد کودک جلوگیری می کنند... تدریس هنگامی شاگردان را در نیل به خویشتن سازی یاری می کند که برمدار علایق شاگرد و معلم استوار بوده ، آشکارسازی کامل احساسات و افکار شاگرد را تشویق کند ، سوالات شاگردان و پاسخ به آنها به خوبی و با مهارت برگزار شود و به آشکارسازی کامل افکار و احساسات معلم نیز منجر گردد( شوستروم ، 1967، ص 139- 131 ).

1 - Interaction

2 - Conformity

## راههای آموزش و پرورش خلاقیت

هرچند فرض می شود که همه انسانها ذاتا دارای استعداد ارزشمند ابداع و نوآوری هستند لکن میل عمومی در میان انسانها به سمت تقلید است. ماکیاول (1532) نظریه پرداز مشهور علم سیاست در کتاب "شهریار" می گوید "مردم پیوسته در راههایی گام برمی دارند که دیگران هموار کرده اند و درکارهای خویش راه تقلید می پویند چون نوآوری کار سختی است" وی نهایتا انسانها را به داشتن نیروی سازنده ای بنام ویرتو<sup>2</sup> دعوت می کند که منشاء خلاقیت و توانائی سرشار مردان بزرگی چون موسی، کوروش، رومولوس و تیهوس بوده است (آهنی، 1387، ص 6). براین اساس چشم انداز یادگیری و پرورش راههای بروز خلاقیت چندان امیدوار کننده نیست. لکن تحقیقات تخصصی و نوید بخش فراوانی وجود دارد که خوشبختانه قابلیت یادگیری و پرورش استعداد نوآوری و ابداع در نزد انسانها بویژه دانش آموزان را تأیید می نماید. طی سالهای اخیر به اهمیت آموزش و تجربه در برابر وراثت تأکید بیشتری شده است. تجربه عنصری است که قادر به اعمال کنترل بیشتری بر آن هستیم. در حالیکه ما نمی توانیم اجداد خود را انتخاب کنیم و یا فرهنگ ویژه خود را تغییر دهیم. ما قادریم با آگاهی نسبت به تأثیر مثبت و یا منفی تجربه ها، از آنها در تصحیح رفتار خود نسبت به سایرین بهره بگیریم (بنی جمالی و احدی، 1370، ص 16).

تورنس (1973) بعنوان یکی از نامدارترین نظریه پردازان حوزه خلاقیت می گوید: "من طی 15 سال تجربه مطالعه و آموزش تفکر خلاق و کار با کودکان، شواهدی دیده ام که نشان میدهد خلاقیت را می توان آموزش داد" (حاجی دخت، 1387، ص 54). کودکان خلاق و مبتکر به دنیا می آیند، آنان خلاق تر از بزرگسالان هستند زیرا مغزشان هنوز در مجموعه راه و روشهای معمول مشاهده ی مسائل حبس نشده است یا تحت فشار پیروی یا اجبار منطقی قرار نگرفته اند. ادوارد دو بونو نویسنده مشهور عرصه خلاقیت کتابی دارد تحت عنوان "کودکان مسائل را حل می کنند" وی در این کتاب راههای آموزش و پرورش خلاقیت کودکان را ذکر کرده است (هارتلی، 1988، ص 253). انیشتین با انتقاد از مدرسه ای خشن و نظامی در مونیخ که شاگرد آن بود می گفت "یادگیری و خلاقیت را نمی توان با فشار تشویق کرد اجبار موجود در آن مدرسه چنان اثر بازدارنده ای برمن گذاشت که پس از قبولی در امتحانهای نهائی برای یک سال، دیدن هر نوع مسئله علمی برایم ناگوار بود". خوشبختانه اکثر تحقیقات علمی اخیر برآموزش پذیر بودن امر خطیر خلاقیت تأکید داشته اند.

فلدهوسن و همکارانش می گویند پاسخ به این سوال که خلاقیت را می توان آموزش داد؟ مثبت است. براین اساس روشهای موثری برای آموزش خلاقیت به کودکان کشف و ارائه شده است. یکی از برگزیدگان جشنواره خوارزمی در سال 1385 بنام مهدی شاملومقدم که با ارائه "طرح سیستم یکپارچه کتابخانه دیجیتال" رتبه دوم کشوری را بدست آورده بود اعتقاد دارد "رمز موفقیت من بی توجهی به کلیشه ها و وقت گذاشتن روی کارهای فوق برنامه است سعی می کنم خیلی جوگیر محیطی که در آن هستم نشوم حتما لازم نیست کاری کنید که همگان انجام می دهند هرکسی سرنوشت خودش را دارد باید فهمید کجا استعدادها بیشتر شکوفا می شود تا بتوانید موفق

شوید(روزنامه جام جم 1386/03/21). روانشناس مشهور ژان پیاژه<sup>۱</sup> می گوید "هدف اصلی آموزش و پرورش ، آفرینش انسانهای توانا به انجام دادن کارهای نو و انسانهایی خلاق و نوآفرین و کاشف است . رابرت کوپر معتقد است وظیفه آموزش و پرورش فقط آشنا کردن دانش آموزان با حقایق نیست ، بلکه آموزش و پرورش مسئولیت دارد به آنان کمک کند به منحصر به فرد بودن خود پی ببرند ، راه رشد و گسترش استعدادهای خود را بیاموزند . ( موید نیا ، 1384 ، ص 168 ) .

درجهان امروز پرورش خلاقیت یکی از محورهای اساسی نظامهای آموزشی است معلمان نقش بسیار اساسی در رشد و یا سرکوبی خلاقیت دانش آموزان دارند روانشناسان پرورشی معتقدند معلمان می توانند شیوه های تفکر واگرا و راههای تقویت تواناییهای خلاقانه را به افراد بویژه کودکان و نوجوانان بیاموزند. فرض است که کودکان دارای اشتیاقی ذاتی برای اکتشاف هستند که آموزش باید آنرا تغذیه کند ( کفایت ، 1373 ، ص 12 ) برخی از شیوه های آوزش و پرورش خلاقیت عبارتند از :

- **تقویت و تشویق قوه تخیل کودکان :** کودکان دارای توانایی ذاتی تخیل و تصور بی حد و حصر هستند چنین توانایی در حقیقت بذره های خلاقیت کودکان است ( حسن زاده ، 1383 ، ص 15). تخیل یکی از پایه های تفکر خلاق است معلمان و والدین می تواند با اجتناب از پرسش و پاسخ های قالبی و طرح سوالاتی که با " چرا " و " چگونه " شروع می شود به این امر کمک نمایند . مثلاً به جای سوال " قوه جاذبه زمین را تعریف کنید ؟ " سوال کند " فکر می کنید اگر قوه جاذبه زمین وجود نداشت چه مشکلاتی برای انسان پیش می آمد ". کودکان خلاق از گنجینه گرانبهایی چون تخیل قوی و... برخوردار هستند( میناکاری ، 1368 ، ص 70).
- **ایجاد انگیزه<sup>۲</sup>:** برای ایجاد انگیزه و تحرک لازم در کودک باید به رشد ویژگیهای مثبتی چون خودباوری<sup>۳</sup> ، خود کارایی<sup>۴</sup> ، خودگردانی<sup>۵</sup> توجه شود( هارتلی ، 1384 ص 20 ) .
- **دادن آزادی<sup>۶</sup> کافی و ایجاد محیطهای انعطاف پذیر<sup>۷</sup>:** معلم باید در جهت تقویت تفکر خلاق ، دانش آموزان را در طرح سوالات و ارائه پاسخ ها و راه حلها آزاد گذاشته و ضمن دادن آزادی بیان از مشارکت آنان استقبال نماید. بطوری که از حرف زدن نترسیده و مورد تمسخر و بی اعتنائی قرار نگیرند. سیستم های آموزشی معلم محور چنین خصوصیتی دارند. هر محیط خشک با انضباط زیاد نیز مانع بروز خلاقیت

---

1 - Jan Piaget

2 - Motivatoin

3 - Self belief

4 - Self efficiency

5 - Self direction

6 - Freedom

7 - Supple environments

است. برعکس محیطهای انعطاف پذیر و تا حدودی آزادگذارنده به پرورش استعدادهای خلاقانه کمک شایانی میکند. محیطهای خشک و سخت گیر مانع بروز خلاقیت هستند.

- **ایجاد ساختارهای مناسب<sup>۱</sup>**: شامل ایجاد محیط کلاسی برانگیزاننده خلاقیت مثل محرکهای بصری، فضای کافی، نحوه چینش صندلیها، روش تدریس فعال واکتشافی، ایجاد امنیت روانی، اعتماد کافی به دانش آموز.

- **برقراری سیستم پیشنهادات<sup>۲</sup>**: بسیاری از نظامهای اداری و واحدهای تولیدی و حتی آموزشی، پیشرفت خود را مدیون دریافت، پردازش و کاربرد پیشنهادات عوامل دست اندرکار هستند زیرا آنها بهتر از هرکس دیگر مسائل و مشکلات سیستم را متوجه هستند و قادرند راه حل مناسب ارائه دهند. مسئولین و مربیان آموزشی نباید چنین بپندارند که کودکان با رشد عقلی ناکافی قادر به درک و حل مشکلات محیطهای آموزشی نیستند باید با ایجاد صندوق و ارائه فرمهای پیشنهادات و برخورد جدی و مشوقانه با نظرات جدید آنان را در بهبود و اصلاح وضع موجود مشارکت داد.

- **پذیرش اصل تفاوتهای فردی<sup>۳</sup>**: دانش آموزان اساسا دارای تواناییها و تمایلات متفاوت هستند فلذا نظام آموزشی و معلم باید به این مهم توجه و انعطاف آموزشی لازم را داشته و متناسب با ظرفیت های افراد در جهت رشد استعدادها از خلاقیت آنان تلاش نماید. هر چه بیشتر در قریحه و استعداد کودکان مداخله کنیم، بیشتر باعث رکود فعالیتهایی می شویم که مختص آنهاست. ما مایلیم تا معیارهای معمولاً نامناسب خود را در عملکرد آنان دخالت دهیم و این کار نیز غالبا منفی و انتقادآمیز از کار درمی آید (هارتلی، 1384 ص 20).

- **مشاهده الگوهای رفتاری خلاق**: مشاهده یکی از اصول اساسی یادگیری است. لازم است فرصت مشاهده رفتارهای خلاقانه و فیلم های آموزشی مربوط در دسترس قرار گیرد.

- **استفاده از روش سیال سازی ذهن یا بارش مغزی<sup>۴</sup>**: این تکنیک حل مسئله را که معطوف به استفاده از روش تفکر واگراست نخستین بار دکتر الکس، اس، ازبورن (1963) مطرح کرد و چنان مورد استفاده و استقبال مردم قرار گرفته که جزئی از زندگی آنها شده است (بیدختی و انوری، ص 5). روش بارش مغزی مناسب گروه است تا فرد. دوبرین<sup>۵</sup> (1997) معتقد است مهم ترین روش بهبود جریان خلاقیت بارش مغزی است چون به افراد فرصت می دهد تا در جو آرام اندیشه نمایند و با مدنظر قرار دادن ابعاد مختلف موضوع، ایده خود را آزادانه و به دور از هرگونه محدودیت مطرح سازند (سیدعامری، 1381، ص 110). با کاربرستن این روش که مبتنی بر ارائه پاسخهای واگراست امکان رشد و بروز قوه

---

1 - Suitable structures

2 - Suggestion system

3 - Individual differences

4 - Brain storming

5 - Dubrin

تخیل و خلاقیت دانش آموزان فراهم می گردد. در این روش تراوشات ذهنی و پاسخهای ممکن و حتی عجیب و غلط افراد مورد توجه قرار گرفته و مورد قضاوت نخواهند بود. دکتر الکس، اس، ازبورن (1963) روش بارش مغزی را چنین تعریف کرده است "اجرای یک تکنیک گردهمایی که از طریق آن گروهی می کوشند راه حلی برای یک مسئله بخصوص با انباشتن تمام ایده هایی که در جا به وسیله اعضاء ارائه میگردد بیابند. در این روش هیچ انتقادی صورت نمی گیرد و به هر ایده هرچند نامربوط روی خوش نشان داده می شود. هرچه ایده ارائه شده بیشتر باشد بهتر خواهد بود. درنهایت تمام ایده های ارائه شده مورد توجه و مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرند. بطور خلاصه می توان گفت سیال سازی ذهن از چهار اصل یا قانون پیروی می کند که عبارتند از: عدم داوری، عدم توجه به قواعد معمول، ارائه راه حل های بسیار و استفاده از خلاقیت های دیگران (هارتلی، 1988، ص 523). ازبورن تاکید دارد در واقع جلسات بارش مغزی، موقعیتی فراهم می کند تا افراد برای مدتی از یک امنیت روانی و آزادی برخوردار شده و بدون نگرانی از ارزیابی بیرونی و تحقیر دیگران به ابراز وجود بپردازند (حسن زاده؛ 1383، ص 87).

- استفاده از روش خیالپردازی یا هم اندیشی غیرمستقیم<sup>1</sup>: در این روش اعضای گروه مثلاً دانش آموزان به ارائه تخیلات آزادانه خود تشویق می شوند و در نتیجه با ترکیب ایده های مختلف و حتی نامتجانس ارائه شده، ایده ها و نظرات جدید و جالبی ظاهر می شود. روانشناسی بنام گوردون در سال 1961 این روش را ابداع کرد. از واژه یونانی سیناپتیک<sup>2</sup> به معنی پیوند اعضای متفاوت و ظاهراً بی ارتباط با یکدیگر برای توضیح این روش استفاده می شود.
- استفاده از روش تفکر موازی<sup>3</sup>: جریان معمولی تفکر مثل حفر یک گودال است که با افزایش دانش، عمق آن زیاد می شود بدون اینکه فضای کافی برای دیدن اطراف وجود داشته باشد در روش تفکر موازی امکان دیدن اطراف و فضای جدید هم وجود دارد ایجاد یک اندیشه واسطه ای و پیوند تصادفی از جمله راههای بروز خلاقیت محسوب می شوند. ادوارد دوبونو واضع این نظریه است.
- استفاده از روش دلفی<sup>4</sup>: این روش توسط دالکی و همکارانش در سال 1950 معرفی و اخیراً مورد توجه بیشتر واقع گردیده است (سیدعامری، 1381، ص 111). فرض است در شرایط آموزشی جمعی مانند کلاس درس، دانش آموزان با همدیگر رودرپایستی داشته و تا حدود زیادی از ابراز صریح، بدون سانسور، جدید و خلاقانه نظرات خودداری می نمایند فلذا برای اصلاح و بهبود این شرایط مراحل پیشنهاد می شود که عبارتند از:
  - 1- هردانش آموز نظرات و راه حل خود را به شکل مخفیانه می نویسد.
  - 2- نظرات داده شده به معلم ارجاع می گردد.

---

1 - Speculative excursion

2 - Synaptic

3 - Katerak thinking

4 - Dalphi

- 3- مجددا نظرات اعضاء بدون اینکه شناخته شود به تمامی افراد منعکس می گردد.
- 4- هریک از دانش آموزان در باره نظرات همکلاسیها اظهار نظر کرده و همچنین در باره ایده های جدیدی که احتمالا پس از اطلاع از نظر دیگران بوجود آمده اظهار نظر می کنند.
- 5- مراحل 3 و 4 آنقدر تکرار میگردد تا اتفاق آراء حاصل و نهایتا نظرات موجود پالایش و دیدگاههای مقبول بدست آید.

- اجازه ابراز شوخ طبعی<sup>۱</sup>: دوبونو می گوید " من دقیقا و بطور بی پروا اعتقاد دارم که شوخی از کارکردهای بسیار مهم ذهن آدمی بوده و بیش از عامل دیگر، موجب سازمان ذهنی خود سامان ده و ادراک می شود "( قاسمی، 1386، ص 28). شوخی و شوخ طبعی اساسا خلاق بوده و خود تسهیل کننده خلاقیت بیشتر است. ریشه این اثر در توانایی فرد شوخ طبع در دید متفاوتی است که از خود و دیگران دارد. پژوهشهای اولیه ویلیام جی - جی - گوردن و همکارانش در روش سینکتیکز مویید این حقیقت است که راه حلها ی بدیع و سدشکنانه همواره با نوعی بازی و شوخ طبعی همراه بوده است. به نظر میرسد پرورش شوخ طبعی قبل از آنکه ماهیت آموزشی و کلاسی داشته باشد صبغه پرورشی و فرهنگی دارد لکن در کلاس درس و محیط خانواده روش معلمان و والدین می تواند آنرا تأیید یا نفی کند. جهت تقویت این توانایی در کودکان فقط کافی است والدین و معلمان خندیدن و شادبودن را طبیعی و مقبول بشمارند. در صورت مثبت بودن نتیجه، نه تنها آثار درمانی بلکه ایجاد جو سالم در بین گروهها بر آن مترتب است ( تورنس، 1979، ص 245). گتزلز و جکسون (1962) طی تحقیات مفصل خود در مورد تفاوت شخصیتی دانش آموزان باهوش و خلاق به این نتیجه مهم دست یافتند که بزرگترین تفاوت دو گروه در الویت دادن به صفت شوخ طبعی در یک لیست صفات بوده است بطوریکه افراد خلاق شوخ طبعی را جزو رتبه سوم صفاتی که می خواهند داشته باشند ذکر می کنند در حالیکه افراد دارای هوشبهرعالی آنرا در رتبه نهم صفات مورد علاقه جای داده بودند( میناکاری، 1368، ص 74). شوخ طبعی بعنوان نماد نشاط روانی در جهت تقویت خلاقیت عمل می کند و با داشتن روحیه غمگین نمی توانیم انتظار خلاقیت داشته باشیم. در هر حال حزن و اندوه که از علائم افسردگی هستند مانع بروز خلاقیت است. بقول معروف " کی شعر تر انگیزد خاطر که حزین باشد " .

- استفاده از روش تفکر جانبی<sup>۲</sup> و تکنیک 6 کلاه تفکر<sup>۳</sup>: واضع روش تفکر جانبی ادوارد دوبونو (1992) است و مفهوم آن عبارت است از مجموعه ای از تکنیک های سیستماتیک برای تغییر مفاهیم و ادراکات. اهمیت و مزیت روش تفکر جانبی در آموزش پذیری و سادگی آن است وی نظریه خود را اولین بار در سال 1967 بیان و معتقد است اساس خلاقیت را تفکر جانبی تشکیل می دهد که در واقع یک سیستم تفکر خود سامان یابنده، غیرخطی، زنجیره ای و غیر منطقی است که در کل راه و شیوه متفاوت را القاء می کند و شامل جستجوی راه حل مسئله و مشکلات از طریق روشهای نامتعارف و غیر

---

1 - Sense of humor

2 - Lateral thinking

3 - Six thinking hats technique

- منطقی است . در روش معمولی ، ما با تفکر عمودی<sup>۱</sup> سر و کار داریم . این روش به مثابه کندن یک گودال و عمیقتر کردن آن است بدون اینکه امکان کندن گودالهای دیگری داشته باشیم با تفکر جانبی می توانیم از "کناره ها" حرکت کنیم و ادراکات متفاوت ، مفاهیم متفاوت و نقاط ورودی متفاوتی را بیازمائیم ... تا خود را از طرز فکر معمولی خود به درآوریم . در روش تفکر جانبی تمامی نظرات واجد ارزش بوده و می توانند سازگار هم باشند در عین حال تغییر مفاهیم و ادراکات اساس آنرا تشکیل می دهند. دوبونو تکنیک های آموزش ساده و عملی رسیدن به تفکر جانبی را با مفهوم 6 کلاه تفکر توضیح می دهد که افراد در یک جلسه تحت عنوان "جلسات آموزش تفکر خلاق" و بمنظور حل مشکل یا مشکلات شرکت و فرض می شود به تناسب وضع هریک از کلاه ها را بر سر بگذارد البته این روش ، بیشتر در واحدهای تولیدی و سازمانهای اداری کاربرد دارد تا موسسات آموزشی . این 6 کلاه عبارتند از :
- 1- **کلاه سفید(واقعیات و اطلاعات)**<sup>۲</sup> : مثل این است که ما به یک کاغذ سفید خنثی که حاوی داده ها و اطلاعاتی است فکر کنیم . شرکت کنندگان در جلسه ، تمام افکار، پیشنهادات و دیدگاههای خود را کنار گذاشته و صرفا به اطلاعات موجود بعنوان پایگاه اطلاعاتی توجه می کنند تا از کم و کیف و نحوه وصول به آنها اطلاع حاصل کنند.
- 2- **کلاه قرمز (احساسات و هیجانات)**<sup>۳</sup> : مثل این است که ما به شعله های آتش برافروخته فکر کنیم. کلاه قرمز با بیان آزادانه و کنترل نشده احساسات ، دریافت های ناگهانی و الهامات ، حدس و گمانها و عواطف سروکار دارد . به عبارتی کلاه قرمز سمبل مکاشفه ، اشراق و ادراک در باره ایده هاست . برخلاف جلسات جدی ، در اینجا افراد در بیان احساسات ، عواطف و همچنین حدس و گمان خود آزاد بوده و محدودیت ندارند . فرض بر این است که در بطن احساسات ممکن است تجارب و ایده های ارزنده ای نهفته باشد .
- 3- **کلاه سیاه ( قضاوتهای انتقادی )**<sup>۴</sup> : مثل این است که ما به لباس سیاه یک قاضی سخت گیر فکر کنیم که در مسند قضاوت نشسته و در حال صدور حکم برای شخص مجرم است . کلاه سیاه نشانه احتیاط ، عقلانیت ، ملاحظات ، واقع بینی ، مشکلات و خطرات بوده و عاملی است که ما را از ارتکاب به خطا ، کارهای نابخردانه و غیرقانونی باز می دارد . این کلاه در واقع منطق و سلاح مخالفت ، در عین حال بسیار ارزشمند و سودمند است اما ممکن است افراط در آن منجر به محافظه کاری شدید و بدبینی گردد .
- 4- **کلاه زرد ( قضاوتهای مثبت )**<sup>۵</sup> : مثل این است که ما به درخشش آفتاب فکر کنیم . کلاه زرد نشانه خوش بینی ، تفکر منطقی و نیل به سود است . یعنی شامل منطق موافقت و تائید ایده هاست که موجب

---

1 - Vertical thinking

2 - White hat ( Facts & Information)

3 - Red hat ( Feelings & Emotions)

4 - Black hat ( Critical Judgement )

5 - Yellow hat ( Positive Judgement )

شکل گیری نظرات مثبت و سازنده در باره ایده در حال پیدایش می گردد. این کلاه نسبت به کلاه سیاه نیازمند کوشش های سنجیده تر و آگاهانه تر است مثلا فرض می شود منافع کار ، همیشه فورا آشکار نمی شود چه بسا ما ناگزیر باشیم برای رسیدن به منافع واقعی دست به تحقیق بزنیم . کلاه زرد دستیابی به امکانات ، منافع و ارزش هر ایده را ممکن می سازد هر ایده خلاقانه نیازمند بهره مندی از این شیوه است.

5- **کلاه سبز ( خلاقیت و جایگزین ها )**<sup>۱</sup>: مثل این است که ما به سبزه زارها و رویش پرپشت آنها فکر کنیم . کلاه سبز مهمترین مرحله و نماد تفکر خلاق است که می تواند شامل ایده های نوین و متعدد بوده و متوجه امکانات و فرضیه ها باشد . در این حالت امکان دستیابی به راهکارها ، پیشنهادات و ایده ها فراهم می گردد . کلاه سبز ، جست و جوی بی درنگ برای کوشش خلاقه ای را ممکن می سازد . کلاه سبز، زمان و مکان تفکر خلاق را در اختیار ما می نهد.

6- **کلاه آبی ( تصویر بزرگ )**<sup>۲</sup>: مثل این است که ما به آسمان آبی فکر کنیم . کلاه آبی ، نماد فرآیند کنترل کیفیت کار، نتیجه گیری و ناظر به اندیشه ای است که هم اکنون در جریان می باشد. به عبارتی تفکر در باره ی خود تفکر بوده و به دنبال جمع بندی ها ، نتیجه گیریها و تصمیم گیریهاست که توسط مسئول جلسه و بمنظور سر و سامان دادن و کنترل کردن روند تفکر بکار گرفته می شود تا سازنده باشد دیگر اعضا فقط پیشنهاد می دهند ( قاسمی ، 1386، ص 112 تا ص 118).

### خلاقیت و مقاومت سازمانهای آموزشی<sup>۳</sup>

روانشناس مشهور انسانگرا کارل راجرز می گوید " گرایش ما در آموزش و پرورش ، تبدیل انسانها به اشخاص همرنگ دیگران و متعبدی است که صرفا تحصیلاتشان تکمیل شده است و نه افرادی که دارای آفرینندگی و آزادی بوده و یا اندیشمندانی اصیل باشند ( مویده نیا ، 1384، ص 61). فرض است که سازمانهای آموزشی می بایست رسالت اصلی برنامه رشد خلاقیت کودکان را به عهده داشته باشند اما عملا چنین نیست حتی برخی از صاحب نظران دیدگاه بدبینانه ای که مویده نقش منفی مدارس در این خصوص است ارائه می دهند . نهاد آموزش و پرورش وظیفه حفظ و تداوم فرهنگ ، اصول ، ارزشها و سنن اجتماعی را به عهده دارد فلذا در تقسیم بندی جزو محافظه کارترین سازمانها محسوب می شود و معمولا تغییرات در برنامه ها نیز به کندی پیش می رود . دلیل این مقاومت روشن است در هر جامعه ای هدفهای آموزش و پرورش ، محتوی و روشهای آن ، از نظام ارزشی حاکم بر جامعه نشات می گیرد ، جامعه نمی تواند به آسانی و مکرر در ارزشهای خود تجدید نظر کند و نسلاها را پیوسته در معرض تغییرات ارزشها و رفتارهایی قرار دهد که درستی یا نادرستی آنها مسجل نبوده و معلوم هم نیست نتایج مثبتی به بار آورد ( یوسفی ، 1375، ص 59). از سوی دیگر آموزش و پرورش نهادی است که ضرورتا نمی تواند تغییرات و تحولات عصر را نادیده گرفته و راه جدائی ببیماید. بنابراین مدارس و نظامهای آموزشی نیز به منظور پویایی ،

1 - Green hat (Alternatives and creativity)

2 - Blue hat ( The Big Picture)

3 - Resistance of educational organizations



هماهنگی و همخوانی با دیگر نهادهای اجتماعی در بخشهای مختلف ناگزیر از تحول، دگرگونی و نوسازی و نوآوری می باشند (رخشان، 1370، ص 23). هیچ کس بطور دقیق نمی داند که آینده آستن چیست و یا اینکه در جامعه موج سوم (عصر انقلاب انفورماتیک<sup>۱</sup>) چه چیزی کارساز است. باید فکر نوسازی ضربتی بنیادی یا ایجاد تحولی انقلابی و سریع در جامعه را، که از بالا طرح آن ریخته شده باشد کنار گذاشت. در مقابل، باید به هزاران تجربه آگاهانه و پراکنده ای اندیشید که به ما امکان می دهد قبل از آنکه طرحی را در سطح ملی و جهانی پیاده کنیم، آن را در سطح محدود محلی و ناحیه ای بیازمائیم (تافلر، 1980، ص 610). از دیدگاه روانشناسی معلمان تمایل دارند که نوآوریهای را که امنیت شغلی آنان را به مخاطره می افکند رد کنند و از دیدگاه عملی طالب دلیلی هستند که تئوریهای آموزشی قادر به ارائه آنها نیست و از نظر حرفه ای نیز معلمان تغییرات را به مثابه تجاوز به آنچه در صلاحیت آنهاست می دانند و از اینکه افراد غیر حرفه ای بدون مشاوره و جلب نظر آنان و بدون در نظر داشتن مشکلات احتمالی تغییرات، تصمیم می گیرند خشمگین می شوند (توما، 1369، ص 122). مورفی و لین<sup>۲</sup> (1995) بر این باور هستند برنامه ها و تصمیماتی که در زمینه تعلیم و تربیت به صورت ابلاغی از سطوح و رده های بالای سازمان و مدیریت به مدرسه ها ابلاغ می شوند (پدرسالاری تکنوکراتیک<sup>۳</sup>) تواناییهای معلمان مدرسه را زایل نموده و مانع از بروز خلاقیت در آنان می شود بنابر این دخالت دادن در تصمیم سازی، تصمیم گیری و اجراء از مهم ترین عوامل بروز خلاقیت خود معلمان و کمک به شکوفائی استعدادهای دانش آموزان می باشد بقول شواب (1984) معلمان بایستی در اتخاذ تصمیماتی که مربوط به محتوی و روش تدریس است مشارکت نمایند. چراکه فرصت بیان اندیشه و مشارکت در تصمیمات، موجب خلاقیت و مسئولیت پذیری می گردد (کرت لوین). بر اساس اعلام سازمانهای یونسکو و یونیسف، تجربیات جهانی حاکی از آن است که اصلاحات از بالا به پائین در آموزش و پرورش با کندی و تاخیر به سطوح پائین انتقال می یابد و نهایتاً نیز منجر به ایجاد تغییرات مطلوب نمی شود. به زعم لانتبرگ و اورنستین مداخله در برآوردن نیاز، ترس از ناشناخته ها، تهدیدات نفوذ و قدرت، کهنگی اطلاعات و مهارت، ساختار سازمانی، محدودیت منابع، تعهدات و الزامات از جمله عوامل مقاومت سازمانهای آموزشی در برابر تغییرات هستند. در ایران عواملی مانند معیوب بودن نظام مدیریت عمومی، برجسته بودن ملاحظات سیاسی، محافظه کاری و ارزشی بودن جامعه و از همه مهم تر روشهای آموزشی سنتی مزید بر علت است. (غنی زاده، 1387، ص 74-71).

#### عوامل بازدارنده خلاقیت<sup>۴</sup> (کشنده های خلاقیت)<sup>۵</sup>

1 - Informatic Revolution

2 - Morphy & Lyen

3 - Technocratic patriarchy

4 - Creativity inhibitor factors

5 - Creative lethals

عادات، دلسردی، کم رویی و عدم تشویق بموقع، گل لطیف خلایق را می خشکاند (ازبورن، 1963). آبراهام مازلو روانشناس بزرگ انسانگرا معتقد است خلایق و نوآوری توانائی بالقوه ای است که بدو تولد در همه انسانها به ودیعه گذاشته شده است اما اکثر آنان در جریان فرهنگ پذیری خود آنرا از دست می دهند (توران نژاد، 1378 ص 22). بنابراین شرایط بیرونی در شکوفائی یا خاموشی قوه تخیل و خلایق بسیار مهم خواهد بود. سوال اساسی ما این است تا چه اندازه محیط (مدرسه، خانواده، اداره، کارخانه و...) ظرفیت تحمل و بروز ایده ها، افکار و شیوه های نو را دارند؟ بنظر میرسد محیط به ویژه در جوامع سنتی و عقب مانده بیشتر به ادامه شیوه های موجود و تعریف شده تمایل دارند. اغلب مربیان در آموزش کودکان بیشتر به انتقال مفاهیم و ایجاد مهارتهای معین شده در قالب کتابها و برنامه درسی توجه دارند. ارائه پاسخ کامل دانش آموزان مطابق چیزی که در کتاب آمده است کمال مطلوب است هرگونه پاسخ و ارائه راه حل جدید مسئله هرچند صحیح و موثر که مغایر بالگو باشد ممکن است با واکنش نامناسب، طعن و اعتراض معلم مواجه شود. در سیستم ارزیابی مدارس بیشتر یک پاسخ درست، آنهم در همان قالب تعیین شده قابل قبول تلقی می شود. در نظام رایج آموزش و پرورش سنتی اگر انجام تکلیف درس نقاشی بیشترین شباهت را به مدل ارائه شده داشته باشد مطلوب است نتیجه این شیوه، چیزی نخواهد بود مگر تقلید. در این حالت ما با هیچگونه گرایش و رفتار خلاقانه ای روبرو نیستیم.

رضایت معلم به آوردن تخم مرغ، کره، ماست و پنیر در زمان نه چندان قدیم (برخی مناطق روستائی) به جای کاردستی واقعا تاسف آور بوده است. پرداختن به دروس دیگر یا ورزش در ساعت انشاء حقیقتا زیانبار است غافل از اینکه دروس کاردستی، انشاء و نقاشی بیشترین فرصت بروز خلایق کودکان را فراهم می آورد اهمیت این دروس به هیچ وجه کمتر از ریاضی و فیزیک نباید باشد. ما و مربیان هرگز اثر، سرور و هیجان سازنده نقاشی آزاد را درک نمی کنیم. در بهترین حالت هرگز نقاشی از روی مدل، ارزش خط خطی کردن و خلق اثر کم مایه توسط خود کودک را ندارد. هیچ چیز به اندازه پیش داوری منفی و قضاوت نادرست در مورد ارزش کار و آینده فرد اثر مخرب ندارد. وقتی که ایده و نتیجه کار کودک را بصورت تحقیرآمیز به باد انتقاد میگیریم و بدتر از آن آینده وی را تاریک و مبهم جلوه میدهم، بی شک تیشه به ریشه نهال خلایق او می زنیم. با این وضع معلوم نیست آینده تو چه خواهد شد؟ از تو چیزی ساخته نیست. این افکار و کارهای مسخره را رها کن و... نمونه هائی از پیش داوریهای منفی در مورد افراد خلاق است. جالب این است بدانیم افراد خلاق اصولا میل ندارند کارها و ایده های آنان مورد قضاوت و ارزیابی قرار گیرد حالا چه برسد به اینکه در معرض انتقاد بی رحمانه و قضاوت ناصیح هم قرار گیرند.

یاردلی و بولن<sup>1</sup> براین باورند افراد خلاق دارای انگیزه درونی، قدرت تمرکز، ظرفیت تحمل دشواری، احساس امنیت، اعتماد به نفس، سلامتی روانی، پذیرش محیطی و... هستند (سیدعامری، 1381، ص 107). انسان به موازات رشد سنی و شکل گیری عادات دچار محافظه کاری شده و چه بسا دچار جمود فکری نیز می گردد و این حالتها مانع بروز خلایق هستند. از آنجائیکه ملاک موفقیت در سیستم آموزش و پرورش موجود مبتنی بر ارزیابی است لاجرم چنین وضعی تا حدودی در جهت محدودیت رشد توانائیهای خلاقانه عمل میکند. عامه مردم و حتی متخصصین، پاداش را عامل آشکار تقویت رفتار تلقی می نمایند. اما در مورد افراد خلاق پاداش فاقد چنین خاصیت آشکاری است. علت اساسی خلایق این قبیل افراد، تقویت کننده های درونی است وجود یک گرایش

و انگیزه بسیار قوی درونی ویژگی مشترک خلاقان است. آنان به خاطر دریافت و یا رسیدن به پاداش بیرونی خاصی برانگیخته نمی شوند بنابراین نباید ارزش و خاستگاه کار افراد خلاق را به ترازوی اجر و پاداش بسنجیم .

الیوت یکی از برنده گان جایزه ادبی نوبل پس از دریافت جایزه ، دچار افسردگی شده و در پاسخ دوستی که به وی تبریک گفته بود اظهار داشت "این جایزه برای من در واقع زود بود این در واقع به معنی مرگ و تشییع جنازه است هیچ کس پس از دریافت این جایزه نتوانسته است کاری انجام دهد". می گویند داستایوسکی نویسنده مشهور روسی پس از دریافت یک جایزه بزرگ دچار فلج شد و از تعلق جایزه به خود اظهار نارضایتی کرد. داستان سرنوشت فردوسی شاعر حماسه سرای ایران که خالق یک اثر بی نظیر ادبی در جهان است نیز چنین بوده است او سالیان دراز عمر خود را صرف خلق اثر شگرف ادبی شاهنامه کرده و آنرا به حاکم وقت سلطان محمود غزنوی اهداء نمود سلطان در عوض هدایای مختصری به فردوسی فرستاد شاعر از این پاسخ رنجور و متاسف شد تصوراو تکریم و تعظیم و شاید کاروانی از هدایا و تحف بود. البته که این نتیجه نمی توانست روحیه خلاق و انگیزه شگرف درونی شاعر بزرگ را راضی نماید.

رقابت نیز چون پیش داوری و پاداش کارکرد مثبتی در جهت رشد خلاقیت ندارند افراد مستعد بیشتر توفیقات خود را در مسیر رقابتهای فشرده بدست می آورند اما در مورد افراد خلاق چنین اتفاقی نمی افتد. از آنجائیکه رقابت الزامات در معرض ارزیابی قرار گرفتن و پاداش را در پی داشته و این عوامل ارزش تقویت کننده در رفتار آنان ندارد بنابراین برخلاف افراد معمولی و مستعد، نتیجه کار خلاقان ارتباط مثبت و سازنده ای با رقابت ندارد . از طریق بوجود آوردن محیطی که پذیرای اندیشه های نو باشد، ترغیب افراد به لمس ،کنکاش در محیط برای تفکر جدید ، صرف وقت برای تشویق و آموزش افراد برای کسب دانش و علم مورد نیاز رشته خاص فرد می توان به خلاقیت دست یافت . استفاده از محرکهای غنی محیطی به روش غیر شفاهی ، استفاده از طرح آموزش گروههای کوچک می تواند به بروز خلاقیت کمک نماید ... متخصصین آموزش منحصر به فرد و برنامه های انعطاف پذیر را پیشنهاد می نمایند . بوجود آوردن محیطی متغیر و متحول به عنوان عامل بیرونی در پیشبرد خلاقیت الزامی می باشد(چانک ، 2000، ص 27).

محدود کردن فعالیتهای و اعمال انضباط شدید بصورت جلوگیری از فعالیتهای آزادانه یکی از کشنده های خلاقیت شمرده می شود تا حد امکان بر والدین ، مربیان و مدیران فرض است شرائط فعالیت آزادانه افراد و ارائه ایده های نو را بوجود آورند ایجاد سیستم ارائه پیشنهادات سازنده و موثر کارکنان در ادارات که طی سالهای اخیر در ایران رایج شده است سیاست خوبی در این راستا به شمار می آید . محتوی آموزشی دروسی چون نقاشی ، کاردستی ، انشاء و... هرچه بیشتر و سایر دروس حدالامکان باید دارای فضای آزادانه و مبتنی بر پذیرش پاسخهای درست گوناگون باشد نه صرفا پاسخ واحد و قالبی . در جایی که از همه انتظار می رود کاری را دقیقا به یک روش یکسان و همزمان انجام دهند ، خلاقیت و خودگردانی نمی تواند پیشرفت کند ( هارتلی ، 1988 ، ص 209).

کشیدن نقاشی و نوشتن انشاء از روی مدل یا راهنما با عناوین تکراری مثل ترسیم لاله و خرگوش خوابیده و موضوعاتی چون فصل بهار را تعریف کنید، یا علم بهتر است یا ثروت ؟ آنهم با پاسخهای قالبی از قبل تعیین شده چگونه می تواند توانائی خلاقیت کودکان را رشد دهد ؟ در پاسخ سوال علم بهتر است یا ثروت اساسا ما را به لیست کردن مزایای علم و نفی نتایج مثبت احتمالی ثروت سوق میدهند در حالیکه درحد وسط همین مطلوبیت صرف و مطرود بون صرف هزاران فرض و پاسخ قابل قبول وجود دارد .

فشار هم کلاسی ها از عوامل مهم دیگر در تضعیف توانائی خلاقیت کودکان شمرده می شود. مدیران و مربیان و شاید بتوان گفت نظامهای آموزش و پرورش، وجود دوجینی از کودکان تقریباً مشابه از نظر توانائی و علائق را بیشتر ترجیح میدهند برنامه ریزی، ارزیابی و قضاوت عمومی در موسسات آموزشی در کل مشتمل بر فرض توانائی متوسط افراد است. هر دانش آموز متفاوت با دیگران بویژه از نظر داشتن توانائی خلاقیت عامل تنش شمرده می شود. اولیاء مدرسه و هم کلاسی ها دوست دارند دانش آموزان یک دستی وجود داشته باشد با این حساب کودکان خلاق برای تطابق<sup>۱</sup> از یک طرف و برای بروز خلاقیت خود از طرف دیگر در معرض فشار قرار میگیرند نصیحت قدیمی که "دیگران چطور توهم یکی" و "خواهی نشوی رسوا هم رنگ جماعت شو" و... نمونه ای از گرایشات عمومی در جهت تحدید خلاقیت شمرده می شود. در حالیکه بقول اشتاینر هدف تربیت رها کردن فرد از همنوایی و همرنگی است. بطور خلاصه عوامل زیر بعنوان عوامل کشنده فردی واجتماعی خلاقیت در محیطهای آموزش و کار شمرده می شود:

- 1- پیش داوری و مورد ارزیابی قرار گرفتن 2- ایجاد تصور منفی از توانائیهای فرد 3- فقدان پاداش و تشویق دیگران 4- رقابت 5- محدود کردن 6- فشار هم کلاسی ها 7- عادات قبلی 8- یاس و عدم اعتماد به نفس 9- خجالتی بودن 10- عدم انعطاف پذیری 11- محافظه کاری 12- تمایل به همرنگی 13- بی تحملی در برابر ابهام و تضاد 14- نداشتن پیچیدگی ذهنی برای حل مسائل 15- ترس از شکست 16- ناتوانی در سازگاری با محیط 17- وابستگی و نداشتن استقلال 18- نداشتن قدرت ریسک کردن 19- نداشتن سلامت روانی و ثبات عاطفی 20- فقدان روحیه کنجکاوی 21- فقدان قدرت تاثیرگذاری بر دیگران 22- کلی نگری 23- نداشتن روحیه انتقاد 24- ترسو بودن 25- سردی عاطفی و شوخ طبع نبودن 26- تکلف در رفتار 27- محتاط بودن 28- فرار از مسئولیت و... (پیر خایفی، 1377، ص 14 و 13) و (کولدری رو، 2001، ص 8).

### تاثیرات فرهنگ<sup>۲</sup> و محیط<sup>۳</sup> بر خلاقیت

وراثت فرآیندی است که به وسیله آن مشخصات جسمانی معینی مثل رنگ پوست به شیوه بیولوژیکی از والدین به کودک منتقل می شود بر این اساس خیلی از ما شبیه پدر و مادر خود هستیم. تحقیقات انجام شده در مورد دوقلوهای یکسان که دارای ژنهای مشابه هستند نشان داده که آنها از نظر شخصیتی نیز مشابهت دارند. تشابه خصوصیات فکری، احساسی و روانی دو قلوهای یکسانی که از بدو تولد در محیطهای متفاوت رشد می یابند دلیل

---

1 - Adobtation

2 - Culture effects

3 - Environment

محکمی بر تاثیر توارث در شخصیت افراد است هرچند در این گونه موارد ، محیط دارای نقش اساسی است (بنی جمالی و احدی ، 1370 ص 14 ). اینکه خلاقیت ریشه های ارثی و ذاتی نیز دارد فرض مسلم است اثر وراثت در پیدایش نیروی ابتکار قابل انکار نیست . افراد بی شماری وجود دارند که در محیطهای مساعد پرورش یافته اند ولی همه آنها موجد اندیشه و فکر نو نشده اند. با آنکه عامل توارث پیدایش استعداد خلاقیت را در افراد ممکن می سازد معذالک بروز و رشد این استعداد تحت تاثیر عوامل محیطی است ( جان ، 1997). محیط مساعد چه در زمینه جغرافیایی و چه از لحاظ اجتماعی و فرهنگی در رشد و پرورش قوه ابتکار تاثیر فراوان دارد . عوامل محیطی نه تنها سبب پرورش استعدادهای مختلف افراد می شود بلکه موجباتی برای تحریک و تشویق افراد به خلق اندیشه ها را فراهم می سازد . در اجتماعاتی که رشد فردی و رفاه اجتماعی از طریق روش علمی در یک وضع رضایت آمیزی به وجود می آید . معمولا مجال پرورش افکار و خلق اندیشه های تازه بیشتری فراهم می شود ( گراو ، 1998). برخوردها و نیازهای فرهنگی در شکل گیری رفتار هر فرد ، تاثیر بسزائی دارد . انسانها با تقلید از رفتار اطرافیان و متأثر از فرآیندهایی که تشویق و تقویت می شوند، ارزشهای اجتماعی جامعه و طبقه اقتصادی را با زندگی خود درمی آمیزند . والدین به محض تولد نوزاد ، فرآیند اجتماعی کردن وی را آغاز می کنند . مطالعات نشان داده است تفاوت های رفتاری بین دو جنس که قبلا ارثی شمرده می شد ، بیشتر محصول اجتماع است . والدین تکیه کلام ها ، روشها ، پیش بینی های اجتماعی و نحوه نگرش خود را به کودکان منتقل می کنند و کودک نیز آنها را پس از جذب به صورت بخشی از خصوصیات خود درمی آورند (بنی جمالی و احدی ، 1370 ، ص 16). کودکان پرورش یافته در محیطهای هوشمند و حساس که پیچیده و مملو از انگیزشهای مختلف است ، احتمالا مجموعه متفاوتی از مهارتها را کسب خواهند کرد . یک محیط زیرک تر و باهوش تر احتمالا انسانهای باهوش تر و زیرک تری پرورش خواهد داد ( تافلر، 1980، ص 241).

ادوارد دوبونو (1992) معتقد است در پاسخ به این پرسش که چرا ما به اندازه کافی توجه جدی به موضوع خلاقیت نکرده ایم دلایل بسیاری وجود دارد . اولین و در عین حال قوی ترین دلیل این است که هر تفکر خلاق و ارزشمندی ، همواره باید در مرحله ی بازنگری ، منطقی و قابل حصول جلوه کند . دفاع و تحقق چنین ایده ای ساده خواهد بود. در غیر این صورت ارزش آن شناخته نشده و چه بسا سرکوب نیز بشود متأسفانه چنین واقعیت تلخ و درعین حال غلط ، ماهیت فرهنگی دارد که باعث بی اعتنائی همگان ، حتی پژوهشگران به خلاقیت می گردد بیش از 95 درصد پژوهشگران دنیا اینگونه می اندیشند ( قاسمی ، 1386، ص 12).

ابراهام مازلو<sup>1</sup> اشاره زیبایی به نقش فرهنگ و اجتماع در پرورش خلاقیت دارد " همه انسانها از بدو تولد دارای توانائی بالقوه خلاقیت هستند اما اکثر انسانها این خصیصه را در جریان فرهنگ پذیری از دست می دهند( مویدنیا ، 1384، ص 39) مصادیق بارز عوامل محیطی و فرهنگی ، خانواده ، والدین ، مدرسه و مربیان هستند . میل طبیعی خانواده ها و سازمانها به رفتار پذیرفته شده و محافظه کاری است یعنی شرایطی که مقاومت جدی در برابر تغییرات وجود دارد . بدون شک تخیل و خلاقیت ابتداء در خانواده پایه ریزی می شود اگر خانواده فرصت های لازم را برای سوال کردن ، کنجکاوی و کشف محیط به کودکان بدهد و هرگز آنها را تنبیه نکند ، زمینه را برای رشد خلاقیت فراهم می کند . تنبیه و تهدیدهای مکرر ، آفت خلاقیت های ذهن است . فرزند خلاق در خانه به آرامش روانی ، اطمینان خاطر و اعتماد به نفس قوی احتیاج دارند هرچند شواهد پژوهشی کافی نیست . اما برخی

تحقیقات نشان می دهد که والدین کودکان خلاق در رفتار خود هماهنگی بیشتری نشان می دهند ، کودکان خود را آنگونه که هستند قبول دارند و آنها را به کنجکاوی در باره اشیاء و امور تشویق می کنند و کودکان خود را در انتخاب موضوعات مورد علاقه آزاد می گذارند کارها و برنامه های آنان را تحت نظر دارند و پیگیری می کنند. (سایت اینترنتی فکرنو ، ص 4) .

تکالیف درسی ، تاکید بر محفوظات ، توجه به تفاوت های فردی و ویژگی های کودکان ، رفتار معلم ، جو مدرسه و... از جمله عوامل تاثیر گذار بر پرورش و یا سرکوبی خلاقیت کودکان هستند . تعارض نقش ها نیز یکی از عوامل مهم محافظه کاری و ناکارآمدی مدارس در ایجاد تغییرات خلاقانه است. از طرفی نظام آموزش و پرورش وظیفه حفظ و تداوم فرهنگ ، اصول ، ارزشها و سنن اجتماعی را به عهده دارند. براین اساس که مدارس از جمله سازمان های محافظه کار محسوب می شوند و از طرفی همه انتظار دارند مبانی رویکردهای خلاقانه و تغییرات از آموزش و پرورش شروع شود طبیعی است این وضع ، شرائط تعارض ایجاد کرده و کار برنامه ریزان و مجریان را سخت تر می کند. اگر مدیران و مربیان از این میان راه های متعادل را بیابند در واقع دست به کار هنرمندانه ای زده اند.

حمایت و یا نفی اساس خلاقیت و یا ترویج شکل فردی و اجتماعی آن و همچنین رویکرد خلاقیت های کوچک و بزرگ ، همه ریشه در فرهنگ ملل دارد. مثلاً فرهنگ غربی خلاقیت های بزرگ و جهشی را حمایت می کند طرفداری از ارزشهای اجتماعی مثل آزادی ، فردیت ، پیشرفت گرایی بعنوان حمایت از خلاقیت تلقی و عواملی چون ابتکار ، سیالی ، انعطاف و بسط که شالوده نظریه تورنس را شامل است مبانی آنرا تشکیل می دهد(حسن زاده ، 1383، ص 22) . در حالیکه فرهنگ ژاپنی از برداشته شدن قدم های کوچک در این خصوص بیشتر راضی می شود . فرهنگ عمومی ایالات متحده آمریکا و ایتالیا ، بیشتر به کار گروهی اهمیت میدهند. اما در کشوری مثل انگلستان ، سنت کار بیشتر متکی بر ابتکار فردی است . شرکت M.I.T.I ژاپن طی مطالعه ی در باره ارتباط فرهنگ با خلاقیت متوجه شد که 51٪ از مهم ترین پیشرفتهای علمی قرن 20 ، در انگلستان پا گرفته اند در حالیکه با وجود برنامه ریزی و سرمایه گذاریهای کلان ، تنها 21 در صد چنین پیشرفتهایی مربوط به آمریکاست (قاسمی ، 1386، ص 82). همسالان و بزرگترها بعنوان بخشی از محیط رشد کودکان تاثیر شگرفی در بروز خلاقیت ، بویژه شکل گیری اولیه آن دارند روزالیند<sup>1</sup> (2002) معتقد است بذریع های عقاید و ایده های ابتکاری و نو ، اغلب از تعاملات با همسالان و بزرگترها بوجود می آید (حسن زاده ، 1383، ص 1).

### سبک های فرزند پروری<sup>2</sup> و خلاقیت

خلاق بودن کودکان ، تحت تاثیر عوامل محیطی بویژه نگرش<sup>3</sup> و شیوه های پرورشی و تربیتی والدین است مطالعه ارتباط این دو متغیر، همواره مد نظر پژوهشگران بوده و هست . شواهد حاکی است خانواده مهم ترین نقش را در کنترل و هدایت تخیل و ظهور خلاقیتها ایفاء می کند . برآیند کلی نتایج تحقیقات حاکی است که بطور

1 - Rosalind

2 - Parental style

3 - Attitude

مشخص جو و محیط خانوادگی افراد خلاق، متفاوت از جو و محیط خانوادگی افراد غیر خلاق است. این تفاوت عمدتاً ناشی از نوع ارتباط متقابل والدین و فرزندان بوده است برای مثال شیفر (1970) با مطالعه 10 نفر دانش آموز تیز هوش دختر که زودتر از موعد مهارت خواندن را یاد گرفته، سرگرمیهای خلاقانه (نقاشی و شعر) داشته و دارای قدرت تخیل قوی بودند دریافت که خانواده ها با آنان سخت گیری کمتری اعمال می کردند. اوایل قرن 20 نگرشها، شیوه های تربیتی و الگوهای رفتاری والدین با فرزندان تحت تاثیر مکاتب رفتارگرایان<sup>1</sup> خشک و خشن بود اما از سالهای 1940 و تحت تاثیر طرفداران مکتب روانکاو بویژه بنیامین اسپاک که به اهمیت مسائل عاطفی، ارضاء نیازها و زیان ناشی از کنترل شدید تمایلات طبیعی تاکید داشت، آسان گیری و انعطاف پذیری در تربیت جایگزین آن شد (کفایت، 1373، ص 5 و 6). برخی تحقیقات نشان می دهد که والدین کودکان خلاق، در رفتارهای خود هماهنگی بیشتری نشان می دهند و کودکان خود را آنگونه که هستند قبول دارند و آنها را به کنجکاو در باره اشیاء و امور تشویق می کنند و کودکان خود را در انتخاب موضوعات مورد علاقه آزاد می گذارند و صرفاً کارها و برنامه های آنان را با نظارت و پیگیری مد نظر قرار می دهند تا دخالت (سایت اینترنتی فکر نو، ص 1). اگر کودکان بتوانند از محیط خود بخواهند کارهایی برایشان انجام دهد، در سنین پائین تر کمتر به پدر و مادر وابسته می شوند و احساس سلطه بر محیط و شایستگی فردی خواهند کرد و به خوبی می توانند از عهده مخاطرات کنجکاو، جستجوگری، و خلاقیت فکری برآیند و در زندگی برخوردی کارساز و مشکل گشا پیدا کنند (تافلر، 1980، ص 241).

بطور کلی خانواده ها، برای تربیت فرزندان خود یکی از روشهای سلطه گری، وابستگی شدید و سهل انگاری را که به اختصار توضیح داده می شود بکار می برند.

**سلطه گری<sup>2</sup>:** این روش شامل ایجاد محدودیتهای زیاد در رفتار، گفتار و کردار فرزند در زمینه رعایت نظافت، مراقبت از وسایل، سکوت، اطاعت، بروز احساسات و... ازسوی والدین است والدین سلطه گر ممکن است حتی با بی تفاوتی و آرامش، خواسته های خود را به فرزندان تحمیل نمایند و یا روش هیجان آمیزی در پیش بگیرند. **وابستگی شدید<sup>3</sup>:** در این روش والدین خود را فدای فرزندان کرده و در هر حال آنها را نیازمند خود بار می آورند. این قبیل والدین قطع رابطه عاطفی با فرزندان را به تاخیر انداخته، مراقبت و نظارت کامل و مدام را ضروری می دانند. یعنی درهمه حال، حتی در بزرگسالی فرزندان را نیازمند حمایت، راهنمایی و کنترل می دانند. طبیعی است این قبیل رفتارها مانع بروز خلاقیت خواهند بود. رو<sup>4</sup> (1953) در تحقیقی که در باره زندگی دانشمندان برجسته انجام داده نشان می دهد که احساس استقلال و بی شباهت بودن به دیگران در افراد خلاق که به صورت آشکار و زودرس بروز می کند مشخص کننده نیاز به خودپرویی<sup>5</sup> در آنهاست (میناکاری، 1368، ص 82).

---

1 - Behaviorist

2 - Dominating

3 - Possessive

4 - Rue

5 - Autonomy

استقلال واقعی از والدین کار چندان آسانی نیست چرا که اولاً انگیزه ها و مشوقهای آن برای کودکان قوی هستند و ثانياً تغییر شیوه ها و باورهای افراد بزرگسال ( والدین ) دشوار است . در هر حال به تناسب میزان وابستگی به والدین ، استقلال و اتکاء به خود کودکان به تاخیر می افتد. بدیهی است این مسئله باعث به وجود آمدن مشکلاتی در زندگی اجتماعی ، تحصیلی و... می گردد. عملکرد ضعیف آموزشی ، خلاقیت و اعتماد به نفس پائین از جمله تبعات طبیعی چنین شیوه تربیتی است (کفایت ، 1373، ص 84 و 85).

**سهل انگاری<sup>۱</sup>** : والدین سهل انگار نه تنها کنترل و فشاری بر روی فرزندان خود ، بلکه انتظار توقعی خاص هم از آنان ندارند. آنان در دادن پاداش و اعمال تنبیه چندان جدی نیستند. در انجام امور شخصی ، نظافت و تکالیف درسی فرزندان با مسامحه برخورد می کنند معمولاً وقتی برای در کنار فرزندان بودن اختصاص نمی دهند و انتظار دارند فرزندانشان درد سر و مشکلی برای آنان درست نکنند .

دایانا بامریند<sup>۲</sup> ( 1967 ) در یک رشته تحقیقات ، با زیر نظر گرفتن والدینی که با فرزندان پیش دبستانی خود تعامل می کردند ، اطلاعاتی را در مورد شیوه های فرزند پروری گردآوری کرد . معلوم شد که فرزند پروری دو جنبه گسترده دارد : جنبه اول پرتوقع بودن است . برخی از والدین ، معیارهایی عالی برای فرزندانشان مقرر می کنند و از آنها توقع دارند که این معیارها را برآورده سازند . والدین دیگر ، توقع خیلی کمی دارند و به ندرت سعی می کنند رفتار فرزندانشان را تحت تاثیر قرار دهند . جنبه دوم ، پاسخدهی است . برخی والدین ، نسبت به فرزندان خود پذیرا هستند و به درخواستهای آنها پاسخ می دهند . آنها غالباً به بحث آزاد و گفتگو با فرزندان می پردازند . برخی والدین هم ، طرکنده و بی اعتناء هستند . به طوری که ترکیبات گوناگون پرتوقعی و پاسخدهی ، چهار سبک فرزند پروری را به بار می آورد که عبارتند از : مقتدرانه ، مستبدانه ، آسان گیرانه و بدون دخالت .

#### 1- سبک فرزند پروری مقتدرانه<sup>۳</sup> : سبک مقتدرانه مناسب ترین روش فرزند پروری است . والدین مقتدر

درخواستهای معقولی برای پختگی دارند و این درخواستها را با تعیین محدودیتهای و اصرار بر اینکه کودک باید از آنها تبعیت کند ، به اجرا می گذارند. در عین حال ، آنها محبت و صمیمیت از خود نشان می دهند ، صبورانه به نقطه نظرهای فرزندان گوش می کنند ، و مشارکت در تصمیم گیری خانوادگی را ترغیب می نمایند. فرزندپروری مقتدرانه ، روشی منطقی و دموکراتیک است که طی آن ، حقوق والدین و کودکان محترم شمرده می شود . یافته های بامریند نشان داد که فرزندان والدین مقتدر ، بسیار خوب پرورش می یابند . آنها شاد و سرحال هستند، در تسلط یابی بر تکالیف جدید ، اعتماد به نفس دارند و خودگردان هستند. این کودکان ، سوگیری جنسیتی کمتری نشان می دهند . دخترها در استقلال و میل به تسلط یافتن بر مهارتهای جدید ، و پسرها در رفتار دوستانه و یاریگرانه ، نمره های بالایی کسب کردند (بامریند و بلاک ، 1967). بعد از تحقیقات اولیه بامریند ، مطالعات زیادی یافته های او را تایید کردند. فرزند پروری مقتدرانه در طول سالهای کودکی و نوجوانی ، با عزت نفس زیاد ، پختگی اجتماعی و اخلاقی و پیشرفت تحصیلی رابطه دارد ( اکلس و همکاران ، 1997 ، لاستر و مک آدو ، 1996 ، اشتینبرگ ، دارلینگ

---

1 - Ignoring

2 - Diana Baumrind

3 - Authoritative style



و فلچر، 1995). چرا تربیت مقتدرانه تا این اندازه موثر است؟ چون اولاً، کنترلی که از نظر کودک منصفانه و معقول است، نه توهین آمیز و خودسرانه، به احتمال بیشتری تبعیت و درون سازی می شود. ثانياً، والدین مهرورزی که از معیارهای خود برای فرزندانشان مطمئن هستند، خودشان الگوهایی مناسب برای رفتار خودگردان و اطمینان بخش می شوند. ثالثاً اینکه، والدین مقتدر توقعاتی دارند که در رابطه با تواناییهای در حال رشد فرزندشان، معقول و متناسب هستند. این والدین، از طریق تنظیم کردن انتظاراتشان با توانایی فرزندانشان خود در پذیرفتن مسئولیت اعمالشان، به آنها امکان می دهند تا بفهمند افراد شایسته ای هستند که می توانند خودشان کارهای روزمره زندگی را با موفقیت انجام دهند. در نتیجه، عزت نفس زیاد و رفتار پخته و مستقل، در کودکان پرورش می یابد.

**2- سبک فرزند پروری مستبدانه<sup>1</sup>:** والدینی که از سبک مستبدانه در تربیت فرزندانشان استفاده می کنند نیز متوقع هستند، ولی برای پیروی کردن آنچنان ارزش زیادی قایل هستند که فرزندانشان دوست ندارند پیروی کنند. "همان کاری که من گفتم انجام بده" نگرش این والدین است. در نتیجه، چون آنها انتظار دارند فرزندانشان از دستورات بزرگترها، بی چون چرا اطاعت کنند، کمتر به گفتگو با آنها می پردازند. اگر کودک اطاعت نکند، والدین مستبد به فشار و تنبیه متوسل می شوند. بامریند دریافت که کودکان پیش دبستانی دارای والدین مستبد، مضطرب، گوشه گیر و ناخشنود بودند. وقتی که آنها با همسالانشان تعامل می کردند، در صورت ناکامی، با خصومت واکنش نشان می دادند. مخصوصاً پسرها، خشم و سرپیچی زیادی نشان می دادند، دخترها، وابسته و بی علاقه به کند و کاو بودند، و از تکالیف چالش انگیز عقب نشینی می کردند.

**3- سبک فرزند پروری آسان گیرانه<sup>2</sup>:** والدینی که از سبک آسان گیرانه برای پرورش کودکان استفاده می کنند، مهرورز و پذیرا هستند، ولی متوقع نیستند و از هرگونه اعمال کنترل، خودداری می کنند. والدین آسان گیر به فرزندانشان اجازه می دهند در هر سنی که هستند، خودشان تصمیم بگیرند، در حالی که، هنوز قادر به انجام این کار نیستند. آنها می توانند هر وقت که دوست دارند غذا بخورند و بخوابند و هر قدر که می خواهند تلویزیون تماشا کنند. آنها مجبور نیستند طرز رفتار خوب یاد بگیرند یا کارهای خانه را انجام دهند. گرچه برخی از والدین آسان گیر واقعاً معتقدند که این روش بهترین روش است، ولی از توانایی خود در تأثیرگذاری بر رفتار فرزندانشان مطمئن نیستند و از لحاظ اداره کردن خانه خود، بی کفایت و بی برنامه هستند. بامریند دریافت که فرزندانشان والدین آسان گیر، خیلی ناپخته به بار می آیند. آنها در کنترل کردن تکانه هایشان مشکل داشتند و وقتی از آنها می خواستند کاری را انجام دهند که با تمایلاتشان مغایر بود، اطاعت نمی کردند. ضمناً آنها بسیار پرتوقع و وابسته به بزرگترها بودند، و در مقایسه با کودکانی که والدینشان کنترل بیشتری اعمال می کردند، در تکالیف پیش دبستانی استقامت کمتری نشان می دادند. رابطه بین تربیت آسان گیرانه و رفتار وابسته، مخصوصاً در پسرها، نیرومند بود (سیدمحمدی، 1385، ص 383 و 382).

---

1 - Authoritarian style

2 - Permissive style

4- سبک فرزند پروری بدون دخالت (بی توجه)<sup>۱</sup>: در این سبک، کم توقعی با بی اعتنائی و طرد همراه است. والدینی که دخالت نمی کنند اغلب افسرده هستند و استرس زندگی به قدری آنها را از توان انداخته که وقت وانرژی کمی برای فرزندانشان دارند. فرزند پروری بدون دخالت در حالت شدید آن، نوعی بدرفتاری با کودک است که بی توجهی نامیده می شود. این شیوه، مخصوصا اگر اوایل زندگی شده باشد، تقریبا تمام جنبه های رشد، از جمله دلبستگی، شناخت و مهارتهای هیجانی و اجتماعی را مختل می کند (سید محمدی، 1385، ص 385).

تحقیقات اولیه صورت گرفته نشان داده است که کودکان خلاق در خانواده هایی پرورش یافته اند که فقدان سلطه گری و خطاپذیری جزو مشخصه های آن بوده است. واتسون (1960) گتزلز و جکسون (1962) شیفر (1970) در مطالعات خود دریافته اند که رفتار والدین با کودکان خلاق آزادمنشانه تر و مسامحه کارانه تر بوده، خواندن را زود آموخته، قوه تخیل داشته و سرگرمیهای خلاقانه (شعر و نقاشی) داشته اند مادران دانش آموزان باهوش دغدغه دائمی و وسواس گونه ای در مورد موفقیت تحصیلی، رعایت آداب و نظم فرزندان خود داشته اند در حالیکه مادران کودکان خلاق در این خصوص حساسیت کمی داشته و بیشتر بر مفهوم ارزشها و استقبال از مشکلات زندگی تاکید می کنند. همچنین مادران افراد خلاق خیلی کمتر از مادران دیگر از مخاطرات واهمه داشته و از پول، مسائل و مشکلات اقتصادی سخن می گویند (میناکاری، 1368، ص 78). کروپلی (1967) داستان دختری خلاق بنام کاترین و پسری غیر خلاق بنام تام را چنین تشریح می کند: درمورد کاترین والدین آزادی عمل کافی و امکان مخالفت با نظر والدین را به کودک داده و حمایت محدودی بعمل می آورند اما در مورد تام والدین اجازه اتخاذ کوچکترین تصمیم را نمی دهند و پیوسته راهنمای عمل فرزندشان هستند و برای موفقیت او همه چیز را مهیا می سازند اما نتیجه به موفقیت منجر نمی شود. تحقیقات لیندبلاد<sup>۲</sup> (1976) نشان داده است که رشد قوه خلاقیت کودکان تا حدود زیادی به نحوه تعامل والدین در این خصوص دارد (کفایت، 1367، ص 82).

لازم به یادآوری است که بدانیم به موازات تغییر در خیلی از مسائل، الگوهای تربیتی و ارتباطی والدین و فرزندان در آینده بسیار دگرگون خواهد شد. همانطوریکه امروز خیلی متفاوت تر از گذشته است. کودکان فردا احتمالا در جامعه ای بزرگ می شوند که به مراتب کمتر از دهه 1960 و حتی جامعه فعلی ما "کودک محور" خواهد بود مثلا سالخوردگی جمعیت جهان باعث تغییر جهت توجه به آن نسل و کم توجهی به کودکان و نوجوانان شده است. در دوران موج دوم (انقلاب صنعتی)<sup>۳</sup> پدران و مادران، اغلب آرزوها و رویاهای خود را در وجود فرزندان خویش متجلی می دیدند و کودکان گل سرسبد خانواده و غرق در ناز و نعمت بودند زیرا والدین انتظار داشتند وضع فرزندانشان از نظر اجتماعی - اقتصادی بهتر از خود آنان بشود. از آنجا که والدین انتظار داشتند موقعیت فرزندانشان در جامعه ارتقاء پیدا کند بیشتر تشویق می شدند تا تمام تلاش خود را صرف پرورش آنها کنند. امروزه بسیاری از پدران و مادران طبقه متوسط نظیر فرزندان خود با این واقعیت تلخ مواجه شده اند که در جهان پیچیده امروز فرزندان آنها به جای آنکه از نردبان موقعیت اجتماعی - اقتصادی بالا بروند دائما دارند پائین

---

1 - Inattentive style

2 - Lind Blad

3 - Industrial revolution

می روند و در نتیجه این امید والدین که از طریق پیشرفت فرزندان ، آرزوهایشان برآورده شود بکلی از بین رفته است(البته در جامعه ما هنوز سرمایه گذاری و هزینه کردن والدین و تلاش آنان برای رشد و موفقیت فرزندان خیلی بالاست و این واقعیت ظاهرا خوش آیند یکی از نگرانیهای تربیتی و آسیب های جدی انگیزشی و کارآمدی نسل آینده باید تلقی گردد)در عین حال مسئولیت های بیشتری از سنین پائین متوجه خود کودکان خواهد بود همین موضوع نیاز به تلاش و خوداتکائی آنان را ایجاب خواهد کرد( تافلر، 1980، ص 530-529). بنابراین از نقش خانواده کاسته شده ، مسئولیت و نقش پرورش استعدادها و خلاقیت کودکان تا حد زیادی به خود آنان ، دولتها و سازمانهای آموزشی واگذار خواهد شد.

### سلطه جویی والدین مانع بروز خلاقیت فرزندان

والدین سلطه جو وظیفه خود می دانند که رفتار خارجی کودکانشان را تحت کنترل درآورند . آنها نسبت به فرزندان خود احساس مسئولیت کرده و این احساس مسئولیت اکثرا به احساس قدرت مطلق منتهی می شود . این گونه والدین در نقش قاضی ظاهر می شوند و مدام از قید " تو باید " استفاده می کنند و...یکی از تکنیکهای اصلی والدین قضاوت گر اقتدارطلب ، آن است که دیگران را با احساس گناه<sup>۱</sup> کنترل نمایند. اگر کودک آنچه را که مطابق خواسته آنها است انجام ندهد ، والدین سعی می کنند در او احساس گناه ایجاد کنند " چرا نمی خواهی مثل یک پسر بزرگ رفتار کنی ؟ " یا از روش دگررهبری<sup>۲</sup> استفاده می کنند " وقتی تو اینگونه رفتار می کنی دیگران در باره تو چه فکر می کنند ؟ " و یا از شگرد محبت استفاده می نمایند " با این رفتاری که تو داری نمی توانیم تو را دوست داشته باشیم " همچنین از مفهوم انتظارات استفاده می کنند " تو باید مثل پدرت قوی باشی " والدین با بکار بستن همه این روشها از کودکانشان می خواهند طوری رفتار کنند که هم از نظر اجتماعی مقبولیت داشته و هم برای سلامت فکری و جسمانی آنها حداکثر فایده را داشته باشد. ولی چون مطمئن نیستند که چگونه به چنین رفتاری نایل آیند ، نمی توانند این نکته را تشخیص دهند که آنچه به عنوان احترام و اطاعت از فرزندانیشان می خواهند ، آموزش انضباط نیست بلکه اغلب نتیجه احساس ناایمنی خودشان است . اینگونه والدین متوجه نیستند خصوصیتی که توسط کودکان در حد طبیعی و منطقی ابراز می شود ، برای رشد عاطفی ، عقلانی و همچنین بروز قوای خلاقانه آنها، واقعا ضرورت دارد . اگر کودکی احساس امنیت ، شایستگی و با ارزش بودن داشته باشد احتمال اینکه انضباط وی مشکل خاصی ایجاد کند کاهش پیدا کرده و با مقداری طرف توجه قرار دادن احساسات و مقبولیت کودکان باعث ارضاء آنها از این نیاز می شود. بنابراین می توان نتیجه گرفت که انضباط احساس مرکزی<sup>۳</sup> خویشتن سازانه ، شق صحیح کنترل کنش مرکزی<sup>۴</sup> است . در چنین حالتی است که برای کودک به جای اطاعت کورکورانه از دیگران ، خودکنترلی<sup>۵</sup>، هدف قرار می گیرد... پدر و مادری که می توانند احساسات و نگرشهای فکری کودکان را تحمل

---

1 - Guilt Feeling

2 - Other directedness

3 - Feeling centered

4 - Action centered

5 - Self control

نمایند ، خواهند توانست مشکلات ناشی از انضباط را نیز با مهارت برطرف نمایند . اگر محیط عاطفی خانواده همواره گرم و پذیرا باشد ، حتی اگر شدت عمل هم رواج داشته و در مورد رفتار کودک محدودیت های بجائی وجود داشته باشد ، بازهم کودک احساس امنیت کرده و استعدادهایش شکوفا خواهد شد.

پدر یا مادر خویشتن ساز<sup>۱</sup> برخلاف والدین سلطه جو ، رشدگرا<sup>۲</sup> یا طرفدار رشد می باشند . آنها زندگی را صحنه ای می دانند که در آن فرد می تواند خود را بسازد . آنها به جای آنکه "بایدگرا"<sup>۳</sup> باشند "هست گرا"<sup>۴</sup> هستند سعی دارند کودکان خود را چنانچه هستند بپذیرند و آنها را در رشد و بهبود کمک کنند. هدف اصلی آنها این است که بدون تحمیل عقیده ، خویشتن سازی را در کودک پرورش دهند تا آنها به سوی فعالیتهای سازنده و خلاقانه رهنمون شوند و خود راهشان را آزادانه انتخاب نمایند . این دسته از والدین زندگی را به صورت دنیای کودکی یا دنیای بزرگسالی ندیده ، بلکه آن را به صورت دنیای یک انسان نگاه می کنند که در آن هر یک از افراد حق دارند خواسته های خودشان را برآورده سازند ... طبیعی است در خیلی از موارد کودکان و نوجوانان نیز امیال سلطه جویانه داشته باشند. نتیجه اجتناب ناپذیر این وضع ، کشمکش و جدال پایان ناپذیر بین والدین و فرزندان است که طرفین هر یک می خواهند برنده بازی شوند... بنابراین اگر مناسبات والدین و فرزندان ( بویژه نوجوانان ) بر پایه اصول انسانی و جهت گیری رشدگرایانه باشد نوجوانان خویشتن سازی خواهیم داشت که واجد سه ویژگی مهم انسانهای خودشکوفا به شرح زیر خواهند بود .

#### 1- **خلافت** : نوجوان خویشتن ساز یک انسان طغیان گر خلاق است . وی جرات آن را دارد که به صورت

سالم طغیان نماید . طغیان وی با سمبل های خارجی نظیر موی بلند ، شلوار تنگ ، پوتین و امثال آن نیست بلکه با منظور ، جهت دار و معنی دار در رفتار فردیش همراه می باشد . بنابراین به جای آن که ویرانگر یا منفی باشد ، آفریننده و خلاق است .

#### 2- **حساسیت در ارتباط شخصی** : وی نه فقط از احساسات گروه همسالان خود آگاه است ، بلکه با والدین و

سایر بزرگسالان نیز همدلی دارد . لباس پوشیدنش مناسبت او را در درک موقعیت ها نشان می دهد .

#### 3- **آگاهی** : وی می خواهد تا حد امکان از امروز لذت ببرد ، خوش باشد و تجربه ببندد ، ولی در عین

حال لازم می بیند در دنیای بزرگسالان وارد شود . هدف برای او مهم است . در اینجا و حال زندگی می کند . او همچون ناخدائی است که نه فقط از قایقرانی لذت می برد ، بلکه قدرت امواج ، وزش باد و وسعت دریا هم او را به نشاط می آورد. نوجوان هم مانند همه ما سلطه جویی است که سعی دارد به مرحله خویشتن سازی برسد . بزرگترین وظیفه والدین این است که خودشان را از سر راه او کنار کشیده و به او آزادی عمل بدهند تا شکوفا شود( شوستروم ، 1967، ص 97 تا ص 120).

### تنوع فرهنگی در رابطه با فرزند پروری

---

1 - Self actualization

2 - Growd oriented

3 - Should oriented

4 - Is oriented

به رغم اتفاق نظر زیاد در مورد مزایای فرزند پروری مقتدرانه، گروههای قومی اغلب عقاید و شیوه های فرزند پروری خاص خودشان را دارند. برخی از آنها توقعات متفاوتی دارند که وقتی ارزشهای فرهنگی و شرایط زندگی خانوادگی آنها را در نظر می گیریم، سازگارانه هستند. برای مثال، بزرگسالان چینی، شیوه های تربیت خود را بسیار پرتوقع توصیف می کنند. آنها از نظر آموزش و برنامه های اوقات فرزندانشان، رهنمود بیشتری می دهند - این تاکید، بیانگر عقاید کنفوسیوسی به اهمیت انضباط قاطع، احترام به بزرگترها و آموزش رفتار جامعه پسند است (برنت و همکاران 1993، چائو، 1994، هانت سینگر، خوزه، و لارسون، 1998). در خانواده های آمریکای لاتینی و جزایر آسیایی اقیانوس آرام، کنترل شدید والدین (مخصوصاً توسط پدر) با محبت شدید مادر همراه می شود. اعتقاد بر این است که این ترکیب، فرمانبرداری و تعهد خانوادگی قوی در کودکان ایجاد می کند (هاریسون و همکاران، 1994).

گرچه بین آمریکاییهای آفریقایی تبار، تنوع زیادی وجود دارد، مادران سیاه پوست (به ویژه آنهایی که جوانتر، کمتر تحصیل کرده و مجرد هستند)، اغلب به شیوه بزرگسال محوری متکی هستند به طوری که انتظار دارند فرزندانشان بی چون و چرا اطاعت کنند (کلی، پاور و ویمباش، 1992). والدین سیاه پوست برای ایجاد اعتماد به نفس، خویشتنداری و هوشیار بودن، نسبت به شرایط زندگی مخاطره آمیز، از شیوه فرزند پروری بسیار قاطع استفاده می کنند (برودی و فلور، 1998). هماهنگ با این دیدگاه، در چندین تحقیق معلوم شد که انضباط بدنی در اوایل کودکی، پرخاشگری در سالهای دبستانی را فقط در کودکان آمریکایی قفقازی تبار و نه کودکان آمریکایی آفریقایی تبار، پیش بینی کرد (دی تر- دکارد و دوج، 1997، دی تر- دکارت و همکاران، 1996). این بدان معنی نیست که کتک زدن روش موثری است، بلکه حاکی از آن است که تفاوتهای قومی در نحوه ای که کودکان رفتار والدین خود را در نظر می گیرند می تواند پیامدهای آن را تغییر دهد. (سید محمدی، 1385، 384).

### تحقیقات انجام شده<sup>1</sup> در ارتباط با موضوع پژوهش

لازم است که پژوهشگر قبل از جمع آوری اطلاعات و داده های پژوهش، پیشینه پژوهش خود را به صورت مفصل مطالعه و تهیه کرده، سعی نماید که از تجارب پژوهشگران قبلی به نفع اجراء هرچه بهتر تحقیق خود، سود جوید (عباس زاده، 1380، ص 133). همانطوریکه قبلاً ذکر شد خلاقیت و تفکر خلاق در عرصه زندگی اجتماعی انسان و تعیین سرنوشت جوامع بویژه از نظر دسترسی به توسعه و رفاه بس مهم و ارزشمند است چرا که فرض براین است که بیش از هرچیز پیشرفت جوامع و سعادت انسان با این عنصر فکری مرتبط است. بنا براین جنبه های مختلف خلاقیت (از جمله خلاقیت فردی و سازمانی و...) و نتایج آن در طول تاریخ و در تمامی جوامع بویژه کشورهای توسعه یافته مورد تحقیق و توجه بوده و براین اساس پروژه های فراوان تحقیقاتی، کتب، مجلات، و سایت های اینترنتی در مورد موضوع وجود دارد.

بدون استثناء تمامی نظامهای آموزشی پویا، مراکز علمی - پژوهشی مشهور، بنگاههای بزرگ اقتصادی - تولیدی موفق، حتی سازمانهای اداری موفق دنیا و... جهت حفظ موجودیت خود و همراهی با قافله پیشرفت و همچنین دستیابی به سازگاری موثر، نه تنها به این امر مهم توجه دارند بلکه با تشکیل واحدهای حمایتی هزینه های سنگینی خرج و با انجام تحقیقات علمی از هرگونه فکر و عمل خلاقانه پشتیبانی می نمایند. بنابراین آنچه ذکر شد خوشبختانه با بررسی کتب، لیست پایان نامه ها، مقالات علمی، سایت های رایانه ای و... مشخص می شود موضوع خلاقیت از پیشینه و سابقه علمی غنی برخوردار است که ذیلاً عناوین تعدادی از منابع موجود اعلام می گردد.

### تحقیقات داخلی<sup>۱</sup>

- (1) تحقیقی تحت عنوان " بررسی رابطه خلاقیت و حساسیت هیجانی دانش آموزان دختر و پسر پایه اول و دوم مقطع دبیرستان مدارس پرورش استعداد های درخشان شهر بیرجند " در سال 1385 توسط احدی، مظاهری و فخری انجام و نتایج حاکی است در افراد خلاق تر، حساسیت هیجانی بیشتر است. از نظر ویژگیها نیز دختران با خلاقیت بیشتر، سلطه جو و پسران با خلاقیت کمتر بیشتر به ماجراجویی گرایش دارند.
- (2) تحقیقی تحت عنوان " مقایسه موانع شخصی خلاقیت بین دبیران تربیت بدنی مرد و زن شهرستان نیشابور " توسط گودرزی و صادقی در سال 1385 صورت گرفته و این نتیجه حاصل شده که به موازات افزایش سن و تجربه، تفاوت معنی داری در بین دبیران مرد و زن از نظر خطرپذیری، اعتماد به نفس، موفقیت کاری و استفاده از امور ذهنی در حل مشکلات وجود دارد.
- (3) تحقیقی تحت عنوان: بررسی توصیفی تاثیر آموزش بارش مغزی بر خلاقیت " در سال 1383 توسط حسن زاده در ارومیه صورت گرفته و به این نتیجه رسیده است که آموزش و کاربرد تکنیک بارش مغزی در مدارس، روش مناسبی در جهت پرورش قوه خلاقیت دانش آموزان بوده و به آسانی قابل اجراست.
- (4) تحقیقی تحت عنوان " بررسی رابطه خلاقیت معلم با خلاقیت دانش آموزان پایه چهارم و پنجم در منطقه 11 تهران " در سال 1381 توسط سعیدی صورت گرفته و به این نتیجه رسیده است که دانش آموزان دارای معلمان خلاق، دارای میانگین نمرات بالاتری در آزمونهای سنجش خلاقیت نسبت به دانش آموزان دارای معلمان غیر خلاق بوده اند لکن تفاوتی در اجزاء تشکیل دهنده خلاقیت ( بسط، انعطاف، سیالی و ابتکار) در بین دانش آموزان کلاس چهارم و پنجم مشاهده شد که احتمالاً ناشی تفاوت در آموزش و تاکید بیش از حد معلمان به حفظ عین مطالب در کلاس پنجم که امتحانات نهایی داشته و طرح سوالات در دست خود معلمان نیست بوده است. در کلاس چهارم امکان آزادی عمل معلمان و فرصت بروز خلاقیت دانش آموزان بیشتر است.
- (5) تحقیقی تحت عنوان " بررسی رابطه جو مدرسه با میزان خلاقیت دانش آموزان دختر مقطع متوسطه شهر تهران " در سال 1381 توسط فراغت انجام گرفته و نتایج حاکی است بین جو مساعد مدرسه و رشد خلاقیت دانش آموزان ارتباط مستقیم و معنی داری ( 56٪ رشد خلاقیت دانش آموزان متأثر از جو سازمانی مدارس

بوده است) وجود دارد. همچنین دانش آموزان دارای والدین تحصیل کرده با روابط عاطفی مناسب، خلاقیت بیشتری از خود نشان می دهند.

(6) تحقیقی تحت عنوان " بررسی رابطه خلاقیت با ویژگیهای شخصیتی و عملکرد تحصیلی در دانشجویان معلم مرد مرکز آموزش عالی ضمن خدمت فرهنگیان اهواز" به این نتیجه رسیده که برخی ویژگیهای شخصیتی مثل استواری هیجانی، احساساتی بودن، ریسک پذیری و جسور بودن بیش از سایر ویژگیها با ابعاد چهارگانه خلاقیت و نمره کل خلاقیت رابطه معنی داری دارد. همچنین متغیر استواری هیجانی و احساساتی بودن، بهترین متغیر پیش بینی کننده خلاقیت می تواند باشد. این نتایج، در تائید یافته های تورنس بوده است.

(7) تحقیقی تحت عنوان " بررسی تاثیر آموزش راهبردی فراشناختی بر پرورش خلاقیت دانش آموزان دختر سال سوم دبیرستانهای تهران " در سال 1380 توسط عبدوس صورت گرفته و نتیجه نشان داده است آموزش فراشناختی و خلاقیت رابطه مثبت و معنی دار داشته و آموزش راهبردی فراشناختی بر پرورش و تقویت خلاقیت دانش آموزان تاثیر مثبت دارد.

(8) تحقیقی تحت عنوان " بررسی ارتباط شیوه ها و نگرشهای فرزند پروری با خلاقیت و ارتباط آن با هوش، پیشرفت تحصیلی و رفتارهای پیشرفتگرایی دانش آموزان سال اول دبیرستانهای اهواز " در سال 1373 توسط کفایت صورت گرفته و به این نتیجه رسیده است که میان شیوه های مختلف فرزند پروری و خلاقیت همبستگی معنی دار و منفی وجود دارد. در عین حال ارتباط هوش و پیشرفت تحصیلی با خلاقیت بیشتر است.

(9) تحقیقی تحت عنوان " بررسی سبک رهبری معلمان مدارس متوسطه و تعیین عوامل موثر در آن " در سال 1373 در استان گیلان توسط همتی نژاد صورت گرفته و به این نتیجه رسیده که موفقیت مدیران تابع شرائط اقصایی بوده و سبک مدیریتی مردان موثرتر از زنان است.

(10) تحقیقی تحت عنوان " رابطه خلاقیت مدیران و توانائی آنها در حل برخی مشکلات دبیرستانهای دخترانه شهر تهران از دیدگاه دبیران " در سال 1381 توسط خدایاری صورت گرفته و به این نتیجه رسیده که هرچه خلاقیت مدیران بیشتر باشد توانائی آنها در حل مشکلات نیز بیشتر خواهد بود.

(11) تحقیقی تحت عنوان " طراحی و تبیین مدل سه بعدی رهبری، خلاقیت و اثربخشی مدیران در گروههای آموزشی تهران " در سال 1381 توسط عامری صورت گرفته و به این نتیجه رسیده که رابطه معناداری بین خلاقیت مدیران و سبک مدیریت آنها وجود دارد.

(12) تحقیقی تحت عنوان " بررسی رابطه بین ذهنیت فلسفی و میزان خلاقیت مدیران مدارس اصفهان " در سال 1383 توسط سیف هاشمی صورت گرفته و به این نتیجه رسیده که بین ذهنیت فلسفی مدیران و خلاقیت مدیران همچنین بین انعطاف پذیری و خلاقیت مدیران رابطه معناداری وجود دارد.

(13) تحقیقی تحت عنوان " بررسی تطبیقی موانع شخصی خلاقیت از دیدگاه دبیران مرد و زن ناحیه 2 ارومیه " توسط همتی در سال 1387 صورت گرفته و این نتیجه حاصل شده که بین نگرش دبیران زن و مرد، اعتماد به نفس، خطر پذیری، تجزیه و تحلیل نظام یافته و موفقیت کاری تفاوت معنی داری وجود دارد.

بمنظور جلوگیری از اطاله مطلب به همین مقدار بسنده نموده و اطلاعات بیشتر در مورد سایر تحقیقات را در بخش منابع ذکر خواهیم کرد.

تحقیقات خارجی<sup>۱</sup>

توجه به موضوع خلاقیت تا اواسط قرن 20 چندان مورد توجه دانشمندان و دولتها نبود و همه چیز در این عرصه بطور عادی پیش می رفت تا اینکه در اواخر دهه 1950 پدیده اختراع نسل فضا پیما و ماهواره ها که از آن به عنوان "شوک اسپوتنیک"<sup>۲</sup> یاد می شود موجب حرکت جدی و فراگیر در مراکز علمی - تحقیقاتی امریکا و اروپا شد که از آن به جنبشی برای جبران عقب ماندگی یاد می گردد ( اولین فضا پیما بنام اسپوتنیک<sup>۱</sup> را روسها در سال 1957 به فضا فرستادند و در سال 1961 نیز یوری گاگارین بعنوان اولین انسان به فضا رفت). یعنی می توان گفت از حدود 60 سال پیش به این طرف ، در جهان جریان توجه به استعداد های ویژه و خلاقیت تبدیل به یک جنبش اجتماعی - فرهنگی شده است . ویژگی مهم این جنبش برجسته شدن اهمیت تجربه ، نوآوری های تکنولوژیک و ساخت ابزار های علمی بود . پژوهش مربوط به خلاقیت از آن زمان تاکنون بویژه در کشورهای اروپائی ، امریکا ، ژاپن و... به طور خستگی ناپذیری ادامه یافته و روز به روز بر وسعت و غنای موضوعات مورد مطالعه افزوده می شود . کشورهای غربی عمدتا از اواخر قرن 20 ، متوجه خلاء مهمی در نظام آموزشی که ناشی از کم توجهی به خلاقیت بود شده و بهمین خاطر در فوریه 1988 ، کمیته مشاوره ای ملی در آموزش و پرورش خلاقیت و فرهنگ<sup>۳</sup> ( NACCCE ) را بطور رسمی بنا نهادند . هدف اصلی کمیته این بود که موانع و محدودیت هائی را که در رشد و شکوفائی خلاقیت در آموزش و پرورش دیده می شود شناسائی ، تشخیص و راه حل مناسب را جهت اصلاح به دولت پیشنهاد کنند. لازم به توضیح است کمیته مذکور صرفا کلیاتی در تائید و تمجید موضوع نبود. بلکه شامل جزئیات از جمله تعاریف ، برنامه ها ، مصادیق ، نحوه ارزیابی و... است ( حسن زاده ، 1383 ، ص 14 ). سابقه مطالعه علمی ، شناسائی و پرورش استعداد های کودکان بویژه خلاقیت در شوروی سابق از حدود 60 سال پیش شروع شده و برخی از کشورهای منطقه نیز اخیرا این نهضت را شروع کرده اند مثلا امارات متحده عربی از 9 سال قبل در این راه قدم برداشته است . متأسفانه در کشورمان هنوز این حرکت شکل و جریان مناسب خود را نیافته است تنها از 2 سال پیش ، یک موسسه استعداد یابی غیر دولتی بنام " مطالعات خلاقیت کودک و نوجوان " پا به عرصه گذاشته است که با اجرای 17 آزمون مختلف از کودکان علاقمند 3 تا 17 ساله ، نسبت به شناسائی و معرفی استعداد های ویژه کودکان اقدام می نمایند. در بحث مطالعات خارجی مربوط به خلاقیت گیلفورد ، تورنس و تایلور از شاخص ترین چهره ها به شمار می روند ( سایت فکر نو ، ص 2). ذیلا به برخی از تحقیقات انجام شده و نتایج حاصله به اختصار اشاره می گوی.

- هال و اسمیت<sup>۴</sup> ( 2001 ) طی یک مطالعه تحقیقی تحت عنوان " بررسی وضعیت تحصیلی و عزت نفس دانش آموزان 13 تا 17 ساله دبیرستان های دولتی " در شهر سیدنی استرالیا مشاهده نمودند عزت نفس بالا موجب افزایش یادگیری و پیشرفت تحصیلی در دانش آموزان شده در عین حال این نتیجه ارتباط معنی

---

1 - External researchs

2 - Spotnic shock

3 - National Advisory Committee On Creative & Cultral Education ( NACCCE)

4- Hall & Smith



داری با خلاقیت آنان دارد. همچنین دانش آموزان دارای عزت نفس بالا مشارکت بیشتری در فعالیتهای اجتماعی خارج از مدرسه داشته و حس و وظیفه شناسی و همکاریشان زیادتر بوده است. البته ارتباط عزت نفس و خلاقیت پسران، قوی تر از دختران بوده است.

- آدامز و هنری<sup>۱</sup> (1998) طی تحقیقی با عنوان "بررسی تاثیر عزت نفس بر روی خلاقیت دانش دانشجویان رشته علوم اجتماعی دانشگاه پنسیلوانیا" دریافتند عزت نفس با میزان خلاقیت دانشجویان ارتباط مستقیم و معنی داری داشته لکن شدت ارتباط در بین دانش آموزان پسر بیشتر است.

- گتزلس و و جکسون<sup>۲</sup> (1962) طی مطالعات معروف خود که ماهیتا شبیه تحقیق حاضر است اهداف زیر را دنبال و نسبت به بررسی موضوع اقدام کرده اند 1- مقایسه دو گروه از دانش آموزان که دارای میزان هوش متفاوت در عین حال عالی بوده اند بطوریکه گروه اول دارای هوش زیاد ولی الزاما خلاقیت برجسته ای نداشته اند. گروه دوم دارای خلاقیت قابل توجه بوده اما هوششان از گروه اول کمتر بوده است. 2- بررسی ماهیت رفتار دو گروه در مدرسه و نظر معلمان در باره آنها و معنایی که آنان برای تجربه آموزش خود قائل هستند. 3- بررسی مفهوم ارزشهایی که بدان معتقدند، سنخ حرفه ای که آرزومند پرداختن به آن هستند، اینکه موفقیت در زندگی را در چه می دانند، سنخ تفنن تخیلشان چیست؟ 4- سرانجام محیط خانوادگی شان چگونه است، والدین دانش آموزان چه نظری در باره شان دارند و چگونه آنها را تربیت می کنند؟ در این تحقیق 292 پسر و 241 دختر در سنین مختلف تحصیلی انتخاب و حدود 40 پرسشنامه در موردشان انجام شد نتایج نشان دادند که اولاً ارزیابی معلمان از دانش آموزان باهوش بهتر از ارزیابی دانش آموزان خلاق است ثانیاً سازگاری و همانندسازی با معلم در گروه دوم بیشتر است و... (میناکاری، 1368، ص 72 و ص 73).

- تورنس<sup>۳</sup> (1974) طی یک مطالعه تحقیقی تحت عنوان "تشخیص نقش جنسیت در تفکر خلاق" نشان داده است که هیچ تفاوت معنی داری بین خلاقیت و جنسیت وجود ندارد.

- مک کینون<sup>۴</sup> (1991) طی یک مطالعه تحقیقی در مورد "بررسی تاثیر عقاید و فشار دیگران بر خلاقیت فرد" به این نتیجه رسید که افراد خلاق خودانگیخته بوده و اصولاً تحت تاثیر دیگران نیستند در عین حال آنان از نظر اجتماعی مسئولیت پذیر بوده و هموائی با دیگران دارند.

- راسکین<sup>۵</sup> (1995) طی تحقیقی در مورد "ویژگیهای شخصیتی مدیران خلاق" به این نتیجه دست یافت که مدیران خلاق بیشتر مستقل عمل می کنند یعنی در عملکرد و قضاوت کمتر تحت تاثیر دیگران هستند در عین حال خصوصیات چونی ابراز وجود، سلطه جوئی و علاقه به کسب قدرت فردی دارند.

---

1 - Adams & Henry

2 - Getzels & Jakson

3 - Torrance

4 - Mak Kinon

5 - Ruskin

- رو و بایارز<sup>۱</sup> (1997) طی تحقیقی در مورد "ارتباط خلاقیت و جو سازمانی" دریافت که جو محیطی بیش از هرچیز بر فرآیند بروز خلاقیت افراد تاثیر می گذارد.
- ویرپی آسی کانین و ووسی روتاما<sup>۲</sup> (1998) با بررسی "رابطه عوامل شخصیتی و خلاقیت مدیران" دریافت که مدیران درون گرا زمینه بروز رفتار خلاقانه بیشتری دارند.
- پارنز (1963) و دی بنو (1970) و کلینکن (1986)<sup>۳</sup> طی تحقیقی در مورد "بررسی وجود خلاقیت در افراد مختلف" دریافتند که خلاقیت با شدت کم و زیاد بصورت بالقوه در همه انسانها وجود دارد.
- تورنس (1973) طی تحقیقی در مورد "بررسی ارتباط آستانه هوش و خلاقیت" دریافت که در بهره هوشی کمتر از 120، خلاقیت نیز محدود است اما پس از آن بعد مستقلی می یابد.
- اتکینسون و هلیکارد<sup>۴</sup> (1983) طی تحقیقاتی در مورد "عملکرد اختصاصی نیمکره های مغز و ارتباط آن با خلاقیت" دریافتند که احتمال زیاد وجود دارد که تفکر خلاقانه نتیجه عملکرد نیمکره راست مغز باشد.
- واتسون<sup>۵</sup> (1960) و گتزلس و جکسون (1962) طی تحقیقی در مورد "ارتباط شیوه های تربیت خانوادگی و رشد خلاقیت کودکان" دریافت که رشد خلاقیت در خانواده های آزادگذارنده، مسامحه کار و خطاپذیر بیشتر است.
- چانک<sup>۶</sup> (2000) طی تحقیقی در مورد "ارتباط محیط با بروز خلاقیت کودکان" دریافت که وجود محرکهای غنی محیطی، عضویت در گروههای کوچک و برنامه های آموزشی انعطاف پذیر به رشد خلاقیت کودکان کمک می نماید.
- لیندبلد<sup>۷</sup> (1976) طی تحقیقی در مورد "ارتباط نحوه تعامل والدین و رشد خلاقیت کودکان" دریافت که تعامل مناسب و سازنده تا حد زیادی با رشد قوه خلاقانه کودکان ارتباط دارد.
- هارتلی<sup>۸</sup> (1988) طی تحقیقی در مورد "ارتباط رشد خلاقیت کودکان با نحوه آموزش" دریافت که در صورت وجود فضای آزاد آموزشی و پذیرش فرض وجود پاسخهای متفاوت به جای پاسخ واحد، خلاقیت و خودگردانی دانش آموزان افزایش پیدا می کند.

---

1 - Rue & Byars

2 - Virpi Asikainen & Vesa Routama

3- Parenz , De Beno & Klinken

4 - Atkinson & Hilgard

5 - Watson

6 - Chank

7 - Lind Blad

8 - Hartley

- اسمایل<sup>۱</sup> ( 2005 ) طی تحقیقی در مورد " نقش فاکتورهای یادگیری سازمانی و جو خلاق بر روی نوآوری سازمانی در کوالامپور " به این نتیجه رسید که ارتباط معنی داری بین فرهنگ یادگیری سازمانی و جو خلاق با نوآوری وجود دارد .
- هارا و استرنبرگ<sup>۲</sup> ( 2001 ) طی تحقیقی در مورد " بررسی سبک های تفکر افراد خلاق " به این نتیجه رسیدند که افرادی که ترجیح می دادند بر مبنای تفکرات خاص خود عمل کنند ( یعنی کسانی که دارای سبک تفکر قانون گرا بودند ) عملکرد خلاقه بهتری نشان دادند ، در حالیکه افرادی که به تحلیل و ارزیابی تفکرات گرایش داشتند ( یعنی کسانی که دارای سبک تفکری قضاوت گرا بودند وقتی هیچ گونه آموزش ویژه ای ندیده بودند عملکرد خلاقانه ضعیفتری نشان دادند .
- لوکسا ، لوکسوا ، کورکورا<sup>۳</sup> ( 2000 ) طی تحقیقی در مورد " عوامل موثر روانی - اجتماعی بر عملکرد خلاقانه " به بررسی اثرات انتظار ارزیابی و شرایط کاری بر ویژگیها و فعالیتهای خلاق دانشجویان دانشگاه پرداخته و به این نتیجه رسیدند که انتظار ارزیابی بر همه متغیرها و عوامل تشکیل دهنده خلاقیت تاثیر می گذارد.

---

1 - Smail

2 - Hara & Stranberg

3 - Loksa ; Loksova & Korkora

# فصل سوم: روش تحقیق و جمع آوری اطلاعات

- مقدمه

- روش تحقیق (روش اجرای تحقیق)

- روشهای جمع آوری اطلاعات و داده های تحقیق

- جامعه آماری تحقیق

- برآورد حجم نمونه تحقیق

- روش نمونه گیری تحقیق

- متغیرهای تحقیق

- ابزارهای اندازه گیری تحقیق (مشخصات پرسشنامه ها)

- روایی ابزارهای اندازه گیری تحقیق

- پایایی ابزارهای اندازه گیری تحقیق

- روشهای آماری تجزیه و تحلیل داده های تحقیق

## مقدمه

کشف حقیقت ، افزایش دانش و توضیح پدیده ها از جمله اهداف اساسی هر تحقیق علمی می باشد. تحقیق در علوم تربیتی نیز هدف کاربرد روشهای علمی در مطالعه مسایل آموزشی – تربیتی را دارد وهدف آن نیز کشف اصول کلی یا تفسیر رفتاری است که از آن برای تبیین ، کنترل و پیش بینی رویدادهای آموزشی استفاده می شود( دلاور، 1379، ص 46). ماهیت ذهنی و نسبی بودن بسیاری از مفاهیم ، ملاحظات اخلاقی ، تعدد متغیرهای اثرگذار و غیرقابل کنترل بودن برخی از آنها و... در مباحث علوم رفتاری مثل روانشناسی ، شرائطی را بوجود آورده که در مبحث انجام پژوهشهای علمی اجبارا بیشتر روشهای توصیفی را برگزینیم. با وجود این روش تحقیق توصیفی به خاطر توانمندیهای بالقوه خود از جمله روشهای شایع بوده ، مقبولیت زیادی دارد. مهمترین توانمندی آن فراهم آوردن امکان تحقیق بر روی مسائل ، مشکلات و موضوعاتی است که بنا به ملاحظاتی به صورت تجربی میسر نیست (مثل بررسی اثرات تنبیه در کودکان و نوجوانان و یا عوارض مصرف سیگار ، که نه افراد خود را در اختیار محقق قرار می دهند و نه دولت و والدین اجازه چنین کاری را به محقق می دهند). به عبارت دیگر تحقیقات از جانب دولت ، مسئولان و والدین ، اخلاق ، عرف و... مجاز نبوده و محقق نمی تواند با دستکاری کردن و یا کم و زیاد کردن متغیرهای پژوهش ، مطالعه خود را به انجام رساند(سیدعباس زاده ، 1380، ص 145). بدیهی است بنابه دلائل مذکور ارزش و اعتبار علمی یافته نیز نسبی خواهد بود با وجود این ضرورت دارد حداقل امکان چهارچوبها و استانداردهای انجام پژوهشهای علمی مد نظر و رعایت گردد . براین اساس روش پژوهش<sup>۱</sup> ، جامعه آماری ، نمونه آماری ، چگونگی روش انتخاب نمونه ها ، ابزارهای جمع آوری اطلاعات ، متغیرها و فرضیه ها و روش تحلیل داده ها و یافته ها مد نظر و مورد استفاده قرار گرفته است که شرح هریک خواهد آمد.

روش تحقیق<sup>۲</sup> (روش اجرای تحقیق )

انتخاب روش تحقیق در واقع انتخاب مناسب ترین و بهترین راه رسیدن به هدف تحقیق است. همانطوریکه بدون استفاده از مسیر و راه مناسب نمی توان به راحتی به مقصد رسید بدون گزینش و استفاده از روش تحقیق مناسب نیز نمی توان مطابق اصول علمی به هدف نهائی پژوهش دست یافت . به عبارت دیگر هر موضوع تحقیق ، روش متناسب خود را دارد . ازپژوهشگر انتظار می رود که قبل از اقدام عملی به اجرای تحقیق ، روش متناسب با آن را شناسایی کند و آن را درمحل مربوط در طرح تحقیق درج نماید (سید عباس زاده ، 1380، ص 150). تحقیقات علمی را بر اساس چگونگی بدست آوردن داده های مورد نیاز(طرح تحقیق ) می توان به دو دسته توصیفی(غیرآزمایشی<sup>۳</sup>) وآزمایشی<sup>۴</sup>( تجربی ) تقسیم کرد. تحقیقات توصیفی شامل

## 1 - Methodology

## 2 - Research method

## 3 - None experimental

## 4- Experimental

مجموعه روشهایی است که هدف آنها توصیف کردن شرایط یا پدیده های مورد بررسی است این تحقیق بر حسب نحوه گردآوری داده ها ، یک تحقیق توصیفی<sup>۱</sup> موردی است . این نوع تحقیق بنا بر جستگی موضوع در نظام آموزش کشور و اهمیت خاص مراکز سمپاد انتخاب شده و می تواند راهگشای موارد دیگر نیز باشد . بدیهی است در این حالت نمونه گیری صورت نمی گیرد و همه جامعه آماری نیز می تواند به عنوان نمونه آماری مورد تحقیق واقع شود. یعنی مورد مربوط برگزیده شده و بر روی آن تحقیق صورت می گیرد و به همین دلیل نیز به آن " مطالعه موردی"<sup>۲</sup> اطلاق می شود. طبیعتا در این قبیل موارد، بیش از تحقیقات دیگر به عمق مسائل پرداخته می شود . از طرفی قصد تحقیق سنجش عقاید و نگرش والدین و دانش آموزان در باره ایده ها و رفتارهای خلافانه است روش تحقیق مورد استفاده از نوع " زمینه یابی"<sup>۳</sup> و " پیمایشی " خواهد بود . سیدعباس زاده ، ۱۳۸۷، ص ۱۶۰ - ۱۴۹). زیرا هدف آن توصیف کردن شرایط یا پدیده های مورد بررسی تنها در دو واحد آموزشی است . با توجه به ماهیت موضوع تحقیق که شامل " بررسی نگرشهای فرزند پروری والدین و خلاقیت دانش آموزان مدارس راهنمایی پسرانه و دخترانه استعدادهای درخشان ارومیه" است . قالب اصلی سوال ما به ماهیت "چیستی " و "چه هست " تحقیق تاکید داشته و در صدد آزمون نوع نگرش خواهد بود. به عبارت دیگر در تحقیق حاضر در پی یافتن پاسخ به سوالات پژوهشی ازاین قبیل هستیم :

- 1- ماهیت شرایط موجود چگونه است ؟
- 2- چه رابطه ای میان رویدادها وجود دارد ؟
- 3- وضعیت موجود چگونه است ؟ (سرمد و دیگران ، ۱۳۸۳، ص ۸۳ و ۸۲)

بنابراین روش تحقیق ما از نوع توصیفی و زمینه یابی (پیمایشی) با استفاده از محاسبه همبستگی، میانگین و... خواهد بود . توصیف عینی و واقعی رویدادها و کشف چگونگی روابط مربوط بین آنها در حالی است که شرایط آزمون تجربی و امکان دخل و تصرف از سوی محقق وجود ندارد . لکن چنین وضعی مغایر برخورد فعال وی با موضوع نیست . در تحقیق حاضر برخورد والدین و مربیان به هر شکلی که هست قبل و بعد از انجام تحقیق نیز وجود خواهد داشت . در این تحقیق ما بدنال بررسی شیوه هایی بوده ایم که والدین در برخورد تربیتی با فرزندان خود اعمال داشته اند. والدین بنا به به سلیقه شخصی ، باورها ، سنت ها و ارزشهای خود روشهای متفاوتی برای تربیت فرزندان خود برمی گزینند طبیعتا تفاوت روشها آثار متفاوتی هم بدنال خواهد داشت . از آنجائیکه ما بدنال مشخص کردن رابطه این برخوردها و آثار آن بوده و هیچ تغییری در واقعیت ها و متغیرها داده نمی شود عملا از یک طرح تحقیقاتی پس از وقوع پیروی کرده ایم (کفایت ، ۱۳۷۳، ص ۱۲۵) به عبارت دیگر از طرفی با توجه به اینکه در این تحقیق به دنبال مشخص کردن و توصیف رابطه بین چند متغیر مثل روشهای تربیتی والدین و خلاقیت در کودکان و... هستیم و چنین وضعیتی طبیعی بوده و هیچگونه دخل و تصرف و تغییری در عوامل دخیل داده نمی شود طرح مورد استفاده در این پژوهش از نوع همبستگی و پس از وقوع نیز هست (سیدعباسزاده ، ۱۳۸۰، ص ۱۶۵).

---

1 - Discriptive

2 - Case study

3 - Survey

در تحقیق همبستگی سعی می شود رابطه متغیرهای مختلف با استفاده از ضریب همبستگی کشف یا تعیین شود (بورگ و گال 1989). بدیهی است نظر سنجی ها ، ارزیابی دیدگاهها و نگرش ها ، استفاده از روش تحقیق زمینه یابی را تجویز می نماید آنان که به پیمایش می پردازند ، یک قاعده کلی را در نظر دارند اگر می خواهید بدانید که مردم چه فکر می کنند از خودشان بپرسید" . برای تبیین رفتار توده مردم ، محتاج به اطلاعاتی در باره نگرش توده ای هستیم که آنها را فقط از طریق پیمایش می توانیم به دست آوریم . بدون اینکه از مردم بپرسیم ، نمی توانیم بفهمیم که آنان چگونه می اندیشند و اگر بتوانیم از مردم سوال کنیم ، می توانیم در باره اینکه آنها چه فکر می کنند و علت کارهایشان چیست اطلاعات بسیاری کسب کنیم زمانی که عقاید عمومی و رفتار توده مردم مورد توجه است ، پیمایش نقش بسیار مهمی را در علوم اجتماعی بازی می کند " (عابدی ، 1362، ص 6 و ص 14) . استفاده از روش های آماری چون تنظیم انواع جداول ، محاسبه فراوانی ها و درصدها و میانگین متغیرها ، محاسبه ضریب همبستگی و انحراف معیار آنها و... بمنظور ارائه تجزیه و تحلیل داده ها ، فرضیه ها و نتایج از الزامات کار در این تحقیق است تا بتوانیم با بهره گیری از دست یافته ها به پرورش اصول و تعمیم های لازم و تفسیر نتایج اقدام نمائیم ( عباس زاده ، 1380 ، ص 155) . هدف تحقیق و نحوه گردآوری داده ها دو ملاک اصلی روش تحقیق در حوزه علوم رفتاری است . هدف تحقیق می تواند شامل اهداف بنیادی ، کاربردی و توسعه ای باشد . تحقیق حاضر هدف نوع دوم را دنبال می نماید و با توجه به نحوه گردآوری اطلاعات و داده ها نیز لاجرم روش تحقیق توصیفی ( پیمایشی ) مد نظر بوده و در جریان پژوهش ، توصیف هر چه دقیق تر و منظم واقعیت ها و ویژگیهای پدیده ها و جامعه مورد مطالعه دنبال خواهد شد ( همتی ، 1387 ص 48) .

### روش های جمع آوری اطلاعات<sup>1</sup> و داده های<sup>2</sup> تحقیق

داشتن اطلاعات کافی و ارزشمند در تمام مراحل تحقیق مورد نیاز است ، به عبارت دقیق تر هر نوع تحقیق علمی تنها به میزان اطلاعات جمع آوری شده مفید مربوط به موضوع ، ارزش دارد . بنابراین آندسته اطلاعات که واجد ویژگیهای سه گانه زیر باشد در این تحقیق مورد نیاز و توجه ما خواهد بود .

1- اطلاعات مربوط به موضوع باشد.

2- اطلاعات دقیق باشد

3- اطلاعات به روز باشد.

فلذا ضرورت دارد به منظور صرفه جویی در هزینه ها ، وقت و انرژی از جمع آوری اطلاعات نامربوط ، مبهم و کهنه شده (مگر در موارد ضروری مثل بررسی تاریخی ، دیدگاهها و...) اجتناب گردیده و عمل گزینش اطلاعات مورد نیاز از میان انبوه جمع آوری شده صورت پذیرد. در این تحقیق اطلاعات جمع آوری شده هم جنبه کمی و هم جنبه کیفی داشته و عمدتاً با استفاده از پرسشنامه (کمی) بدست خواهد آمد . فلذا بلحاظ ماهیت توصیفی و پیمایشی بودن تحقیق حاضر ، استفاده از پرسشنامه (بعنوان متداولترین وسیله جمع آوری

---

1 - Information collecting methods

2 - Data

اطلاعات در علوم انسانی) مناسب خواهد بود هرچند به نظر میرسد در مواردی استفاده از فنون مصاحبه و مشاهده نیز مورد نیاز باشد (سید عباس زاده، 1380، ص 241 تا 269). در باره آزمونهای خلاقیت چگونه باید اندیشید؟ به زعم گرونیبرگ انتقادات اساسی در باره این آزمونها، که به وسیله مولفان مختلف عنوان شده است، بسیار شدید است. این مولفان عقیده دارند که آزمونهای خلاقیت چیزی را علاوه بر آزمونهای هوش عمومی نمی سنجند. ولی دلایلی برای اثبات این امر که آزمونهای خلاقیت چیز خاصی را می سنجند وجود دارد. این چیز خاص، لزوما و کاملاً با آنچه عموماً از خلاقیت می فهمیم مشتبه نمی شوند (میناکاری، 1368، ص 139). برای سنجش اعتبار آزمونهای خلاقیت معیارهای مشخصی وجود دارد از جمله اینکه هرچه تعداد پاسخها، تنوع پاسخها، غیر متعارف بودن پاسخها و ذکر جزئیات بیشتر باشد همانقدر مطلوبتر است.

پرسشنامه های استفاده شده در این تحقیق (ضمیمه طرح) از نوع بسته (چند گزینه ای) که متضمن سنجش و ارزیابی نوع برخورد، ارزیابی دانش آموزان والدین و مربیان در خصوص متغیر "خلاقیت" است. در مورد دانش آموزان مدارس راهنمایی (سنین مهم از نظر بروز و رشد خلاقیت)، والدین و مربیان آنان به کار گرفته خواهند شد. در واقع با این کار از پرسشنامه بعنوان "وسیله اندازه گیری" که کیفیت ها را به کمیت تبدیل می کند بهره می جوئیم. آزمونهای مورد نظر در حقیقت جو محیط خانواده و مدرسه را از نظراینگه تا چه اندازه از خلاقیت کودکان حمایت می کنند؟ مورد بررسی، ارزیابی و تحلیل قرار میدهد (قاسم زاده و عظیمی، 1375، ص 193 تا ص 195). طبیعی است به غیر از پرسشنامه در قسمت های مختلف پژوهش مثل پیشینه تحقیق و بیان ضرورت انجام آن از سایر اطلاعات کیفی استفاده خواهد شد.

اطلاعات کتابخانه ای، مرور نمونه های تحقیقات انجام شده مشابه در دسترس، استفاده از مجلات و مقالات مندرج در نشریات، مطالعه سایتهای اینترنتی فارسی و انگلیسی زبان از جمله روشهای دیگر جمع آوری اطلاعات نظری در پژوهش حاضر بود. برای گردآوری اطلاعات و داده های عملی دقیق مورد نیاز از مدارس مورد هدف، ابتداء با مراجعه حضوری به مدارس مذکور و مذاکره با مدیران محترم، توضیحات لازم در مورد ماهیت هدف تحقیق، پرسشنامه ها و نحوه توزیع و جمع آوری آنها ارائه و آمادگی لازم برای همکاری فراهم شد. برای اجرای آزمون اصلی که شامل ارزیابی میزان خلاقیت دانش آموزان بود، بنا به اهمیت وقت کلاس، عدم رضایت معلمان و... شیوه تکمیل در منزل مورد بهره برداری قرار گرفت. نهایتاً بنا به ضرورت لحاظ شرائط یکسان اجرای آزمون، روش توضیح در کلاس و تکمیل هر دو پرسشنامه در منزل برای مدارس پسرانه و دخترانه، انتخاب گردید تا در صورت دخالت عواملی چون اعمال نظر والدین و بزرگترها، نتایج متاثر از آن نباشد. مرحله توزیع پرسشنامه بصورت حضور مجری و معاون مدرسه در کلاس صورت گرفت که پس از ارائه توضیحات کلی در مورد هدف تحقیق و روش تکمیل پرسشنامه ها، از دانش آموزان خواسته شد حداًالامکان پاسخها را واقعی و بدون دخالت دیگران تعیین و عودت دهند. پرسشنامه مربوط به والدین نیز همراه پرسشنامه دانش آموزان، به منزل فرستاده شد. پرسشنامه مربوط به معلمان توسط معاونین مدیران مدارس توزیع و جمع آوری گردید.

با توجه به عمومیت موضوع خلاقیت در حوزه های مختلف علوم انسانی (روانشناسی، جامعه شناسی، مدیریت، دانش اجتماعی و...) و فراوانی آثار مکتوب و تحقیقات انجام یافته، بدیهی است علاوه بر پرسشنامه های فوق، سایر پرسشنامه های مشابه زیادی نیز می تواند مورد استفاده قرار گیرد. لازم به توضیح



است آزمونهای هنجاری استعدادهای خلاق به طور عمده در جریان طرحهای پژوهش فراگیر در زمینه ماهیت آفرینندگی تهیه شده اند. دو مجموعه آزمون عمده مربوط عبارتند از آزمونهای خلاق کالیفرنیا جنوبی که توسط گیلفورد و همکارانش تهیه شده اند و آزمونهای تفکر خلاق تورنس. همانطوریکه قبلا اشاره شد نقش گیلفورد در این بحث بسیار مهم و بی بدیل است به حدی که هیچ کتاب، مقاله و پژوهش علمی نباید خود را از نظریات و آزمونهای خلاقیت وی بی نیاز احساس کند، اگر هم غیر از این باشد قطعاً آن اثر ناقص است. البته در حاضر از این آزمونها فقط در مسائل پژوهشی استفاده می شود چرا که هنوز دوره آزمایشی و جوانی خود را می گذرانند و بهمین دلیل چندان علمی نشده اند" (براهنی، 1364، ص 435). تحقیقات نشان داده است این آزمونها را نمی توان آزمونهای کاملی تلقی کرد که می توانند تمام اطلاعات مفید مربوط به آزمودنی را در اختیار ما بنهند البته منظور این نیست که آزمونهای خلاقیت عاری از هرگونه ایراد هستند، لکن نقصشان نباید اهمیت و فایده مسئله ای را که عنوان می کنند از نظر بپوشانند.

گیلفورد و همکارانش (1956) با نشان دادن تفاوت هوش عمومی و خلاقیت، نقش مهمی در پی ریزی مفهوم کلی خلاقیت ایفا کرده اند (مینا کاری، 1368، 72). با وجود این مجموعاً در رشته های علوم انسانی پرسشنامه های معتبر به اندازه کافی وجود ندارد لکن در زمینه موضوعاتی چون استعداد، رغبت و خلاقیت چنین مشکلی موجود نیست (سید عباس زاده، 1380، ص 274). کافمن<sup>۱</sup> (2003) با نگاهی جدید به مفهوم خلاقیت و اشاره به نقاط ضعف آزمونهای موجود، با دیدی تربیتی و عملی به تفکر، در مورد نوع جدیدی از اندازه گیری خلاقیت پیشنهادهایی ارائه کرده است (دائمی و مقیمی، 1383 ص 1).

پرسشنامه های مورد استفاده در تحقیق شامل آزمون سنجش خلاقیت تورنس، پرسشنامه نگرشهای فرزند پروری و پرسشنامه ارزشیابی خلاقیت دانش آموزان توسط معلمان خواهد بود که ذیلاً هریک باختصار معرفی می گردد. در واقع میزان تطبیق پاسخ های افراد با پاسخهای تعیین شده توسط طراحان، بعنوان وجود زمینه بهبود محیط خلاقیت و حمایت از آن محسوب می گردد.

کتاب، مجلات و نمونه تحقیقات صورت گرفته که در آرشیو کتابخانه دانشگاه ارومیه، مرکز تحصیلات تکمیلی، واحد پژوهش سازمان آموزش و پرورش و مرکز آموزش مدیریت دولتی ارومیه موجود بوده و همچنین بررسی سایتهای اینترنتی مربوط به شرحی که در بخش منابع آمده است جهت تکمیل و غنای مطلب مورد استفاده قرار گرفته است.

## جامعه آماری<sup>۲</sup> تحقیق

مجموعه ای از افراد یا آزمودنیها که حداقل در یک ویژگی مشترک باشند یک جامعه آماری را تشکیل می دهند معمولاً در هر پژوهش، جامعه مورد بررسی یک جامعه آماری است که پژوهشگر مایل است در باره صفت یا صفتهای متغیر واحدهای آن به مطالعه بپردازد (سیدعباس زاده، 1380، ص 191). جامعه آماری مورد نظر در این تحقیق مشتمل است بر کلیه دانش آموزان پسر و دختر مدارس مقطع راهنمایی استعدادهای

1 - Kaufman

2 - Statistical universe ( Populatoin)

درخشان شهر ارومیه و والدین آنها . براساس آمار منتشره از سوی سازمان آموزش و پرورش استان مجموعاً 2094 نفر دانش آموز پسر و دختر در 89 کلاس مقطع راهنمایی و دبیرستان تحت پوشش سازمان ملی پرورش استعدادهای درخشان ( سمپاد ) استان که شامل سه مرکز ارومیه ، خوی و میاندوآب می باشد مشغول تحصیل هستند. از این میان جامعه آماری مورد مطالعه این تحقیق شامل کلیه دانش آموزان مشغول تحصیل پسر و دختر مدارس پرورش استعدادهای درخشان مقطع راهنمایی شهر ارومیه در سال 88-1387 ، والدین آنها و مربیان مدارس مذکور می باشد که مجموعاً 427 نفر دانش آموز دختر و پسر ( 209 نفر پسر و 218 نفر دختر ) تمامی والدین آنها (427 نفر) و معلمان به تعداد 76 نفر ( 40 نفر مربی مدرسه پسرانه و 36 نفر مربی مدرسه دخترانه ) را شامل می شود . واحد تحقیق محدود به دو مدرسه پسرانه و دخترانه راهنمایی فعال در شهر ارومیه است که تحت عنوان مراکز پرورش استعدادهای درخشان که زیر نظر "سازمان ملی پرورش استعدادهای درخشان " که به اختصار " سمپاد " گفته می شود اداره می شوند(به غیر از استان تهران ، درسایر استانها این مراکز به علت نبودن نمایندگی سازمان مذکور، تحت نظر سازمانهای آموزش و پرورش فعالیت می نمایند). مربیان نیز که شامل کادر آموزشی مدارس مذکور است کادر آموزشی و مربیان پرورشی و معلمان ورزش را در برمی گیرد که در ارتباط مستقیم آموزشی یا پرورشی دانش آموزان هستند. در مدرسه دخترانه 36 معلم و مدرسه پسرانه تعداد 40 معلم شاغل هستند. محدودیت جامعه آماری موجب شد تا بنا به تامین اعتبار پژوهش و مطابق مشورت استاد راهنما ، کل جامعه دانش آموزان شاغل ، والدین آنها و مربیان مرتبط مد نظر قرار گرفته و عمل نمونه گیری را منفی نمائیم . در نتیجه 427 عدد پرسشنامه تهیه شد و در عمل 418 پرسشنامه توزیع گردید که در موقع برگشت پاسخها ، با افت 13حدود درصدی مواجه شدیم و نهایتاً 363 مورد پرسشنامه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت . در اینجا لازم می دانم جهت مزید اهل مطالعه واطلاع پژوهشگران محترم که احیاناً قصد انجام تحقیقات مشابه در سطوح و یا مراکز دیگر و یا تکمیلی داشته باشند آمار کامل دانش آموزان تحت پوشش مراکز سمپاد در ارومیه ، خوی و میاندوآب را ذکر نمایم .

آمار دانش آموزان مراکز تحت پوشش سازمان ملی پرورش استعدادهای درخشان (سمپاد) در استان آذربایجانغربی به تفکیک

#### مقطع تحصیلی و جنسیت در سالنحصیلی 88-1387

ردیف	مقطع تحصیلی	شهرستان	پسرانه / دخترانه	تعداد کلاس	تعداد دانش آموز
1	راهنمایی	ارومیه	پسرانه	9	209
2	راهنمایی	ارومیه	دخترانه	9	218
3	راهنمایی	خوی	پسرانه	6	143
4	راهنمایی	خوی	دخترانه	6	141
5	راهنمایی	میاندوآب	پسرانه	4	86
6	راهنمایی	میاندوآب	دخترانه	4	93
7	دبیرستان	ارومیه	پسرانه	12	275
8	دبیرستان	ارومیه	دخترانه	11	275
9	دبیرستان	خوی	پسرانه	11	225
10	دبیرستان	خوی	دخترانه	9	229
11	دبیرستان	میاندوآب	پسرانه	4	106
12	دبیرستان	میاندوآب	دخترانه	4	94
جمع				89	2094

### برآورد حجم نمونه<sup>۱</sup> تحقیق

بنا به محدود بودن جامعه ، و براساس مشورت با استاد راهنما ، حجم نمونه انتخاب شده کل آن را (دانش آموزان مدارس راهنمایی پسرانه و دخترانه مراکز سمپاد ارومیه) شامل و در این کار از روش سرشماری استفاده گردید. یعنی در واقع کل جامعه آماری ، حجم نمونه آماری را تشکیل داده است. در نتیجه 427 عدد پرسشنامه تهیه شد و در عمل تعداد 418 پرسشنامه توزیع شد که شامل 209 نفر دانش آموز پسر و 218 نفر دانش آموز دختر بود (6 نفر از دانش آموزان مدرسه پسرانه و 3 نفر از دانش آموزان مدرسه دخترانه غیبت داشته و یا از مدرسه انتقال یافته بودند ) و نهایتاً نیز تعداد 363 عدد تکمیل شده بدون اشکال مورد استناد و تجزیه و تحلیل قرار گرفت . دو زیر مجموعه حجم نمونه ما از نظر ویژگی تعداد ، جنسیت ، شرائط گزینش ، پیشرفت تحصیلی و... مشابه بودند.

### روش نمونه گیری<sup>۲</sup> تحقیق

می توان یک جمعیت کوچک را با هزینه ای یکسان بسیار دقیق تر از یک جامعه بزرگ مورد مطالعه قرارداد... نکته مهم دیگری که در تعمیم نتایج نمونه به جمعیت وجود دارد ، این است که محقق باید اطمینان یابد که گروهی که نمونه گیری شده همان گروهی است که نتایج را باید به آنها تعمیم دهد (وایزبرگ ، 1976، ص 38 و 15). محدود بودن حجم جامعه آماری موجب شد تا بنا به تامین اعتبار پژوهش و مطابق مشورت استاد راهنما ، کل جامعه دانش آموزان شاغل و والدین آنها مدنظر قرار گرفته و عمل نمونه گیری را در مورد دانش آموزان و والدین آنها متفی نموده و 100 در صد آنها را انتخاب نمائیم .

### متغیرهای تحقیق<sup>۳</sup>

متغیر عبارت است از خصوصیت یا کیفیتی مثل هوش ، رغبت و استعداد که از مورد به مورد دیگر فرق می کند و مقدار عددی متفاوتی دارد (سیدعباس زاده ، 1383، ص 180). متغیرهای زیر در این تحقیق مورد ارزیابی قرار گرفته است :

- عقاید ، نگرشهای ذهنی و روشهای فرزند پروری و تربیتی والدین بعنوان "متغیر مستقل" " درونداد" و یا " محرک"<sup>۶</sup> در نظر گرفته شده است .

---

1 - Sample size

2 - Sampling method

3 - Research variables

4 - Independent variable

5 - Input

6 - Stimulus

- میزان عملکرد ، پاسخ ، تفکر و احساسات ، تخیلات و ایده های خلاقانه دانش آموزان بعنوان "متغیروابسته ۱" "برونداد ۲" و یا "پاسخ ۳" در نظر گرفته شده است .
- اطلاعات دموگرافیک ( شامل طبقه اقتصادی - اجتماعی خانواده ها ، تحصیلات و شغل والدین ، جنسیت و... ) بعنوان "عوامل کنترل و متغیرهای تعدیل کننده در نظر گرفته شده است .
- عامل تعصبات گزینش ، عامل آزمون و... از جمله متغیرهای ناخواسته در نظر گرفته شده است .

### ابزارهای اندازه گیری<sup>۴</sup> تحقیق ( مشخصات پرسشنامه ها )

معمولترین و متداولترین وسیله جمع آوری اطلاعات در حیطه علوم انسانی ، همانا پرسشنامه می باشد. از این رو پرسشنامه در پژوهشهای علوم انسانی حائز اهمیت زیادی است ... از جمله موارد استفاده پرسشنامه ، سنجش نگرشها ، طرز تلقی ها ، عقاید و علائق افراد با استفاده از روشها و رویدادهای معین که به عنوان " نگرش سنجی<sup>۵</sup> " نیز شناخته می شود است . در این حالت پرسشنامه ، به عنوان " وسیله اندازه گیری " عمل کرده ، کیفیت و خصوصیات کیفی را به صورت کمیت و مقادیر کمی درمی آورد... علمی ترین و بهترین استفاده از آن به عنوان وسیله اندازه گیری همین مورد است ( سیدعباس زاده، ۱۳۸۰ ، ص ۲۶۷ و ۲۶۶). انجام تحقیق علمی علاوه بر جمع آوری مبانی نظری موضوع ، مستلزم داشتن اطلاعات دقیق تر که از اصولا از طریق اجرای آزمونهای معتبر مانند پرسشنامه و... بدست آمده و فرضیات پژوهشی را مورد آزمایش قرار می دهد می باشد. در تحقیق حاضر سه آزمون مداد کاغذی شامل آزمون تفکر خلاقیت تورنس ، آزمون سنجش نگرشهای فرزند پروری والدین ، آزمون ارزیابی خلاقیت دانش آموزان توسط معلمان که ذیلا شرح داده می شود مورد استفاده قرار گرفته است .

### الف : آزمون زمینه یابی مداد کاغذی چند جوابی سنجش خلاقیت<sup>۶</sup> (MPPT) تورنس

این پرسشنامه ( ضمیمه شماره ۱) در ادبیات روانشناسی به آزمون خلاقیت تورنس مشهور و بر پایه تعریف وی از خلاقیت ساخته شده است . اصل آزمون سنجش خلاقیت تورنس ، بسیار مفصل و طولانی می باشد . که اجرای آن نیازمند صرف ساعتها وقت است . آزمونی که تحت عنوان سنجش خلاقیت تورنس در ایران شناخته می شود در واقع شکل کوتاه شده و استاندارد شده آن می باشد که توسط دکتر عابدی استاد دانشگاه تهران در سال ۱۳۷۲ ساخته و معرفی گردیده و در ادبیات روانشناسی کشورمان با علامت اختصاری **CT** شناخته می شود . دکتر عابدی از جمله پژوهشگران سابقه دار و علاقمند حوزه خلاقیت و نوآوری در کشورمان

1 - Dependent variable

2 - Output

3- Response

4 -Measurment instruments

5 - Attitude assessment

6 - Multiplechoice paper and pencile test for measuring creativity (MPPT)

شناخته می شود. ایشان ابتدا درس‌های 63-1362 و با تشویق و کمک دانشجویان رشته های روانشناسی دانشگاههای تهران، نسبت به ساخت یک آزمون چند جوابی 75 سوالی براساس تئوری و تعریف تورنس جهت سنجش خلاقیت نموده و ابتدا روی 650 نفر دانش آموز پایه سوم راهنمایی تهران اجرا گردید. بعداً طی فعالیتهای علمی در دانشگاه کالیفرنیا و با کمک دانشجویان، نسبت به تجدیدنظر و بازسازی آن اقدام و نهایتاً در سال 1994 با همکاری گروهی از اساتید دانشگاه مذکور (اونیل، عابدی و اسپیل برگر) فرم 60 سوالی تهیه، هنجاریابی (بر روی 16250 نفر دانش آموز)، استاندارد و ارائه کرد. فرم کنونی آزمون توسط اساتید دانشگاه دوستو اسپانیا<sup>1</sup> (1992) مورد استفاده قرار گرفته است (کفایت، 1373، ص 114). تاکنون بیش از 2000 مقاله علمی که در آنها آزمون تورنس به عنوان ملاک سنجش خلاقیت استفاده شده، چاپ گردیده است (دائمی و مقیمی، 1383، ص 2). در بین ابزارهای سنجش خلاقیت، آزمون تفکر خلاق تورنس در پژوهشها و اندازه گیریهای تربیتی این آزمون در واقع چهار عامل تشکیل دهنده خلاقیت یعنی سیالی، ابتکار، انعطاف و بسط را مورد سنجش قرار می دهد که به ترتیب شامل 16، 22، 11 و 11 گزینه است. یعنی سوالهای 1 تا 22 عامل سیالی، 23 تا 33 عامل بسط، 34 تا 49 عامل ابتکار و 50 تا 60 عامل انعطاف پذیری را می سنجند. البته هریک از این دسته سوالات در واقع یک خرده آزمون را تشکیل می دهند. هرگزینه سه پاسخ متفاوت الف، ب و ج (کیفی) با ارزش تبدیل به کمیت عددی 0، 1 و 2 را دارند. فرض است در هر مورد سوال انتخاب کننده گزینه الف کمترین و انتخاب کننده ج بیشترین میزان خلاقیت را دارد. مجموع نمرات کسب شده در هر خرده آزمون، نمایانگر نمره آزمودنی در آن بخش است و مجموع نمرات آزمودنی در چهار خرده آزمون، نمره کلی خلاقیت فرد را نشان می دهد. نمرات حاصل از سنجش هر چهار عامل به تنهایی و مجموع نمرات در کل، قابل تحلیل و تفسیر هستند دامنه نمره کل خلاقیت هر آزمودنی بین 0 تا 120 خواهد بود. بنابراین براساس نرم آزمون تورنس، امتیازبندی میزان خلاقیت به شرح ذیل خواهد بود:

- خلاقیت بسیار زیاد: امتیاز 120 الی 100
- خلاقیت زیاد: امتیاز 100 الی 85
- خلاقیت متوسط: 85 امتیاز الی 75
- خلاقیت کم: امتیاز 75 الی 50
- خلاقیت بسیار کم: امتیاز 50 و پائین تر

آزمون مورد استفاده در این تحقیق به عنوان فرم دکتر عابدی شناخته می شود. این پرسشنامه به دانش آموزان، که هدف اساسی تحقیق سنجش و باروری قوای خلاقانه آنهاست ارائه و از آنان خواسته می شود گزینه مناسب را انتخاب نماید (دائمی، 1383، ص 3).

#### ب: پرسشنامه سنجش نگرشهای فرزند پروری والدین

این آزمون (ضمیمه شماره 2) اقتباس شده از پرسشنامه ارزشیابی نگرش والدین<sup>2</sup> (PAS) که توسط شابین<sup>1</sup> (1949) ساخته شده است می باشد. فرم اولیه آن شامل 85 سوال بوده که بعدها مورد تعدیل قرار

1 - Deusto university / Spain

2 - Parent attitude survey (PAS)

گرفته است. فرم مورد استفاده ما توسط دروز و تی هن<sup>۲</sup> (1957) تنظیم گردیده که 30 سوال تک مفهومی پنج گزینه ای (از موافقت کامل تا مخالفت کامل) را شامل می شود که مواد آن به سه مقیاس فرعی مساوی تقسیم شده و در سال 1372 به همت اساتید دانشگاه اهواز و زیر نظر آقای دکتر شکرکن و دکتر نجاریان ترجمه و معرفی شده است. در فرم مورد استفاده هر 10 سوال پرسشنامه، یک مقیاس فرعی یعنی سلطه گری، وابستگی شدید و سهل انگاری را می سنجد. در این پرسشنامه سوالهای 3، 4، 5، 6، 9، 10، 14، 17، 18، و 21 عامل سلطه گری، سوالهای 1، 2، 7، 8، 16، 20، 25، 26، 29 و 30 عامل وابستگی شدید و سوالهای 11، 12، 13، 15، 19، 22، 23، 24، 27، و 28 عامل سهل انگاری را می سنجد. این پرسشنامه به والدین (پدر و مادر) بمنظور سنجش نوع نگرش آنان که در هرحال شیوه عملی تربیت فرزندان را تحت تاثیر قرار می دهد ارائه و از آنان خواسته می شود مراتب و درجه موافقت و مخالفت خود را با اصولی که مسائل تربیتی فرزندان و رشد خلاقیت آنان را متاثر سازد اعلام نمایند. بدیهی است مخالفت کامل مفهوم تسلط و محدودیت و موافقت کامل مسامحه و آزادی را مستفاد می کند و حالت های بینابینی نیز مفاهیم نسبی از دو حالت مذکور را تائید می نماید (کفایت؛ 1373، ص 104).

### ج: پرسشنامه ارزیابی خلاقیت دانش آموزان توسط معلمین

این آزمون (ضمیمه شماره 3) در واقع به عنوان عامل کنترل و ارزیابی بیرونی مورد استفاده قرار می گیرد یعنی ملاکی که به عنوان شاخص اعتبار برای محاسبه همبستگی آن با آزمون خلاقیت دانش آموزان مورد استفاده است. پرسشنامه هریک از دانش آموزان را از نظر داشتن درجاتی از عوامل چهارگانه تشکیل دهنده خلاقیت (سیالی، ابتکار، انعطاف پذیری و بسط) و خلاقیت بطور کلی ارزیابی می کند. در این پرسشنامه ابتدا توضیحاتی در باره خلاقیت و عوامل تشکیل دهنده آن داده شده و از مربیان و معلمین خواسته می شود هریک از دانش آموزان را از نظر داشتن صفات مذکور در یک مقیاس 5 درجه ای مورد ارزیابی قرار می دهد (کفایت، 1373، 101 تا ص 124).

### روایی<sup>۳</sup> ابزارهای اندازه گیری<sup>۴</sup> تحقیق

منظور از روایی آزمون این است که آیا یک وسیله برای اندازه گیری آنچه مورد نظر بود مناسب است یا نه؟ (سیف، 1372، ص 182) و به این سوال پاسخ می دهد که ابزار اندازه گیری تا چه حد خصیصه مورد نظر را می سنجد. بدون آگاهی از اعتبار اندازه گیری نمی توان به دقت داده های حاصل از آن اطمینان داشت ابزار اندازه گیری ممکن است برای اندازه گیری یک خصیصه ویژه دارای اعتبار باشد، در حالیکه برای سنجش همان خصیصه بر روی جامعه دیگر از هیچگونه اعتباری برخوردار نباشد (سرمد و دیگران، 1385، ص

---

1 - Shoben

2 - Drews & Teahn

3 - Validity

4 - Measur instrument

170). لذا برای سنجش روایی پرسشنامه از روش محتوایی استفاده گردید بدین صورت که نظرات استادان صاحب‌نظر در زمینه موضوع خلاقیت مفاهیم خلاقیت در ابعاد سیالی ؛ انعطاف پذیری ، بسط و ابتکار مورد سوال واقع و تأیید گردید. در عین حال طبق تحقیقات دکتر عابدی آزمون خلاقیت مورد نظر هم از نظر روایی همزمان (با اجرای همزمان آزمون اصلی خلاقیت تورنس و آزمون خلاقیت دکتر عابدی نتایج معنی داری از همبستگی بین عوامل چهارگانه هر دو آزمون بدست آمده است مثلاً همبستگی بین دو خرده آزمون ابتکار ( $r = 0.497$ ) و بین دو خرده آزمون سیالی ( $r = 0.468$ ) بوده است). ضمناً آزمون مورد استفاده نیز از نظر روایی محتوی (نظر صاحب‌نظران) مورد تأیید استاد راهنما قرار گرفته است. براساس تحقیقات کفایت اعتبار کل آزمون 27٪، مقیاس سیالی 09٪، مقیاس انعطاف پذیری 13٪، مقیاس ابتکار 015٪ و مقیاس بسط 24٪ گزارش گردیده که ضرایب بدست آمده در سطح 5٪ معنی دار هستند.

در مورد آزمون نگرشهای فرزند پروری والدین ، اعتباریابی پرسشنامه با استفاده از روش همزمان توسط کفایت صورت گرفته که در نتیجه برای مقیاس سلطه گری ضریب اعتبار 35٪، مقیاس وابستگی شدید 29٪ و برای مقیاس سهل انگاری 46٪ بدست آمده که در سطح 01٪ معنی دار است .

### پایائی<sup>۱</sup> ابزارهای اندازه گیری تحقیق

اصطلاح پایائی بردقت اندازه گیری دلالت دارد بدین معنی که با اندازه گیری پایائی می خواهیم بدانیم که اگر آزمون را برای اندازه گیری یک یا چند متغیر بکار ببریم نتایج حاصل مشابه است یا متفاوت (سیف، 1372، ص 199). قابلیت اعتماد ( پایائی ) با این امر سروکار دارد که ابزار اندازه گیری در شرائط یکسان تا چه اندازه نتایج مشابه به دست می دهد . معمولاً دامنه ضریب قابلیت اعتماد از صفر (عدم ارتباط ) تا +1 (ارتباط کامل) است ( سرمد و دیگران ، 1385، ص 166).

کتابچه راهنمای آزمون خلاقیت دکتر عابدی ضریب پایائی کل آزمون را بین 80٪ تا 90٪ ذکر کرده است براساس نتایج تحقیقات انجام شده توسط عابدی پایائی آزمون خلاقیت مورد استفاده که از طریق آزمون مجدد بر روی دانش آموزان مدارس راهنمایی تهران در سال 1363 بدست آمده در چهار بخش آزمون به این شرح است : ضریب پایائی بخش سیالی 85٪، بخش ابتکار 82٪، بخش انعطاف پذیری 85٪، در بخش بسط 80٪ بوده است (عابدی ، 1372) ضریب همسانی درونی با استفاده از آلفای کرونباخ برای خرده آزمون های سیالی ، انعطاف پذیری ، ابتکار و بسط روی 2270 دانش آموز اسپانیائی به ترتیب 75٪، 66٪، 61٪ و 61٪ بدست آمده است و نتایج تحقیقات عابدی حاکی است در روش آزمون – بازآزمون که بر روی 58 دانش آموز با فاصله 15 روز اجراء گردیده ضرایب همبستگی خرده آزمونها سیالی ، بسط ، ابتکار و انعطاف پذیری در اجرای اول و دوم به ترتیب 023٪، 444٪، 614٪ و 595٪ به دست آمده است که جز مقوله سیالی ، ضرایب همبستگی بقیه مقولات در حد 1٪ در صد معنی دار است و در روش ضریب همسانی درونی آلفای کرونباخ نیز ضریب همسانی درونی برای 819 دانش آموز در خرده آزمونها سیالی ، بسط ، ابتکار و انعطاف پذیری ، به ترتیب 67٪، 48٪، 68٪ و 55٪ به دست آمده که در حد 1٪ معنی دار است . در روش همبستگی هر سوال با نمره کل آزمون نیز نتایج در سطح 1٪ معنی دار بوده است ( دائمی ، 1383، ص 3و4).

در تحقیقی که کفایت در موضوع موصوف انجام داده بود میزان پایایی پرسشنامه با استفاده از روش تصنیف و فرمول اسپیرمن - براون را 90٪ برای کل آزمون، مقیاس سیلی 88٪، مقیاس انعطاف پذیری 77٪، مقیاس ابتکار 93٪ و بسط 93٪ گزارش شده که همه نتایج در سطح کمتر از 5٪ معنی دار می باشد. با استفاده از روش آلفای کرونباخ برای میزان خلاقیت کل، مقیاس سیالی، مقیاس انعطاف پذیری، ابتکار و بسط به ترتیب نتایج 78٪، 78٪، 81/0، 73٪ و 70٪ گزارش شده است که این نتایج نیز در سطح کمتر از 5٪ معنی دار است (کفایت، 1373، صص 108 و 109).

با وجود این استدلال آماری قابل قبول، لازم است یادآوری گردد عوامل مختلفی می تواند در وجود، بروز و ارزیابی خلاقیت آزمودنی ها دخالت داشته باشد بنابراین شایسته است همواره جانب احتیاط رعایت و با استناد به نتایج مطلوب اجرای این قبیل آزمونها از زدن برچسب خلاق، غیرخلاق و... به افراد خودداری گردد (دائمی، مقیمی، 1383، ص 8).

در مورد آزمون سنجش نگرشهای فرزند پروری والدین، تحقیقات کفایت حاکی است که با استفاده از روشهای تصنیف و آلفای کرونباخ ضریب پایایی برای کل آزمون و مقیاسهای فرعی سلطه گری، وابستگی شدید و سهل انگاری با استفاده از فرمول اسپیرمن - براون، به ترتیب 22٪، 20٪، 16٪، 11٪ و 11٪ بوده است که به جز مقیاسهای سلطه گری و سهل انگاری در سطح 5٪ معنی دار می باشد. در روش آلفای کرونباخ که بر اساس محاسبه واریانسها بدست می آید کل آزمون 32٪، مقیاس سلطه گری 26٪، مقیاس وابستگی شدید 22٪ و مقیاس سهل انگاری 19٪. بدیهی است ضرایب بدست آمده در سطح کمتر از 0/001 معنی دار می باشد (کفایت، 1373، صص 105 و 106).

### روشهای آماری تجزیه و تحلیل داده های<sup>1</sup> تحقیق

در این پژوهش برای تجزیه و تحلیل داده ها نسبت به نوع متغیرهای تحقیق از روشهای آمار توصیفی (معیارهای تمرکز، معیارهای پراکندگی و جداول فراوانی همراه با نمودارهای مربوطه) و برای تبیین فرضیات تحقیق از روشهای استنباطی پارامتریک (آزمون همبستگی و آزمون T و تحلیل واریانس) بر اساس نرم افزار آماری SPSS<sup>2</sup> 13 استفاده شده است.

آمار توصیفی<sup>3</sup>: در سطح آمار توصیفی از روشهایی چون معیارهای طبقه بندی (محاسبه جداول فراوانی، نمودارهای مربوطه) و معیارهای تمرکز (محاسبه میانگین) و معیارهای پراکندگی (واریانس و انحراف معیار) استفاده شده است. همچنین برای تبیین فرضیه های تحقیق از آمار استنباطی<sup>4</sup> شامل (ضریب همبستگی، آزمون T و تحلیل واریانس) استفاده شده است.

---

1 - Data analysis mothod

2 - Statiscal pakager for the social sciences 13 (SPSS13)

3 - Descriptive statistics

4 - Inferential statidtics



## فصل چهارم: (یافته های تحقیق و تجزیه و تحلیل داده ها )

– مقدمه

– یافته های توصیفی تحقیق

– یافته های استنباطی تحقیق

## مقدمه

در این بخش به تجزیه و تحلیل داده ها و استخراج نتایج پرداخته می شود ابتدا توصیف داده ها مورد پردازش قرار گرفته و سپس نتایج اجرای آزمونها ، مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار می گیرد و اطلاعات مربوط به آزمون فرضیه ها ، بر اساس روشهای آماری استنباطی مانند ضریب همبستگی ، آزمون T و تحلیل واریانس مورد بررسی قرار میگیرد.

## بخش اول : یافته های توصیفی تحقیق

## - توزیع پایه تحصیلی

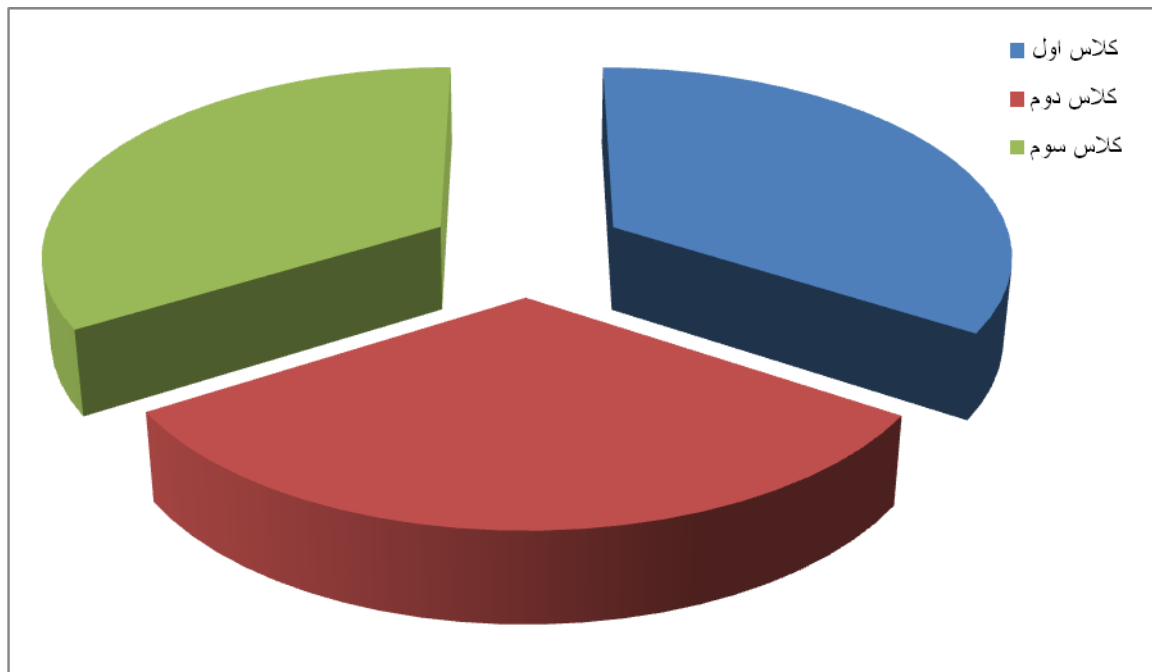
جدول 1-4: توزیع فراوانی، فراوانی نسبی پایه تحصیلی فرزندان

فراوانی	درصد	درصد تجمعی	
124	34.2	34.2	کلاس اول
116	32.0	66.1	کلاس دوم
123	33.9	100.0	کلاس سوم
363	100.0		مجموع

با توجه به اطلاعات فوق ملاحظه می گردد که نمونه آماری 34/2٪ در پایه تحصیلی اول ، 32٪ در پایه تحصیلی دوم و 33/9٪ در پایه تحصیلی سوم قرار دارند.

نمودار 1-4: توزیع فراوانی ، فراوانی نسبی پایه تحصیلی

فرزندان



## - توزیع جنسی پاسخگویان

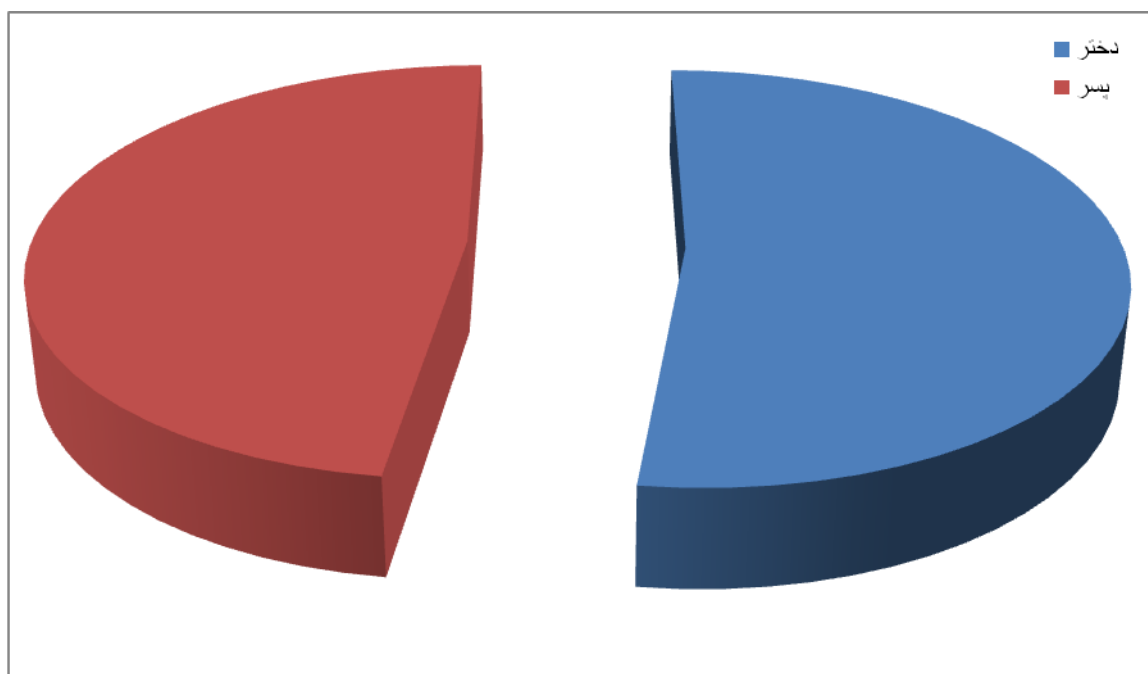
جدول 2-4: توزیع فراوانی، فراوانی نسبی جنسیت فرزندان

	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
دختر	189	52.1	52.1
پسر	174	47.9	100.0
مجموع	363	100.0	

همچنانکه مشاهده می شود 52/1٪ نمونه را دانش آموزان دختر و 47/9٪ دانش آموزان را پسران

تشکیل می دهد.

نمودار 2-4: توزیع فراوانی ، فراوانی نسبی جنسیت فرزندان



## - توزیع وضعیت رفاهی خانواده پاسخگویان

جدول 3-4: توزیع فراوانی و فراوانی نسبی وضعیت رفاهی خانواده پاسخگویان

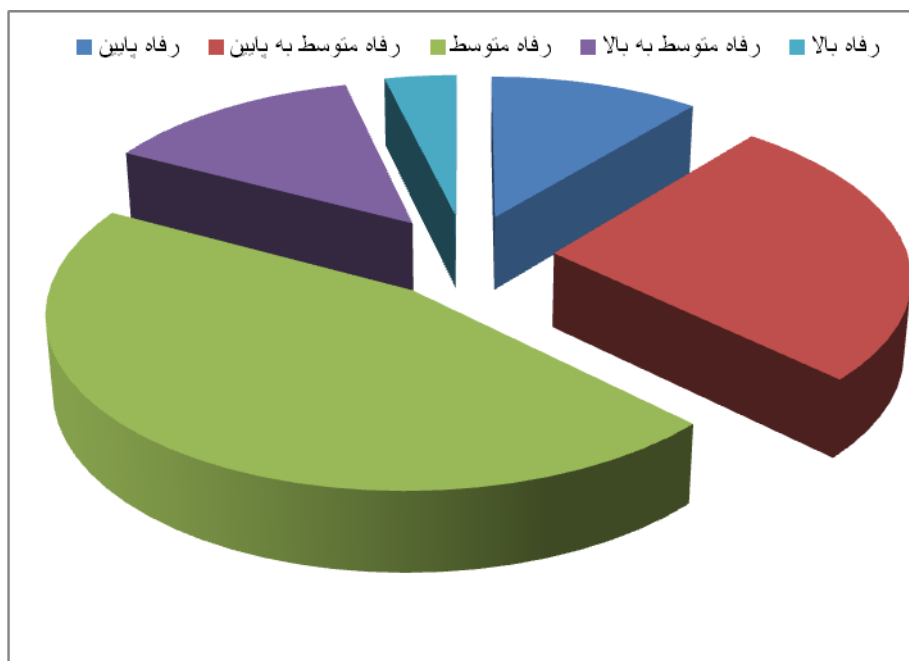
درصد تجمعی	درصد خالص	درصد	فراوانی	
11.0	11.0	10.5	38	رفاه پایین
37.2	26.2	25.1	91	رفاه متوسط به پایین
82.7	45.5	43.5	158	رفاه متوسط
96.3	13.5	12.9	47	رفاه متوسط به بالا
100.0	3.7	3.6	13	رفاه بالا
	100.0	95.6	347	جمع
		4.4	16	اظهار نشده
		100.0	363	مجموع

اطلاعات بدست آمده از وضعیت رفاهی خانواده ها حکایت از آن دارد که 37/2٪ آزمودنیها از رفاه کمتر

متوسط به پائین برخوردارند و 45/5٪ نیز دارای وضعیت رفاهی متوسط بوده و 17/2٪ نیز در وضعیت رفاهی

بالایی به سر می برند.

نمودار 3-4: توزیع فراوانی و فراوانی نسبی وضعیت رفاهی خانواده پاسخگویان



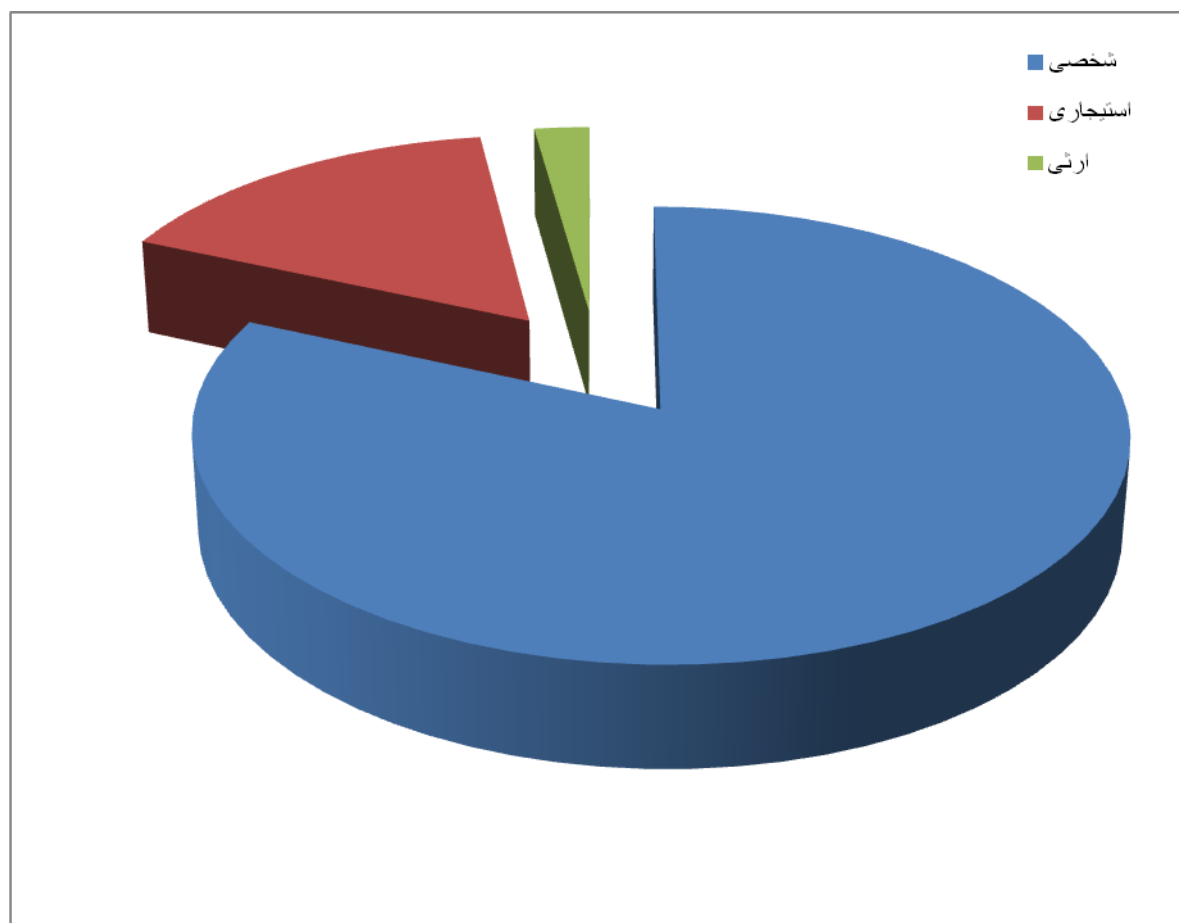
## - توزیع وضعیت مسکن خانواده پاسخگویان

جدول 4-4: توزیع فراوانی و فراوانی نسبی وضعیت منزل مسکونی خانواده های پاسخگویان

فراوانی	درصد	درصد خالص	درصد تجمعی
293	80.7	81.6	81.6
58	16.0	16.2	97.8
8	2.2	2.2	100.0
359	98.9	100.0	
4	1.1		
363	100.0		

در بررسی وضعیت منزل مسکونی خانواده ها ملاحظه می گردد که 81/6٪ خانواده ها از منزل شخصی برخوردارند و 16/2٪ استیجاری و 2/2٪ نیز در منازل ارثی سکونت دارند.

نمودار 4-4: جدول توزیع فراوانی و فراوانی نسبی وضعیت منزل مسکونی خانواده های پاسخگویان



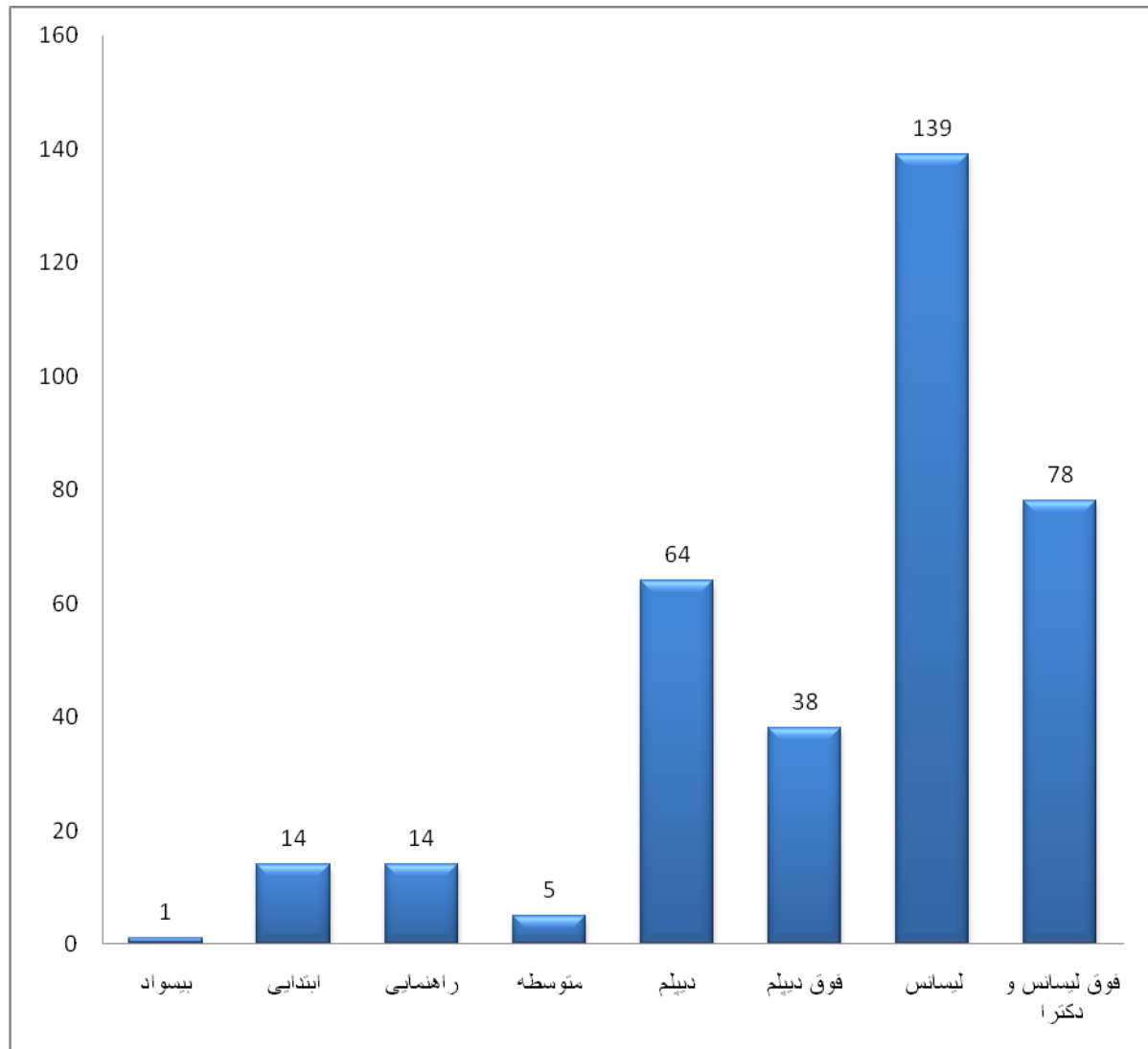
## - توزیع تحصیلی والدین پاسخگویان

اطلاعات حاصله بیان می دارد که 4/3٪ از پدر فرزندان بیسواد یا تحصیلاتی در حد ابتدائی داشته، 5/4٪ تحصیلات در حدود راهنمایی و متوسطه داشته اند. در حالیکه 18/1٪ تحصیلات دیپلم، 10/8٪ فوق دیپلم و 39/4٪ تحصیلات در حد لیسانس داشته اند. همچنین 22/1٪ تحصیلات در حد فوق لیسانس و بالاتر دارا می باشند.

جدول 4-5: توزیع فراوانی و فراوانی نسبی نمونه آماری  
براساس توزیع تحصیلی پدر دانش آموزان

درصد تجمعی	درصد خالص	درصد	فراوانی	
.3	.3	.3	1	بیسواد
4.2	4.0	3.9	14	ابتدایی
8.2	4.0	3.9	14	راهنمایی
9.6	1.4	1.4	5	متوسطه
27.8	18.1	17.6	64	دیپلم
38.5	10.8	10.5	38	فوق دیپلم
77.9	39.4	38.3	139	لیسانس
100.0	22.1	21.5	78	فوق لیسانس و دکترا
	100.0	97.2	353	جمع
		2.8	10	اظهار نشده
		100.0	363	مجموع

نمودار 4-5: توزیع فراوانی و فراوانی نسبی نمونه آماری  
براساس توزیع تحصیلی پدر دانش آموزان



جدول 4-6: توزیع فراوانی و فراوانی نسبی نمونه آماری

براساس توزیع تحصیلی مادران دانش آموزان

درصد تجمعی	درصد خالص	درصد	فراوانی	
1.1	1.1	1.1	4	بیسواد
5.7	4.6	4.4	16	ابتدایی
8.6	2.9	2.8	10	راهنمایی
12.6	4.0	3.9	14	متوسطه
42.4	29.8	28.7	104	دیپلم
50.1	7.7	7.4	27	فوق دیپلم
90.5	40.4	38.8	141	لیسانس
100.0	9.5	9.1	33	فوق لیسانس و دکترا
	100.0	96.1	349	جمع
		3.9	14	اظهار نشده
		100.0	363	مجموع

در بررسی توزیع تحصیلی مادران ملاحظه می گردد که 12/6٪ از فرزندان اذعان نموده اند که مادرانشان

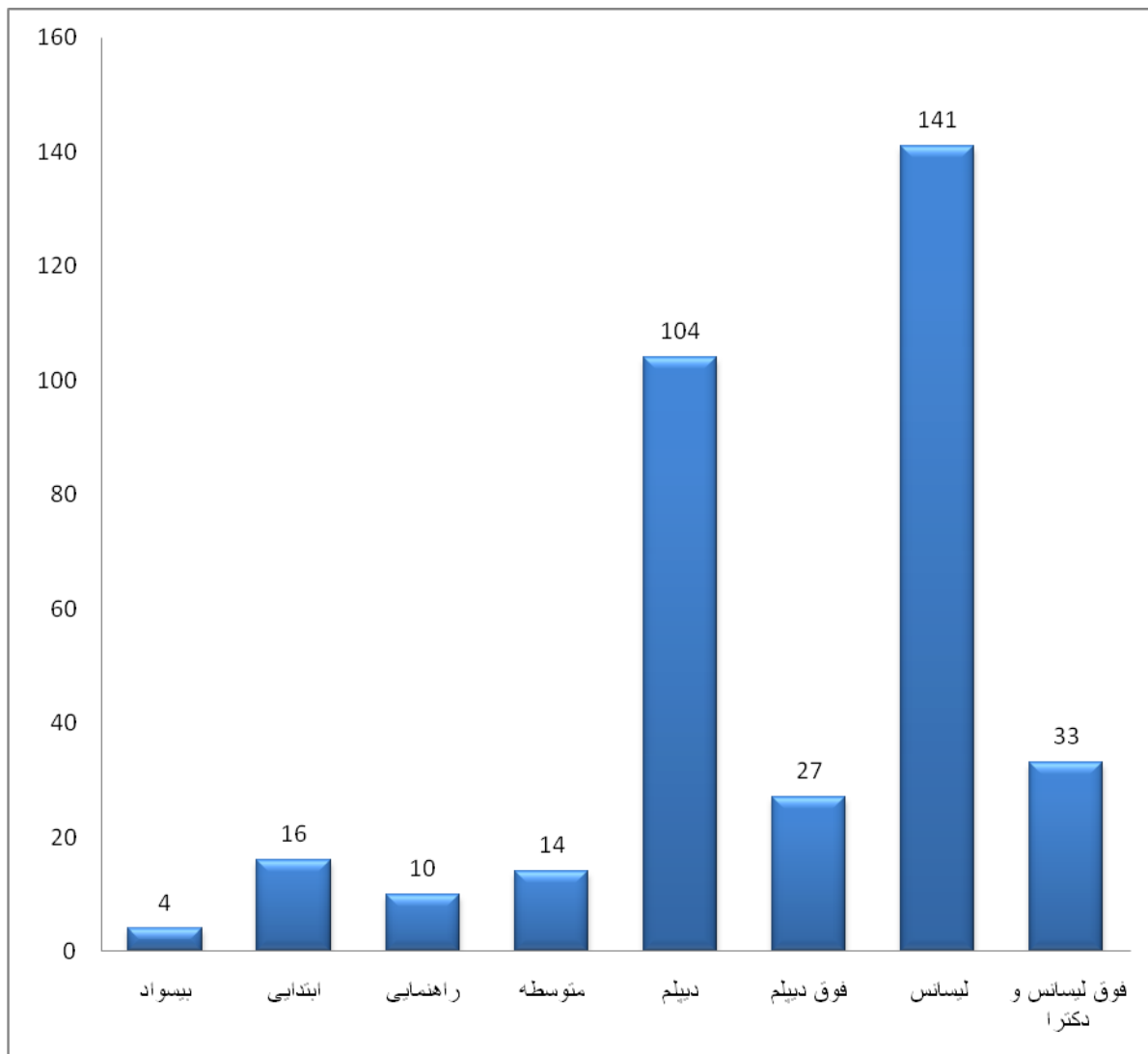
از تحصیلات کمتر از دیپلم برخوردارند در حالیکه 29/8٪ اعلام نموده اند که تحصیلاتی در حدود دیپلم داشته و

7/7٪ تحصیلات فوق دیپلم دارند. از طرفی 40/4٪ مادران از تحصیلات لیسانس برخوردارند و 9/5٪ نیز

تحصیلاتی در حد فوق لیسانس و بالاتر دارند.



نمودار 6-4: توزیع فراوانی و فراوانی نسبی نمونه آماری  
براساس توزیع تحصیلی مادران دانش آموزان

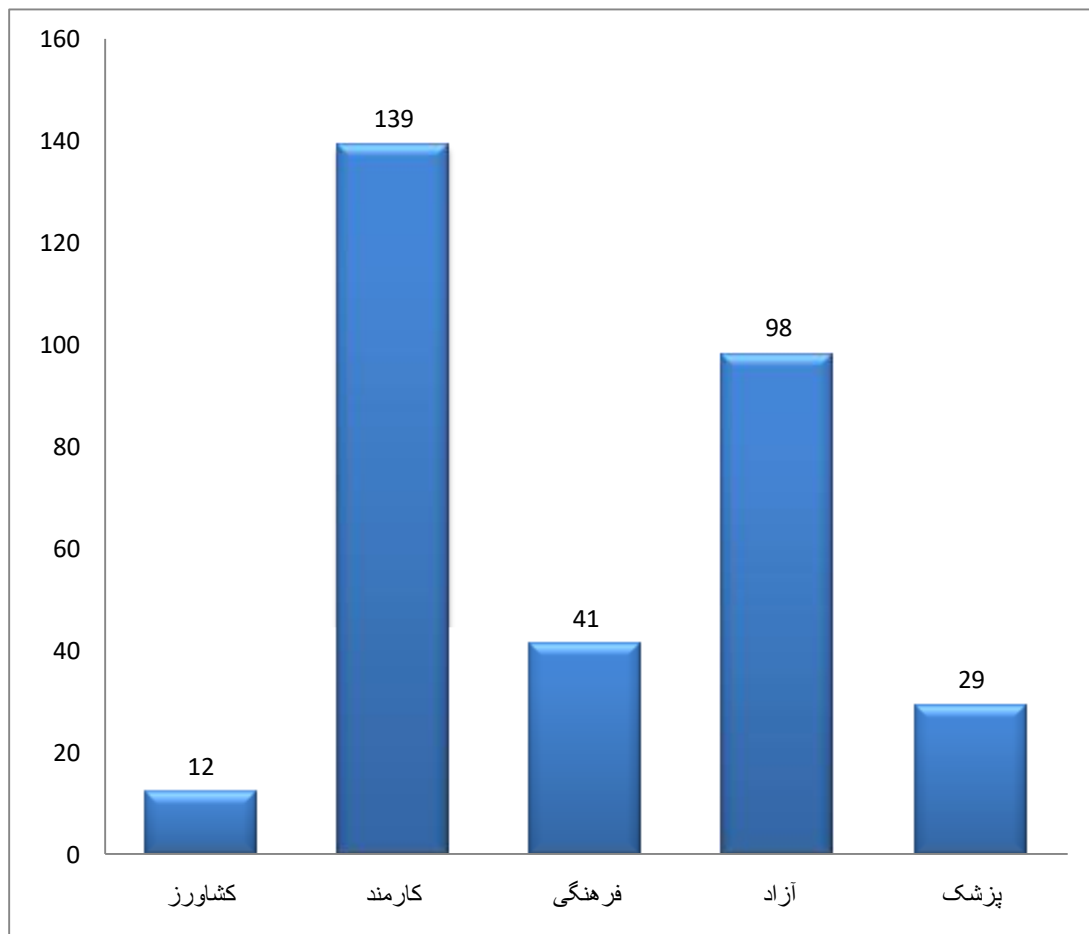


- توزیع شغلی والدین :

جدول 4-7: توزیع فراوانی و فراوانی نسبی نمونه آماری براساس شغل پدران

درصد تجمعی	درصد خالص	درصد	فراوانی	
3.4	3.4	3.3	12	کشاورز
42.8	39.4	38.3	139	کارمند
54.4	11.6	11.3	41	فرهنگی
82.2	27.8	27.0	98	آزاد
90.7	8.2	8.0	29	پزشک
100.0	9.6	9.2	34	سایر
	100.0	97.2	353	جمع
		2.8	10	اظهار نشده
		100.0	363	مجموع

در بررسی توزیع شغلی پدران دانش آموزان مشخص گردید 3/38٪ دارای شغل کارمندی و 27٪ نیز به شغل های آزاد اشتغال دارند و حدود 8٪ نیز شغل پزشکی دارند .



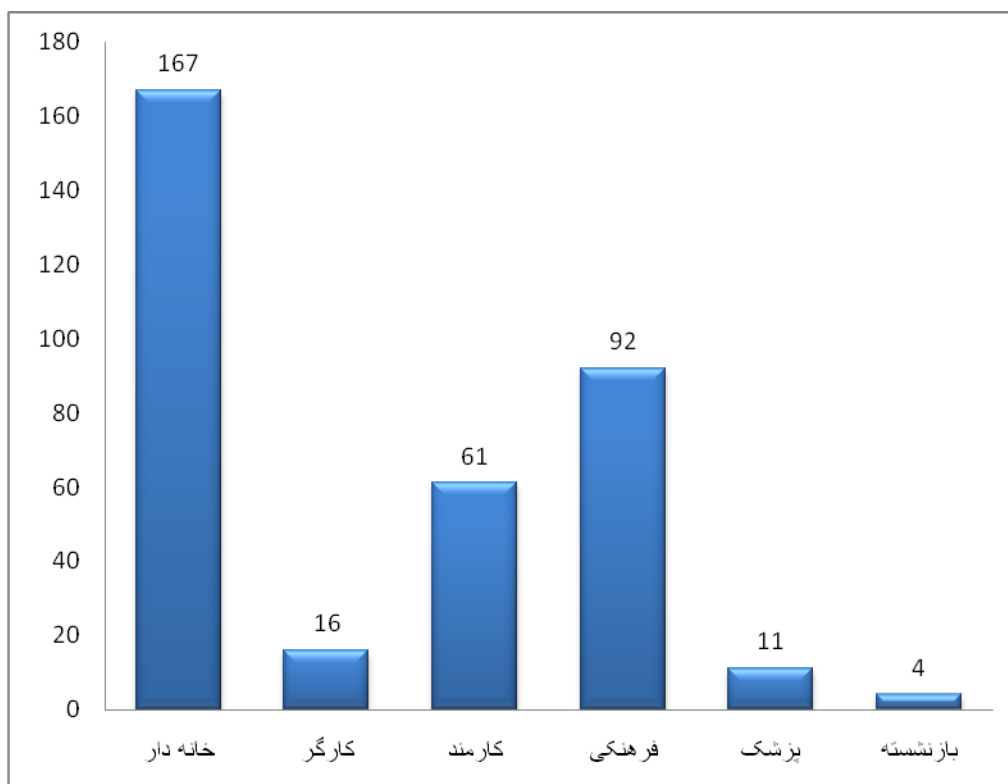
نمودار 4-7: توزیع فراوانی و فراوانی نسبی نمونه آماری براساس شغل پدران

جدول 4-8: توزیع فراوانی و فراوانی نسبی نمونه آماری براساس شغل مادران

درصد تجمعی	درصد خالص	درصد	فراوانی	
47.6	47.6	46.0	167	خانه دار
52.1	4.6	4.4	16	کارگر
69.5	17.4	16.8	61	کارمند
95.7	26.2	25.3	92	فرهنگی
98.3	3.1	3.0	11	پزشک
100.0	1.1	1.1	4	بازنشسته
	100.0	96.7	351	جمع
		3.3	12	اظهار نشده
		100.0	363	مجموع

بررسی وضعیت شغلی مادران نشان می دهد که 47/6٪ مادران دانش آموزان خانه دار بوده، 4/6٪ شغل کارگری داشته و 17/4٪ نیز کارمند می باشند در حالیکه 26/2٪ به شغل معلمی اشتغال دارند.

نمودار 4-8: توزیع فراوانی و فراوانی نسبی نمونه آماری براساس شغل مادران



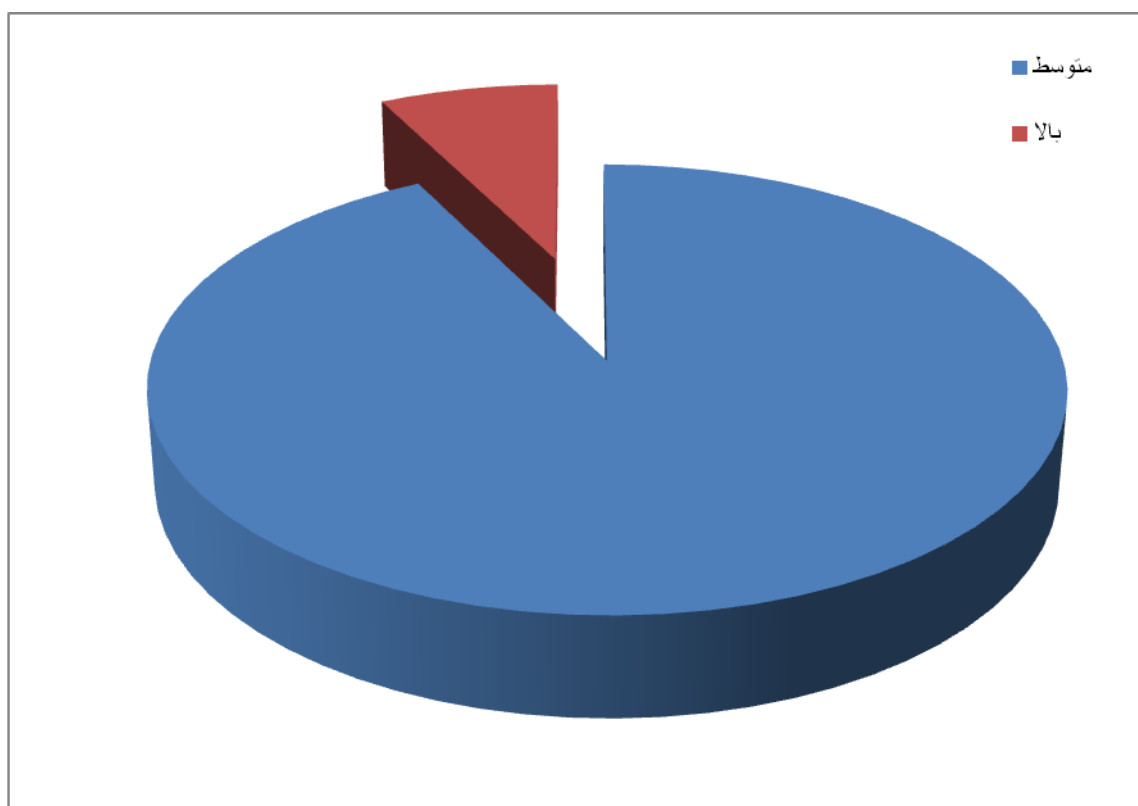
## - توزیع نگرش رفتاری والدین

جدول 9-4: توزیع فراوانی و فراوانی نسبی میزان نگرش رفتار والدین نسبت به فرزندان

میزان نگرش	فراوانی	درصد
متوسط	248	92/5%
بالا	20	7/5%
مجموع	268	100%

در بررسی میزان توزیع نگرش رفتار والدین نسبت به تربیت فرزندان ملاحظه می گردد که از کل والدین پاسخگو 92/5% نگرش رفتاری متوسط نسبت به فرزندان دارند در حالیکه تنها 7/5% نگرش رفتاری بالایی نسبت به فرزندان دارند.

نمودار 9-4: توزیع فراوانی و فراوانی نسبی میزان نگرش رفتار والدین نسبت به فرزندان



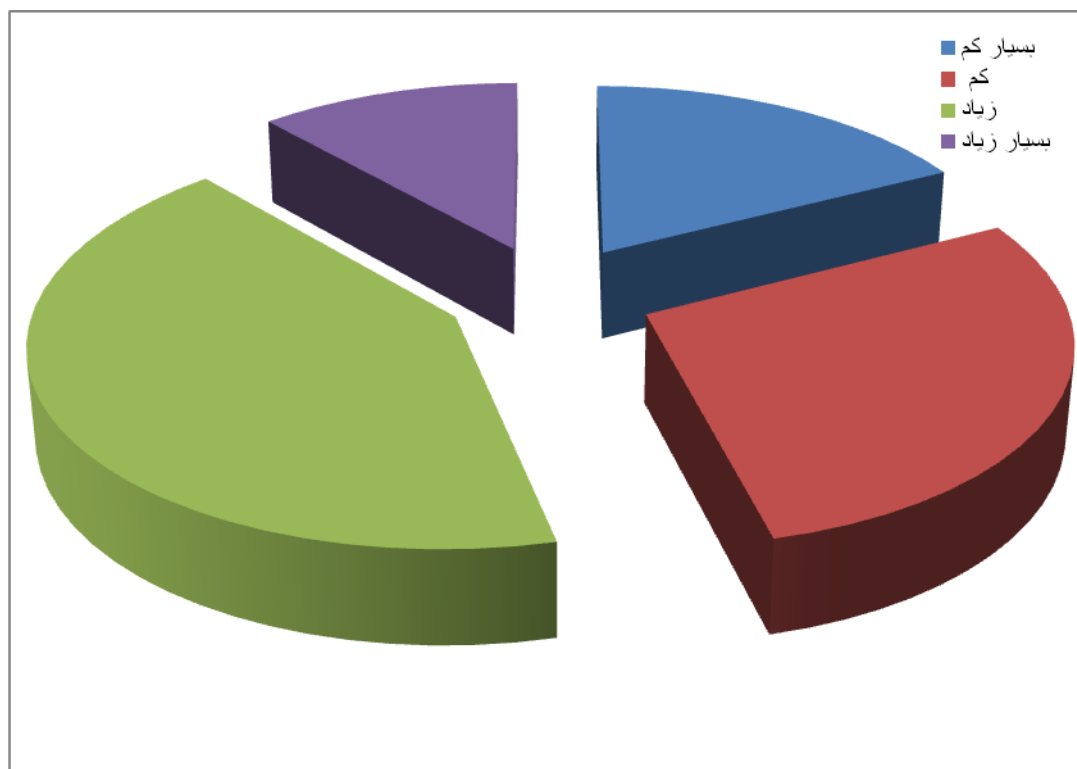
- توزیع میزان خلاقیت تورنس:

جدول 10-4: توزیع فراوانی و فراوانی نسبی میزان خلاقیت کلی تورنس دانش آموزان

میزان خلاقیت کلی تورنس	فراوانی	درصد
بسیار کم	47	17/5
کم	77	28/7
زیاد	113	42/2
بسیار زیاد	31	11/6

در بررسی وضعیت خلاقیت کلی دانش آموزان ملاحظه گردید که 17/5٪ از کل دانش آموزان دارای خلاقیت کلی تورنس در حد "بسیار کم"، 28/7٪ در حد "کم"، 42/2٪ خلاقیتی در حد "زیاد" می باشند. در حالی که 11/6٪ از خلاقیت "بسیار زیاد" برخوردارند. با فرض تقسیم میزان خلاقیت به دامنه بزرگتر بالاتر از متوسط و پائین تر از متوسط، 53/8٪ دانش آموزان دارای خلاقیت بالاتر از متوسط خواهند بود.

نمودار 10-4: توزیع فراوانی و فراوانی نسبی میزان خلاقیت کلی تورنس دانش آموزان



بخش دوم : یافته های استنباطی تحقیق

فرضیات تحقیق :

فرضیه اصلی : بین نگرشهای فرزند پروری والدین و رشد خلاقیت دانش آموزان رابطه وجود دارد .

جدول 11-4: رابطه خلاقیت با میزان نگرش والدین

خلاقیت کلی تورنس	مقیاس انعطاف پذیری	مقیاس ابتکار	مقیاس بسط	مقیاس سیالی	خلاقیت	
0/20	0/111	0/143	0/161	0/174	میزان همبستگی	نگرش والدین نسبت به تربیت فرزندان
0/001	0/052	0/013	0/005	0/003	P-value	

برای بررسی رابطه خلاقیت کلی تورنس و نگرش والدین از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد با توجه

به اطلاعات فوق ملاحظه می گردد که میزان رابطه خطی بین مقیاس سیالی و میزان نگرش والدین برابر  $r=0/174$

بوده که میزان این رابطه بین مقیاس بسط با نگرش برابر  $r=0/161$  ( $P<0/005$ ) و با مقیاس

ابتکار برابر  $r=0/143$  می باشد. اما بین مقیاس انعطاف پذیری و نگرش والدین رابطه آماری معنی دار وجود ندارد

( $P>0/05$ ) اما در حالت کلی ملاحظه می گردد که میزان خلاقیت کلی تورنس با نگرش والدین دارای رابطه

آماري به میزان ( $r=0/20$ ) می باشد که این میزان حاکی از رابطه نسبتاً ضعیفی است. یعنی می توان گفت نگرش

والدین نسبت به خلاقیت فرزندان تأثیری نسبتاً ضعیفی دارد.

- بررسی میزان خلاقیت فرزندان در بین جنسیت آنان :

فرضیه فرعی شماره 1 : نگرشهای فرزند پروری منجر به رشد خلاقیت والدین در مورد دانش آموزان پسر و دختر متفاوت است .

جدول 12-4: مقایسه میانگین میزان مقیاسهای خلاقیت بین دختران و پسران

متغیر	جنسیت	میانگین	انحراف معیار	آماره t	P-value
مقیاس سیالی	دختر	33/61	5/06	2/43	0/015
	پسر	32/18	5/80		
مقیاس بسط	دختر	15/54	3/17	3/35	0/001
	پسر	13/88	3/27		
مقیاس ابتکار	دختر	23/20	4/32	2/56	0/011
	پسر	21/87	5/12		
مقیاس انعطاف پذیری	دختر	17/25	2/47	3/88	0/00
	پسر	16/11	3/01		
خلاقیت کلی تورنس	دختر	88/69	12/16	3/09	0/002
	پسر	87/07	13/99		

برای مقایسه تفاوت میزان خلاقیت فرزندان بین جنسیت از آزمون t گروههای مستقل استفاده گردید یافته- های بدست آمده بیان می دارد که میانگین خلاقیت در دختران و پسران بترتیب برابر  $(33/61 \pm 5/06)$ ،  $(32/18 \pm 5/80)$  است با ملاحظه نتیجه آزمون t فرضیه  $H_0$  در سطح خطای 0/05 معنی دار است بعبارت دیگر میزان نمرات مقیاس سیالی خلاقیت در دختران بیشتر از پسران می باشد.  $(P < /5)$ ، اما در بررسی میزان خلاقیت بسط بین دختران و پسران دانش آموز، ملاحظه گردید که این میزان برای دختران برابر  $(15/54 \pm 3/17)$  و برای پسران برابر  $(13/88 \pm 3/27)$  می باشد بطوریکه برابری میانگین گروهها در سطح خطای 5٪ معنی دار است



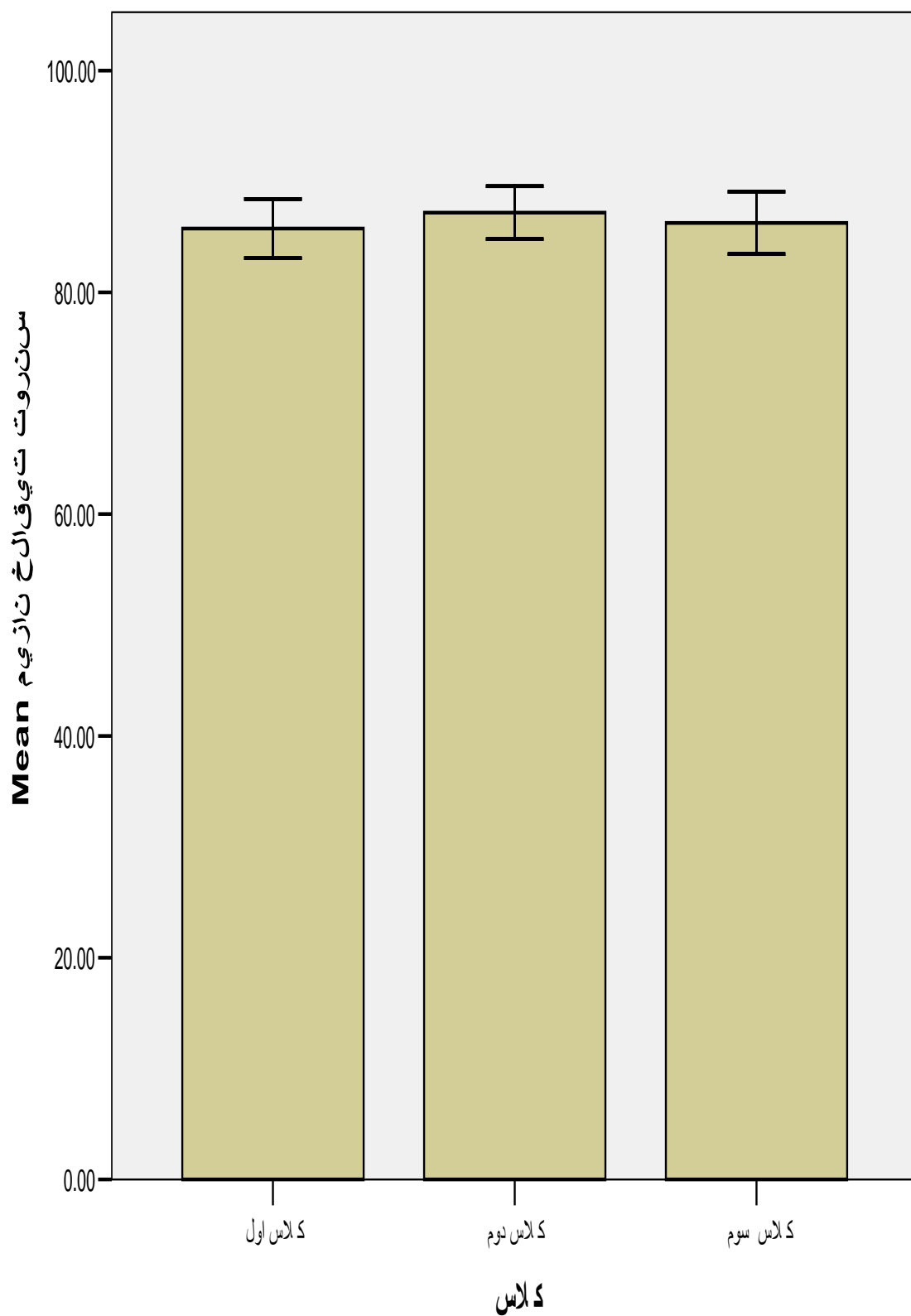
( $P < 0.05$ ) به بیان دیگر مقیاس بسط در دختران بیشتر از پسران می باشد. همچنین میزان مقیاس ابتکار در دختران ( $23/20 \pm 4/32$ ) و در پسران برابر ( $21/87 \pm 5/12$ ) می باشد که این میزان در سطح خطای 5٪ معنی دار است ( $P = 0.011 < 0.05$ ) عبارت دیگر مقیاس ابتکار نیز در دختران بیشتر از پسران می باشد. در بررسی میزان مقیاس انعطاف پذیری دختران و پسران ملاحظه گردید که این میزان در دختران و پسران بترتیب برابر ( $17/25 \pm 2/471$ )، ( $16/11 \pm 3/01$ ) می باشند که با مراجعه به نتیجه آزمون t فرضیه برابری میانگین ها در سطح 5٪ بشدت معنی دار است یعنی می توان گفت خلاقیت انعطاف پذیری در دختران بیشتر از پسران می باشد. همچنین در برآورد کلی خلاقیت تورنس بین دختران و پسران نتیجه حاصله دلالت بر برتری میزان خلاقیت دختران نسبت به پسران می باشد. ( $P = 0.002 < 0.05$ ).

- بررسی میزان خلاقیت در بین پایه های تحصیلی:

فرضیه فرعی شماره 2: میزان خلاقیت دانش آموزان در بین پایه های مختلف تحصیلی متفاوت است .

جدول 13-4: مقایسه میزان خلاقیت بین پایه های تحصیلی

P-value	Fآماره	خطای انحراف معیار	انحراف معیار	میانگین		
.50	.679	.48029	5.19513	32.4359	کلاس اول	مقیاس سیالی
		.44885	4.77139	33.1681	کلاس دوم	
		.59556	6.35885	33.1579	کلاس سوم	
		.29532	5.47737	32.9157	مجموع	
.79	.228	.30766	3.31359	14.5517	کلاس اول	مقیاس بسط
		.32139	3.41644	14.5929	کلاس دوم	
		.28358	3.10641	14.3250	کلاس سوم	
		.17509	3.27091	14.4871	مجموع	
.31	1.175	.48851	5.14680	22.3694	کلاس اول	مقیاس ابتکار
		.40366	4.25278	23.1171	کلاس دوم	
		.45267	4.85437	22.2000	کلاس سوم	
		.25981	4.76942	22.5579	مجموع	
.434	.64	.26721	2.92711	16.6417	کلاس اول	مقیاس انعطاف پذیری
		.22295	2.37004	16.9115	کلاس دوم	
		.27792	3.04448	16.5917	کلاس سوم	
		.14900	2.79941	16.7110	مجموع	
.73	.309	1.33043	13.43664	85.7549	کلاس اول	سنجش میزان خلاقیت کلی تورنس
		1.19450	12.18154	87.1923	کلاس دوم	
		1.40381	14.24709	86.2621	کلاس سوم	
		.75557	13.28174	86.4078	مجموع	



Error bars:  $\pm 2.00$  SE

برای بررسی میزان خلاقیت در بین پایه های تحصیلی (اول، دوم و سوم) از آزمون تحلیل واریانس یکطرفه استفاده گردید با رجوع به اطلاعات بدست آمده فوق، مشاهده می گردد که میزان مقیاس سیالی در بین پایه های اول، دوم و سوم بترتیب برابر  $(32/43 \pm 5/19)$ ،  $(33/16 \pm 4/77)$  و  $(33/15 \pm 6/35)$  می باشد ولی میزان مقیاس بسط در پایه اول برابر  $(14/55 \pm 3/31)$ ، در پایه دوم برابر  $(14/59 \pm 3/41)$  و در پایه سوم برابر  $(14/32 \pm 3/10)$  می باشد اما میزان مقیاس ابتکار در پایه های اول، دوم و سوم بترتیب برابر  $(22/36 \pm 5/14)$ ،  $(23/11 \pm 4/25)$  و  $(22/20 \pm 4/85)$  محاسبه گردیده است. همچنین میزان مقیاس انعطاف پذیری در پایه اول برابر  $(16/64 \pm 2/92)$ ، در پایه دوم  $(16/91 \pm 2/37)$  و در پایه سوم برابر  $(16/59 \pm 3/04)$  می باشد. با ملاحظه نتیجه آزمون تحلیل واریانس استنباط می گردد که فرضیه  $H_0$  مبنی بر برابری میانگین خلاقیت بین پایه های تحصیلی مورد تأیید است بعبارت دیگر خلاقیت در بین پایه های تحصیلی متفاوت نیست. ( $P > /5$ )

- بررسی تأثیر وضعیت رفاهی خانوادگی در میزان خلاقیت

فرضیه فرعی شماره 3: میزان خلاقیت دانش آموزان با برخی متغیرهای دموگرافیک پاسخگویان مثل

سطح تحصیلات، وضعیت رفاهی و شغل والدین ارتباط معنی داری دارد.

جدول 14-4: مقایسه وضعیت رفاهی خانواده ها و خلاقیت دانش آموزان

وضعیت رفاهی خانواده	میانگین	انحراف معیار	خطای انحراف معیار	آماره F	P-value
مقیاس سیالی	رفاه پایین	32.9722	4.99420	1.26	.28
	رفاه متوسط به پایین	32.6292	4.85560		
	رفاه متوسط	33.6575	5.32326		
	رفاه متوسط به بالا	31.7111	7.36275		
	رفاه بالا	32.6923	4.36625		
	مجموع	33.0000	5.47221		
مقیاس بسط	رفاه پایین	15.1316	3.26464	2.58	.037
	رفاه متوسط به پایین	14.2809	3.45421		
	رفاه متوسط	14.7055	2.88436		
	رفاه متوسط به بالا	14.3191	3.63023		
	رفاه بالا	12.0000	3.89444		
	مجموع	14.4805	3.26866		
مقیاس ابتکار	رفاه پایین	22.5405	4.07972	1.16	.39
	رفاه متوسط به پایین	22.3373	4.71447		
	رفاه متوسط	22.8231	4.36942		
	رفاه متوسط به بالا	22.7209	6.26907		
	رفاه بالا	20.0000	4.16333		
	مجموع	22.5387	4.71823		
مقیاس انعطاف پذیری	رفاه پایین	16.2895	2.80836	.32	.861
	رفاه متوسط به پایین	16.6818	2.33191		
	رفاه متوسط	16.8562	2.57114		
	رفاه متوسط به بالا	16.7111	4.33601		
	رفاه بالا	16.5385	2.33150		
	مجموع	16.7151	2.82034		
سنجش میزان خلاقیت کلی تورنس	رفاه پایین	87.2857	12.33019	1.028	.39
	رفاه متوسط به پایین	85.4125	12.15167		
	رفاه متوسط	87.8047	11.58608		
	رفاه متوسط به بالا	85.7250	19.95892		
	رفاه بالا	81.2308	10.92515		
	مجموع	86.5270	13.22168		

با توجه به یافته های جدول فوق ملاحظه می گردد که مقیاسهای سیالی، ابتکار، انعطاف پذیری و خلاقیت کلی تورنس در بین طبقات رفاهی مختلف تفاوت معنی داری وجود ندارد ( $P > /5$ ) بعبارت دیگر وضعیت رفاهی در مقیاسهای ابتکار، سیالی، انعطاف پذیر تأثیر ندارد اما با ملاحظه میزان مقیاس بسط در دانش آموزانی که خانواده های آنان از وضعیت رفاهی کمتر برخوردارند برابر  $(15/13 \pm 3/26)$  و میزان مقیاس بسط در فرزندان خانواده های رفاه متوسط برابر  $(14/7 \pm 2/83)$  بوده و این در حالی است که مقیاس بسط در فرزندان خانواده های رفاه بالا برابر  $(12 \pm 3/89)$  می باشد. لذا با ملاحظه نتیجه آزمون تحلیل واریانس فرضیه  $H_0$  معنی دار است ( $P < /5$ ) بعبارت دیگر مقیاس سیالی فرزندان در خانواده های رفاه بالا کمتر است.

## - بررسی خلاقیت فرزندان بین نگرش والدین

فرضیه شماره 4: رابطه بین میزان مقیاسهای خلاقیت ( سیالی ، بسط ، ابتکار و انعطاف پذیری ) دانش آموزان و میزان نگرشهای فرزند پروری والدین ( سلطه گری ، سهل انگاری و وابستگی شدید ) متفاوت است .

جدول 15-4: مقایسه میزان خلاقیت فرزندان با میزان نگرش والدین

P-value	t آماره	خطای انحراف معیار	انحراف معیار	میانگین	والدین رفتاری نگرش میزان	
.92	-.09	.33847 .98301	5.60275 4.71437	32.9307 33.0435	متوسط نگرش بالا نگرش	مقیاس سیالی
.115	1.58	.19454 .64806	3.23771 3.17486	14.5054 13.4167	متوسط نگرش بالا نگرش	مقیاس بسط
.95	.75	.29605 .85240	4.86466 4.08797	22.3556 21.5652	متوسط نگرش بالا نگرش	مقیاس ابتکار
.58	-.57	.16603 .55555	2.79301 2.60577	16.7845 17.1364	متوسط نگرش بالا نگرش	مقیاس انعطاف پذیری
.63	.47	.85895 2.82526	13.52669 12.63496	86.2984 84.8000	متوسط نگرش بالا نگرش	خلاقیت کلی تورنس

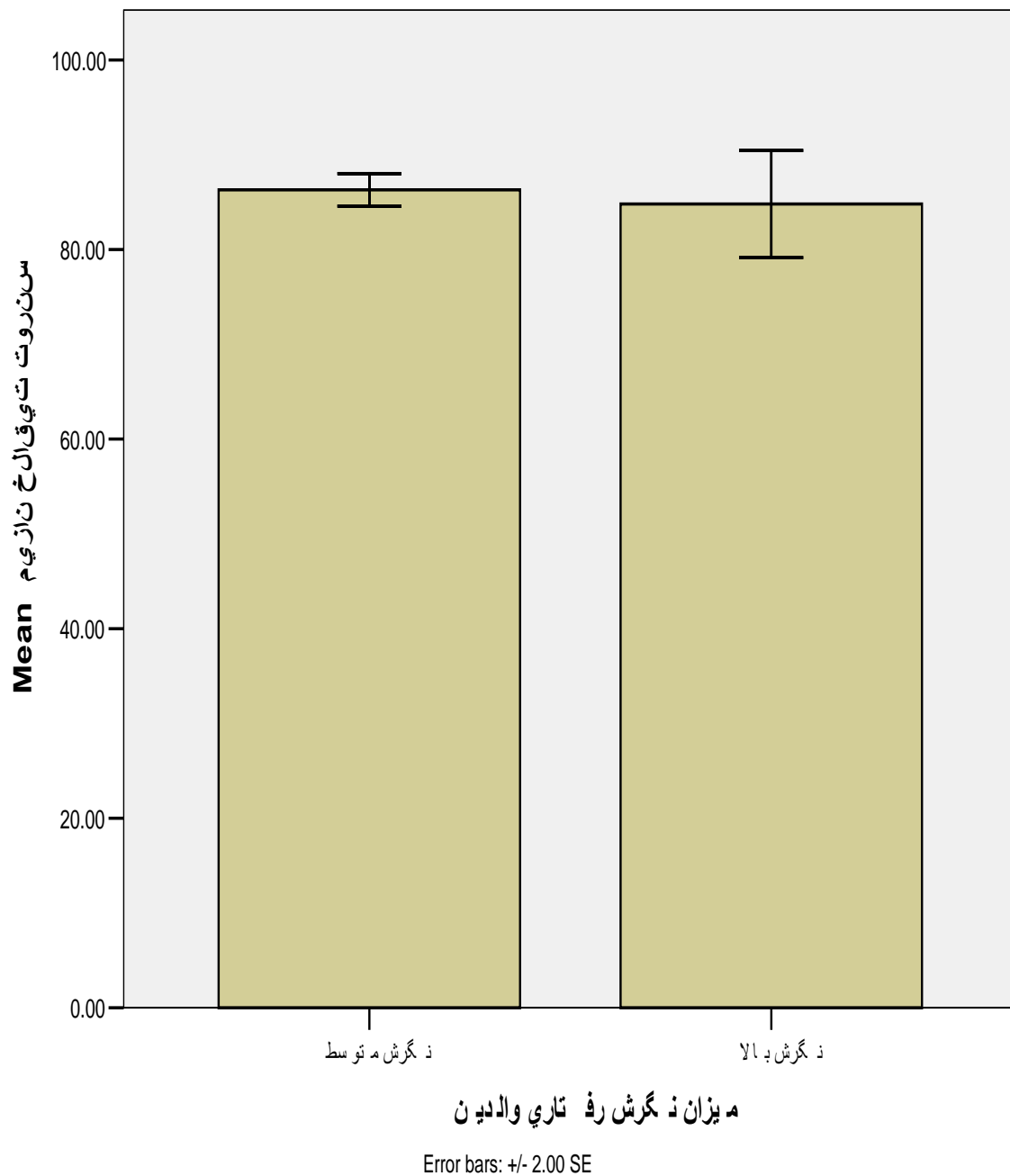
با عنایت به نتایج حاصله در خصوص میزان خلاقیت در بین نگرش رفتاری والدین، با توجه به اینکه سطوح نگرش رفتاری والدین در دو بعد نگرش متوسط و نگرش بالا محدود می باشد، از آزمون t گروههای مستقل استفاده می گردد. نتایج حاصله بیان می دارد که میزان خلاقیت در مقیاس سیالی در والدین که نگرش متوسط و بالا دارند به ترتیب برابر  $(32/93 \pm 5/60)$  و  $(33/04 \pm 4/71)$  محاسبه گردیده است که این دو میزان در سطح خطا پذیری 5٪ معنی دار نیستند بعبارت دیگر مقیاس سیالی فرزندان بین نگرش والدین تفاوت نمی کند به همین ترتیب خلاقیت مقیاسهای بسط، ابتکار و انعطاف پذیری نیز بین میزان نگرش رفتار والدین تفاوت ندارند. بعبارت دیگر چنین استنباط می گردد که خلاقیت فرزندان متأثر از نگرش رفتاری والدین نسبت به فرزندان نمی باشد. ( $P > .05$ )

- بررسی رابطه نوع نگرش رفتاری والدین با خلاقیت

جدول 16-4: سنجش میزان همبستگی انواع نگرش والدین با خلاقیت فرزندان

خلاقیت کلی تورنس	مقیاس انعطاف پذیری	مقیاس ابتکار	مقیاس بسط	مقیاس سیالی	نگرش / خلاقیت	
0.160	0.086	0.117	0.166	0.128	میزان همبستگی	نگرش سلطه گری
0.007	0.11	0.039	0.003	0.022	P-value	
0.145	0.111	0.096	0.074	0.113	میزان همبستگی	نگرش وابستگی شدید
0.013	0.042	0.098	0.180	0.013	P-value	
0.119	0.022	0.093	0.108	0.109	میزان همبستگی	نگرش سهل انگاری
0.052	0.71	0.111	0.60	0.062	P-value	





برای بررسی ارتباط نوع نگرش والدین با خلاقیت از آزمون همبستگی استفاده گردید، اطلاعات بدست آمده از پژوهش بیان میدارد میزان پیوند آماری نگرش سلطه گری و نگرش وابستگی با خلاقیت کلی تورنس به ترتیب برابر 0.16، 0.145 میباشد که این میزانها رابطه نسبتاً ضعیفی را شامل میگردد. یعنی میتوان گفت والدین در نوع نگرش خود نسبت به خلاقیت فرزندان با تردید مواجه بوده اند. همچنین هیچ رابطه آماری بین نگرش سهل انگاری والدین با نوع خلاقیت فرزندان پدید نیامده است ( $p < 0.05$ ). کما اینکه بین مقیاس ابتکار فرزندان با نگرش وابستگی و مقیاس انعطاف پذیری با نگرش سلطه پذیری نیز پیوند آماری رویت نگردید.

# فصل پنجم: (بحث و نتیجه گیری)

- مقدمه
- یافته های تحقیق
- نتیجه گیری
- پیشنهادات
- محدودیتها ، مشکلات و موانع تحقیق
- فهرست منابع فارسی
- فهرست منابع انگلیسی

## مقدمه :

خلاقیت و نوآوری از الزامات اساسی زندگی پیچیده ، مدرن و شتابان جوامع و انسانهای امروزی است. بدون درک اهمیت این الزام ، ما باید تن به رکود ، عقب ماندگی ، افول زندگی و مرگ تدریجی بدهیم . همواره تغییرات سریع به ما ندا می دهد که ای انسان " نابودی در انتظار شماست ، مگر اینکه خلاق و نوآور باشید " (حاجی دخت ، 1387، ص 89). مخاطب هشدار فوق رهبران جامعه ، سیاستگزاران ، خانواده ها و سازمانهای آموزشی می باشند

که مسئولیت خطیر تعلیم و تربیت نسلهای جوان را عهده دار هستند تا راه و روش مناسب نیل به هدف فوق را انتخاب و در پیش گیرند. بی شک راه توسعه و ترقی کشور و غنای زندگی افراد آن از مسیر به فعل آوردن استعدادها و توانمندیهای مادی و معنوی به دست می آید. در این راستا هیچ چیزی ارزشمندتر و حیاتی تر از توجه به قوای خلاقه سرمایه های انسانی نیست. گذار از سنت به مدرنیسم، توسعه اقتصادی و ارتقای سطح زندگی، استقرار سیستم دموکراسی، توسعه فرهنگی، الگوبرداری از سیستمهای پیشرفته می تواند از جمله استراتژیهای مناسب باشد. کودکان، نوجوان و جوانان مستعد سرمایه های ارزشمندی هستند که به فراوانی در کشور وجود داشته و می توانند عامل امیدواری باشند چرا که این کشور و جامعه جز جوانان به دست کسی ساخته نخواهد شد، اما بدانیم چنین هدفی به آسانی به دست نمی آید چرا که به برنامه ریزی، سرمایه گذاری، تحولات فرهنگی، تغییر نگرش، مدیریت و... نیاز دارد. بدیهی است از میان عوامل مختلف مربوط به موضوع، شاید شناسایی و پرورش خلاقیت آندسته از دانش آموزان مستعد و مشغول تحصیل در مراکز پرورش استعدادها درخشان اهمیت ویژه ای داشته باشد. بنابراین در صدد برآمدیم تا با انجام تحقیقی در زمینه میزان خلاقیت آنان و ارتباط آن با نگرشها و روشهای تربیتی والدین، اهمیت موضوع را اثبات و یادآور شویم. جهت نیل به هدف، اقدام به تهیه و توزیع سه پرسشنامه به شرح زیر اقدام گردید:

1- آزمون مداد کاغذی چند جوابی سنجش خلاقیت

2- پرسشنامه سنجش نگرشهای فرزند پروری والدین

3- پرسشنامه ارزیابی خلاقیت دانش آموزان توسط معلمین

نمونه آماری انتخاب شده شامل کل دانش آموزان پسر و دختر مدارس تحت مدیریت سازمان ملی پرورش استعدادها درخشان (سمپاد) به تعداد 418 نفر (209 نفر پسر و 218 نفر دختر) و 418 نفر والدین آنها و 98 نفر معلمین دروس مرتبط با خلاقیت (انشاء، هنر، ریاضیات، ادبیات فارسی، حرفه و فن، پرورشی) بود. نتایج کلی اجرای آزمونها و ارزیابیها به شرح زیر است.

این پژوهش در پی تحلیل سنجش میزان نگرش والدین و سنجش خلاقیت دانش آموزان بر پایه تعریف تورنس از خلاقیت شکل گرفته است. پس از بیان اهمیت موضوع به اهمیت و ضرورت و اهداف اشاره شده است. در مباحث تئوریک فصل دوم تعاریف، واژه شناسی نگرش و خلاقیت و مباحث مرتبط بر اساس تجربه و مطالعات و تفکرات پژوهشگران با چند حوزه و رویکرد (بسط، ابتکار، انعطاف پذیری و سیالی) مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

پس از بیان مباحث تئوریک، به بررسی پیشینه تحقیق پرداخته شد. در فصل سوم روش تحقیق و در فصل چهارم تحلیل داده انجام گرفت. با توجه به مباحث تئوریک از یک طرف و تحقیقات انجام گرفته قبلی از سوی دیگر و چهارچوب نظری، آزمون خلاقیت تورنس و آزمون سنجش نگرش والدین در قالب پرسشنامه برای دانش آموزان مدارس استعدادها درخشان و والدین آنها تهیه و توزیع شد. پس از جمع آوری پرسشنامه ها، داده ها جهت آزمون فرضیه ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. برای آزمون بین متغیرهای تحقیق از تحلیل t، ضریب همبستگی، آزمون واریانس استفاده شده است.

**یافته های تحقیق:**

**الف) ویژگیهای شخصی افراد نمونه آماری:**

با توجه به اطلاعات بدست آمده افراد نمونه آماری 34٪ در پایه تحصیلی اول، 32٪ در پایه تحصیلی دوم و 9٪/33 در پایه تحصیلی سوم مشغول به تحصیل بوده که از این تعداد 52/1٪ را دختران و 47/9٪ بقیه پسران می باشند. در بررسی وضعیت رفاهی خانواده ها ملاحظه گردید که 37/2٪ از رفاه کمتری برخوردارند و 45/5٪ دارای وضعیت رفاهی متوسط بوده و 17/2٪ نیز از وضعیت رفاهی بالایی برخوردارند.

بررسی وضعیت تحصیلی والدین نشانگر آن بود که 4/3٪ از پدر فرزندان بیسواد یا تحصیلاتی در حد ابتدائی داشته، 5/4٪ تحصیلات در حدود راهنمایی و متوسطه داشته اند. در حالیکه 18/1٪ تحصیلات دیپلم، 8٪/10 فوق دیپلم و 39/4٪ تحصیلات در حد لیسانس داشته اند. و 22/1٪ والدین نیز تحصیلاتی در حد فوق لیسانس و بالاتر دارا بودند.

در بررسی میزان توزیع نگرش رفتار والدین نسبت به تربیت فرزندان ملاحظه می گردد که از کل والدین پاسخگو 92/5٪ نگرش رفتاری متوسط نسبت به فرزندان دارند در حالیکه تنها 7/5٪ نگرش رفتاری بالایی نسبت به فرزندان دارند.

در بررسی وضعیت خلاقیت دانش آموزان ملاحظه گردید که 17/5٪ از کل فرزندان دارای خلاقیت کلی تورنس در حد "بسیار کم"، 28/7٪ در حد کم، 42/2٪ خلاقیتی در حد زیاد می باشد. در حالی که 11/6٪ از خلاقیت بسیار زیادی برخوردارند.

## ب) بحث یافته های فرضیه های تحقیق:

### فرضیه اصلی تحقیق :

ین نگرشهای فرزند پروری والدین و رشد خلاقیت دانش آموزان رابطه وجود دارد .  
بررسی رابطه خلاقیت کلی تورنس و نگرش والدین نشان داد که میزان رابطه خطی بین مقیاس سیالی و میزان نگرش والدین برابر  $r=0/174$  ( $P=0/003<0/05$ )، بوده که میزان این رابطه بین مقیاس بسط با نگرش برابر  $r=0/161$  ( $P<0/005$ ) و با مقیاس ابتکار برابر  $r=0/143$  می باشد. اما بین مقیاس انعطاف پذیری و نگرش والدین رابطه آماری وجود نداشت ( $P>0/05$ ) . میزان خلاقیت کلی تورنس نیز با نگرش والدین پیوندی به میزان ( $r=0/20$ ) نشان داد بنابراین نگرش والدین نسبت به خلاقیت فرزندان تأثیری نسبتاً ضعیفی دارد .

### فرضیه فرعی 1 :

نگرشهای فرزند پروری منجر به رشد خلاقیت والدین در مورد دانش آموزان پسر و دختر متفاوت است .  
برای بررسی میزان خلاقیت فرزندان دختر و پسر بر اساس نتیجه آزمون  $t$ ، میزان مقیاس سیالی در دختران بیشتر از پسران گزارش گردید. ( $P</5$ )، در بررسی میزان مقیاس بسط بین دختران و پسران دانش آموز، ملاحظه گردید که این میزان برای دختران برابر  $(15/54\pm3/17)$  و برای پسران برابر  $(13/88\pm3/27)$  می باشد بطوریکه برابری میانگین گروهها در سطح خطای 5٪ معنی دار است ( $P</5$ ) به بیان دیگر مقیاس بسط نیز در دختران بیشتر از پسران است. همچنین میزان مقیاس ابتکار در دختران در سطح خطای 5٪ معنی دار گردید ( $P=0/011</5$ ) بطوریکه مقیاس ابتکار هم در دختران بیشتر از پسران می باشد. در بررسی میزان مقیاس انعطاف پذیری دختران و پسران ملاحظه گردید که این میزان در دختران و پسران بترتیب برابر  $(17/25\pm2/471)$ ،  $(16/11\pm3/01)$  می باشند که با مراجعه به نتیجه آزمون  $t$  می توان گفت مقیاس انعطاف پذیری در دختران بیشتر از پسران می باشد.

همچنین در برآورد کلی خلاقیت تورنس بین دختران و پسران نتیجه حاصله دلالت بر خلاقیت بیشتر دختران نسبت به پسران می باشد. ( $P=0/002</math>). $(P>0/5)$ .$

### فرضیه فرعی 2:

میزان خلاقیت دانش آموزان در بین پایه های مختلف تحصیلی متفاوت است.

برای بررسی میزان خلاقیت در بین پایه های تحصیلی (اول، دوم و سوم) بر اساس تحلیل داده ها مشاهده گردید که میزان خلاقیت در مقیاس سیالی در بین پایه های اول، دوم و سوم، برابری میانگین خلاقیت بین پایه های تحصیلی مورد تأیید قرار گرفت. عبارت دیگر خلاقیت در بین پایه های تحصیلی متفاوت نیست. ( $P>0/5$ ).

### فرضیه فرعی 3:

میزان خلاقیت دانش آموزان با برخی متغیرهای دموگرافیک پاسخگویان مثل سطح تحصیلات، وضعیت رفاهی و شغل والدین ارتباط معنی داری دارد.

در بررسی وضعیت رفاهی ملاحظه گردید که مقیاسهای سیالی، ابتکار، انعطاف پذیری و خلاقیت کلی تورنس در بین طبقات رفاهی مختلف تفاوت معنی داری ندارد ( $P>0/5$ ) عبارت دیگر وضعیت رفاهی خانواده در خلاقیت مقیاسهای ابتکار، سیالی، انعطاف پذیری تأثیر ندارد اما خلاقیت مقیاس سیالی فرزندان در خانواده های رفاه بالا کمتر است.

### فرضیه فرعی 4:

رابطه بین میزان عوامل مختلف خلاقیت دانش آموزان (سیالی، بسط، ابتکار و انعطاف پذیری) و میزان نگرشهای فرزند پروری والدین (سلطه گری، سهل انگاری و وابستگی شدید) متفاوت است.

با عنایت به نتایج حاصله در خصوص میزان خلاقیت در بین نگرش رفتاری والدین، با توجه به اینکه سطوح نگرش رفتاری والدین در دو بعد نگرش متوسط و نگرش بالا محدود می باشد، نتایج حاصله بیان داشت که میزان خلاقیت مقیاسهای سیالی، بسط، ابتکار و انعطاف پذیری در بین میزان نگرش رفتاری والدین (متوسط و بالا) تفاوت نداشت. عبارت دیگر خلاقیت فرزندان متأثر از نگرش رفتاری والدین نسبت به فرزندان نمی باشد ( $P>0/5$ ) در بررسی ارتباط نوع نگرش والدین با خلاقیت ملاحظه گردید که میزان پیوند آماری نگرش سلطه گری و نگرش وابستگی با خلاقیت تورنس به ترتیب برابر 0.16، 0.145 میباشد که این میزانها رابطه نسبتاً ضعیفی را شامل میگردد. یعنی میتوان گفت والدین در نوع نگرش خود نسبت به خلاقیت فرزندان با تردید مواجه بوده اند. و هیچ رابطه آماری بین نگرش سهل انگاری والدین با نوع خلاقیت فرزندان پدید نیامده است ( $p<0/05$ ).

## نتیجه گیری

نتایج تحقیق حاکی است 0/11/6 دانش آموزان خلاقیت بسیار زیاد، 0/42/2 خلاقیت زیاد، 0/28/7 خلاقیت کم و 0/17/5 خلاقیت بسیار کم از خود نشان دادند که 0/53/8 بالاتر از متوسط و 0/46/2 نیز پائین تر از حد متوسط می باشند. درحالیکه اکثریت والدین (0/92/5) نگرش حد متوسطی به رشد خلاقیت فرزندان دارند. فلذا از نظر شیوه های فرزند پروری و میزان خلاقیت دانش آموزان همخوانی زیادی وجود نداشته و رابطه آماری معنی داری نیز بدست نیامده است. بطوریکه ارتباط ضعیف ( $r=0/20$ ) بین میزان خلاقیت دانش آموزان و نگرشهای فرزند پروری والدین گویای این امر بوده و عامل خلاقیت بطور معنی داری متأثر از نگرش والدین نیست. یعنی والدین دیدگاههای تربیتی روشن و جهت داری که بتواند رشد قوه

ابتکار و نوآوری کودکان را پشتیبانی و حمایت کند نداشته و در تربیت فرزندان گرایش‌های شدیداً محافظه کارانه ای دارند که می‌تواند دلیلی بر تقدم و اهمیت موفقیت تحصیلی فرزندان بر رشد خلاقیت از نظر والدین باشد و یا اینکه عوامل مختلفی در رشد خلاقیت کودکان موثر هستند که نگرش‌های فرزند پروری یکی از آنهاست و یا اینکه اثرات رفتاری والدین که می‌تواند متفاوت از نگرش باشد مهم تر است و نهایت اینکه اکثر والدین بنا به دلایلی در این خصوص ابهام و اکراه دارند. با وجود این ارتباط برخی از عوامل تشکیل دهنده خلاقیت با نگرش‌های والدین، جنسیت دانش آموزان، تحصیلات و شغل والدین، وضیت رفاهی خانواده ها و... که مربوط به فرضیه های فرعی تحقیق می باشد قابل توجه است بطوریکه برای والدین موفقیت تحصیلی فرزندان مهم تر از رشد خلاقیت بوده و در مقام مقایسه میانگین نمرات خلاقیت دختران بیشتر از پسران است تحقیق کفایت (1373) همین نتیجه را تأیید می کند البته چنین نتیجه ای می تواند ناشی از بلوغ زودرس و تفاوت در سنین رشد جسمی - روانی دختران نیز باشد. توزیع فراوانی میزان خلاقیت دانش آموزان نیز به ترتیب برای بسیار کم، کم، زیاد و بسیار زیاد 17/5٪، 28/7٪، 42/2٪ و 16/6٪ می باشد. لکن تفاوت معنی داری از نظر میزان خلاقیت در بین پایه های مختلف تحصیلی مشاهده نگردید. همچنین میزان عوامل چهارگانه خلاقیت (بسط، سیالی، ابتکار و انعطاف پذیری) در دختران بیشتر از پسران است. در مورد متغیرهای دموگرافیک نتایج حاکی است: 1- مقیاس خلاقیت سیالی فرزندان خانواده های مرفه کمتر است که می تواند دلیلی بر اهمیت و تقدم موفقیت تحصیلی بر رشد خلاقیت در این طبقه و بالا بودن انگیزه تغییر و انتظار در بین طبقات پائین اجتماع باشد 2- اکثریت پدران (حدود 60/0) و مادران (حدود 48/0) دانش آموزان دارای تحصیلات عالی لیسانس و بالاتر هستند. شغل اغلب مادران را خانه داری (67/0) و معلمی (25/3/0) و شغل اغلب پدران را کارمندی (38/3/0) و آزاد (27/0) تشکیل می دهد.

### محدودیت ها<sup>۱</sup>، مشکلات و موانع<sup>۲</sup> تحقیق

در هر تحقیقی یک سری عوامل ناخواسته قابل کنترل و غیرقابل کنترل در انجام عادی آن محدودیت ایجاد کرده و بر نتیجه امر تأثیر می گذارند این عوامل در واقع مزاحم کار محقق هستند که با تأثیر گذاشتن بصورت تشدید و یا تضعیف، نتیجه تحقیق را مخدوش می کنند. در هر صورت تلاش برای کنترل و کاهش اثرات آنها ضروری است (سید عباس زاده، 1380، ص 103 و ص 104). البته پر واضح است در صورتیکه در یک کار تحقیقاتی علمی امکان حذف اثر عوامل مزاحم و ناخواسته میسر می گردید خیلی مطلوب بود لکن این مطلب در تحقیقات علمی بویژه در موضوعات علوم اجتماعی و رفتاری مثل روانشناسی میسر نیست اما تلاش برای شناسایی و کاهش اثرات آنها تنها راه چاره است. ذیلاً به چند محدودیت و مشکل مطرح در این تحقیق اشاره می گردد:

1- مهم ترین محدودیت تحقیق حاضر به دلیل عدم نمونه گیری، نداشتن قابلیت تعمیم پذیری آن به موارد دیگر است. (سیدعباس زاده، 1387، ص 160). کوچک و محدود بودن جامعه آماری مورد مطالعه، موجب بروز مشکل تعمیم<sup>۳</sup> پذیری داده ها و نتایج تحقیق می باشد جهت حل مشکل نمونه های زیادتری مورد مطالعه

1 - Restrictions ( Limitations)

2 - Barriers

3 - Generalization

قرار می گیرد و اهمیت موضوع خلاقیت در مورد دانش آموزان با استعداد مشغول تحصیل در مراکز سمپاد که پس از طی مراحل آزمون علمی از میان کل مدارس ابتدائی گزینش شده اند ضرورت موضوع را توجیه می کند. صرفنظر از نتایج تحقیق، ارائه هرگونه پیشنهاد مستلزم ایجاد تغییر در برنامه های آموزشی منجر به رشد خلاقیت، نیازمند انجام تحقیقات مشابه و مکمل دیگر است تا امکان تعمیم فراهم آید.

2- خلاقیت به عنوان عملکرد فکری کودکان همانند هوش، استعداد، موفقیت تحصیلی و... دارای بار ارزشی مثبت برای خانواده ها و مدارس (بویژه مراکز پرورش استعدادهای درخشان) است فلذا فرض است به هر نحوی والدین، مربیان و اولیای مدرسه، افکار و رفتارهای عادی دانش آموزان را خلاقانه به حساب آورند و یا بخواهند نتایج صرف هوش و موفقیت تحصیلی را به خلاقیت ربط دهند همانطوریکه چنین تلاشی برای داشتن نمره 20، شاگرد اول بودن و کسب عنوان "تیز هوش بودن" کودکان به شدت در جامعه امروز وجود دارد.

3- بلحاظ اتکای عمده نظام آموزش و پرورش کشورمان به محفوظات به ویژه در دوره ابتدائی، تعیین و تعریف مصادیق رفتارهای خلاقانه با دشواری مواجه خواهد بود. در عین حال تمایل پاسخ دهندگان به انتخاب بهترین گزینه که آشکارا در تائید مطلوبترین حد خلاقیت است ممکن است نتایج تحقیق را به علت خطای گرایش به حد مطلوب تحت تاثیر قرار دهد.

4- محافظه کاری معلمان و احتمالا عدم همکاریشان بدلیل نارضایتی شغلی ویا به هر دلیل دیگر، همچنین التزام مدارس (بویژه مدارس دولتی) به اجرای برنامه های مصوب آموزش و پرورش و نقش ضعیف آموزش روشهای خلاقانه در بطن کتابها و برنامه های درسی، ممکن است اجرای چنین تحقیقاتی را غیرلازم و مغایر اهداف نظام آموزشی رایج تشخیص داده شده و با مخالفت مربیان و اولیای مدارس قرار گیرد و سطح همکاری آنان را گاهش دهد و نتایج تحقیق حاضر نیز (بخصوص در مورد معلمان) آنرا تائید نمود. در سایر تحقیقات انجام شده از جمله تحقیق همتی که جزو منابع مورد استفاده بود چنین مشکلی در ارتباط با معلمان گزارش شده است.

5- تاکید بر رفتار خلاقانه و تفکر خلاق مستلزم تغییر در رفتار و نگرش افراد است فلذا با توجه به دشواری ماهوی این تغییرات و همچنین بلحاظ سنتی بودن جامعه، احتمال دارد چنین امری بعنوان تلاشی در جهت تغییر منش، فکر، عقیده و اصول تربیتی کودکان تلقی گردیده و مورد مخالفت والدین و موجب عدم همکاری آنان شود.

6- محدود شدن ابزارهای جمع آوری اطلاعات به کتب، پایان نامه ها، پرسشنامه ها، سایت های اینترنتی و... و عدم استفاده از سایر روشها مثل مصاحبه، بررسی اسناد و مدارک و آئین نامه ها و... موجب گاهش نسبی اعتبار و غنای تحقیق است.

7- اعتبار آزمونهای سنجش خلاقیت و نوآوری، علیرغم وفور و جذابیت از سوی متخصصین هنوز زیر سوال است. چرا که هنوز مراحل ابتدائی را طی می کنند فلذا خیلی از صاحب نظران در این خصوص اتفاق نظر ندارند (بدری، 1364، ص 157). فلذا به طور قطع نمی توان نتایج تحقیق را انعکاس حقایق مورد هدف تلقی نمائیم.

8- طولانی و پیچیده بودن بودن آزمونهای تکمیل شده توسط دانش آموزان و معلمان که ممکن است باعث خستگی و بی دقتی آنان شده فلذا وقت و حوصله کافی را صرف نکرده و پاسخهای غیر دقیق به سوالات بدهند.



9- برای شناسائی پاسخ دهندگان و تطبیق نتایج پرسشنامه اصلی با نتایج پرسشنامه های تکمیل شده توسط والدین و معلمین ، از روش کدگذاری استفاده شد از آنجائیکه بی نام بودن پرسشنامه در نحوه پاسخدهی ، صداقت پاسخ دهندگان ، میزان مشارکت و... تاثیر می گذارد، در این تحقیق نیز واکنشهای چون اعتراض مستقیم به مجری تحقیق و اولیاء مدرسه ، برگشت ندادن تعدادی از پرسشنامه ها، سیاه و لاک نمودن کدها و نوشتن یادداشت های اعتراض و... مشاهده شد. این مشکل در مورد پرسشنامه های دانش آموزان و والدین ، تا حد قابل قبول بود لکن تاثیر با نام بودن در پرسشنامه معلمین (هم معلمین قابل شناسائی بودند و هم اسامی دانش آموزان طی لیست ارزیابی ارائه شده بود) احتمالاً بسیار زیاد بوده است بطوریکه تعداد پرسشنامه برگشت داده شده (کامل) اندک بوده و آن را از حیث اعتبار انداخته است . البته فقدان روحیه همکاری معلمین ، نیاز به صرف وقت زیاد جهت تکمیل پرسشنامه ، وقت گیر بودن تطبیق تعاریف عوامل چهارگانه خلاقیت با یکایک دانش آموزان ، شباهت و پیچیدگی نسبی سوالات و... از علل دیگر بوده است .

10- بررسی سطح درآمد و طبقه اقتصادی - اجتماعی خانواده دانش آموزان از جمله متغیرهای دموگرافیک مورد مطالعه در تحقیق حاضر بمنظور درک ارتباط آن با متغیرهای دیگر بود . بدیهی است سوال از میزان درآمد افراد حتی در جوامع آزاد جزو پیچیده ترین عوامل مورد بررسی است . طبق تحقیقات موسسه مطالعات منطقه ای دیترویت دانشگاه میشیگان آمریکا که در سال 1960 ، نگرش مردم در مورد مسائل زناشویی و درآمد را یکجا مطالعه کرده بود برخلاف انتظار به این نتیجه رسید که مقاومت و خودداری از پاسخ به مسائل زناشویی خیلی کمتر از مسائل درآمدی بود و جالبتر اینکه در پیگیری بعدی ، افراد مورد مطالعه مسائل مالی و درآمد را " خیلی خصوصی " ارزیابی نموده بودند یعنی به نظر آنها مفهوم سطح درآمد ، از مفهوم زندگی زناشویی خصوصی تر بود ( عابدی ، 1362 ، 57). با این حال روش نسبتاً مطلوبی وجود دارد که در آن سطوح مختلف درآمدی تعیین و از پاسخ دهنده می خواهند روی گزینه متناسب وضع درآمدی خود علامت بگذارد با این حال تصور می شود احتیاط ، محافظه کاری و حساسیت کماکان در این تحقیق وجود داشته و بر روی نتایج اثر گذاشته است .

### پیشنهادهات

هر تحقیق علمی علاوه بر انجام رسالت خود ، ضرورتاً نیاز به ارائه طریق و پیشنهادهات در مورد موضوع مطالعه و موارد مشابه است تا راهنما و چراغ راه دیگر افراد علاقمند که احتمالاً در آینده در آن راه قدم گذاشته و یا از نتایج بدست آمده استفاده می نمایند باشد . براین اساس پیشنهادهات ذیل ارائه می گردد.

### الف : پیشنهادهات کاربردی

- لزوم بازنگری محتوی مواد آموزشی و روشهای یادگیری مبتنی بر حمایت از خلاقیت دانش آموزان
- برنامه ریزی برجسته شدن اهمیت پرورش خلاقیت به جای اهمیت موفقیت صرف تحصیلی
- تجدید نظر در اهداف سازمان ملی پرورش استعداد های درخشان که معطوف به رشد خلاقیت باشد.
- برنامه ریزی برای تغییر نگرش معلمان و مدیران مدارس در جهت پرورش خلاقیت دانش آموزان .
- برنامه ریزی برای گزینش و بکارگیری معلمان دارای استعدادهای خلاقانه .
- برگزاری دوره های کوتاه مدت آموزش فعال و مشارکتی دانش آموز محور برای معلمان .
- احترام گذاشتن به نظرات و پیشنهادهات معلمان و جلب مشارکت فعال آنان در بهبود سیستم .

- ایجاد واحد " تحقیق و توسعه خلاقیت " در سازمانهای آموزش و پرورش .
- برگزاری مسابقات و جشنواره های محلی و کشوری سالیانه دستاورد ایده های خلاق دانش آموزان.
- ارائه آموزشهای مستقیم و غیر مستقیم شیوه های فرزند پروری والدین در جهت حمایت از خلاقیت .
- ایجاد فضای مناسب گرایشات شغلی جوانان خلاق و علاقمند جهت حرفه معلمی .
- تجدید نظر در سیستم گزینش معلمان براساس ویژگیهای شخصیتی مناسب .
- تقویت انگیزه و بازسازی شرایط رضایت شغلی ، احساس ارزشمندی و اعتبار اجتماعی معلمان .
- ایجاد ساختارهای انعطاف پذیر ، پویا و رابطه مدار در مدیریت سازمانهای آموزشی .
- گزینش و انتصاب مدیران آشنا به اصول روشهای آموزشی خلاقانه .
- تفویض اختیار بیشتر به سطوح پائین سازمان آموزش و پرورش بمنظور افزایش میزان مشارکت آنان
- فعال سازی شوراهای محلی که دارای اختیارات کافی باشند .
- تغییر جهت گیری به سمت حذف و کاهش مقررات و بخشنامه ها.
- تغییر جهت گیری بازدهی آموزشی از کمی به کیفی .

#### ب : پیشنهادات پژوهشی

- انجام مطالعه تطبیقی نظام آموزشی با نظامهای آموزشی موفق از نظر رشد خلاقیت دانش آموزان .
- انجام مطالعات تطبیقی مشابه در مورد سطوح مختلف مدارس عادی و سمپاد .
- انجام مطالعات مشابه با انتخاب جامعه های آماری بزرگتر ( استانی و کشوری ) .
- انجام تحقیقات دقیق تر در مورد مولفه های اجتماعی - فرهنگی موضوع .
- انجام تحقیق در مورد عوامل بازدارنده اجتماعی - فرهنگی خلاقیت .
- انجام تحقیق در مورد میزان مهارت و علاقمندی معلمان به موضوع رشد خلاقیت دانش آموزان .
- انجام تحقیقات طولی در مورد دانش آموزان دارای قوای خلاقه و موفق از نظر تحصیلی و اجتماعی .

#### فهرست منابع فارسی

- 1- آناستازی ، ا. (1364). روان آزمایی ، مترجم محمد نقی براهنی ، انتشارات دانشگاه تهران .

- 2- آقای فیشایی، تیمور. (1377). خلاقیت و نوآوری در انسانها و سازمانها، انتشارات ترمه، چاپ اول،
- 3- آزاد، قاسم. (1385). آزمون سنجش خلاقیت تورنس. (<http://www.moalemrc.com>).
- 4- احدی، حسن و مظاهری. خلاقیت. 1387 (<http://www.afrinesh daily.ir>).
- 5- اسپورن، الکس، اس. (1381). پرورش استعداد همگانی ابداع و خلاقیت، ترجمه حسن قاسم زاده، نشر دنیای نو، چاپ سوم،
- 6- افروز، غلامعلی. (1364). مقدمه ای بر روانشناسی و آموزش و پرورش کودکان استثنائی، انتشارات دانشگاه تهران،
- 7- استرایکر، سوزان (1385). کلیدهای پرورش خلاقیت هنری در کودکان و نوجوانان، مترجم اکرم قیطاسی، موسسه انتشاراتی صابرین.
- 8- بازرگان، عباس و همکاران. (1385). روشهای تحقیق در علوم رفتاری، انتشارات آگاه، چاپ دوازدهم،
- 9- بنی جمالی، شکوه السادات و احدی، حسن. (1370). بهداشت روانی و عقب ماندگی ذهنی، انتشارات نشرنی،
- 10- برونو، فرانکو. (1370). فرهنگ توصیفی روانشناسی، ترجمه مهشید یاسائی و فرزانه طاهری، انتشارات طرح نو،
- 11- برزگر، احمد. (1380). فن آوری و نقش آن در نظام آموزش خلاق،
- 12- برزگر خلیلی، محسن و فاطمی، مریم سادات. (2008)، خلاقیت و نوآوری در سازمانها. (<http://www.creativity.ir>)
- 13- پورظهیر، علی تقی. (1384). مبانی و اصول آموزش و پرورش، انتشارات آگاه،
- 14- تافلر، الوین. (1373). شوک آینده، ترجمه حشمت الله کامرانی، چاپ گلشن تهران،
- 15- تافلر، الوین. (1371). موج سوم، ترجمه شهیندخت خوارزمی. انتشارات پوریا،
- 16- ترزا، آمابلی. (1375). شکوفائی خلاقیت کودکان، ترجمه حسن قاسم زاده و پروین عظیمی، نشر دنیای نو،
- 17- تلخایی، محمود. (1380). بررسی عوامل درون مدرسه ای موثر بر خلاقیت دانش آموزان کلاس پنجم ابتدائی شهرستان زنجان،
- 18- توران نژاد، ربابه. (1378). بررسی خودانگاری معلمان ابتدائی در باره توجه آنان نسبت به پذیرش خلاقیت،
- 19- تورنس، ئی پال. (1372). استعدادها و مهارتهای خلاقیت، مترجم دکتر حسن قاسم زاده، نشر دنیای نو،
- 20- جویس، یروس، وویل، مارشال، وکالهن، امیلی. (1384). الگوهای تدریس 2004، ترجمه محمدرضا بهرنکی، انتشارات کمال تربیت.
- 21- چونگ، وو کیم. (1374). سنگفرش هر خیابان از طلاست، ترجمه محمد سوری، انتشارات سیمین،
- 22- حاجی دخت، بهاره. (1387). بررسی ارتباط فرهنگ سازمانی و خلاقیت مدیران متوسطه دخترانه ارومیه،
- 23- حسینی، افضل السادات. (1378). خلاقیت و رشد آن در سازمان، فصلنامه تحول اداری، دوره چهارم، شماره 17،
- 24- حسن زاده، فریبا. (1383). بررسی توصیفی تاثیر آموزش بارش مغزی بر خلاقیت،
- 25- خمارلو، توران. (1370). کتاب کار مربی کودک، انتشارات آگاه،
- 26- دافی، برنادت. (1380). تشویق خلاقیت و تخیل در کودکان، ترجمه مهشید یاسائی، انتشارات ققنوس،
- 27- دائمی، حمیدرضا و مقیمی، سیده فاطمه. (1383). هنجاریابی آزمون خلاقیت تورنس، (<http://www.SID.ir>).
- 28- دیوید، بوهم. (1381). در باره خلاقیت، ترجمه محمد علی حسین نژاد، نشر ساقی، چاپ اول،
- 29- دوبونو، ادوارد. (1387). خلاقیت کارآمد. ترجمه ملک دخت قاسمی نیک بخش، نشر اختران،
- 30- رسولی پور، منصور. (1386). اهمیت خلاقیت و روشهای پرورش آن در دوره ابتدائی (<http://www.aftab.ir>)
- 31- رمی، شوون. (1368). سرآمدها، ترجمه محمود میناکاری، مرکز نشر دانشگاهی تهران،
- 32- سیدعباس زاده، میرمحمد. (1380). روشهای عملی تحقیق در علوم انسانی، انتشارات دانشگاه ارومیه،

- 33- سرمد، زهره و بازرگان، عباس و حجازی، الهه. (1385). روشهای تحقیق در علوم رفتاری، انتشارات آگه،
- 34- سیف هاشمی، فخرالسادات. (1382). بررسی رابطه بین ذهنیت فلسفی و اخلاقیت مدیران مدارس متوسطه شهر اصفهان،
- 35- سیف، علی اکبر. (1372). روانشناسی پرورشی، انتشارات آگه تهران،
- 36- شهبازی، صادق و شهریاری، بهروز. (1386)، روش استفاده از دانش اخلاقیت شناسی (<http://www.Knowclub.com>).
- 37- شوستروم، اورت. (1362). روانشناسی انسان سلطه جو، ترجمه غلامعلی سرمد و قاسم قاضی، نشر سپر،
- 38- صافی، احمد. (1379). مدیریت و نوآوری در مدارس، انتشارات سازمان انجمن اولیاء و مربیان،
- 39- طالب زاده، عباس. (1385). اخلاقیت و نوآوری در افراد و سازمان ها، ماهنامه علمی - آموزشی تدبیر، سال پانزدهم، شماره 152.
- 40- عشایری، حسن. (1386). روزنامه اعتماد، مورخه 1386/10/23.
- 41- فرنودیان، فرج الله. محتوی بررسی و پژوهشی اخلاقیت دانش آموزان، مجله رشد تکنولوژی، شماره 5 و 6.
- 42- قاسم زاده، علی. (1381). نگاهی به تاثیر روشهای تدریس سنتی و پیشرفته در اخلاقیت دانش آموزان،
- 43- قاضی، قاسم. (1362). روانشناسی انسان سلطه جو، مرکز نشر سپهر،
- 44- کیانی. اخلاقیت، (1385). سایت اینترنتی دانشنامه رشد،
- 45- کلارنس ج. راو. (1366). مباحث عمده در روانپزشکی. ترجمه جواد وهاب زاده، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- 46- کفایت، محمد. (1373). بررسی ارتباط شیوه ها و نگرشهای فرزند پروری با اخلاقیت دانش آموزان سال اول دبیرستانهای اهواز.
- 47- کرمی، ابوالفضل. معرفی پرسشنامه سنجش اخلاقیت تورستون و میلن جر (<http://www.ravantajhiz.ir>)
- 48- ک، مهدی (1386). تحقیقات انجام شده در داخل و خارج کشور (<http://www.mosbateman.blogfa.com>)
- 49- لورا. ای. برگ. (1385). روانشناسی رشد، نشر ارسباران، چاپ هفتم.
- 50- مقدم، بدری. (1364). کاربرد روانشناسی در آموزشگاه، انتشارات سروش،
- 51- موید نیا، فریبا. (1384). بررسی انگیزه نوآوری معلمان و ارتباط ساختار سازمانی مدرسه در مدارس دخترانه شهرستان خوی،
- 52- میرزا آقایی، حمید (1382). تکنیک اخلاقیت 6 کلاه (<http://www.fekrno.org>).
- 53- نبوی، بهروز. (1367). مقدمه ای بر روش تحقیق در علوم اجتماعی، انتشارات فروردین،
- 54- نظری، عباس. (1382). بررسی تاثیر روش ایده سازی در پرورش اخلاقیت دانش آموزان دبیرستانهای ناحیه 2 اراک،
- 55- وایزبرگ، هربرت ف. (1362). در آمدی به تحقیق پیمایشی و تحلیل داده ها، مترجم جمال عابدی، مرکز نشر دانشگاهی تهران،
- 56- ولی نژاد، یدالله. (1381). بررسی رابطه بین اخلاقیت و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان سال سوم نظری استان آذربایجان غربی،
- 57- هارتلی بروئر، الیزابت. (1384). ایجاد انگیزه در کودکان، مترجم احمد ناهیدی، انتشارات جوانه رشد،
- 58- هارلوك، ایزابت، (1364). بازی، ترجمه وحید رواندوست، انتشارات نشر پویش،
- 59- هاشمی، حاجیه. (1383). بررسی عوامل درون مدرسه ای مرتبط با ابتکار و اخلاقیت دانش آموزان پا یه پنجم منطقه سردرود.
- 60- هلیگارد، ارنست. (1368). زمینه روانشناسی، جلد دوم، مترجم محمد نقی براهنی و دیگران، انتشارات رشد،
- 61- همتی، امیر. (1387). بررسی تطبیقی موانع شخصی اخلاقیت از دیدگاه دبیران مرد و زن ناحیه 2 شهر ارومیه،
- 62- یارمحمدزاده، پیمان. (1385). بررسی نظرات مدیران و تحقق موانع های سازمان یادگیرنده مدارس ارومیه، دانشگاه اصفهان.

## فهرست منابع انگلیسی

- 1 ) Abedi, J. (2002). A latent-Variable modeling approach to assessing reliability and validity of a creativity instrument. *Creativity Research Journal*, 14 (2), 267-276.
- 2 ) Diane Peters (2008) *Creative Kids : 4 Ways To Spark Their Imaginations*.
- 3 ) Anastasi, A. (1988). *Psychological testing*. (6 ed.). New York: MacMillan.
- 4 ) Auzmendi, E., Villa, A., & Abedi, J. (1996). Reliability and validity of a newly-constructed multiple-choice creativity instrument. *Creativity Research Journal*, 9 (1), 89-95.
- 5 ) instructional materials: A review of research. *Journal of creative behavior*, 20, 153-182.
- 6) Kaufmann, G. (2003). What to Archiv measure? A new look at the concept of creativity. *Journal of educational research*, 47 (3), 235-251.
- 7) McAdam, R, Keogh, W. (2004). Transitioning towards creativity and innovation measurement in SMEs. *Creativity and Innovation Management*, 13 (2), 126-139.
- 8) O'Neil, H., Abedi, J., & Spielberger, C. (1994). The measurement and teaching of creativity. In H. O'Neil & M. Drillings (Eds.). *Motivation: Theory and research*, (pp. 245-263). Hillsdale, NJ: Erlbaum.
- 9) Proctor, R. M. G. & Burnett, P. S. (2004). Measuring Cognitive and Dispositional Characteristics of Creativity in elementary students. *Creativity Research Journal*, 16 (4), 421-429.
- 10) Torrance, E. P., & Goff, K. (1986). A quiet revolution. *Journal of Creative Behavior*, 23, 136-145.
- of SID.
- 11)Holt ' K (1993) *Product. Inovation Management ; The univercity Press ; London*.
- 12) Knight ; K.E. 1967. A Descriptive Model Of The Intra – Firm Inovation Process ; *Thw Jornal Of Business* ; 40 pp : 487- 496.
- 13) Rosenfeld ; Rand Servo ; J. C . 1990 ; *Facilitating Inovation In Large Organization ; In M.A . West And J . L. FARR ( EDS) Inovation And Crativity At Work : Psychological And Organization Strategies ; John. Willy & Sons ; West Sussn ; pp 251- 266*.
- 14)<http://www.Warwick.ac.uk>.
- 15) <http://www.tcrecord.org>
- 16) <http://www.wikipedia.com>

ضمایم

## ضمیمه 1

آزمون مداد کاغذی چند جوابی سنجش خلاقیت تورنس

بنام خدا

دانش آموز عزیز:

با سلام

پرسشنامه حاضر شامل 60 سوال سه جوابی در مورد احساسات ، رفتارها و واکنش مختلف افراد به مسائل در زندگی است که به منظور جمع آوری نظرات شما در این باره و جهت استفاده در یک طرح پژوهشی ارائه می گردد . براساس نتایج تحقیق ، پیشنهادهای لازم جهت هرچه بهتر شدن رفتار والدین و معلمین با شما در محیط خانه و مدرسه داده خواهد شد. امید است با پاسخهای واقعی ، دقیق و صادقانه خود ، ما را در راه نیل به هدف علمی مورد نظر یاری فرمائید . لطفا پاسخهای خود را با علامت ( x ) در سمت راست سوالات مشخص نمائید . لطفا هیچ یک از سوالات را بی پاسخ نگذارید.

ضمنا لازم به توضیح است که :

- تعیین پاسخ تمام سوالات ضروری است در صورت مبهم بودن سوالات از مجری توضیح بخواهید .
- پاسخ سوالات به درست یا غلط تقسیم نشده اند و کلیه پاسخهای شما درست تلقی می گردد.
- پرسشنامه به هیچ وجه جنبه امتحان و یا ارزشیابی ندارد بلکه صرفا استفاده علمی خواهد داشت .
- پاسخها و اطلاعات داده شده شما امانت تلقی و در اختیار هیچ کس دیگر قرار نخواهد گرفت .
- معمولا اولین احساس شما درست ترین پاسخ به سوال است بنابراین پاسخ واقعی شما مهم است .
- نتایج کلی تحقیق جهت استفاده به نفع شما در اختیار مدرسه گذاشته خواهد شد .

\*\*\*\*\*

تذکره مهم : اگر چنانچه این پرسشنامه در منزل و در حضور بزرگترها تکمیل می گردد انتظار می رود آنان اجازه دهند کودکان خود پاسخ مناسب سوالات را انتخاب کنند و در صورت نیاز ، تنها به درک مفهوم و معنی سوالات و گزینه ها کمک نمایند .

\*\*\*\*\*

از اینکه وقت گرانبهای خود را صرف مطالعه و تکمیل پرسشنامه نموده و با ما همکاری می کنید صمیمانه سپاسگزاری می نمایم .

با تشکر

تحصیلات پدر:	شغل پدر:	سن پدر:
تحصیلات مادر:	شغل مادر:	سن مادر:
تعداد افراد خانواده:	چندمین فرزند خانواده هستید؟	

- الف- گریه می‌کنم، چون فکر نمی‌کنم بتوانم مسأله را حل کنم.
- ب- گریه نمی‌کنم، اما ناراحت می‌شوم.
- ج- سعی می‌کنم راه مناسبی برای حل مسأله بیابم.
- 2- اگر سرگرم ساختن وسیله‌ای باشید، ناگهان دریابید قطعه مهم آن گم شده، چه می‌کنید؟
- الف- کار را متوقف می‌کنم.
- ب- سعی می‌کنم قطعه گم شده را پیدا کنم و اگر نتوانم آن را پیدا کنم کار را متوقف می‌کنم.
- ج- قطعه گم شده را پیدا می‌کنم و اگر نتوانم آن را پیدا کنم به جای آن قطعه دیگر می‌سازم.
- 3- وقتی در مکانی عمومی هستید، آیا سعی می‌کنید حدس بزنید افرادی که دور و بر شما هستند درباره چه چیزی بحث می‌کنند؟
- الف- هرگز علاقه‌مند نیستم حدس بزنم دیگران درباره چه چیزی بحث می‌کنند.
- ب- گاهی دوست دارم حدس بزنم دیگران درباره چه چیزی بحث می‌کنند.
- ج- همیشه دوست دارم حدس بزنم دیگران درباره چه چیزی بحث می‌کنند.
- 4- آیا از حل مسائل دشوار لذت می‌برید؟
- الف- خیر، از حل مسائل دشوار لذت نمی‌برم.
- ب- به ندرت از حل مسائل دشوار لذت می‌برم.
- ج- اغلب از حل مسائل دشوار لذت می‌برم.
- 5- اگر عضو گروهی باشید که باید مسأله‌ای را با همکاری حل کنند، چه می‌کنید؟
- الف- خودم کاری نمی‌کنم و می‌گذارم دیگر اعضای گروه مسأله را حل کنند.
- ب- گاهی در آنچه گروه انجام می‌دهد، شرکت می‌کنم.
- ج- به طور فعال در آنچه گروه انجام می‌دهد، شرکت می‌کنم.
- 6- وقتی که با مسأله تازه‌ای روبرو می‌شوید معمولاً چه می‌کنید؟
- الف- از کسی می‌خواهم آن را برایم حل کند.
- ب- سعی می‌کنم با کمک کسی دیگر آن را حل کنم.
- ج- سعی می‌کنم اطلاعات بیشتری بدست آورم تا بتوانم خودم آن را حل کنم.
- 7- اگر درگیر حل مسأله مشکل ریاضی باشید، چه می‌کنید؟
- الف- از معلم یا شخصی می‌خواهم به من کمک کند.
- ب- یک کتاب ریاضی مربوط به مسأله را می‌خوانم.
- ج- از منابعی که در دسترس دارم استفاده می‌کنم تا خودم آنرا حل نمایم.
- 8- وقتی بصورت گروهی برای حل مسأله‌ای همکاری می‌کنید، اعضای گروه چگونه از نظرات مبتکرانه شما استقبال می‌کنند؟
- الف- به ندرت از نظرات مبتکرانه من استقبال می‌کنند.
- ب- گاهی از نظرات مبتکرانه من استقبال می‌کنند.
- ج- اغلب از نظرات مبتکرانه من استقبال می‌کنند.
- 9- وقتی با مشکلی غیر عادی مواجه می‌شوید، معمولاً آن را چگونه حل می‌کنید؟
- الف- اغلب از کسی کمک می‌گیرم.
- ب- قبل از اینکه از کسی کمک بگیرم مدت کوتاهی تلاش می‌کنم تا خودم آن را حل کنم.
- ج- مدتی بسیار طولانی تلاش می‌کنم تا خودم آنرا حل کنم.
- 10- آیا به نظر دیگران، شما سؤالات مشکلی طرح می‌کنید؟
- الف- خیر، این طور فکر نمی‌کنم.
- ب- گاهی این طور فکر می‌کنم.
- ج- اغلب این طور فکر می‌کنم.
- 11- آیا معمولاً دوست دارید به کارهای تازه دست بزنید؟
- الف- معمولاً به کارهای تازه دست نمی‌زنم.
- ب- گاهی به کارهای تازه دست می‌زنم.
- ج- اغلب به کارهای تازه دست می‌زنم.
- 12- وقتی با مسأله پیچیده‌ای روبرو می‌شوید، چه می‌کنید؟
- الف- سعی می‌کنم خود را درگیر حل آن نکنم.
- ب- ممکن است زمان کوتاهی برای حل آن تلاش کنم.
- ج- زمانی بسیار طولانی برای حل آن تلاش می‌کنم.
- 13- آیا از تجارب تازه لذت می‌برید؟
- الف- از تجارب تازه لذت نمی‌برم.
- ب- گاهی از تجارب تازه لذت می‌برم.



- ج- از تجارب تازه لذت نمی‌برم.  
14- وقتی در موقعیتی قرار می‌گیرید که از عهده آن بر نمی‌آیید.
- الف- اغلب به دیگران متوسل می‌شوم.  
ب- گاهی به دیگران متوسل می‌شوم.  
ج- معمولاً ترجیح می‌دهم به خودم متکی باشم.  
15- به آنچه مستقلاً انجام می‌دهید، چقدر اطمینان دارید؟
- الف- به آنچه خودم مستقلاً انجام می‌دهم اطمینان زیادی ندارم.  
ب- به آنچه خودم مستقلاً انجام می‌دهم تا حدودی اطمینان دارم.  
ج- به آنچه خودم مستقلاً انجام می‌دهم اطمینان زیادی دارم.  
16- آیا از انجام آزمایش‌های علمی لذت می‌برید؟
- الف- از انجام آزمایش لذت نمی‌برم.  
ب- از انجام آزمایش تا حدودی لذت می‌برم.  
ج- از انجام آزمایش خیلی لذت می‌برم.  
17- آیا هرگز به رویا فرو می‌روید؟
- الف- خیر، من به رویا فرو نمی‌روم.  
ب- گاهی، اگر وقت داشته باشم به رویا فرو می‌روم.  
ج- اغلب اگر وقت داشته باشم به رویا فرو می‌روم.  
18- در بیان مطالب خود با چه سهولتی از کلمات استفاده می‌کنید؟
- الف- معمولاً اشکال دارم.  
ب- گاهی اشکال دارم.  
ج- به ندرت اشکال دارم.  
19- بیان شما تا چه اندازه خوب است؟
- الف- مطالبم را به خوبی بیان نمی‌کنم.  
ب- گاهی مطالبم را به خوبی بیان می‌کنم.  
ج- اغلب مطالبم را به خوبی بیان می‌کنم.  
20- نوشتن شما تا چه اندازه خوب است؟
- الف- در نوشتن نظراتم اشکال دارم.  
ب- شاید بتوانم نظراتم را بنویسم.  
ج- کاملاً می‌توانم نظراتم را بنویسم.  
21- اگر عده‌ای از افراد به نحوی غیر منتظره از شما بخواهند بیش از پنج دقیقه درباره موضوعی صحبت کنید تا چه اندازه از عهده این کار بخواهید آمد؟
- الف- از عهده‌اش بر نخواهم آمد زیرا برای آن آمادگی نداشته‌ام.  
ب- نهایت سعی خود را خواهم کرد تا از عهده آن بر آیم.  
ج- به خوبی از عهده آن بر خواهم آمد.  
22- برای توصیف چیزی با چه سهولتی به کلمات دست پیدا می‌کنید؟
- الف- معمولاً این کار برایم دشوار است.  
ب- گاهی این کار برایم آسان است.  
ج- اغلب این کار برایم آسان است.  
23- آیا به شغلی علاقه دارید که مستلزم فراهم ساختن اندیشه‌های بسیار باشد؟
- الف- علاقه‌مند نخواهم بود.  
ب- شاید علاقه‌مند باشم.  
ج- همیشه علاقه‌مند خواهم بود.  
۲۴- برای بیان یک اندیشه با چه سهولتی به کلمات مترادف دست پیدا می‌کنید؟
- الف- معمولاً این کار برایم دشوار است.  
ب- گاهی این کار برایم آسان است.  
ج- اغلب این کار برایم آسان است.  
25- اگر به تاجر در مسابقه‌ای شرکت کنید که در آن باید تا حد امکان کلمه‌های بسیاری را که با حرف «ج» شروع می‌شوند بیان نمایید، تا چه اندازه از عهده این کار برمی‌آیید؟
- الف- چندان از عهده این کار بر نمی‌آیم.  
ب- تا اندازه‌ای از عهده این کار برمی‌آیم.  
ج- در حد خیلی زیادی از عهده این کار برمی‌آیم.  
26- اگر از شما خواسته شود در مسابقه‌ای شرکت کنید که در آن باید چیزهای متعلق به یک طبقه معین مانند غذاها یا گیاهان را نام ببرید تا چه اندازه‌ای از عهده این کار برمی‌آیید؟
- الف- چندان از عهده این کار بر نمی‌آیم.  
ب- تا اندازه‌ای از عهده این کار برمی‌آیم.

- ج- در حد خیلی زیادی از عهده این کار برمی آیم.  
27- چند جمله می توانید بنویسید که تمام آنها با کلمه « همه » شروع شود؟
- الف- می توانم فقط چند تا بنویسم.  
ب- می توانم تعدادی بنویسم.  
ج- می توانم تعداد زیادی بنویسم.  
28- می توانید غیر از کاربرد معمولی اشیاء موارد استفاده دیگری نیز برای آنها پیدا کنید؟
- الف- این کار برایم خیلی دشوار است.  
ب- شاید بتوانم چند مورد استفاده دیگر پیدا کنم.  
ج- می توانم موارد استفاده بسیاری پیدا کنم.  
29- نوشتن تعداد زیادی داستان تازه چقدر برایتان آسان است؟
- الف- این کار برایم دشوار است.  
ب- می توانم چند داستان بنویسم.  
ج- می توانم داستان های بسیار بنویسم.  
30- کدامیک از موارد زیر برایتان آسان ترین است؟
- الف- حفظ يك شعر ده بيتي.  
ب- تفسیر يك شعر ده بيتي.  
ج- سرودن يك شعر ده بيتي.  
31- اگر از شما خواسته شود تا مقاله اي برای روزنامه درباره جامعه خود بنویسید، ترجیح می دهید درباره کدامیک از موارد زیر بنویسید؟
- الف- آنچه را که قبلاً درباره جامعه ام نوشته شده است خلاصه می کنم.  
ب- بر آنچه که قبلاً درباره جامعه ام نوشته شده است اطلاعات دیگری می افزایم.  
ج- پس از مطالعه مطالبی که قبلاً درباره جامعه ام نوشته شده به نوشتن مقاله خود اقدام می کنم.  
32- از کدام مورد زیر بیشترین لذت را می برید؟
- الف- از مطالعه کتاب های معروف لذت می برم.  
ب- از مطالعه کتاب های معروف و نوشتن چند کتاب توسط خودم لذت می برم.  
ج- از نوشتن کتاب های خودم لذت می برم.  
33- در طراحی اسباب بازی های جدید برای کودکان موفق می شوید؟
- الف- چندان موفق نخواهم بود.  
ب- شاید بتوانم چند طرح ارائه کنم.  
ج- می توانم طرح های بسیاری ارائه کنم.  
34- اگر به جای معلم به کلاس کودکان بروید و طرح درس نداشته باشید تا چه اندازه از عهده آن برمی آید؟
- الف- شکست خواهم خورد.  
ب- مشکل خواهم داشت.  
ج- موفق خواهم شد.  
35- نوشتن مترادف های بسیار برای کلمه «سريع» چقدر برایتان آسان است؟
- الف- این کار برایم خیلی دشوار است.  
ب- این کار تا اندازه ای برایم دشوار است.  
ج- این کار برایم آسان است.  
36- فرض کنیم همه راه های معمولی برای گرم کردن غذا را از دست داده ایم، تهیه فهرستی طولانی از راه های دیگر برای گرم کردن غذا چقدر برایتان آسان است؟
- الف- این کار برایم خیلی دشوار است.  
ب- این کار تا اندازه ای برایم دشوار است.  
ج- این کار برایم آسان است.  
37- اگر ناچار به ایراد سخنرانی باشید تا چه اندازه از عهده آن بر می آید؟
- الف- به طور کامل از روی یادداشت هایم می خوانم.  
ب- بیشتر از روی یادداشت هایم می خوانم.  
ج- گاهی به یادداشت هایم نگاه می کنم.  
38- اگر با گروهی از دوستانتان باشید و آنان از شما بخواهند درباره چیزی که در آن تجربه دارید يك ساعت صحبت کنید چه کار می کنید؟
- الف- سعی می کنم از صحبت کردن درباره آن خودداری کنم.  
ب- می توانم فکرم و چیزهایی بگویم.  
ج- می توانم مدتی طولانی درباره آن صحبت کنم.  
39- آیا هرگز به شغلی علاقه مندید که مستلزم سر هم کردن داستان در مقابل شنوندگان باشد؟
- الف- علاقه مند نیستم.  
ب- شاید علاقه مند باشم.

- ج- علاقه‌مند هستم.  
47- وقتی ناچار باشید با کسی که فارسی خوب بلد نیست ارتباط برقرار کنید یافتن راه‌های ساده‌تر برای بیان مطالب خود به فارسی تا چه اندازه برایتان آسان است؟
- الف- معمولاً این کار برایم دشوار است.  
ب- گاهی این کار برایم دشوار است.  
ج- اغلب این کار برایم آسان است.  
41- چقدر از ساختن چیزهای جدید لذت می‌برید؟
- الف- معمولاً از ساختن چیزهای جدید لذت می‌برم.  
ب- گاهی از ساختن چیزهای جدید لذت می‌برم.  
ج- اغلب از ساختن چیزهای جدید لذت می‌برم.
- 42- با افرادی که به سختی متقاعد می‌شوند چگونه برخورد می‌کنید؟
- الف- در یافتن دلایل متقاعد کننده اشکال دارم.  
ب- سعی می‌کنم برای متقاعد کردن آنها دلایل مختلف بیابم.  
ج- برای متقاعد کردن آنان دلایل بسیار می‌یابم.  
43- وقتی می‌خواهید کار پیچیده‌ای را انجام دهید، معمولاً کدام روش را بر می‌گزینید؟
- الف- یک روش واحد می‌یابم.  
ب- شاید بتوانم چند روش بیابم.  
ج- می‌توانم روش‌های متنوعی بیابم.  
44- چه نوع کاری را بیشتر دوست دارید؟
- الف- کاری که تقریباً همه مراحل آن از پیش مشخص و معین شده باشد.  
ب- کاری را که بخشی از آن از پیش مشخص شده و بخشی از آن نیازمند به ابتکار باشد.  
ج- کاری را که بیشتر مراحل آن نیازمند ابتکار باشد.  
45- آیا توضیح دلایل رفتار پیچیده مانند رفتار یک کودک نابهنجار برای شما دشوار است؟
- الف- توضیح رفتار پیچیده برای من خیلی دشوار است.  
ب- می‌توانم توضیحات کلی ارائه دهم.  
ج- می‌توانم توضیحات بسیاری ارائه دهم.  
46- اگر به یک گروهی دعوت شوید تا مسایل جامعه خود را مورد بحث قرار دهید، تهیه فهرستی طولانی از مسایل آن چقدر برایتان دشوار است؟
- الف- خیلی دشوار است.  
ب- تا حدی دشوار است.  
ج- به هیچ وجه دشوار نیست.  
47- اگر از شما دعوت شود تا به انجمن شهر به منظور دریافت کمک مالی پیشنهادهایی ارائه دهید تا چه اندازه از عهده این کار بر می‌آید؟ الف- ارائه پیشنهاد فراتر از آنچه شورای شهر قبلاً در نظر گرفته است برایم دشوار است.
- ب- می‌توانم تعداد اندکی پیشنهاد فراتر از آنچه قبلاً شورای شهر در نظر گرفته ارائه دهم.  
ج- می‌توانم پیشنهادهایی زیادی فراتر از آنچه قبلاً شورای شهر در نظر گرفته ارائه دهم.  
48- آیا می‌توانید به یک معلم کلاس اول کمک کنید تا راه‌های گوناگون بسیاری برای آموزش اعداد بیابد، به طوری که به فراگیری اعداد علاقه‌مند شوند؟
- الف- خیر، نمی‌توانم این کار را انجام دهم.  
ب- شاید بتوانم چند راه محدود ارائه دهم.  
ج- بله می‌توانم راه‌های گوناگون بسیاری ارائه دهم.  
49- کمک فکری به مدرسه‌ای با امکانات محدود، برای دستیابی به راه‌هایی جهت تأمین امکانات ورزشی و سرگرمی‌ها چقدر برای شما آسان است؟
- الف- خیلی دشوار است.  
ب- می‌توانم راه‌های جدیدی ارائه دهم.  
ج- می‌توانم راه‌های بسیاری ارائه دهم.  
50- وقتی حادثه غیر عادلانه‌ای برای شما رخ می‌دهد، آیا سعی می‌کنید به عوامل مختلفی که احتمالاً در آن دخالت داشته‌اند پی‌ببرید؟
- الف- سعی نمی‌کنم.  
ب- گاهی سعی می‌کنم.  
ج- معمولاً سعی می‌کنم.  
51- وقتی حادثه عجیبی رخ می‌دهد، معمولاً چه می‌کنید؟
- الف- به آن توجه نمی‌کنم.  
ب- به جستجوی برخی از علل اصلی آن می‌پردازم.  
ج- به جستجوی همه علل ممکن می‌پردازم.
- 52- وقتی به چیزی علاقه‌مند می‌شوید، چقدر به جزئیات آن توجه می‌کنید؟
- الف- زیاد به جزئیات توجه نمی‌کنم.  
ب- تا حدودی به جزئیات آن توجه می‌کنم.

- ج- به همه جزئیات آن توجه می‌کنم.  
53- وقتی که به یک آواز گوش می‌کنید، چقدر به محتوای آن توجه می‌کنید؟  
الف- هرگز توجه نمی‌کنم.  
ب- گاهی توجه می‌کنم.  
ج- خیلی توجه می‌کنم.  
54- وقتی به یک اثر هنری نگاه می‌کنید به آنچه که هنرمند سعی داشته بگوید توجه می‌کنید؟  
الف- به آنچه هنرمند سعی داشته بگوید، نمی‌اندیشم.  
ب- گاهی اوقات به آنچه که هنرمند سعی داشته بگوید، می‌اندیشم.  
ج- اغلب به آنچه که هنرمند سعی داشته بگوید، می‌اندیشم.  
55- وقتی یک نمایش بدون کلام (پانتومیم) تماشا می‌کنید، چه واکنشی نشان می‌دهید؟  
الف- فقط برای لذت بردن تماشا می‌کنم.  
ب- آنرا تماشا می‌کنم و سعی می‌کنم پیام عمومی آن را درک کنم.  
ج- آنرا تماشا می‌کنم و سعی می‌کنم همه پیام آن را درک کنم.  
56- پس از تماشای فیلم که شما را تحت تأثیر قرار داده است، معمولاً چه می‌کنید؟  
الف- به کار بعدی خود می‌پردازم.  
ب- شاید درباره یک جنبه از فیلم با دیگران صحبت کنم.  
ج- درباره حوادث فیلم فکر می‌کنم و درباره آنها با دیگران صحبت می‌کنم.  
57- وقتی نامه‌ای می‌نویسید، معمولاً چه مطالبی در آن می‌گنجانید؟  
الف- درباره چیزهایی می‌نویسم که دیگران به دانستن آن نیازمندند.  
ب- درباره مهم ترین حوادث می‌نویسم.  
ج- درباره جزئیات زندگی خودم می‌نویسم.  
58- وقتی کتابی را می‌خوانید، آیا آنچه را که می‌خوانید در ذهن خود مجسم می‌کنید؟  
الف- آنچه را می‌خوانم در ذهن خود مجسم نمی‌کنم.  
ب- آنچه را می‌خوانم گاهی در ذهن خود مجسم می‌کنم.  
ج- همه آنچه را که می‌خوانم مجسم می‌کنم.  
59- در آنچه که انجام می‌دهید از چه مقدار پیچیدگی لذت می‌برید؟  
الف- از انجام امور ساده و سر راست لذت می‌برم.  
ب- از انجام امور با پیچیدگی لذت می‌برم.  
ج- از انجام امور بسیار پیچیده لذت می‌برم.  
60- چقدر به جزئیات کاری که انجام می‌دهید، می‌پردازید؟  
الف- به ندرت به جزئیات می‌پردازم.  
ب- گاهی به جزئیات می‌پردازم.  
ج- اغلب به جزئیات می‌پردازم.

## ضمیمه 2

## پرسشنامه سنجش نگرشهای فرزند پروری والدین

بسم الله الرحمن الرحيم

والدین گرامی

هدف از ارائه و تکمیل پرسشنامه حاضر ، کسب آگاهی از تاثیر نگرش و روشهای تربیتی والدین بر رفتارهای دانش آموزان عزیز و بررسی ارتباط آن با پاره ای از متغیرها به منظور استفاده از نتایج در يك طرح پژوهش علمي مي باشد . پاسخ دقیق و واقعي شما بعنوان نزدیکترین و موثق ترین فرد به فرزندان ، بسیار مهم است . فلذا خواهشمند است نظرات خود را در باره هر يك از سوالات از نظر داشتن درجه متغییر مورد نظر با علامت ضربدر ( ) مشخص فرمائید.

بدیهی است پاسخها و اطلاعات داده شده امانت تلقی و تنها نتایج کلی آن بمنظور استفاده در جهت بهبود شرائط آموزشی و پرورش استعدادهاي بالقوه فرزندان شما ، در اختیار مدرسه قرار خواهد گرفت.

ضمناً قبل از پاسخ به سوالات اصلي پرسشنامه ، لطفا نظرتان را در باره موارد زیر نیز مشخص فرمائید :

- 1- اگر فرض کنیم سطح اقتصادي و وضع رفاهي خانواده ها با برخي مسائل تربيتي کودکان ارتباط دارد . فلذا با در نظرگرفتن میزان درآمد ماهیانه و سایر عوامل در مجموع فکر مي کنید خانواده شما در کدام طبقه رفاهي قرار مي گیرد.
- الف: درآمد کمتر از 300/000 تومان در ماه معادل رفاه پائین
- ب : درآمد بین 300/000 تا 600/000 تومان در ماه معادل رفاه متوسط به پائین
- ج : درآمد بین 600/000 تا 1/200/000 تومان در ماه معادل رفاه متوسط
- د : درآمد بیشتر از 1/200/000 تا 2/400/000 تومان در ماه معادل رفاه متوسط به بالا
- ه : درآمد بیشتر از 2/400/000 تومان در ماه معادل رفاه بالا

1- رفاه پائین ( )	2- رفاه متوسط به پائین ( )	3- رفاه متوسط ( )	4- رفاه متوسط به بالا ( )	5- رفاه بالا ( )
-------------------	----------------------------	-------------------	---------------------------	------------------

- 2- وضعیت مالکیت منزل مسکونی : شخصی ( ) استیجاری ( ) ارثی ( )
- 3- در انجام امورات روزانه از اتومبیل شخصی استفاده مي نمائید ؟ بلي ( ) خير ( )

قبلاً از همکاری جنابعالی صمیمانه قدردانی مي گردد . پژوهشگر

ردیف	سوالات	کاملاً موافقم	موافقم	نظري ندارم	مخالص	کاملاً مخالفم
1	بچه هاي مستقل ، کمتر از بچه هايي که به والدين خود وابسته اند ، دوست داشتني هستند.					
2	والدين هرچه دارند بايد وقف فرزندان خود کنند.					
3	در تربيت بچه ها بايد سخت گيري شود تا شخصيتي سالم و قوي داشته باشند .					
4	بچه ها نبايد براي انجام کارهايي تنبيه شوند که از والدين آنان نيز سر مي زند .					
5	بچه ها بايد در جمع بزرگترها حاضر شوند ولي بهتر است صحبت نکنند .					
6	توجه به علائق و نيازهاي بچه ها ، بايد عامل اصلي برنامه ريزيها در خانه باشد.					
7	قطع وابستگيهاي عاطفي فرزند از پدر و مادر ، بايد از همان ابتدای تولد شروع شود.					
8	بچه هاي کوچک ، بيش از بچه هاي بزرگ براي والدين سرگرم کننده و دوست داشتني هستند.					
9	بچه ها بايد تنها مجاز به گرفتن تصميمات جزئي و کم اهميت در باره خودشان باشند.					
10	روشهاي تربيتي سخت گیرانه ، موجب تضعيف شخصيت بچه ها مي شود .					
11	بچه ها بايد اجازه داشته باشند ، تا با هرکسي که دوست دارند ، بازي کنند .					
12	والدين معمولاً بعلت گرفتاري زياد ، وقت کافي براي پاسخ به تمام سوالات فرزندان را ندارند.					
13	وقتي بچه ها نتوانند به خواسته هاي خود برسند سعي ميکنند با والدين خود بحث و جدل کنند.					
14	بچه هاي ساکت و آرام از بچه هاي پرحرف و شلوغ بهترند.					
15	به بچه ها بايد اجازه داده شود تا شغل مورد علاقه خود را انتخاب نمايند.					
16	به هرحال براي بچه ها ، دربلندمدت ، بهتر است هرچه بيشتر تحت مراقبت مادرش باشد .					
17	بچه ها بايد هميشه آنچه را که پدر و مادرش به او مي گويند باور کند .					
18	گاهي ضروري است که پدر مادر بر خلاف خواست و ميل فرزند خود عمل کنند.					
19	بچه ها نبايد با مشکلات جزئي خويش ، پدر مادرشان را اذيت کنند.					
20	براي بچه ها ، زشت است که از پدر و مادرش نافرمانی کنند.					
21	بچه ها نبايد صحبت بزرگسالان را قطع کنند.					
22	بچه ها بايد به اندازه پدر و مادرشان آزادي داشته باشند.					
23	بچه ها را نبايد مجبور کرد که از پدر و مادرشان دستور بگيرند.					
24	بچه ها بايد اجازه داشته باشند تا معتقدات خود را به ميل خود انتخاب کنند.					
25	والدين سزاوار محبت فرزندان خود نيستند ، مگر اينکه با رفتار سايبسته آنها کسب کنند.					
26	بهترين بچه ، بچه اي است که نسبت به مادرش خيلي مهربان باشد.					
27	بچه ها بايد اجازه داشته باشند تا بدون محدوديت ، دوستان خود را انتخاب کنند.					
28	بچه ها بايد اجازه داشته باشند تا کارهاي خود را با نظارت اندک بزرگسالان انجام دهند					
29	بچه ها بايد اين فرصت را داشته باشند تا عقايدشان را نزد پدر و مادر خود ابراز کنند.					
30	بچه ها بايد هرچه زودتر مستقل شوند و روي پاي خود بايستند.					

### ضمیمه 3

## پرسشنامه ارزیابی میزان خلاقیت دانش آموزان توسط معلمان

معلم گرامی:

هدف از ارائه و تکمیل پرسشنامه حاضر ، ارزیابی میزان خلاقیت دانش آموزان عزیز توسط جنابعالی و بررسی ارتباط آن با پاره ای از متغیرها به منظور استفاده از نتایج در یک طرح پژوهش علمی می باشد . جهت بررسی میزان خلاقیت آنان ونحوه برخورد و نگرش اطرافیان، موضوع طی پرسشنامه جداگانه ای توسط خود دانش آموزان و والدین آنان مورد بررسی قرار می گیرد . در این بخش ارزیابی شما از استعداد های خلاقانه دانش آموزان کلاس بعنوان نزدیکترین و موثق ترین فرد خارج از خانواده در مورد آنان بسیار مهم است . فلذا خواهشمند است با عنایت به توضیحاتی که ذیلا داده شده است ارزیابی خود را در مورد هریک از دانش آموزان کلاس ، از نظر داشتن درجه متغیر مورد نظر با علامت ضربدر ( ) مشخص فرمائید.

ضمنا پاسخها و اطلاعات داده شده امانت تلقی و تنها نتایج کلی پژوهش حاضر در اختیار مدرسه خواهد گرفت.

### خلاقیت :

عبارت است از فرآیندی ذهنی ، مشتمل بر میزان حساسیت فرد نسبت به مسائل محیط که در جهت یافتن راه حل مشکلات و ایجاد ایده های نو و مفید ظهور پیدا می کند که ممکن است نتیجه عملی نیز داشته و یا نداشته باشد. این فرآیند مراحل تشخیص مشکل ، جستجوی راه حل ، طرح فرضیه ، آزمایش فرضیه ، دستکاری نتایج آزمایش ، ایجاد تغییرات لازم و انتشار نتایج را شامل می شود.

### سیالی :

عبارت از توانایی فرد به ایجاد و خلق تعداد زیادی ایده ، پاسخ و راه حل در قالب تصویر یا فرض، در یک حیطه خاص .

در این حالت ذهن فرد خلاق در یک حیطه خاص فکری به ارائه عقایدی می پردازد و مشتمل است بر تعداد ی پاسخ و عقاید ممکن .

### انعطاف پذیری :

عبارت است از توانایی فرد برای ایجاد و خلق ایده های متفاوت در صورت تغییر مشکل.

در این حالت فرد خلاق در صورت تغییر مشکل و یا مطرح شدن آن از بعد دیگر ، قدرت و توانایی لازم را برای تغییر جهت فکر خود دارا می باشد.

### ابتکار :

عبارت است از توانایی فرد برای ایجاد و خلق ایده های نو ، منحصر به فرد ، غیر معمول و هوشمندانه برای حل یک مسئله ، که در حال با ایده های عادی و رایج متفاوت است .

در این حالت فرد خلاق توانایی تولید ایده های نو و جدید تر را دارد .

### بسط :

عبارت است از توانایی فرد در جهت پرداختن به جزئیات .

در این حالت فرد خلاق توانایی تکمیل یک ایده و افزودن جزئیات بیشتر و همچنین تکمیل ایده های تصویری مربوط به آنرا دارد .

توضیح : رتبه 1 به معنی کمترین میزان و رتبه 5 به معنی بیشترین میزان خلاقیت می باشد .

قبلا از زحمات و همکاری جنابعالی، صمیمانه قدردانی می نمایم . پژوهشگر

[illegible]



## Investigation of students` creativity with parents` views of child caring in boys and girls guidance schools of exceptional talents in Urmia city

### Abstract

The main purpose of present research about parents view of student creativity & child cultivating is to obtain findings that probably indicate relation of some factors among them. The main hypothesis of the research is : "There is relationship between parents view of child cultivating & development of students` creativity".

The investigation of relationship between creativity and sexuality ,educational grades ,demographic variables have taken into consideration in the subordinate hypotheses. We have used descriptive (measurable) method to do research."The type of parents` view of child cultivating as an independent variables & the students` creativity have been taken into account as a dependent variable ".

In order to test research hypotheses, we have gathered essential information by 2 kinds of questionnaires as followings:

- 1) Multiplechoice paper & pencil for measuring creativity (MPPT)
- 2) Parental attitude survey (PAS)

In both of the questionnaires, we applied Census method. Statistical community & sample consists of 209 boys & 218 girls (totally:427 persons) and their parents.

We used descriptive & deductive statistical methods such as Frequency , Average , Pearson Correlation Coefficient, Standard deviation , T-test, Variance by statistical software SPSS13 in order to analyze our findings & data.

Research findings indicate 11.6% of students showed very high creativity ,42.2% high creativity , 28.7% low & 17.5% very low creativity. It shows that this amount (53.8%) is higher than average & also 46.2% lower than average. Most of parents(92.5%) have average view about the development of children creativity.

Regarding child cultivating methods and students` creativity balance , no meaningful statistical relation is gained( $r=20\%$ ). It means that parents don`t have any clear and directed training view which can support and defend creativity power and originativity development of children and they have very conservative tendency toward child training which can probably be a reason for priority and importance of educational success to creativity development . The relationship of some factors forming creativity with parents view , students` sex, education and parents` job, families welfare status,...which concerns subordinate hypothesis of research is noticeable. Frequency distribution of students` creativity balance is respectively 17.5%,28.7%,42.2%,16.6% for very low , low , high ,very high . any meaningful difference regarding creativity balance among different educational grades was not noticed.

In comparison, general creativity balance and four creativity factors (elaboration, fluidity, originativity, flexibility) is higher in girls rather than boys.

Regarding demographic variables , results indicate :

- 1) fluid creativity of rich families` children is lower.
- 2) Most fathers (61.5%) and mothers (47.9%) of students are highly educated in BA and higher.

Most mothers are housewives(46%) and teachers (25.3%) and most parents are clerks (38.3%) & have free-jobs(27%).Therefore, test results doesn`t confirm main and second subordinate hypotheses of research but confirms the first, third and fourth subordinate hypotheses.

**Key words:** Creativity ( fluidity, originativity, flexibility, elaboration) Parental styles (domination, strong dependency , ignoring) Exceptional talents



**Investigation of students' creativity and parental views child caring in Boys and girls guidance school of exceptional talents in Urmia city**

**Abbas Ramazany**

**Urmia University  
Part time Education Center  
2009**

**A thesis submitted for the M.A. Degree in Educational Administration**

**Supervisor:  
Prof.Mir Mohammad Seiid Abbaszadeh**